



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد
علیه
اصحاب
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

همسرا با مسافرت ۱۳۹۷



چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده‌ها، طویشاوندان و دوستان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تار و پود عاشقي : چگونگي تعامل همسران با يکديگر، خانواده ها، خويشاوندان و دوستان

نويسنده:

اداره توليدات فرهنگي آستان قدس رضوي معاونت تبليغات و
ارتباطات اسلامي

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
تار و پود عاشقی : چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده ها، خویشاوندان و دوستان	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
اشاره	۱۵
فهرست	۱۹
مقدمه	۲۹
فصل نخست: نقش های جدید من	۳۰
اشاره	۳۰
۱. آغاز تغییر نقش ها	۳۲
۲. خودباوری؛ پیش نیاز پذیرش نقش	۳۵
اشاره	۳۵
حفظ خودباوری در مواقع شکست	۳۷
۳. تغییر و تحولات در نظم شخصی و ارتباط با خود	۳۸
۴. حفظ زندگی نوپا به کمک شبکه روابط	۳۹
علت کاهش امتیازات	۴۲
توجه به نمونه هایی خاص و متفاوت	۴۵
فصل دوم: روابط همسران با خانواده ها	۴۶
اشاره	۴۶
الف. لزوم استقلال در زندگی جدید و چگونگی کسب آن	۴۹
اهمیت استقلال	۴۹
ابعاد استقلال	۴۹
درونی بودن استقلال	۵۱
برداشت های غلط از استقلال	۵۲
مکمل استقلال	۵۲

۵۳	روش های عمومی کسب استقلال
۵۳	۱. تقدم در مشورت گیری
۵۴	۲. مواجهه مناسب با اظهارنظرهای دیگران
۵۶	چگونگی کسب استقلال در خانواده های مختلف
۵۷	چگونگی مواجهه با مداخله گر ی های والدین
۵۸	چگونگی مواجهه با والدین رهاکننده
۵۹	چگونگی مواجهه با والدین وابسته پرور
۵۹	اشاره
۶۰	۱. پذیرش سختی ها
۶۱	۲. پرهیز از دریافت حمایت های والدین
۶۱	۳. پیش دستی در حمایت از والدین
۶۲	چگونگی مواجهه با والدین حمایتگر استقلال بخش
۶۲	خانۀ پدری یا مسکن مستقل؟
۶۸	ب. شیوه های تعامل با خانواده ها
۶۸	رسیدگی به خانواده ها
۶۸	اشاره
۶۸	۱. کم توجهی
۶۹	۲. رفتار حسادت برانگیز
۷۰	۳. دخالت های بیجا در ارتباط همسر با خانواده اش
۷۲	تعاملات مالی با خانواده ها
۷۲	اشاره
۷۲	۱. کمک والدین به فرزندان
۷۲	اشاره
۷۳	استغنا
۷۶	۲. کمک فرزندان به والدین
۷۷	۳. مشارکت مالی با خانواده ها

۷۹	تعاملات خانوادگی در دوران عقد
۸۲	احترام و صمیمیت
۸۲	اشاره
۸۲	۱. احترام؛ محور ارتباط با خانواده همسر
۸۴	۲. صمیمیت تدریجی
۸۵	۳. رعایت احترام در گرو زبان
۸۶	۴. احترام به همسر در جمع
۸۸	پ. اهمیت پیشگیری از اختلاف و روش های حل نگرانی ها
۸۸	اشاره
۸۸	تفاوت های خانوادگی
۹۰	باورهای مؤثر درباره خانواده همسر
۹۱	اصلاح باورهای غلط
۹۳	انتقال ناراحتی
۹۵	بوی تعفن بدگویی
۹۷	حفظ نکردن حرمت ها
۹۸	موضوعات محل اختلاف
۹۸	حل اختلاف عروس و خانواده شوهر
۱۰۰	حل اختلاف داماد و خانواده همسر
۱۰۲	فصل سوم: روابط همسران با خویشاوندان
۱۰۲	اشاره
۱۰۵	محاسن حضور در میان خویشاوندان
۱۰۶	نشاط زندگی و طول عمر
۱۰۷	بهره گیری از فکر و تجربه اقتصادی دیگران
۱۰۹	شراکت اقتصادی
۱۱۱	شروط لازم برای مشارکت اقتصادی موفق
۱۱۱	اشاره

الف: مدیریت خوب	۱۱۱
ب: پذیرش مدیریت	۱۱۱
ج: شفافیت قراردادها	۱۱۲
د: شراکت آری؛ معامله خیر!	۱۱۳
یافتن گهرهای ناب	۱۱۴
توجه و مهربانی به افراد خاص	۱۱۵
عبرت و یادگیری از روابط همسران	۱۱۶
محدودیت های دیدوبازدید	۱۱۸
مدیریت دیدوبازدیدها	۱۱۹
مهارت های برقراری رابطه مطلوب با بستگان	۱۲۰
اشاره	۱۲۰
انعطاف پذیری	۱۲۰
تفاوت انعطاف و سستی	۱۲۲
پرهیز از ساختارشکنی در روابط خانوادگی	۱۲۳
تسخیر قلب ها از طریق محبت و خدمت و تدبیر	۱۲۴
مراقبت از سوء استفاده ها	۱۲۵
شیوه رفتار با همسر در میان خویشاوندان	۱۲۷
چگونگی مواجهه با اشتباه های خویشاوندان	۱۳۰
خوش برخوردی با دیگران و قاطعیت در برابر مزاحمت ها	۱۳۷
چگونگی شادزیستن با دیگران، در بیان امام سجاد (علیه السلام)	۱۳۹
فصل چهارم: روابط همسران با دوستان	۱۴۲
اشاره	۱۴۲
اهمیت دوستی	۱۴۴
وضعیت های مختلف روابط دوستانه	۱۴۷
بازتعریف در روابط دوستانه، پس از ازدواج	۱۴۹
مدیریت محبت	۱۵۳

شیوه مواجهه با دوستان نامناسب همسر	۱۵۷
اشاره	۱۵۷
الف. علت شناسی	۱۵۷
ب. پرهیز از رفتار تقابلی	۱۵۸
پ. توجه به مراحل مواجهه با خطاهای عمده	۱۶۱
اشاره	۱۶۱
تغافل	۱۶۲
تقبیح	۱۶۳
تبیین و روشنگری	۱۶۴
دوستی های پنهان	۱۶۶
شک و دل نگرانی	۱۷۰
اشاره	۱۷۰
اشتباهات قطعی	۱۷۴
اقدام اضطراری	۱۷۷
ترساندن فرد بی تدبیر	۱۷۷
فصل پنجم: الگوهای ارتباط زن و شوهر	۱۸۰
اشاره	۱۸۰
الگویی متفاوت در روابط زن و شوهر	۱۸۲
الگوی روابط عاطفی زوجین	۱۸۶
اشاره	۱۸۶
آرامش	۱۸۶
مودّت	۱۸۹
رحمت	۱۹۱
طرح یک اشکال	۱۹۳
جلوه های رحمت	۱۹۵
اشاره	۱۹۵

گذشت	۱۹۵
چشم پوشی	۱۹۶
جبران ضعف ها	۱۹۶
رفق و مدارا	۱۹۹
رعایت آستانه تحمل خود و دیگران	۲۰۲
جمع بندی	۲۰۳
الگوی شناختی روابط زوجین	۲۰۳
تعهد به خدا	۲۰۴
زوجیت	۲۰۶
لباس	۲۰۸
اشاره	۲۰۸
لباس و صمیمیت	۲۰۹
صمیمیت و جدیت	۲۱۲
کلیشه های ذهنی مخرب صمیمیت	۲۱۳
کلیشه های ذهنی مردانه	۲۱۴
کلیشه های ذهنی زنانه	۲۱۵
الگوی حقوق و تکالیف در روابط زن و شوهر	۲۱۷
وظایف مشترک	۲۱۷
معاشرت نیکو و گشاده رویی	۲۱۷
همدلی و مشارکت در امور خانه	۲۱۷
فرصت تعالی	۲۱۹
حریم خصوصی	۲۲۰
احترام و تکریم	۲۲۰
روابط جنسی مطلوب	۲۲۱
اشاره	۲۲۱
آشنایی با روابط زناشویی	۲۲۱

۲۲۴	نقش روابط جنسی در ابتدای زندگی زناشویی
۲۲۴	آداب زناشویی
۲۲۴	اشاره
۲۳۱	مهم‌بودن زن و مرد برای رابطه جنسی
۲۳۲	آراستگی ظاهری
۲۳۲	۱. ظاهر زیبا و آراسته
۲۳۲	۲. حریم خانه؛ جایگاه آراستگی
۲۳۲	اشاره
۲۳۳	شناخت تفاوت های زن و مرد در انگیزه جنسی
۲۳۵	وظایف اختصاصی مرد
۲۳۵	ریاست و مدیریت
۲۳۶	نفقه
۲۳۷	وظایف اختصاصی زن
۲۳۷	اطاعت و تمکین
۲۳۸	اطاعت از والدین و شوهر؛ جلوه اطاعت از خدا
۲۳۹	شوهرداری نیکو
۲۴۲	فصل ششم: مهارت های حل اختلاف
۲۴۲	اشاره
۲۴۶	مهارت های حل اختلاف
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	۱. آرامش و ادب را حفظ کنید
۲۴۷	۲. پشت گوش نیندازید
۲۴۷	۳. خوب گوش دهید
۲۴۷	۴. فقط یک موضوع را حل کنید
۲۴۸	۵. توقعات کمتری داشته باشید
۲۴۸	۶. خواسته هایتان را مطرح کنید

- ۲۴۸ ۷. جنبه های مثبت را هم ببینید
- ۲۴۹ ۸. مکرر انتقاد نکنید
- ۲۴۹ ۹. اشکال های خود را بپذیرید
- ۲۴۹ ۱۰. بحث را ادامه ندهید
- ۲۴۹ ۱۱. عذرخواهی کنید و عذرخواهی دیگران را بپذیرید
- ۲۵۰ ۱۲. اختلاف ها را محرمانه نگه دارید
- ۲۵۰ ۱۳. واژه طلاق را به کار نبرید
- ۲۵۱ ۱۴. از حَکَم استفاده کنید
- ۲۵۱ اشاره
- ۲۵۱ جایش را پیدا کنید
- ۲۵۳ مهارت مدیریت خشم
- ۲۵۳ اشاره
- ۲۵۴ اقدامات فوری در مواجهه با خشم
- ۲۵۴ اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با خشم
- ۲۵۶ مهارت های مؤثر در پیشگیری از اختلاف
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۶ تفاوت ها را به رسمیت بشناس
- ۲۵۷ مهارت همدلی
- ۲۵۷ اشاره
- ۲۵۸ جایش را پیدا کنید
- ۲۵۹ تأمین نیازهای جنسی
- ۲۶۰ انعطاف پذیری
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۱ جایش را پیدا کنید
- ۲۶۲ مثبت نگری
- ۲۶۲ اشاره

جایش را پیدا کنید	۲۶۵
راهکارهای اصلاح روابط با همسر	۲۶۶
۱. علت شناسی	۲۶۶
۲. رفاقت به جای رقابت	۲۶۶
۳. نقش مؤثر مردان در اصلاح روابط	۲۶۷
۴. نقش مؤثر زنان در اصلاح روابط	۲۶۸
اشاره	۲۶۸
شوهرداری	۲۶۸
خودآرایی	۲۶۹
سفره آرای و مدیریت تغذیه	۲۷۰
خانه آرای	۲۷۰
درجه بندی موضوعات	۲۷۱
کتابنامه	۲۷۳
مسابقه فرهنگی تاروپود عاشقی	۲۸۰
درباره مرکز	۲۸۴

سرشناسه : بانکی پورفرد، امیرحسین، 1349 -

عنوان و نام پدیدآور : تار و پود عاشقی: چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده ها، خویشاوندان و دوستان/نویسنده امیرحسین بانکی پورفرد، حامد مصلحی، اشرف سادات فتحی؛ به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی؛ تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، 1398 .

مشخصات ظاهری : 264 ص .

شابک : 9- 685231 - 622 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده ها، خویشاوندان و دوستان.

موضوع : زناشویی -- ایران -- ارتباط -- جنبه های روان شناسی

موضوع : Communication in marriage -- Iran -- Psychological aspects

موضوع : خانواده ها -- ایران -- جنبه های روانشناسی

موضوع : Families -- Psychological aspects-- Iran

موضوع : زناشویی -- ایران -- اختلاف -- جنبه های روانشناسی

موضوع : Marital conflict -- Iran -- Psychological aspects

شناسه افزوده : مصلحی، حامد، 1370 -

شناسه افزوده : فتحی، اشرف السادات ، 45 13 -

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی

شناسه افزوده : Astan Qods Razavi . The Islamic Propagation Department

رده بندی کنگره : HQ743

رده بندی دیویی : 306 /810955

شماره کتاب شناسی ملی: 6040542

عنوان: تار و پود عاشقی؛ چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده ها، خویشاوندان و دوستان

نویسندگان: امیرحسین بانکی پور فرد و حامد مصلحی و اشرف سادات فتحی

ارزیاب علمی: جواد محدثی

طراح جلد و صفحه آرا: عباس پرچمی

ناشر: انتشارات زائر رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، 1399

شمارگان: 2000

شابک: 9- 685231 - 622 - 978

قیمت: 200 000 ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب الهادی (علیه السلام) و صحن غدیر، اداره تولیدات فرهنگی.

صندوق پستی: 351 - 91735

تلفن: 051 - 32002567

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادهای: 3000802222

حق چاپ محفوظ است.

ص: 1

اشاره

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» (1)

(خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه های علمت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!)

تقدیم به:

تقدیم به ارواح قدسی ائمه معصومین (علیهم السلام)، به ویژه مولا و مقتدای زمان، حضرت بقیه‌الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بیت و زائران آستان ملکوتی امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)!

ص: 3

تار و پود عاشقی

چگونگی تعامل همسران با یکدیگر، خانواده ها، خویشاوندان و دوستان

امیرحسین بانکی پور فرد و حامد مصلحی و اشرف سادات فتحی

ص: 4

مقدمه 10

فصل نخست: نقش های جدید من

1. آغاز تغییر نقش ها 13

2. خودباوری؛ پیش نیاز پذیرش نقش 16

حفظ خودباوری در مواقع شکست 18

3. تغییر و تحولات در نظم شخصی و ارتباط با خود 19

4. حفظ زندگی نو پا به کمک شبکه روابط 20

علت کاهش امتیازات 23

توجه به نمونه هایی خاص و متفاوت 26

فصل دوم: روابط همسران با خانواده ها

الف. لزوم استقلال در زندگی جدید و چگونگی کسب آن 30

اهمیت استقلال 30

ابعاد استقلال 30

درونی بودن استقلال 32

برداشت های غلط از استقلال 33

مکمل استقلال 33

روش های عمومی کسب استقلال 34

1. تقدّم در مشورت گیری 34

2. مواجهه مناسب با اظهار نظرهای دیگران 35

چگونگی کسب استقلال در خانواده های مختلف 37

چگونگی مواجهه با مداخله هگر یهای والدین 38

چگونگی مواجهه با والدین رهاکننده 39

چگونگی مواجهه با والدین وابسته پرور 40

1. پذیرش سختی ها 41

2. پرهیز از دریافت حمایت های والدین 42

3. پیش دستی در حمایت از والدین 42

چگونگی مواجهه با والدین حمایتگر استقلال بخش 43

خانه پدری یا مسکن مستقل؟ 43

ب. شیوه های تعامل با خانواده ها 49

رسیدگی به خانواده ها 49

1. کم توجهی 49

2. رفتار حسادت پرانگیز 50

3. دخالت های بیجا در ارتباط همسر با خانواده اش 51

تعاملات مالی با خانواده ها 53

1. کمک والدین به فرزندان 53

ص: 5

2. کمک فرزندان به والدین 57

3. مشارکت مالی با خانواده ها 58

تعاملات خانوادگی در دوران عقد 60

احترام و صمیمیت 63

1. احترام؛ محور ارتباط با خانواده همسر 63

2. صمیمیت تدریجی 65

3. رعایت احترام در گرو زیان 66

4. احترام به همسر در جمع 67

پ. اهمیت پیشگیری از اختلاف و روش های حل نگرانی ها 69

تفاوت های خانوادگی 69

باورهای مؤثر درباره خانواده همسر 71

اصلاح باورهای غلط 72

انتقال ناراحتی 74

بوی تعفن بدگویی 76

حفظ نکردن حرمت ها 78

موضوعات محلّ اختلاف 79

حل اختلاف عروس و خانواده شوهر 79

حل اختلاف داماد و خانواده همسر 81

فصل سوم: روابط همسران با خویشاوندان

محاسن حضور در میان خویشاوندان 86

نشاط زندگی و طول عمر 87

بهره گیری از فکر و تجربه اقتصادی دیگران 88

شرکت اقتصادی	90
شروط لازم برای مشارکت اقتصادی موفق	92
الف: مدیریت خوب	92
ب: پذیرش مدیریت	92
پ: شفافیت قراردادها	93
ت: شرکت آری؛ معامله خیر!	94
یافتن گهرهای ناب	95
توجه و مهربانی به افراد خاص	96
عبرت و یادگیری از روابط همسران	97
محدودیت های دیدویازدید	99
مدیریت دیدویازدیدها	100
مهارت های برقراری رابطه مطلوب با بستگان	101
انعطاف پذیری	101
تفاوت انعطاف و سستی	103

پرهیز از ساختارشکنی در روابط خانوادگی	104
تسخیر قلب ها از طریق محبت و خدمت و تدبیر	105
مراقبت از سوء استفاده ها	106
شیوه رفتار با همسر در میان خویشاوندان	108
چگونگی مواجهه با اشتباه های خویشاوندان	111
خوش برخوردی با دیگران و قاطعیت در برابر مزاحمت ها	118
چگونگی شادزیستن با دیگران، در بیان امام سجاد (علیه السلام)	120
فصل چهارم: روابط همسران با دوستان	
اهمیت دوستی	125
وضعیت های مختلف روابط دوستانه	128
بازتعریف در روابط دوستانه، پس از ازدواج	130
مدیریت محبت	134
شیوه مواجهه با دوستان نامناسب همسر	138
الف. علت شناسی	138
ب. پرهیز از رفتار تقابلی	139
پ. توجه به مراحل مواجهه با خطاهای عمده	142
تغافل	143
تقبیح	144
تبیین و روشنگری	145
دوستی های پنهان	147
شک و دل نگرانی	151
اشتباهات قطعی	155
اقدام اضطراری	158

ترساندن فرد بی تدبیر 158

فصل پنجم: الگوهای ارتباط زن و شوهر

الگویی متفاوت در روابط زن و شوهر 163

الگوی روابط عاطفی زوجین 167

آرامش 167

مودّت 170

رحمت 172

طرح یک اشکال 174

جلوه های رحمت 176

گذشت 176

چش میوشی 177

جبران ضعف ها 177

رفق و مدارا 180

ص: 7

رعایت آستانه تحمل خود و دیگران	183
جمع بندی	184
الگوی شناختی روابط زوجین	184
تعهد به خدا	185
زوجیت	187
لباس	189
لباس و صمیمیت	190
صمیمیت و جدّیت	193
کلیشه های ذهنی مخرب صمیمیت	194
کلیشه های ذهنی مردانه	195
کلیشه های ذهنی زنانه	196
الگوی حقوق و تکالیف در روابط زن و شوهر	198
وظایف مشترک	198
معاشرت نیکو و گشاده رویی	198
همدلی و مشارکت در امور خانه	198
فرصت تعالی	200
حریم خصوصی	201
احترام و تکریم	201
روابط جنسی مطلوب	202
آشنایی با روابط زناشویی	202
نقش روابط جنسی در ابتدای زندگی زناشویی	205
آداب زناشویی	205
مهیّابودن زن و مرد برای رابطه جنسی	212

آراستگی ظاهری	213
1. ظاهر زیبا و آراسته	213
2. حریم خانه؛ جایگاه آراستگی	213
شناخت تفاوت های زن و مرد در انگیزه جنسی	214
وظایف اختصاصی مرد	216
ریاست و مدیریت	216
تفقه	217
وظایف اختصاصی زن	218
اطاعت و تمکین	218
اطاعت از والدین و شوهر؛ جلوه اطاعت از خدا	219
شوهرداری نیکو	220
فصل ششم: مهارت های حل اختلاف	
مهارت های حل اختلاف	227
1. آرامش و ادب را حفظ کنید	227

2. پشت گوش نیندازید 228
3. خوب گوش دهید 228
4. فقط یک موضوع را حل کنید 228
5. توقعات کمتری داشته باشید 229
6. خواسته هایتان را مطرح کنید 229
7. جنبه های مثبت را هم ببینید 229
8. مکرر انتقاد نکنید 230
9. اشکال های خود را بپذیرید 230
10. بحث را ادامه ندهید 230
11. عذرخواهی کنید و عذرخواهی دیگران را بپذیرید 230
12. اختلاف ها را محرمانه نگه دارید 231
13. واژه طلاق را به کار نبرید 231
14. از حَکَم استفاده کنید 232
- جایش را پیدا کنید 232
- مهارت مدیریت خشم 234
- اقدامات فوری در مواجهه با خشم 235
- اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با خشم 235
- مهارت های مؤثر در پیشگیری از اختلاف 237
- تفاوت ها را به رسمیت بشناس 237
- مهارت همدلی 238
- جایش را پیدا کنید 239
- تأمین نیازهای جنسی 240
- انعطاف پذیری 241

جایش را پیدا کنید	242
مثب تنگری	243
جایش را پیدا کنید	246
راهکارهای اصلاح روابط با همسر	247
1. علت شناسی	247
2. رفاقت به جای رقابت	247
3. نقش مؤثر مردان در اصلاح روابط	248
4. نقش مؤثر زنان در اصلاح روابط	249
شوهرداری	249
خودآرایی	250
سفره آرای و مدیریت تغذیه	251
خانه آرای	251
درجه بندی موضوعات	252
کتابنامه	254
مسابقه فرهنگی تار و پود عاشقی	260

همه ما در بزرگه‌های مهم زندگی، از مناجات با خدا و توسل به اولیای او کمک می‌گیریم. به طور حتم، ازدواج یکی از تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز زندگی انسان است. از همین رو، از دیرباز رسم است که بسیاری از خانواده‌ها علاوه بر رعایت همه مقدمات لازم برای ایجاد پیوندی سالم و اصولی، برای دریافت تبرک و تیمن بیشتر، پیوند مقدس زوج‌های جوان را در حرم مطهر رضوی منعقد می‌کنند.

در همین راستا، معاونت تبلیغات اسلامی حرم مطهر رضوی، بر خود لازم دید علاوه بر فراهم آوردن مقدمات مناسب برای اجرای عقد در حرم مطهر، بر اساس آسیب‌شناسی مسائل ازدواج و آموزه‌های متون دینی، در موضوع «ازدواج و خانواده» کتاب آموزشی و کاربردی مناسبی آماده و به زوج‌های جوان اهدا کند.

پس از بررسی اولیه موضوع در کارگروه تولید کتاب مدیریت فرهنگی حرم مطهر رضوی، مسئولیت آماده‌سازی محتوای کتاب مذکور به آقای دکتر بانکی پور به عنوان پژوهشگر برتر حوزه خانواده، واگذار شد. در نهایت بعد از دو سال پژوهش و قلمزنی و رفت و برگشت‌های اصلاحی، کتاب حاضر شامل آموزش‌های لازم برای مراقبت مداوم از پیوند ازدواج و تحکیم بنیان خانواده، به عنوان نتیجه کار به زوج‌های جوان و خانواده‌ها و کارشناسان مسائل خانوادگی تقدیم می‌شود.

امید که به برکت عنایت امام رافت و مهربانی، این گام کوچک در جهت ایجاد سلامت در پیوند زناشویی و استحکام بنیان خانواده مؤثر باشد.

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی





1. آغاز تغییر نقش ها

از آثار ازدواج و آغاز زندگی مشترک، تغییر و افزایش نقش هایی است که شخص متأهل با آن ها مواجه می شود. به محض ایجاد پیوند زناشویی، نقش های جدیدی به وجود می آید که سازگاری با آن ها مستلزم شناخت و تحمل و تأمل فرد تازه ازدواج کرده در مواجهه با هر کدام است.

شخص در آغاز تأهل، مانند فارغ التحصیلی است که وارد مدرسه آشنا و قدیمی خود می شود، اما نه در نقش دانش آموز، بلکه در نقش معلم. درست است که کلاس همان کلاس است و مدرسه همان مدرسه؛ اما نقش او دیگر در همان نقش سابق نیست؛ بلکه صاحب نقش و جایگاهی شده است که برایش مسئولیت ها و انتظارات جدیدی به دنبال دارد. دختر یا پسر که تا دیروز از حمایت خانواده خود برخوردار بودند و کمتر انتظاری از آن ها می رفت و مسئولیت کمتری متوجه شان بود، پس از تأهل لازم است از کالبد کودکی خویش بیرون آمده و نقش های دیگری را بپذیرند. آن دو باید بدانند که رفتارهای پسر خانواده با رفتارهای داماد خانواده بسیار متفاوت است؛ همان طور که رفتارهای دختر خانواده با عروس خانواده تفاوت دارد.

در واقع به محض ازدواج و متأهل شدن، دو تغییر عمده برای شما به وجود آمده است که اگر نتوانید به خوبی با آن سازگار شوید، دچار تنش خواهید شد: اول اینکه وارد شبکه ای جدید از ارتباط با اطرافیان شده اید. شما پیش از این، همسر کسی نبودید و عروس یا داماد هیچ خانواده ای محسوب نمی شدید. دومین تغییر این است که حتی ارتباطات قبلی شما نیز

تعریفی جدید پیدا کرده است. شما که پسر یا دختر والدینتان بوده اید، هم اکنون به عنوان فرزندی شناخته می شوید که برای خودش زندگی مستقلی دارد. این تعریف جدید از نقش ها، شامل ارتباط شما با دوستانتان نیز می شود. شما قبلاً فردی مجرد بودید و اکنون متأهلید؛ پس باید انتظارات دیگران از شما و نیز وظایف و نقش هایی که شما در جمع دوستانتان برعهده می گیرید، براساس نقش جدیدتان تعدیل شود.

زندگی زوج بعد از تأهل، برنامه ریزی لازم دارد؛ چون بعد از ازدواج، قانونی تشکیل می شود که سقف آن بر روی دو پایه استوار است. مجردانی که قبل از ازدواج، اوقات خود را با دوستان، تفریح، انگای به پدر و مادر و... می گذراندند، اکنون باید به مصلحت زندگی مشترکشان بیندیشند و خودخواهی های فردی را کنار بگذارند. (1)

پسری که تا دیروز رفتن به مهمانی های خانوادگی را به راحتی نمی پذیرفت، اکنون در جایگاه داماد، باید به گونه دیگری عمل کند. شخص متأهل باید خواسته های خود را تعدیل کند و براساس انتظاری که از او می رود و جایگاه جدیدی که برای او تعریف شده است، ایفای نقش کند؛ مثل معلم کلاس که هر قدر هم تشنه باشد، برای خوردن آب از کلاس خارج نمی شود؛ هر چند در گذشته، در جایگاه دانش آموز بارها این کار را انجام داده باشد.

یکی از فواید ازدواج همین است که شما بتوانید خواسته های خود را مهار کنید؛ مثلاً دختری که اکنون در جایگاه همسر قرار دارد، باید

ص: 14

برخلاف عادت دوران مجردی، زودتر از خواب بلند شود و صبحانه را برای همسرش آماده کند. او باید متوجه باشد که شوهرش هیچ گاه در جایگاه پدرش نیست. مرد متأهل هم اگر در دوران مجردی، ساعت ده شب به خانه می آمده است، نباید حالا نیز به همان روند ادامه دهد و در جایگاه داماد خانواده نباید انتظار داشته باشد تمام کارهایی که مادرش برای او می کرده است، اکنون همسرش برای او انجام دهد یا همان انتظاری را که از پدرش داشته است، از پدر همسرش داشته باشد.

عروس و دامادها باید بدانند از این پس، نگاه به آن ها، نگاهی است که محور اصلی آن «مسئولیت» است. در واقع عاملی که نقش پذیری متأهلین را پررنگ تر می کند، مسئولیت پذیری ایشان است. زن و مرد در آغاز زندگی مشترک، در کنار منافعی که به دست می آورند، وظایفی را نیز برعهده می گیرند که موجب رشد آن ها و حفظ نشاط زندگی شان می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرموده اند: «مرد سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می شود و زن سرپرست خانواده شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می شود.»⁽¹⁾

زن و مرد باید بدانند که با پیوند ازدواج، به تملک یکدیگر در نمی آیند. مالک ما خداست و او ما را به امانت در اختیار یکدیگر قرار داده است؛ درعین حال، هم زن و هم مرد، ده ها حق بر گردن یکدیگر دارند که یکی از آن ها حق زن و شوهری است؛ البته در این میان، پدر و مادر، همسایگان، فرزندان و... هم صاحب حقوقی هستند که باید ادا شود.

ص: 15

اشاره

همهٔ زوج‌های جوان، توانایی‌هایی دارند که زمینهٔ سازگاری و رفتار مثبت و مفید را برای ایشان در طول زندگی فراهم می‌کند. کسانی که این توانایی‌ها را بشناسند، مسئولیت‌های جدید زندگی را به بهترین وجه می‌پذیرند و با کشف چنین گنجی، خلأهایی که نوعاً در زندگی زوج‌های جوان وجود دارد، برطرف می‌شود.

اگر اعتماد به نفس، به معنای تکیه بر توانایی‌های خود به صورت مستقل باشد، «شرک» است؛ ولی اگر به معنای تکیه انسان به خداوند و نیروهایی باشد که به او داده است، این باور مطلوب بوده و همان خودباوری مؤمنانه است که ریشه در خداباوری دارد؛ چراکه خداوند بهترین استعدادها را به ما داده است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.»⁽¹⁾

با خودباوری مؤمنانه به موقعیت‌های زیادی دست خواهیم یافت:

* توانایی ابراز وجود؛

* بالارفتن قدرت تحمل در قبال اظهارنظر دیگران؛

* مدیریت امور با توجه به موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی؛

* مدیریت زمان و برنامه ریزی؛

* رازداری و کنترل رفتار؛

* برداشت واقع بینانه از وقایع پیرامون محیط خود؛

* وابسته نبودن به دیگران.

با خودباوری از مرزهای تنگ نظرانه می‌گذریم و با استفاده از

ص: 16

تجربه های گذشته، به پیش بینی های مدبرانه می رسیم. خداوند این مسیر تکاملی را در اختیار ما گذاشته است تا به زندگی شیرین تری دست پیدا کنیم.

یکی از راه هایی که می تواند ما را به خودباوری برساند، صحبت درباره توانایی های خود و کاربرد آن هاست. هرگز نباید مهارت های خود را دست کم بگیریم. کارهایی مثل بچه داری، ورود به دانشگاه، آموختن یک زبان خاص، طراحی یک لباس، تدارک یک مهمانی، تدریس، سخنرانی، کارکردن در کنار تحصیل و... موفقیت های خوبی هستند که توانایی های ما را برای خودمان به نمایش می گذارند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تعبیری به این مطلب اشاره کرده و فرموده اند: «خدا رحمت کند فردی را که به ارزش خود پی ببرد.»⁽¹⁾

خودباوری علاوه بر اینکه فرد را برای پذیرش نقش های متعدد آماده می کند، موجب می شود وی با همسر و فرزند و اطرافیانش رابطه بهتری برقرار کند؛ چراکه چنین شخصی درباره موضوعات پیرامون خود، نظر واقع بینانه ای دارد و غرور کاذب نداشته و نیز سعی ندارد برتری و سلطه خود بر دیگران را اثبات کند؛ بنابراین تا حد ممکن و معقول، خود را با توقعات همسر و اجتماع اطرافش سازگار می کند.

تصویر



ص: 17

1- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 373.

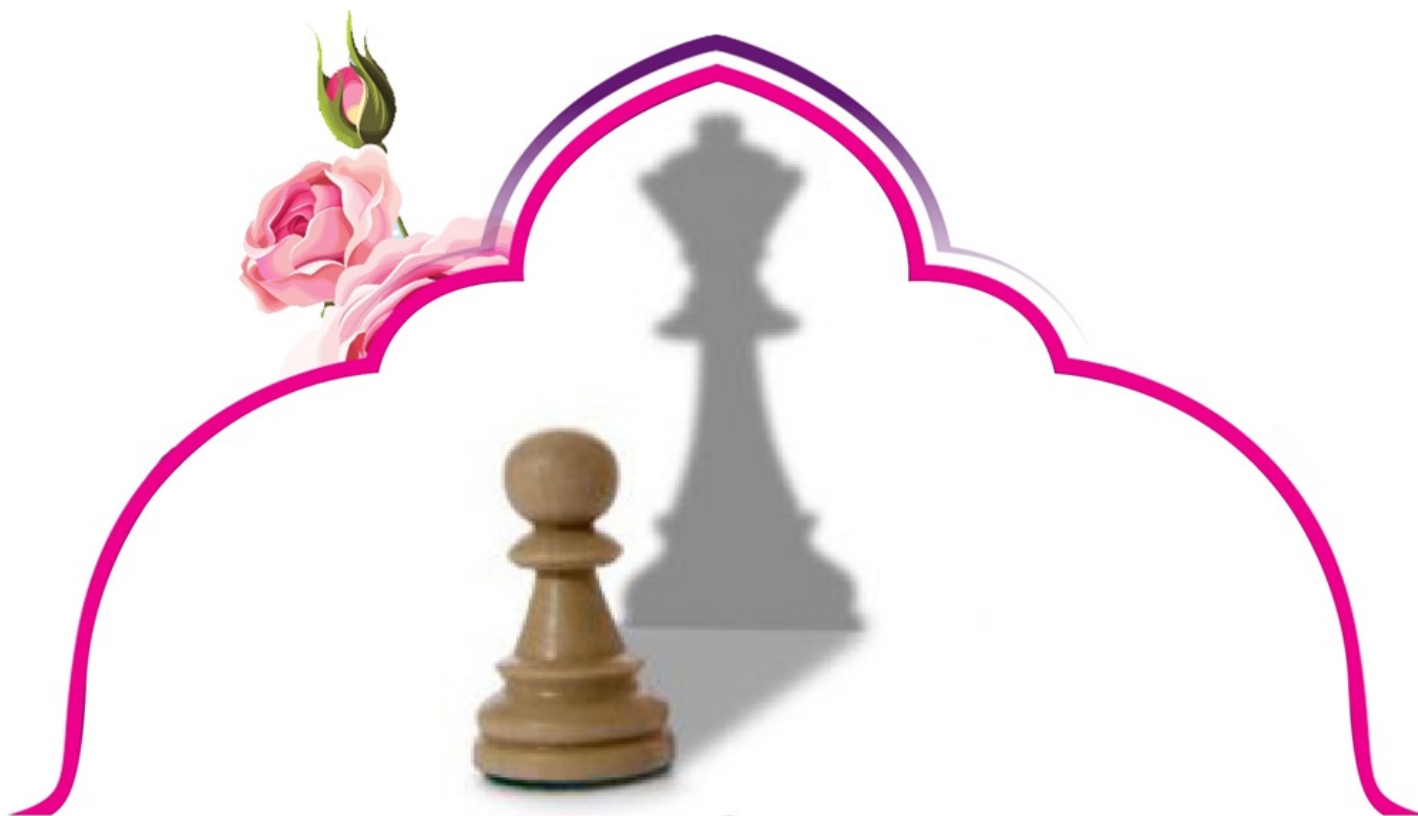
همواره تلاش کنید که خودباوری خود و همسران را حفظ کنید. خودباوری در مواقع شکست دچار آسیب می شود. برای اینکه بتوانید از خودباوری خود و همسران و در آینده از خودباوری فرزندانان حمایت کنید، باید در مواقع شکست این مراقبت ها را انجام دهید:

* شکست را به همه زندگی خود تسری ندهید. لازم نیست در چنین موقعیت هایی که معمولاً شکست های دیگران را به خاطر می آورید، لازم نیست فکر کنید همیشه شکست خورده اید؛ بلکه باید به موفقیت های پیشین خود نیز فکر کنید.

* همه مسئولیت شکست را خودتان برعهده نگیرید. عوامل بیرونی شکست ها را نیز در نظر بگیرید؛ البته مراقب باشید که همه مشکلات را با فرافکنی به دیگران نسبت ندهید.

* فرصت های جبران پیش رو را در نظر بگیرید و در مواقع مشاهده اشتباه دیگران، به آن ها هم فرصت جبران بدهید.

تصویر



3. تغییر و تحولات در نظم شخصی و ارتباط با خود

بعضی افراد قبل از ازدواج، زندگی در هم ریخته و نابسامانی دارند. دیگران به آن ها توصیه می کنند ازدواج کنند تا سامان پیدا کنند؛ چراکه ازدواج به خودی خود، به شما ساختار خواهد داد. البته افرادی هم هستند که در دوران مجردی، در بعضی از جنبه ها برای خودشان برنامه منظمی دارند؛ مثلاً برنامه ویژه ورزشی، برنامه تفریحی منظم، برنامه درسی و مطالعاتی خاص یا برنامه تغذیه مشخصی دارند. گاهی ساختار ازدواج، این برنامه های آن ها را به هم می ریزد و احساس می کنند سیر رشد و تکامل دوران مجردی شان دچار خدشه شده است؛ حتی گاهی شنیده می شود کسانی که در دوران تجرد، در امور عبادی، برنامه خاصی داشته اند، می گویند: «ازدواج کردیم که نصف دینمان کامل شود»؛⁽¹⁾

اما نصف دیگرش هم از دست رفت!

طبیعی است که هر تحول اساسی در زندگی انسان، مانند مهاجرت و تغییر شغل و دیگر شکوفایی ها یا شکست های علمی و اقتصادی، قطعاً برنامه های منظم زندگی را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. ازدواج نیز به عنوان تحولی بزرگ، چنین اثری دارد. مهم این است که در وسط معرکه تحول، برنامه انسان تنظیم شدنی نیست؛ نه می تواند نظم قبلی را حفظ کند و نه می تواند نظم جدیدی ایجاد کند؛ بلکه باید فرصت بدهد تا هیجان و نقطه اوج مراحل اولیه این تحول بگذرد؛ سپس، پس از آشناسدن با وضعیت جدید و پایدار زندگی، به تدریج برنامه های قبلی خود را متناسب با این موقعیت،

ص: 19

1- نک: حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 14، ص 154.

بازتنظیم کند. در این صورت، روشن است که وقفه کوتاه مدتی در برنامه فرد ایجاد می شود؛ ولی خواهید دید اگر برنامه جدید درست طراحی شود، به سبب آرامش و استقلالی که با ازدواج به دست می آید، بازدهی برنامه های جدید او بسیار بیشتر از قبل خواهد بود.

4. حفظ زندگی نوپا به کمک شبکه روابط

پیوند یک دختر و پسر جوان، مانند نهالی است که نیاز به مراقبت دارد. ازدواج صیرف کاشتن یک نهال و رهاکردن آن نیست؛ بلکه این رابطه، به حمایت و حفاظت دقیق نیاز دارد؛ به خصوص در سال های اول که دچار افت وخیزهای طبیعی خواهد شد. برای مثال،

با شروع ازدواج، یکی از مشکلات مهم و رایج همسران، آن است که شروط و اقتضانات قبل و بعد از ازدواج را به درستی در نمی یابند و در ارزیابی از یکدیگر دچار مشکل و بعضاً در حُسن انتخاب خود گرفتار تردید می شوند.

معمولاً شاگردهای متوسطی که برای امتحان خیلی زحمت کشیده اند، از نمره ای که خواهند گرفت، تخمین درستی ندارند. چنین شاگردانی به امید نمره 20 و با خوش حالی و رضایت، برگه را تحویل می دهند؛ اما بعد متوجه می شوند سؤال پشت برگه را ندیده اند. کمی که می گذرد، از گفت وگویی دوستانشان می فهمند که سؤال دیگری را هم اشتباه پاسخ داده اند و وقتی در خانه، کتاب را ورق می زنند، متوجه چند غلط دیگر نیز می شوند؛ با این حساب، نهایتاً نمره شان که در آغاز 20 پیش بینی کرده بودند، به 14 یا 15 تنزل پیدا می کند. این اتفاق بی شباهت به نمره ای نیست که قبل و

بعد از ازدواج، به همسران می دهید. در آشنایی های اولیه، می اندیشید که او تمام امتیازهای لازم را دارد و همان فرد ایده آل شماست؛ اما بعد از ازدواج که تعامل ها و تعهدها آغاز می شود، متوجه می شوید که این امتیازها یک به یک پایین می آیند و نمره 20 او کم کم به 13 و 14 تنزل پیدا می کند. دلیلش روشن است: شما هنگام انتخاب، به نکاتی توجه نکرده اید و به نکاتی هم که توجه کرده اید، امتیازی بیشتر از امتیاز واقعی داده اید که دلایل این اتفاق بعداً بیان خواهد شد؛ حال آنکه در نمره دادن قبل و بعد از ازدواج، تفاوت بسیاری وجود دارد. در نمره دادن قبل از ازدواج، باید سخت گیر بود؛ اما بعد از ازدواج، اگر معدل نمرات، پایین تر از برآورد ما بود، نه باید سخت بگیریم و نه باید نگران شویم. در اینجا نگاه و نوع مواجهه ما، باید با زمان خواستگاری متفاوت باشد. برای پذیرش در دانشگاه، داشتن نمرات بسیار خوب الزامی است؛ اما برای ماندن در دانشگاه و اخراج نشدن، کسب نمرات عالی ضرورت ندارد و اگر معدل نمرات تا 12 هم پایین بیاید، اخراجی در کار نیست؛ ولی با همین معدل 12، معمولاً کسی را به دانشگاه راه نمی دهند. نمره دادن به شریک زندگی هم باید همین گونه باشد؛ یعنی لازم است در آغاز سخت بگیریم، اما بعد از ازدواج، سهل.

باید قبول کرد که امتیاز هیچ کس، کامل نیست: خود شما هم نمره کاملی ندارید؛ البته این را هم در نظر بگیرید که این نمره فعلی همسر شماست و قرار نیست پیوسته در همین سطح باقی بماند. او تا قبل از ازدواج به این سطح رسیده است؛ اما بعد از ازدواج باید طوری رفتار کنید که هم نمره او و هم نمره شما به 20 نزدیک شود.

ص: 21

اساساً قرار نیست پسرها و دخترها، قبل از ازدواج به کمال برسند و بعد، ازدواج کنند؛ بلکه رسیدن به بخش زیادی از کمالات، در مرحله ازدواج و تشکیل زندگی مشترک اتفاق می افتد؛ نه پیش از آن. امتیازاتی که همسر ما بعد از ازدواج کسب می کند، برای ما به مراتب شیرین تر از امتیازاتی است که با خود به زندگی مشترک می آورد؛ چراکه ما شاهد سیر تکاملی و رسیدن او به امتیازاتِ بیشتر بوده ایم و به همین دلیل، قدر امتیازی را که وی کسب کرده است، بیشتر و بهتر می دانیم؛ چنان که محبتی که خدا به انسان دارد، به مراتب از حُبّی که به مَلّک دارد، بیشتر است؛ چراکه مَلّک از آغاز، قلّه نشین بود؛ اما انسان در درّه آفریده شد؛ اما فاتح قلّه ها شد. این پِدا ن معناست که حتی اگر همسر نامناسب هم دارید، باید بتوانید با توانمندی، بر روابط خود تأثیر بگذارید و زندگی تان را بسازید. یادتان هم باشد که شروع زندگی، وقت مناسبی برای داوری نیست و معمولاً داوری ها در این مرحله، قضاوتی عجولانه خواهد بود.

تصویر



در روایتی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» (1)

(عشق تو به چیزی، کور و کُرت می کند.) این روایت به خوبی نشان می دهد نمره ای که از روی علاقه و حب و احساسات داده می شود، بسیار بیشتر از نمره واقعی است. از طرفی، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز فرموده اند: «به خدا قسم! اگر پرده های پوشاننده عیوب برداشته می شد و شما به عیب دیگران آگاه می شدید، حتی جنازه [بر زمین افتاده] همدیگر را نیز دفن نمی کردید!» (2)

بنابراین، نمره ما با فرض ستّاریت الهی داده می شود و اگر پرده کنار برود، دیگر برای هیچ کس امیدی به کسب نمره های بالا نیست.

براساس این دو نکته ظریف که اشاره شد، می توان دریافت که چرا بعد از ازدواج، نمره های فرد در نزد همسرش تنزل می یابد. در اوایل آشنایی و جلسات خواستگاری، بین دختر و پسر، علقه و محبتی به وجود می آید که باعث می شود بسیاری از عیوب، از نظرشان پنهان بماند و از یکدیگر شناختی دقیق و مطابق با واقعیت به دست نیاورند. از طرف دیگر، بعد از ازدواج، کمی از پرده ستر نیز کنار می رود و چیزهایی در نظر زوجین آشکار می شود که حتی در نزد پدر و مادرشان هم آشکار نبوده و نیست؛ زیرا اکنون همسر از پدر و مادر نیز به شخص نزدیک تر است. با این دو مقدمه، طبیعی است که نمره های زوجین در نظر یکدیگر، بعد از ازدواج نسبت به قبل از آن، بسیار کاهش پیدا کند. همان گونه که بیان شد، نمره

ص: 23

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 308.

2- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 446.

اول ازدواج، بیشتر از نمره واقعی و نمره بعد از ازدواج، کمتر از نمره واقعی است؛ در نتیجه نه برآورد قبل از ازدواج می تواند ملاک قرار گیرد و نه برآورد بعد از ازدواج.

آقا یا خانمی که قبل از ازدواج، از خانواده و دوستان و جامعه نمره خوبی می گرفته است، اکنون از همسرش همان نمره را نخواهد گرفت! معمولاً تنش های خانوادگی از همین جا آغاز می شود. در این موقعیت، فرد احساس می کند که همسرش هنگام آشنایی، جور دیگری خود را به او معرفی کرده یا خودش درباره ارزیابی صحیح از همسرش ناتوان بوده است. در چنین موقعیتی، مشابه این عبارات زیاد به کار می رود: «قبل از ازدواج، همه از تو تعریف می کردند و من به واسطه همان شناخت با تو ازدواج کردم؛ در حالی که الان، آن گونه نیستی» یا «من با آقایی ازدواج کردم که به دیانت مشهور بود؛ اما حالا که با او زندگی می کنم، می بینم آن قدرها هم متدین نیست!»

حال برای حل این مسئله که خواه ناخواه برای بیشتر افراد رخ می دهد، چه باید کرد؟ برای تعدیل این پیشامد، به سه نکته مهم توجه کنید:

1. نگاه و برداشت اولیه خود را خیلی جدی نگیرید؛ چراکه معمولاً شناخت ما در آغاز، متأثر از علقه و هوس و احساسات بوده است.

2. اساساً برای ازدواج، نباید عالی ترین نمره را ملاک قرار دهید. همواره به خاطر داشته باشید ما با شخصی ازدواج نمی کنیم که همه چیزش مثبت است؛ بلکه با شخصی ازدواج می کنیم که امتیازات و ویژگی های مثبت فراوان و ارزشمندی دارد؛ یعنی باید بپذیریم که این آقا یا خانم، حتماً ضعف ها و ایرادهایی هم دارد؛ اما به سبب

قوت های اوست که برای ازدواج انتخابش می کنیم.

3. بپذیرید که همیشه افراد ضعف هایی دارند و جز معصومین (علیهم السلام) هیچ کس ایده آل نیست. اگر پذیرش این مطلب برایتان سخت است، کافی است به ایرادهای خودتان فکر کنید. در وجود شما هم عیوب و ضعف های بسیاری وجود داشته که همسران در ابتدا به سبب علاقه و محبت اولیه، متوجه آن ها نشده است؛ البته اگر ایرادی در خودتان پیدا نکردید، احتمالاً جزو افرادی هستید که به آن ها خودشیفته می گویند.

با این نگاه، انتظارات ما از ازدواج و همسرمان واقعی تر و در نتیجه، آسیب پذیری مان بعد از ازدواج کمتر می شود.

تصویر



ممکن است شما با خصوصیتی در طرف مقابل مواجه شوید که نمره او را از حداقل‌های لازم برای ازدواج هم پایین‌تر می‌آورد؛ مثلاً در دوران عقد متوجه می‌شوید که همسرتان بزهکار یا گرفتار اعتیاد است یا پرخاشگری‌هایی نامتعادل بروز می‌دهد. در چنین وضعیتی احتمالاً نمی‌توانید به تنهایی بر روابطتان اثرگذار باشید و لازم است هرچه سریع‌تر، موضوع را با اطرافیان باتجربه و امین یا مشاوران معتمد در میان بگذارید. با وجود این قبیل مشکلات، باز هم حمایت و حفاظت از نهال نوپای ازدواج، باید ابتدا توسط خود زوج صورت گیرد. در این میان، اطرافیان و نوع رابطه با آن‌ها نقش مؤثری در تحکیم یا تضعیف این زندگی نوپا دارد؛ از این رو، مهم است که بتوانید رابطه‌ای مؤثر و مفید با آن‌ها برقرار کنید. در این راستا، کتاب پیش‌رو به مهارت‌هایی برای برقراری ارتباط بهتر با اطرافیان و بحث و بررسی پیرامون آن‌ها پرداخته که به تفکیک در فصل‌های جداگانه بیان شده است.







از تحولات مهم ارتباطی پس از ازدواج، روابط شما با خانواده تان است؛ علاوه بر اینکه وارد زندگی خانواده همسران نیز شده اید و نقش جدیدی پیدا کرده اید. در این فصل، به نقش های جدید شما در خانواده خویش و خانواده همسران می پردازیم.

از مسائل مهمی که باید طی زندگی مشترک، به خصوص در ابتدای ازدواج، به آن آگاهی پیدا کرد تا بسیاری از تنش های بعدی مهار شود، نوع ارتباط زوج با خانواده هایشان است. زن و شوهر باید زمینه و توان مدیریت کردن رابطه با خانواده هایشان را به دست آورند که برای تحقق این مهم، توجه به سه محور اساسی، ضروری است: 1. لزوم استقلال در زندگی جدید و چگونگی کسب آن؛ 2. شیوه های تعامل با خانواده ها؛ 3. اهمیت پیشگیری از اختلاف و روش های حل نگرانی ها. توضیح هریک از این محورها در ادامه می آید.

اهمیت استقلال

برخی از جوانان بعد از ازدواج، به بهانه استقلال در زندگی، از خانواده خود فاصله می گیرند؛ در حالی که پدر و مادر، عُمَری برای فرزندشان تلاش کرده اند و در این مدت، وابستگی عاطفی عمیقی بین آن ها و فرزندشان شکل گرفته است که با ازدواج فرزند، نمی توانند به یک باره از آن چشم پوشی کنند. از طرف دیگر، اگر فرزند برای زندگی خود استقلال کافی نداشته باشد، ممکن است به زودی تحت تأثیر اظهار نظر اطرافیان قرار گرفته و زندگی اش آسیب ببیند؛ بنابراین هم وابستگی شدید به خانواده ها و هم گرایش شدید به قطع ارتباط با آن ها آسیب زاست؛ پس لازم است بحث استقلال و نحوه رسیدن صحیح به آن با دقت بررسی شود.

ابعاد استقلال

استقلال هم روابط داخل خانه را در بر می گیرد و هم ارتباطات اجتماعی را پوشش می دهد. نمونه هایی از ضعف استقلال عبارت اند از اینکه فرد نتواند به صورت مستقل خانه اش را مرتب نگه دارد یا نتواند به طور مستقل مهمانی برگزار کند یا مستقلاً به خرید و مسافرت برود. این رفتار بیشتر در خانواده هایی به چشم می خورد که تعداد فرزندانشان یکی دو تا بیشتر نیست یا پدر و مادر، توانمندی و مهارت های گوناگون دارند و

بیشتر امور زندگی را به تنهایی اداره می کنند. اگر فرد در دوران عقد و ابتدای زندگی مشترک، این ضعف تربیتی را جبران نکند، مشکلات و اختلافات متعددی برایش پیش خواهد آمد.

استقلال مدّ نظر برای اقدام به ازدواج، در سه حوزه فکری و عاطفی و مالی مطرح است. زن و شوهری که تازه ازدواج کرده اند، باید به سطحی از استقلال فکری رسیده باشند که بتوانند تصمیمات مناسبی را با همدیگر یا به صورت شخصی بگیرند و آن ها را مستقلاً اجرا کنند. در این صورت، از بسیاری از مشکلات احتمالی آینده، چه در روابط باهم و چه در روابط با خانواده های یکدیگر، دور خواهند بود. همچنین از نظر عاطفی باید بتوانند چندروزی از والدین خود فاصله بگیرند و این مسئله اختلالی در روحیاتشان به وجود نیاورد. زن و شوهر از نظر مالی نیز باید بتوانند نیازهای اولیه زندگی خود را تأمین کنند. طبیعی است که باتوجه به نقش و وظایف مردان، از آن ها انتظار می رود برای کسب استقلال در حوزه های فکری و مالی، تلاش بیشتری کنند؛ درحالی که از دختران انتظار می رود برای کسب استقلال در حوزه های عاطفی، بیشتر کوشا باشند.

مردی که می خواهد مستقل باشد، باید استقلال مالی و فکری را باهم کسب کند؛ مثلاً مردی که از نظر مالی به خانواده خود یا همسرش وابسته است، خواه ناخواه مجبور است رأی و نظر آن ها را در تصمیماتش در نظر بگیرد و چه بسا به طور کامل هماهنگ با آن ها عمل کند. پسری که حتی برای رستوران رفتن یا خرید هدیه ای برای همسرش، روی پول خانواده اش حساب می کند، هرگونه اظهار نظر اطرافیان را نوعی دخالت و مَنّت محسوب می کند و در جاهایی هم که صحبت های آن ها نابجا

باشد، مجبور است به اظهار نظرشان توجه کند. البته همیشه انسان به راهنمایی و مشورت بزرگ ترها، به خصوص پدر و مادر نیازمند است؛ ولی وقتی استقلال مالی نداشته باشد و پدر و مادر از روی لطف و مهربانی او را حمایت کنند، طبیعی است که انتظار بیشتری دارند فرزندشان مطابق خواست و نظر آن ها عمل کند؛ همچنین اگر دختری از نظر عاطفی به شدت به بستگانش وابسته باشد، خواه ناخواه نظرهای آن ها بر رأی و اندیشه او سایه خواهد انداخت و این موضوع ممکن است باعث ایجاد تعارض بین او و همسرش شود که برای زندگی مشترک مفید نیست.

درونی بودن استقلال

نکته درخور توجه این است که استقلال واقعی در ذهن و درون فرد شکل می گیرد؛ به طوری که اوضاع محیطی و مؤلفه های خارجی نمی توانند به خودی خود تعیین کننده میزان استقلال او باشند؛ مثلاً نوجوانی که می گوید: «من می خواهم مستقل شوم؛ اما پدر و مادرم دوست ندارند و اجازه نمی دهند»، در همین سخنش، به نوعی اعلام می کند که به والدینش وابسته است. طبیعتاً استقلالی که به وجود آمدنش نیازمند اجازه دیگران است، استقلال نیست. استقلال باید در درون فرد به وجود آید؛ در این صورت، حتی عروسی که با خانواده همسرش زندگی می کند، می تواند استقلال خود را حفظ کند.

استقلال به معنای بریدگی نیست؛ به معنای لجاجت یا بی نیاز دانستن خود از رأی و نظر دیگران هم نیست. نباید به بهانه استقلال، با اطرافیان قطع ارتباط کنیم و به تجارب ارزشمند آنان بی توجه باشیم یا از پذیرش حمایت های آنان امتناع کنیم. در صورت چنین رویکردهایی معلوم می شود که هنوز به رشد فکری مطلوب نرسیده و جایگاه صحیح استقلال را نشناخته ایم.

اگر شخصی خواست به نوعی شما را حمایت کند، بر رد کردن آن اصرار نداشته باشید. اگر واقعاً حمایت بی منتی است و آثار بدی به دنبال ندارد، حمایتش را بپذیرید؛ مثلاً اگر پدری بخواهد به پسرش کمک مالی کند، بهتر است که پسر حمایت پدر را بپذیرد؛ اما باید مراقب باشد که متکی به حمایت های مالی او نشود؛ یعنی نباید فقط به حمایت های پدر و مادر و اساساً خانواده خود و همسرش امید داشته باشد؛ بلکه باید به گونه ای برنامه ریزی کند که بدون حمایت های آن ها نیز بتواند زندگی اش را اداره کند.

مکمل استقلال

استقلال یک ضلع از مثلثی است که با دو ضلع دیگر مسئولیت پذیری و استفاده از تجارب دیگران کامل می شود. ادعای کسی که می گوید مستقل است، اما احساس مسئولیت ندارد، واقعی نیست؛ مثلاً فرزندی که از خانه فرار می کند، فرزند مستقلی نیست؛ اما فرزندی که با

احساس مسئولیت و استفاده از تجرب سایرین، برای خودش کاری پیدا می کند و خود را از زیر بار حمایت های مالی خانواده خارج می کند، به استقلالی حقیقی دست یافته است.

روش های عمومی کسب استقلال

1. تقدم در مشورت گیری

تقدم جویی در مشورت، یکی از راه های حفظ استقلال و به حداقل رساندن دخالت خانواده هاست. استقلال به این معنا نیست که نگذاریم دیگران نظر بدهند. «هر فرد هنگام ازدواج، با یک شبکه جدید فامیلی که مهم ترین آن ها خانواده همسر است، ارتباط برقرار می کند. در این شبکه ارتباطی، با پابندی به تفاهم و حسن ظن و اعتماد، می توان بستر مناسبی برای رسیدن به پیوندهای ارتباطی مطلوب به وجود آورد. در این میان، به کارگیری اصل مشورت باعث به وجود آمدن جمعیتی صمیمی و متعادل می شود.»⁽¹⁾

اگر عروسی زیرک باشد و زودتر از آنکه مادرشوهرش اظهار نظر کند، از او بپرسد که برای فلان مهمانی، کدام لباس برازنده تر یا کدام غذا مناسب تر است، هم نظر او را جلب کرده است و هم محبتش را. از طرفی، چون خودش در نظرخواهی پیش قدم شده است، از اظهار نظر مادرشوهرش نیز ناراحت نمی شود و علاوه بر آن، می تواند در این بین، نظر خود را هم بگوید

ص: 34

1- نک: جواد محدثی، راه زندگی: الفبای سعادت خانواده، ص 41.

و با هم فکری و استفاده از تجربه او به نتیجه برسد.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «برترین کسانی که با آنان مشورت می کنی، صاحبان تجربه ها هستند.» (1)

همچنین بهره مندی از اندیشه و تجربه و مشورت بزرگان، برکت است؛ چنان که در کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «برکت و خیر [همراه] با بزرگان شماس است.» (2)

اگر در مشورت خواستن پیش دستی کنید، ابتکار عمل را خود به دست می گیرید و از موضع انفعال خارج می شوید. آن هایی که بجا و در زمانی که لازم است، مشورت می کنند و بعد، خودشان تصمیم می گیرند، در مقایسه با دیگران استقلال بیشتری دارند.

درحقیقت، درصورت مشورت با خانواده همسر، اعلام می کنید که نظر آن ها برایتان مهم است؛ اما تصمیم نهایی برعهده شخص شماس است. وقتی شما به پدر همسرتان می گوئید که علاوه بر او با پدر و برادرتان نیز مشورت کرده اید، نامحسوس او را به این باور می رسانید که شما رایزنی می کنید تا به بهترین تصمیم برسید؛ اما ممکن است نظر او بهترین نظر نباشد؛ درنتیجه شما ملزم به عمل کردن به نظر او نیستید. چنین رویکردی، ضمن ایجاد فرصت استفاده از فکر دیگران، بازدارنده دخالت های آن ها و درعین حال، عامل حفظ استقلال فرد است.

2. مواجهه مناسب با اظهار نظرهای دیگران

حالا اگر کسی پیش قدم شد و قبل از نظرخواهی ما نظری داد چه؟ در مواجهه با این اتفاق نباید لجاجت کنیم و جبهه بگیریم؛ بلکه باید با

ص: 35

1- علی بن محمد لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 123.

2- حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 8، ص 394.

ظرفیت بسیار و آرامش، نقدها و نظرها را بشنویم. شنیدن نظر دیگران ظرافت هایی دارد. اگر پدر یا مادر شما نکته ای را گوشزد کردند، بهتر است چنین جمله ای را بیان کنید: «نکته مهمی را گفتید. چشم. با همسرم صحبت می کنم تا ببینیم باید چه کار کنیم. ان شاءالله سعی می کنیم اجرا کنیم.» توجه کنید که با پاسخی مشابه آنچه در بالا بیان شد، هم به آن ها احترام گذاشته اید و هم به نحوی شایسته تفهیم کرده اید این شما و همسران هستید که باید تصمیم نهایی را بگیرید.

درحقیقت ظرافت های گفتاری و رفتاری، همان لحن دل نشین کلام و آرامش شما در مواجهه با نظر دیگران است که استقلال شما را تأمین می کند؛ در غیر این صورت، ممکن است مجبور شوید در جبران رفتار بدی که داشته اید، برای به دست آوردن دل شخص مقابل، دست از خواسته خود بکشید و نتیجه عکس به دست آورید؛ بنابراین سعی کنید از مجادله کردن پرهیزید. انسان های مستقل اهل مجادله نیستند. البته باید به این نکته پراهمیت توجه داشته باشید که پدر و مادر خود و همسران در دوران و وضعیتی متفاوت رشد کرده و تربیت شده اند و این تفاوت، در نوع تفکر و توقعات آن ها اثر می گذارد و نظر آن ها می تواند مکمل نظر شما باشد؛ بنابراین سخنانشان را با دل و جان بشنوید و در جای خود، تحسینشان کنید؛ آنگاه اگر از نظر شما مساعد بود، بپذیرید و اگر هم نبود، جدل نکنید و به نرمی از آن عبور کنید.

در کلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «باتقوا ترین مردم کسی است که کشمکش را رها کند؛ اگرچه حق با او باشد.»⁽¹⁾

همچنین امیرالمؤمنین

ص: 36

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 21.

علی (علیه السلام) در تعبیری دیگر فرموده اند: «کسی که با بستگانش متواضع و نرم خو و بامحبت باشد، دوستی شان را برای خویش همیشگی خواهد ساخت [و حتی اگر آنان از راه راست منحرف شده باشند، امکان به راه آوردنشان وجود خواهد داشت]»⁽¹⁾

چگونگی کسب استقلال در خانواده های مختلف

نوع ارتباطی که خانواده با شما برقرار می کند، می تواند زمینه ساز استقلال باشد یا برعکس زمینه دست یابی به استقلال را محدود کند. اگر زن و شوهر بتوانند نقش های نادرستی را که ممکن است خانواده های آنان به خود بگیرند، شناسایی و از آن ها پرهیز کنند و از سوی دیگر، جنبه های مثبت و امتیازهای بزرگی را که حضور خانواده طرفین می تواند داشته باشد، بشناسند و تقویت کنند، ارتباطات آن دو با خانواده هایشان به مطلوب ترین شکل ممکن می رسد. پدر و مادر در هر وضعی که باشند، وقتی می توانند «محور وحدت» در بین اعضای خانواده باشند که شأن آنان توسط فرزندان شناخته شده و مطابق آن شأن و جایگاه، محترم بوده و از آن ها اطاعت شده و در برابرشان متواضع باشند. ارتباط

خانواده ها با دختر و پسر و عروس و دامادشان ممکن است چهار گونه متفاوت باشد: ارتباط مداخله گر، ارتباط رهاکننده، ارتباط حمایتی وابسته پرور و ارتباط حمایتی استقلال بخش. قطعاً هر کدام از این رویکردها، واکنشی متناسب با خود را می طلبد تا بتوان با تنش های کمتری به استقلال رسید.

ص: 37

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه 23.

گونه اول، «ارتباط مداخله گر» است؛ یعنی همان دخالت های نابجایی که نهایتاً به اختلاف های خانوادگی و مراجعات فراوان به مشاوران و احیاناً طلاق می انجامد. چنانچه والدین در تصمیم گیری های فرزندشان بیش از حد دخالت کنند، او باید به صورتی مؤدبانه و زیرکانه، آنان را متوجه رفتار درست کند و در غیر این صورت، مجاز به حرف شنوی از پدر و مادر نیست؛ همچنین مجاز به تقابل هم نیست؛ یعنی باید بدون تقابل، سعی کند زمینه ورود آن ها را به حیطه های مدنظر ایجاد نکند یا به صورتی زیرکانه موضوع بحث را عوض کند.

بهتر است نقش پدر و مادر را به نقش مشورت دهنده تبدیل کنید. برای این کار، باید بدون جبهه گیری به آن ها نشان دهید که مطالب و دغدغه هایشان را به خوبی درک کرده و در تصمیمتان مدنظر قرار خواهید داد. در این صورت، استقلال خود را حفظ کرده و خیلی مؤدبانه آن را به دیگران فهمانده اید. دقت کنید که اگر به کل خواسته های آن ها بی توجهی کنید، این روش دیگر جواب نخواهد داد؛ بنابراین سعی کنید بخشی از حرف های آنان را که آسیب جدی به برنامه هایتان نمی زند، در عمل اجرا کنید. این را هم بدانید که پدر و مادرها تجربه بیشتری دارند و ایراد عمده جوانان این است که از این تجربه ها استفاده نمی کنند و می خواهند همه چیز را خودشان تجربه کنند؛ غافل از اینکه خیلی از این تجربه ها گران به دست می آید و چه بسا ضربه ای جبران نشدنی در زندگی ایجاد می کند. حواستان باشد: وقتی مشورت مفید آن ها را مدنظر قرار نمی دهید و شکست می خورید، از آن به بعد،

خام و یک دنده شناخته خواهید شد و دیگران به خود حق می دهند که در زندگی شما دخالت کنند.

چگونگی مواجهه با والدین رهاکننده

گونه دوم رفتار خانواده ها، ارتباط «رهاکننده» است که در آن، والدین فرزندشان را رها کرده و در قبال مسائل او بی تفاوت اند و در قبال آن ها مسئولیتی احساس نمی کنند. در این وضعیت، توصیه می شود به جای اینکه با خانواده درگیر شوید، از زمینه پیش آمده برای استقلال بیشتر استفاده کنید و مواظب باشید با اشتباهات خود، این فرصت را از دست ندهید.

خیلی از اوقات والدین به این دلیل فرزندانشان را رها کرده اند که ازدواج آن ها را به صلاحشان نمی دانسته اند و به نظرشان، پایان خوشی ندارد. حال، اگر شما شخصاً به این انتخاب رسیده اید، باید مسئولیت کامل انتخاب خود را بپذیرید و با گذشت و همدلی مضاعف، به حفظ زندگی تان

بپردازید: زندگی ای که از حمایت اطرافیان محروم است. به شرط پختگی، زودتر استقلال خواهد یافت و اگر خامی کنید، به سختی حفظ می شود.

در این موقعیت، باید بسیار بادقت به این نکات عمل کنید:

* سعی کنید در زندگی خود با مشورت دیگران تصمیمات پخته بگیرید و زمینه سرزنش را در اختیار خانواده ها قرار ندهید.

* وقتی نتوانستید اختلاف بین خود و همسران را حل کنید، از والدینتان انتظار کمک نداشته باشید؛ در عوض، حتماً از مشاوران امین و پخته استفاده کنید تا بتوانید در اولین فرصت، مشکل پیش آمده را حل کنید.

* در این مواقع، هردو نفر باید بیش از پیش از همدیگر پشتیبانی کرده و زندگی تان را محکم حفظ کنید؛ برای این منظور، اشکالات یکدیگر را بپذیرید و برای حفظ و زندگی ای که انتخاب کرده اید و حمایت از آن، بیش از دیگران از خطاهای یکدیگر گذشت کنید.

* چیزهایی را که در زندگی نیاز دارید، به آن ها اعلام نکنید تا به شخصیتتان آسیبی وارد نشود و محبت بینتان خدشه دار نشود.

* ارتباط عاطفی و رفت و آمدهای معمولتان را با خانواده ها و اقوام حفظ کنید تا از آن ها جدا نشوید. قطع رابطه و قطع رحم به هیچ وجه به نفع شما نیست و عوارض بدی دارد.

* در این وضعیت، درگیر شدن با والدین در هر موضوعی که باشد، به هیچ وجه به صلاح شما نیست و هرگونه درگیری، فاصله شما را از خانواده تان زیاد می کند.

چگونگی مواجهه با والدین وابسته پرور

اشاره

گونه سوم مواجهه پدر و مادرها، رفتار «حمایتی وابسته پرور» است که در آن، والدین برخلاف گونه قبلی، از فرزندان خود به طور کامل حمایت می کنند. این والدین سختی هایی را که زندگی برای فرزندشان به وجود می آورد، به جان می خورند و صرفاً شیرینی های زندگی را در اختیارش قرار می دهند. این کار، گاهی از روی دلسوزی است و گاهی به این دلیل که فرزندشان را آماده مواجهه با سختی ها نمی بینند. این فرزندان، برخلاف فرزندان گروه قبلی، کمترین زمینه را برای حفظ استقلال در اختیار دارند.

ص: 40

این گروه، دچار آسیب های جدی در فرایند اجتماعی شدن (1) هستند؛ به طوری که توقعات زیادی از دیگران دارند و زیر بار مسئولیت های خودشان نمی روند. اگر شما یکی از این افراد باشید و احیاناً قبول کنید که به تغییر نیاز دارید، باید این الگوهای فکری و رفتاری را که در ادامه می آید، پیگیری کنید:

1. پذیرش سختی ها

باید این واقعیت را بپذیرید که زندگی سختی های زیادی داشته و والدین شما نگذاشته اند آن ها را تجربه کنید. قطعاً دیر یا زود با سختی های بیشتر و البته پیچیده تری روبه رو خواهید شد که خانواده ممکن است نتواند در آن موقعیت ها به شما کمک کند؛ بنابراین لازم است از الان خود را آماده پذیرش این سختی ها کنید. علاوه بر این، توجه داشته باشید که استقلال و پیشرفت و تجربه انسان در دل همین سختی ها به دست می آید و لذت های زندگی نیز در پس این سختی ها به مراتب شیرین تر خواهد شد.

شما باید «مواجهه مستقیم اجتماعی» را تجربه کنید و از والدینتان بخواهید در سختی ها کمی از حمایتتان دست بکشند تا بتوانید خودتان مشکلات را تجربه کنید. در این مواقع، تلاش کنید راه حلی برای مشکلاتتان بیابید و آن را به نحوی شایسته حل کنید.

ص: 41

1- به شکل گیری خصوصیات و رفتار فرد تحت تأثیر آموزش هایی که محیط اجتماعی فراهم می کند، «Socialization» گویند.

2. پرهیز از دریافت حمایت های والدین

به هر بهانه ممکن، از حمایت والدینتان دور شوید؛ مثلاً اگر می خواهند خرید مایحتاج خانه شما را برعهده بگیرند، مودبانه به آن ها بگویید: «برای من زشت است پدر و مادرم نیاز خانه ام را تأمین کنند.» اگر گفتند: «ما آنچه لازم بوده است، خریده ایم. بیا خودت ببر که جلوی همسرت زشت نباشد»، بااحترام بگویید که منظورتان این است که برای شخص شما زشت است؛ چون شما مرد شده اید. اگر مادرتان می خواهد هرچند روز یک بار، برای تمیز کاری و رسیدگی به کارهای خانه شما، پیشتان بیاید، قبل از آمدنش همه چیز را مرتب کنید و بگویید: «لطفاً دست به چیزی نزید تا خودم مرتبشان کنم. من دیگر خودم یک زن هستم، مثل شما.»

3. پیش دستی در حمایت از والدین

پیش از اینکه والدینتان کارهای حمایتی را آغاز کنند، شما پیش قدم شوید. می توانید بعد از ازدواجتان به پدر و مادرتان کمک کنید و طوری از خودتان شایستگی نشان دهید که آن ها را به تعجب وادار کنید. وقتی شما با لیاقت عمل کنید و نشان دهید که می خواهید یا می توانید بخشی از کارهای خانه پدری تان را هم برعهده بگیرید، زمینه خوبی را برای استقلال خودتان فراهم کرده اید. در این صورت، کمک های آن ها نوعی همدلی و همکاری محسوب می شود و وابسته پروری نیست.

گونه چهارم ارتباط والدین با فرزندان، یعنی رفتار «حمایتی استقلال بخش»، شامل حمایت های عاطفی و فکری و حتی مالی سنجیده است؛ به طوری که به تدریج به استقلال فرزندان منتهی شود. پدر و مادرهایی که محبت و عواطف خود را مدیریت کرده و خیلی از کارها را برای فرزندشان انجام نمی دهند، بسیار عاقلانه رفتار کرده و شایسته تقدیرند؛ چون سعی می کنند فرزندشان رفاه زده و وابسته بار نیاید تا بتواند روی پای خودش بایستد. این کار ممکن است در ابتدا باعث ذهنیت منفی و دلخوری فرزندان شود، اما آن ها باید بدانند که این روش برای استقلالشان بسیار سودمند است. در

این مواقع، فرزند نباید حمایت های والدین را وظیفه آن ها بداند؛ بلکه باید قدرشناس بوده و به گونه های مختلف، درصدد جبران این حمایت ها برآید؛ مثلاً با مشورت کردن با آن ها سعی کند ضریب خطا و شکست خود و نارضایتی آن ها را کاهش داده و اعتماد والدین به خودش را تقویت کند. از طرفی باید مراقب باشد که به حمایت آن ها عادت نکند و توقع ادامه و افزایش آن را نداشته باشد تا باعث وابستگی اش نشود و خود نیز تلاش کند و خلاقیت فکری داشته باشد.

خانه پدری یا مسکن مستقل؟

اگر پسری در نظر دارد پس از ازدواج در خانه پدری زندگی کند، الزاماً در جلسات خواستگاری باید این مطلب را بگوید. اگر دختر نیز به دلایلی، به دنبال زندگی مستقل است و به هیچ وجه زندگی با خانواده همسر

را نمی‌پسندد، باید این مطلب را در جلسه‌خواستگاری بیان کند. چنانچه این بحث‌ها در جلسات خواستگاری مطرح نشود، اگرچه از نظر حقوقی، تأمین و تعیین مسکن با مرد است، باز هم بهتر است در این زمینه، نه دختر و نه پسر، بر خواسته‌خود اصرار نکنند و متناسب با موقعیت خویش و ضمن در نظر گرفتن مطالب پیش‌رو به تفاهم برسند:

* در ابتدای زندگی که احتمالاً شرایط اقتصادی پسر مناسب نیست، زندگی در خانه پدری بسیاری از هزینه‌های زوج را کاهش خواهد داد: هزینه‌های مهمی مثل اجاره بها و هزینه‌های تعمیر و نگه‌داری منزل و برخی هزینه‌های جاری. علاوه بر این سختی‌های اجاره نشین بودن، مثل تمدید مدت اجاره و اضافه شدن اجاره بها، بد اخلاقی و ایرادگیری‌های احتمالی صاحب خانه‌ها، جابه‌جایی‌های هرساله، هزینه‌های نقل مکان و تخریب وسایل جهیزیه بر اثر اثاث‌کشی، نگرانی‌های مهمی است که معمولاً با بودن در خانه پدری موضوعیت پیدا نمی‌کند.

* خانه محلی برای آرامش است؛ بنابراین اگر برای تشکیل زندگی مشترک، بین سکونت در خانه پدری یا خانه مستقل مردّد مانده‌اید، تنها ملاک‌تان آرامش باشد. در این زمینه، صرفاً به جنبه‌های اقتصادی آن فکر نکنید؛ بلکه بسنجید در کدام محل، آرامش بیشتری خواهید داشت! آرامش شما در گرو استقلال شماست و مسکن، مولّفه‌ای مهم برای استقلال است؛ پس به شرطی خانه پدری مناسب است که به استقلال شما آسیب نزند.

* حفظ حرمت پدر و مادر واجب است. گاهی ممکن است ماندن در خانه پدر، درگیری‌ها و مشکلاتی را پیش بیاورد که آرامش شما و همسر

و والدینتان را تهدید کند. در این باره بسیار سنجیده عمل کنید. قبل از هر اقدامی، ظرفیت همسر و خانواده خود را به درستی بسنجید تا رنجشی پیش نیاید و حرمتی شکسته نشود. گاهی افراد به سبب دلتنگی والدین، از زندگی در خانه مستقل صرف نظر می کنند؛ ولی بعد از گذشت چند سال، به خاطر حفظ حرمت آن ها مجبور به ترکشان می شوند.

* اگر در خانه پدری زندگی می کنید، بهتر است سهم خودتان را از هزینه های مشترک بپردازید. اصلاً نگاه دائمی به این خانه نداشته باشید؛ حتی اگر از بودن در آن، کاملاً احساس رضایت دارید. چنین نگاهی شما را از توانمندی مالی و استقلال اقتصادی در آینده دور می کند.

* نکند به علت نداشتن اعتماد به نفس، ترجیح دهید که در خانه پدر و مادران زندگی کنید! گاهی زوجین به سبب ناتوانی در تأمین نیازهای عادی خانه که تا قبل از ازدواج، برعهده پدر و مادرشان بوده است، تصمیم به چنین اقدامی می گیرند یا احساس می کنند به خوبی از پس حوادث و مشکلات احتمالی که ممکن است برای هر خانواده ای پیش آید، برنخواهند آمد. هراس از چنین وقایعی و در نتیجه، اصرار بر ماندن در خانه پدر، چه از جانب والدین باشد و چه از جانب فرزندان، بسیار نابجا و خطرناک است. به کارهای جزئی بپردازید تا کم کم خودکارآمد شوید. مهم این است که شما مسئولیت را برعهده بگیرید، نه اینکه بی خیال باشید یا ندانید چه باید کرد! در هر حال، وقتی مسئولیت را برعهده گرفتید، راهی برای آن پیدا خواهید کرد: یا خودتان دست به کار می شوید یا از فرد دیگری کمک خواهید گرفت.

* گاهی برخلاف نکته های پیش گفته، شما به دلایلی مانند ازدنیارفتن پدر یا مادر یا ناتوانی یا کهولت آن ها، وظیفه خود می دانید که در خانه پدری تان زندگی کنید. اگر پیش از ازدواج، این موضوع را با همسر آینده خود مطرح نکرده اید، باید بتوانید او را با زبان خوش متقاعد کرده و با خود همراه سازید. اگر این همراهی اتفاق نیفتاد، از فرد فهمیده و باتجربه ای که شما و همسرتان به او اعتماد دارید، کمک بگیرید؛ ضمناً تلاش کنید حمایت هایتان از والدین به گونه ای باشد که تدریجاً وابستگی آن ها به شما کمتر شود. (1)

* گاهی خانه مشترک به گونه ای است که حمام آن نیز مشترک است یا اتاق های آن بسیار به هم نزدیک است. چنین وضعیتی بسیار مشکل آفرین است و این مشکلات، بیش از همه باعث تشدید نارضایتی می شود؛ چون به علت محدودیت های موجود،

ص: 46

1- پسری نزد من آمده بود و می گفت دختری را عقد کرده است و می خواهد مراسم عروسی برپا کند؛ اما مادر پیر هفتادساله ای دارد که بسیار به او وابسته است و نمی تواند او را دل شکسته رها کند و زندگی مستقلی تشکیل دهد. به او گفتم که چون فاصله سی تی مادرش با همسرش زیاد است، این وضعیت ممکن است برای هردوی آن ها مشکل آفرین باشد؛ بنابراین باید به دنبال بهانه ای باشد تا از مادرش جدا شود. از او پرسیدم که خانه شان چه وضعی دارد؟ پاسخ داد: «بسیار قدیمی است و باید از نو ساخته شود.» گفتم: «اگر اکنون مادرت از رفتن تو دل شکسته می شود، ممکن است بعدها به خاطر مشکلاتی که پیش خواهد آمد، بیش از پیش رنجیده شود؛ از این رو، اینکه خانه تان باید دوباره ساخته شود، بهترین بهانه است. این موضوع را با خواهر و برادرهایت نیز در میان بگذار. مادر را به یکی از خواهرها که واحد مسکونی اضافه دارد، بسپار و هم زمان با ساخت و ساز خانه، مراسم عروسی را برگزار کن. در چنین حالتی، اوضاع از هر نظر برای استقلال تو و همسرت آماده است؛ البته هوای مادرت را هم داشته باش؛ مثلاً با همسرت توافق کن که روزهایی از هفته و حتی گاهی اوقات، شبی را نزد مادرت بمانی.»

زن و مرد، بهره کمتری از روابط عاشقانه و لذت های عاطفی در زندگی مشترک می برند؛ در نتیجه، زمینه ناسازگاری شان به وجود آمده و این امر، سبب بروز ناراحتی های دیگری بین زن و شوهر می شود. (1)

* گاهی خانواده دختر، به دامادشان پیشنهاد می کنند که زندگی را در کنار آن ها آغاز کند. اگر هیچ گونه امکانی برای تهیه مسکن به نحوی دیگر نباشد، می توانید از این راه استفاده کنید؛ اما در نظر بگیرید که این مسئله هرچند کمک مالی مناسبی در ابتدای زندگی است، درعین حال ممکن است به همان میزان، استقلال و عزت نفس شما را نیز تهدید کند؛ پس به غیر از مواقع خاص، بهتر است از پذیرفتن این پیشنهاد صرف نظر کنید. البته این موقعیت خاص ممکن است مربوط به نیاز ضروری خانواده عروس نیز باشد و در این صورت، مشروط به این است که خاطر جمع باشید فضای فرهنگی و ارتباطی آن ها به گونه ای است که می توانید در کنار هم زندگی کنید و تنش خاصی در زندگی تان ایجاد نمی شود.

ص: 47

1- پسری به من مراجعه کرد و انواع مشکلات با همسرش را برای من برشمرد. از او خواستم که خانه شان را برایم توصیف کند. او گفت که از اول زندگی، همراه با والدینش در خانه ای زندگی می کنند که حمام آن مشترک است. گفتم: «باین اوصاف، هیچ وقت فرصتی برای همسرت نبوده است که انتظارات تو را برآورده کند. طبیعی است که این زن دل مرده باشد و حتی به ظاهر خودش نیز توجهی نداشته باشد.» به او توصیه کردم که حتی اگر مجبور به گرفتن قرض و وام هم باشد، حتماً یک اتاق اجاره ای برای خود و همسرش فراهم کند و مطمئنش کردم که در این صورت، بسیاری از مشکلاتشان حل خواهد شد. توجه داشته باشید که این کار به معنای بُریدن از پدر و مادر و کم توجهی به آنان نیست. این پسر می تواند نزدیک به آن ها منزلی اجاره کند که هم از زندگی خود، بهره بیشتری ببرد و هم به والدین خود به اندازه لازم توجه کند. او همین کار را کرد و خوشبختانه مشکلات پیچیده زندگی اش، یکی پس از دیگری حل شد و حالا احساس رضایت و خوشبختی دارد.

معایب:

- زمینه سازی دخالت والدین

- محدودیت در روابط عاشقانه

- زمینه بیشتر برای تنش

- تأخیر در کسب استقلال

مزایا:

- کمک به والدین و حمایت از آن ها

- رهایی از دغدغه های اجاره نشینی

- کاهش هزینه های زندگی

- آسیب ندیدن جهیزیه

ترازوی آرامش؛ حفظ حرمت والدین و رفاه همسر

ص: 48

اشاره

حفظ حقوق والدین و رعایت احترام آن ها مربوط به همه زمان هاست. شما قبل و بعد از ازدواج، فرزند خانواده پدری تان هستید و همسر تان هم فرزند خانواده اش است؛ بنابراین از همسر تان نخواهید از انجام وظایفش در قبال پدر و مادرش کوتاهی کند؛ همان طور که خود نیز نباید چنین کنید. «ارج نهادن به والدین نشانه حیات عاطفی و رشد عقلی و وظیفه شناسی در قبال یک عمر زحمت و جان فشانی و رنج کشیدن های بی توقع و بدون چشمداشت آنان است»⁽¹⁾.

از طرفی هم، مواظب باشید رسیدگی به والدین، شما را از وظایف همسری تان دور نکند. درباره رسیدگی به خانواده ها چند زمینه آسیب زا وجود دارد:

1. کم توجهی

ارتباط همسران جوان نباید به گونه ای باشد که به پدر و مادر، کم توجهی یا بی توجهی شود. این گونه رفتارها باعث می شود پدر و مادر به همسر فرزندشان حساس شوند؛ مثلاً مادری که می بیند قبلاً پسرش هر وقت به مسافرت می رفته یا به دلایل مختلف از او دور می شده، مرتب تماس می گرفته است و حالا هر چند روز یک بار تماس

ص: 49

می گیرد، درحالی که هرروز باهمسرش در تماس است، احساس می کند وجود این خانم، عامل بی توجهی به او شده است. همین عامل به خودی خود، زمینه نگرانی بین مادر و همسر را فراهم می آورد که برای زندگی آسیب زاست.

به طور خاص،

فرزندان افراد سال خورده باید مواظب باشند که بعد از ازدواج، به والدین خود بی مهری نکنند؛ چراکه آن ها احساس ناایمنی و اضطراب و حقارت خواهند کرد و ازطرف دیگر باید مراقب باشند حمایت بیش از حد، احساس اتکا و وابستگی آن ها را تشدید می کند. همچنین نباید توجه به پدر و مادر موجب کم توجهی به همسر شود.

غالباً بچه ها به مادر خود نزدیک ترند و احساسی که مادر از دوری فرزند یا ازدواج او تجربه می کند، باعث می شود تا در مدت زمانی که هنوز به این جدایی عادت نکرده اند، بهانه جویی کند و همین امر، زمینه اختلاف شود. راه حل این مسئله نیز چیزی جز تحمل این دوران و گذشت زمان نیست.

2. رفتار حسادت برانگیز

مادر برای فرزند در هر دوره سنی زحمات زیادی می کشد تا بزرگ شود و بتواند روی پای خود بایستد. زمانی که دیگر وقت ثمردهی و جبران آن زحمات می رسد، خانمی از راه رسیده و با ازدواج با فرزند، توجهات و رسیدگی های آن پسر را معطوف خود می کند. طبیعی است که در این شرایط زمینه بروز ناراحتی هایی از جانب مادر فراهم می شود. پسری که تا قبل از ازدواج، همه هم و غمش به مادر تعلق داشت یا هنگام مسافرت روزی چندبار به مادر زنگ می زد، اکنون که ازدواج کرده است، به گونه دیگری عمل می کند. به طور طبیعی اگر دختر در این زمینه، توجه و دقت لازم را نداشته باشد،

ص: 50

حضورش می تواند تنش های زیادی را برای مادرِ همسرش به وجود بیاورد.

ازطرفی دختر با هزار امید به پسر بله می گوید و با او ازدواج می کند و انتظار دارد محبت هایی که تا امروز از پدر و مادر دریافت کرده است، در رفتار همسرش هم ببیند. ازسوی دیگر، باورِ غلطی در برخی از دختران هست که توجه همسر به خانواده اش، به معنای بی توجهی به آن هاست و این باور، آنان را به مقابله با خانواده شوهر وامی دارد؛ همین امر باعث می شود که از آغاز زندگی مشترک، آگاهانه یا ناآگاهانه طوری رفتار کنند که مرد از خانواده اش فاصله بگیرد.

بعد از ازدواج، اگر هنوز توجه و ذهن پسر درگیر پدر و مادرش باشد، زمینه های ناراحتی برای دختر فراهم می آید؛ ازاین رو باید مراقب باشد که رفتار خود را با والدین و همسرش درست مدیریت کند. طبیعی است توجه یا ابراز محبت شدید به یکی از طرفین، مثلاً از مادر جلوی همسر یا برعکس زیاد تعریف و تمجید کند، باعث حساسیت و گاهی حسادت طرف مقابل می شود.

3. دخالت های بیجا در ارتباط همسر با خانواده اش

در سطح بهتر، زن یا شوهر باید تسهیل کننده رابطه همسر خود با خانواده اش باشد. همچنان که ما به حریم شخصی همسرمان توجه می کنیم، باید به حریم خانوادگی او نیز توجه داشته باشیم؛ مثلاً رابطه زن با برادرش یا رابطه مرد با مادرش در محدوده حریم خانوادگی آن هاست و درعین صمیمیت و یگانگی، هیچ یک از زوجین حق

مداخله یا تجسس در این روابط را ندارند؛ بلکه هر نفر باید به دیگری کمک کند تا بتواند با والدین یا خواهر و برادرانش ارتباط بهتری برقرار کند. البته اگر رابطه هریک از همسران با خانواده خودش، به زندگی مستقلشان لطمه وارد می کند، در درجه نخست، باید این رابطه مدیریت شود و حتی المقدور تعارضات کم شود. در این وضعیت، بهتر است با مراجعه به بزرگ ترها و افراد مجرب، تعارض ها بررسی شود. چه بسا رفتارهای غلط یا خام یکی از زوجین باعث این تعارض ها شده است!

به طور نمونه، فردی احساس می کند همسرش هروقت نزد خانواده خود می رود، توقعات بیشتری از او دارد یا از او دلسرد می شود؛ بنابراین اولین چیزی که به ذهن این فرد می رسد، این است که رابطه همسرش با آن ها را کنترل کند. این بهترین تصمیم نیست؛ چراکه این موضوع اساساً می تواند دو علت داشته باشد: یا آنکه رفتار او با همسرش واقعاً غلط است و والدین همسرش نکته ای درست را به فرزندشان گوشزد کرده اند یا توقعات بیش از اندازه خودشان را به این زندگی نیز تسری داده اند. طبیعی است که خود فرد به پذیرش بخش دوم، متمایل تر است و ایراد را از خودش نمی داند؛ بنابراین مشورت با بزرگ ترهای باتجربه و عاقل و بی طرف، کمک می کند که این مسئله را برای انسان روشن شود.

به هر حال، چنانچه معلوم شد ایراد از خود اوست، باید به دنبال اصلاح خود باشد و اگر معلوم شد که رابطه همسرش با خانواده اش رابطه ای مخرب است و اصلاح شدنی نیست، ضمن حفظ احترام به والدین و جلوگیری از قطع رحم، این رابطه را مدیریت کند. یکی از راه ها این است که بیشتر ملاقات های خانوادگی را با همدیگر انجام دهند

یا اینکه در فضاهای رسمی همدیگر را ملاقات کنند یا ملاقات هایشان کوتاه باشد تا زمینه صحبت های مخرب کمتر پیش آید.

تعاملات مالی با خانواده ها

اشاره

تعاملات مالی با خانواده ها را می توان در سه حالت دسته بندی کرد: 1. کمک والدین به فرزندان؛ 2. کمک فرزندان به والدین؛ 3. مشارکت مالی با خانواده ها.

1. کمک والدین به فرزندان

اشاره

جوان نباید از دیگران انتظار کمک داشته باشد؛ چراکه به استقلال او ضربه خواهد زد. از طرفی نباید کمک والدین را نیز وظیفه همیشگی آن ها بداند؛ بلکه باید آن را لطفی بداند که در صورت امکان و تمایل والدین، شامل حالش خواهد شد. به همین دلیل، کمک به زوج های جوان باید به گونه ای باشد که توقعی در آن ها ایجاد نکند. هر زندگی نوپا، به حد معقول و مطلوبی از استقلال و کارآمدی و عزت نفس نیاز دارد که کمک های مالی نادرست دیگران می تواند به این مؤلفه ها آسیب بزند.

پدر و مادر دانا هیچ گاه با کمک های مالی مستقیم، فرزندانشان را وابسته نکرده و زندگی فرزند را به زندگی خودشان گره نمی زنند. آن ها تلاش می کنند کمک هایشان، نامحسوس و نامنظم باشد که لطف مستمر به حقِ مُسلم تبدیل نشود.

ص: 53

مهم ترین نکته این است که شما نباید به طور خاص برای هزینه های جاری زندگی خود، روی حمایت والدین حساب کنید؛ مگر اینکه توانایی انجام هیچ نوع اشتغال و فعالیت اقتصادی را نداشته باشید که در این صورت، بهتر است مستمری مشخصی، از طرف پدر اختصاص یابد و زمان پایان آن نیز روشن باشد؛ البته بهتر آن است که والدین، این مستمری را برای کاری قرار دهند که موجب تجربه اندوزی و مهارت آموزی شما شود.

استغنا

محور مهمی که در تعاملات مالی با خانواده باید در نظر داشته باشید، این است که هر میزان خودتان را از دیگران بی نیاز کنید، به همان میزان توانمند و مستقل خواهید شد. این قاعده را به خاطر داشته باشید که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «مَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ.» (1) (کسی که اظهار بی نیازی کند، خداوند بی نیازش می کند.) در واقع، بی نیازی و غنا یک انتخاب است. شما می توانید خودتان را بی نیاز کنید. راهش این است که احساس نیازمندی به دیگران را از خودتان دور کنید. وقتی یاد گرفتید که خودتان باید نیازهایتان را برطرف کنید و نیازمند کمک دیگران نباشید، در واقع بی نیاز شده اید. در این موقعیت یاد می گیرید به اندازه نیازهای خودتان تلاش کنید؛ نه اینکه مقداری تلاش کنید و برای برطرف کردن باقی نیازهایتان، به امید کمک دیگران باشید.

ص: 54

یکی از صحابه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که فقر و تنگدستی بر او چیره شده بود، با مشورت و پیشنهاد همسرش تصمیم گرفت وضع خود را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شرح دهد و از آن حضرت پولی دریافت کند. با همین نیت نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت؛ ولی قبل از آنکه حاجت خود را بگوید، این جمله را از زبان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید: «هرکس از ما کمکی بخواهد، ما به او اعطا می کنیم؛ ولی اگر کسی بی نیازی بورزد [و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند]، خداوند او را بی نیاز خواهد کرد.» با خود اندیشید که مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او بوده است؛ بنابراین بدون اینکه چیزی به آن حضرت بگوید، به خانه برگشت.

همسرش با اطلاع از این مطلب گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز انسان است [و از نیت تو خبر ندارد]. برو و وضعیت فقرمان را به ایشان بگو [و کمکی دریافت کن]. مرد رفت؛ ولی دوباره همان جمله و قانون را از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که: «هرکس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می کنیم؛ ولی اگر کسی بی نیازی بورزد، خداوند او را بی نیاز می کند». این دفعه نیز بدون اینکه حاجت خود را بگوید، به خانه برگشت و چون خود را همچنان در چنگال فقر، ضعیف و بیچاره و ناتوان می دید، برای سومین بار به همان نیت به مجلس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و باز همان جمله را شنید.

آن صحابه فهمید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با این جمله منظوری دارند و باید کاری انجام دهد. تیشه ای قرض گرفت، به صحرا رفت، هیزم جمع کرد، فروخت و لذت حاصل از دسترنج خودش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا تدریجاً توانست از همین پول برای خود تیشه و حیوان و سایر لوازم کار را بخرد؛ سپس باز هم به کار خود ادامه

داد تا صاحب سرمایه و غلامانی شد. روزی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و ماجرا را تعریف کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تبسم کنان فرمودند: «به تو گفتم که هرکس از ما کمکی بخواهد، به او می دهیم؛ ولی اگر بی نیازی بورزد، خداوند او را بی نیاز می کند.» (1) این گونه مرد به بی نیازی رسید و خودش را توانمند ساخت.

از طرف دیگر وقتی ریشه نیاز از دیگران را از خودتان دور کنید، به اندازه درآمدی که دارید، هزینه خواهید کرد. این نیز مکانیزمی دیگر برای بی نیازی است. مدیریت کردن مخارج برای اینکه از دیگران طلب کمک نکنید، همان چیزی است که از آن به قناعت یا کفاف یاد شده است. (2) امام کاظم (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «کسی که به میزان کفایتش قناعت کند، می تواند اظهار بی نیازی کند و بی نیاز خواهد شد و کسی که به میزان کفایتش قناعت نکند، هیچ گاه طعم غنا و بی نیازی را نخواهد چشید.» (3)

بی نیازی حالتی درونی است که باید انتخابش کنید و بخش دوم این انتخاب، این است که به نیازهای خودتان اکتفا کنید تا بی نیاز شوید.

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است

با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است (4)

مزیت عمده اظهار بی نیازی و استغنا، کسب عزت نفس است. کسی که هیچ نیازی به دیگران ندارد، عزت نفس مطلوبی دارد و مانند

ص: 56

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 358 و 359.

2- نک: عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 391.

3- حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 388.

4- سروده محمدعلی صائب تبریزی، شاعر قرن یازدهم هجری.

سایر مردم با اتکا به نیروی خودش زندگی را اداره می کند؛ اما اگر پایه زندگی را بر کمک والدین بنا کردید، در واقع به فرزند بودن خودتان ادامه داده اید. حق بدهید که در این وضعیت، آن ها بگویند: «باید دور و برشان را گرفت: بچه اند دیگر!» مشخص است که همین مطلب، باب مداخله آن ها را به زندگی شما باز می کند.

2. کمک فرزندان به والدین

همان طور که در کودکی، پدر و مادر هزینه های فرزندشان را متقبل می شوند، زمانی هم که پدر و مادر نیازمند باشند، فرزند موظف است تا حد امکان به آن ها رسیدگی کند. اگر پدر و مادر نیاز به پرداخت های مالی داشته باشند، برعهده فرزندان است که این هزینه ها را بپردازند و این جزو حقوق و احکام قطعی در اسلام است. این قاعده به صورت ضرب المثلی در روایات اسلامی آمده و تکرار شده است که: «أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ»⁽¹⁾

(تو و دارایی ات، از آن پدرت هستی).

حمایت های فرزند از والدین باید به گونه ای باشد که حرمت و کرامتشان حفظ شود و احساس حقارت و زیردستی به آن ها دست ندهد؛ ازاین رو در تمامی کمک ها قبل از آنکه والدین رنج در خواست را تحمل کنند، خود فرزند باید پیش قدم شود. همچنین نیاز نیست همسر و فرزندان، از کمک های مالی انسان به پدر و مادر خبردار شوند؛ چراکه ممکن است ارزش والدین فرد در نظرشان کم شود و چه بسا مخالفت کنند و مانع شوند.

ص: 57

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 9، ص 718.

قدیمی ها می گفتند: «معامله با خودی غصه داره»؛ برای همین بهتر است تا حدّ ممکن، مشارکت اقتصادی یا معامله و خریدوفروشی با خانواده و بستگان خود یا همسران نداشته باشید؛ چراکه اختلاف و ناراحتی هایی که احیاناً در خلال هر معامله ای یا بعدازآن به وجود می آید، در روابط خانوادگی شما تأثیر خواهد گذاشت. به طور خاص، این نکته را در چند سال اول زندگی در رابطه با خانواده همسران رعایت کنید؛ چراکه هنوز با روابط و اخلاق اقتصادی آن ها آشنا نیستید و بروز اختلافات طبیعی در مسائل اقتصادی ممکن است به روابط زندگی نوپای شما ضربه جدی بزند.

معمولاً در معاملات، این انتظار وجود دارد که طرف مقابل به دلیل آشنایی و قربانی که با او دارند، از بخشی از حق و حقوق مالی اش صرف نظر کند؛ مثلاً فلان مقدار پول را نگیرد یا فلان هزینه را حساب نکند؛ درحالی که طرف دیگر، چنین انتظاری ندارد یا حداقل معتقد است که: «حساب، حساب است و کاکا، برادر.» گاهی نیز افراد، بعد از معامله احساس می کنند کالا یا خدماتی که دریافت کرده اند، آن گونه که باید، نیست و در حقشان اجحاف شده است. همین عوامل باعث ناراحتی و دلخوری و گلایه از طرف مقابل یا همسر او و درنهایت، اختلاف و تنش خانوادگی می شود.

در سال های اخیر، نمونه رایج در تعاملات مالی با خانواده همسر، تعاملی است که درباره وام ازدواج صورت می پذیرد. در حالت عادی، قاعدتاً هرکس باید سهم خودش را از این وام بردارد و اقساط آن را هم

پرداخت کند؛ ولی چنانچه یکی از طرفین به این مبلغ نیاز نداشت و خواست حَقِّش را به طرف مقابل بدهد، باید این اتفاق به طور کامل صورت پذیرد؛ یعنی پرداخت قسط و ضمانت و تحویل چک و سفته ها، همه برعهده همان کسی است که وام را دریافت می کند.

در جاهایی که پسر با پدر و برادرش مشارکت شغلی دارد، باید مراقب بود مسائل کاری به خانه کشیده نشود و البته همسر هم نباید درباره مسائل کاری پدر و فرزند و برادران نظر بدهد یا مداخله کند. اگر در این مشارکت ها شئونات رعایت شود، همان طوری که در بخش صلهٔ رحم اشاره خواهد شد، می تواند فرصت های اقتصادی خوبی را برای طرفین به وجود آورد.

بعضی اوقات پیش می آید که خانوادهٔ دختر می خواهند از داماد خودشان حمایت کنند. در این مواقع باید به نکات زیر توجه کرد:

* حمایت ها به گونه ای نباشد که استقلال و عزت پسر زیر سؤال برود؛ مثلاً این طور برنامه ریزی شود که قرض با واسطهٔ قرض الحسنه ها داه شود. برای نمونه، به اعتبار پولی که در قرض الحسنه یا بانک دارند، برای دامادشان وام بگیرند و داماد به قسط قرض الحسنه را بپردازد.

* نوع مشارکتی که می خواهند داشته باشند، کاملاً شفاف و دقیق بوده و با مشورت بزرگ ترها و افراد باتجربه تنظیم و حتماً مکتوب شده باشد.

* به خصوصیت های شخصیتی و فرهنگی طرف مقابل توجه کنید. بعضی ها اصلاً خوش معامله نیستند؛ هرچند در تعاملات خانوادگی خوب باشند. بعضی نیز وقتی به فردی کمک می کنند، منت گذاشته و به خود حق می دهند در کارهای دیگر او دخالت کنند. اگر چنین

زمینه هایی را دیدید، به این حمایت تن ندهید؛ هرچند حمایتی چشمگیر در کار باشد؛ زیرا به تلخی های بعدی اش نمی ارزد.

تعاملات خانوادگی در دوران عقد

دوران عقد، فرصت شیرین و مغتنمی است که زوج می توانند در دو جنبه از آن بهره گیرند: یکی تأمین نیازهای روحی و عاطفی و دیگری شناخت بهتر همسر و خانواده اش. این دو جنبه، به شرطی رخ می دهد که میزان ارتباط در دوران عقد، بنابر وضعیت و فرهنگ طرفین متعادل باشد: چنانچه زیاد از حد باشد، شیرینی و لذتش به تلخی و نگرانی سوق داده می شود و اگر کم باشد، نگرانی و ناراحتی ایجاد می کند؛ پس در این زمینه، تعادل، شرط اول است. از این شرط مهم که بگذریم، بایسته های دیگری هم وجود دارد که نباید از آن ها غفلت کنید:

1. در ارتباطات دوران عقد، باید بین «با هم بودن» و «با اطرافیان بودن»، تعادل برقرار کنید؛ هرچند بهتر است سهم بیشتری از زمان را به همسران اختصاص دهید. افراط و تفریط در این مسئله، این است که عمده وقتتان را در میان جمع یا برعکس در کنار همسران به تنهایی بگذرانید؛ درحالی که خانواده ها نیز دوست دارند در کنار شما باشند.

2. چنانچه خانواده ها محدودیت هایی داشتند که عروس و داماد احساس کردند نمی توانند باهم باشند، بهتر است به جای ناراحت شدن از این موضوع، همین فرصت های کم را غنیمت شمرده و کیفیت

ارتباطشان را بیشتر کنند؛ مثلاً اگر خانواده‌ها موافق نبودند که عروس و داماد، شب پیش‌هم بمانند، ساعت‌های روز را زیاد کرده و کیفیت ارتباط را تقویت کنند.

3. به تدریج هریک از عروس و داماد با خانواده‌ی خودش صحبت کند تا زمینه‌ی ارتباط بیشتر فراهم شود؛ حتی می‌توانید از کمک افرادی که حرف و نظرشان بر پدر و مادر تأثیر دارد، به طور شایسته و حساب شده‌ای استفاده کنید.

فضای مجازی هم می‌تواند این خلأ را به خوبی تأمین کند. از ابراز علاقه به همسران در فضای مجازی غافل نشوید. از فضای مجازی خیلی خوب می‌توان برای تقویت ارتباط‌های خانوادگی استفاده کرد، مثل ارتباط با پدر و مادر، خواهر و برادر، همسر و فرزندان.

4. درگیری‌های شغلی و تحصیلی شما، نباید آن قدر زیاد باشد که نتوانید از شیرینی دوران عقد بهره‌کافی ببرید. از طرف دیگر، مواظب باشید که دوران عقد، شما را چنان به خودش مشغول نکند که مسائل اساسی زندگیتان مثل شغل و تحصیل را تحت الشعاع خود قرار دهد.

5. وقت‌هایی که باهم هستید، چه در فضای خانوادگی و چه در فضای اجتماعی، مواظب ابراز محبت‌های خودتان در جمع باشید. بعضی از ابراز محبت‌ها، فقط مناسب محیط دوفره و خلوت شماست. ابراز محبت‌های زیاد از حد و خارج از عرف در جمع، نشانه‌ی خامی و رفتارهای بچگانه بوده و ممکن است تأثیر منفی بر روحیه‌ی دیگران بگذارد؛ همچنین موجب حساسیت و حسادت و چشم زخم و عاملی برای ایجاد محدودیت از طرف اطرافیان خواهد شد.

6. درباره تعداد و محل دیدارهایتان نیز باید تناسب و تعادل را رعایت کنید. در هفته دو تا سه مرتبه دیدار خوب است. این دیدارها بهتر است یکی در خانه عروس و یکی در خانه داماد و یکی نیز به صورت دونفره و بیرون از خانه باشد؛ البته متناسب با موقعیت و محدودیت های احتمالی، ممکن است این دیدارها کمتر شده یا به شکل دیگری انجام شود.

7. گاهی دیدارهای بیرون از خانه را با حضور سایر اعضای خانواده برقرار کنید؛ مثلاً با حضور خواهر یا برادر کوچک تری که به همسران وابسته است یا با حضور پدر یا مادری که در خانه تنها بوده و علاقه مندند با شما بیرون بیایند.

8. گاهی از اوقات، پسر یا شاید هم دختر نمی خواهد فرصت های بیرون از خانه را به تنهایی و با همسرش سپری کند؛ مثلاً بعضی از پسرها دوست دارند که حتماً با پدر و مادر و خواهر و برادر خودشان پارک بروند و وقتی هم که همسرش می خواهد دونفره در پارک باشند، از بقیه برای همراهی دعوت می کند؛ درحالی که زن و مرد، هر دو نیاز دارند فرصت هایی را برای مسافرت یا بیرون رفتن های دونفره اختصاص دهند. بسیاری از حرف هاد و سهم مهمی از آرامش حاصل از ازدواج در همین ساعت های دونفری برای شما پیش خواهد آمد.

9. چنانچه در زمینه روابط دوران عقد، تفاوت های فرهنگی چشمگیری بین دو خانواده وجود دارد، دوران عقد را تا حد امکان کوتاه کنید تا خدشه ای به زندگی شما ایجاد نشود.

حریم هایی در زندگی وجود دارد که محافظت از آن ها را احترام می گویند. احترام یعنی رعایت حریم خود و دیگران و به تبع آن، بی احترامی یعنی حریم شکنی. احترام رکن مهمی است که رعایت آن، روابط ما انسان ها را به بهترین نحو ممکن سامان می دهد. اگر پرده حرمت ها از میان برداشته شود، «صمیمیت» و «مودت» نیز از زندگی رخت برمی بندد. به تعبیر دیگر، تیر زهرآلود شکسته شدن حریم ها بیش از همه، احترام و به تبع آن صمیمیت و مودت میان افراد را نشانه می رود؛ درحالی که کم شدن محبت، باب ورود آسیب های جدی در زندگی زناشویی است.

1. احترام؛ محور ارتباط با خانواده همسر

زن و شوهر باید آن چنان با یکدیگر ممزوج و صمیمی باشند که نهایتاً به یگانگی برسند؛ اما کسی این ارتباط را با خانواده همسر توصیه نمی کند؛ یعنی اشتباه است اگر بخواهید این حالت صمیمیت فوق العاده را با خانواده همسر خود نیز داشته باشید. در چنین حالتی، به طور طبیعی در استقلال شما اختلال ایجاد می شود؛ چراکه در صورت صمیمیت بسیار با آن ها، طبیعتاً باید تا حدّ زیادی تابع تصمیماتشان نیز بشوید؛ همچنین اگر به سبب صمیمیت، خانواده همسر شما ملاحظات را به جا نیاورند، دچار رنجش و دل شکستگی می شوید؛ پس منطقی است که به جای صمیمیت، احترام را در صدر ارتباط با آن ها قرار دهید؛ یعنی تاآنجا که می توانید حرمت و احترام خانواده همسران را نگه دارید.

نحوه ارتباط با خانواده همسر متفاوت از نحوه ارتباط با خود اوست. ارتباط با خانواده همسر ارتباطی تنگاتنگ و پیوسته نیست؛ بنابراین هرچه بیشتر احترام و حرمت ایشان را داشته باشیم، بیشتر می توانیم از مزایای ارتباط با آن ها بهره ببریم. گفته می شود که: «تَسْقُطُ الْأَدَابُ بَيْنَ الْأَحْبَابِ»⁽¹⁾؛

یعنی در فضای صمیمیت خیلی از ملاحظات و آداب کنار می رود؛ مثلاً در فضاهای خیلی صمیمی، اگر دامادی وارد خانه پدر همسرش شود، ممکن است که خانه را درهم ریخته ببیند یا پدرزنش فقط با تکان دادن سر، جواب سلام او را بدهد؛ حتی ممکن است در چنین وضعیتی، دعوایی هم میان پدر و برادر همسرش رخ بدهد و بی پروا از حضور او، بر سر یکدیگر دادوبیداد هم بکنند! در این حالت، او احساس می کند آن چنان که باید حرمتش حفظ نشده است. خب واضح است که قبل از هرکس، باید خود را سرزنش کند.

تاکنون فکر کرده اید که چرا غالباً به معلمان و استادان محبوبان عشق پایدارتر و قوی تری نسبت به همکلاسی های خود داشته ایم؟ می توان گفت که در این عشق، همواره حرمت استاد خود را حفظ کرده ایم و به هر نحوی محبتمان را به او ابراز نکرده ایم؛ یعنی صمیمیت باید در فرآیندی زمانی، با حفظ کرامت و رعایت حریم ها شکل بگیرد تا پایدار بماند.

خلاصه کلام اینکه از ضروریات حفظ استقلال، حفظ حرمت خانواده همسر است و توصیه مهم در این زمینه، این است که بیش از حد به همدیگر نزدیک و صمیمی نشوید. در این وضعیت، بی آنکه مجبور

ص: 64

1- عباس قمی، نزهه النواظر فی ترجمه معدن الجواهر، ص 23؛ البته این تعبیر در متن کتاب های روایی وجود ندارد و در این کتاب هم، بدون استناد به امام معصوم (علیه السلام) بیان شده است.

به گستاخی یا حریم شکنی باشید، دخالت های آن ها را نیز به حداقل می رسانید.

2. صمیمیت تدریجی

صمیمیت با خانواده همسر باید به تدریج و در بازه ای زمانی شکل بگیرد و با کرامت و احترام حفظ شود. همگی به تجربه دیده ایم فردی که با دیگران زود صمیمی و خودمانی می شود، زود هم با آنان درگیر می شود. یکی از مصادیق هوش عاطفی زیاد در هر فرد، آن است که با هرکسی زود صمیمی نمی شود.

قبل از صمیمیت با افراد، باید ظرفیت عاطفی خود و دیگران را بشناسیم و مرزهای روابط و حریم ها را تشخیص دهیم. چنین شناخت و تشخیصی حاصل نخواهد شد، مگر به تدریج و در بستر زمان؛ از این رو آن هایی که دامادشان را در اوایل آشنایی، نزد خود نگه می دارند و همان هفته های اول، بدون شناختن ظرفیت هایش با او به مسافرت می روند، ممکن است آینده خوشی را تجربه نکنند یا دامادی که همان روزهای اول با پدرزن خود فوتبال بازی می کند، ممکن است با او به صمیمیت واقعی نرسد؛ چراکه در میان بازی، شاید حرف یا رفتاری ناخواسته، پایه روابط بینشان را خراب کند. خطای این افراد، آن است که قبل از تشخیص ظرفیت های طرفین، به رفتاری دست می زنند که می تواند پیامدهای ناگواری به همراه داشته باشد؛ بنابراین توصیه صریح به پدرها و مادرها، همچنین تازه عروس و دامادها این است که خیلی زود خودمانی نشوند.

ص: 65

آن هایی که خیلی باهم صمیمی می شوند، به همان میزان، رنجیدگی و ناراحتی هایشان از یکدیگر را نیز خیلی زود ابراز می کنند و در این میان، ممکن است هردو یا یکی از آن ها، این ابراز ناراحتی ها را تاب نیاورد و صمیمیت روابطشان تهدید شود؛ بنابراین زوج های جوان می توانند با شناخت توقعات و انتظارات والدین خود و همسرشان، در طول بازه ای از زمان، درک بیشتری از رابطه با آن ها به دست آورند و با کمی صبر و تحمل، به تدریج روابط بهتری را تجربه کنند.

3. رعایت احترام در گرو زبان

بسیاری از اوقات، ما با زبان خود، بی آنکه چیزی به دست آوریم یا به حقی برسیم، فقط با بیان یک یا چند جمله، حریمی را می شکنیم که گاه برای جبران آن، مجبور به پرداخت هزینه و خسارت های سنگینی می شویم؛ در حالی که همین زبان اگر با توجه به حریم ها، درست و بجا سخن بگوید، می تواند منفعت های بسیاری برای صاحب خود به دست آورد؛ بنابراین بخش اعظمی از رعایت احترام، در گرو زبان است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توصیه فرموده اند که هنگام عصبانیت، باید سکوت کرد؛⁽¹⁾ همین توصیه، ارزش دقت در سخن گفتن را آشکار می کند. شخص عصبانی قدرت کمتری در حفظ و رعایت حریم های کلامی دارد⁽²⁾ اگر توصیه می شود در هنگام خشم سخنی نگوییم و تصمیمی نگیریم یا محل را ترک کنیم، به سبب پاسداشت حرمت حریم هایی است که شکسته شدن آن ها لطمه های جبران ناپذیری به زندگی ما وارد می کند.

ص: 66

-
- 1- «دَاوُوا الْغَضَبَ بِالصَّمْتِ» (علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 250).
 - 2- نک: «لَا آدَبَ مَعَ غَضَبٍ» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 770).

علاوه بر اینکه خودمان باید احترام همسرمان را در جمع های خانوادگی و دوستانه حفظ کنیم، فضای خانوادگیمان را نیز باید طوری مدیریت کنیم که دیگران هم احترام او را حفظ کنند. یکی از راهکارها این است که وقتی کسی می خواهد درباره همسرمان بدگویی کند، خیلی تحویلش بگیریم یا چندان مشتاقانه به او گوش فراندهیم که هر قدر خواست، پیش آید؛ چون در هر حال، دفاع از حریم و حرمت همسرمان بر عهده ما هم است. البته شیوه دفاعمان هم نباید به گونه ای باشد که به دیگران بی احترامی کنیم؛ چون باعث می شود آن ها بی حرمتی را تکرار و تشدید کنند.

با این همه، بعضی از افراد نمی توانند احترام دیگران را حفظ کنند؛ پس اگر با وجود تلاش هایمان، نتوانستیم احترام برخی از بستگان خود را به سوی همسرمان جلب کنیم، می توانیم به رفت و آمد کم و مفید با آن ها بسنده کنیم تا آسیب ها و اصطکاک ها به حداقل برسد.

عده ای در جمع های خانوادگی و خودمانی، همسرشان را با الفاظ سبک صدا می زنند و به بهانه صمیمیت، او را در جمع تحقیر می کنند. اگر همسرتان اعتراضی در این زمینه داشت، حتماً آن را جدی بگیرید.

از طرف دیگر، بعضی ها وقتی همسرشان در جمع نیست، عیویش را به بقیه می گویند یا با بی احترامی از او یاد می کنند؛ مثلاً وقتی دیگران در موقع شام، سراغ همسرش را می گیرند، می گوید: «ولش کنید! بگذارید هروقت خواست بیاید. چه کارش کنم؟ همیشه باید منتظرش بود!» چنین فردی، خود به دیگران اجازه داده است که به همسرش بی احترامی کنند.

بحث محوری در این زمینه، این است که همه اعضای خانواده باید حرمت یکدیگر را نگه دارند و اجازه ندهند اختلاف سلیقه ها یا حتی اختلاف های جدی شان، باعث شکسته شدن حرمت ها شود؛ پس حتی اگر همسر یا خانواده اش احترام شما را نگه نداشت، شما با شکستن حرمت او یا خانواده اش، کار را دشوارتر نکنید.

تصویر



اشاره

به طور کلی اختلاف ها به عوامل متعدد، از جمله شخصیت، اختلاف سنی، وضعیت فرهنگی و میزان تحمل طرفین بستگی دارد که در هریک، باید جوانب مختلف را سنجید و نظر داد. این کار، تخصص روان شناسان و مشاوران امین است؛ ولی نکاتی کلی وجود دارد که می توان بیان کرد. چند زمینه اساسی در ایجاد اختلاف را در ادامه به طور مختصر توضیح داده ایم.

تفاوت های خانوادگی

تفاوت های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و پیشینه های گوناگون خانوادگی می تواند حساسیت و لطمه پذیری ارتباطات زن و شوهر و خانواده هایشان را افزایش دهد و همین امر آگاهی و هوشمندی بیشتر زوجین را می طلبد.

یکی از عوامل درگیری زن و شوهرها، توجه نکردن به بستر خانواده ای است که دیگری در آن رشد کرده است. زن یا شوهر باید دریابند که نگاه خانواده همسر و در نتیجه همسرش به موضوعات چگونه است! اگر زن و مرد این تفاوت های خانوادگی و فرهنگی را در ارتباطاتشان لحاظ کنند، حرکت آن ها به سوی نقطه تعادل، تسهیل و تسریع می شود. گاهی بسیاری از مسائل و مشکلات، از همین بستر رشد و عادت ها و ذائقه های طرفین ناشی می شود که جز با گذشت کردن در مرور زمان تغییر نمی کند. در ادامه، به چند نمونه از این مسائل اشاره خواهد شد.

در بعضی خانواده ها کارهای خاصی را مردان انجام می دهند و کارهای دیگری را زنان خانواده. حال برای اینکه الگوهای متفاوت فرهنگ در دو خانواده را یاد بگیرید و تطبیق دهید، به زمان نیاز دارید. در اولین فرصت، باید آداب فرهنگی همسران را از برخوردهای خانوادگی آن ها دریافت کنید؛ همچنین هریک از طرفین، آداب و رسوم را به همسرش یاد دهد. این قاعده را در نظر داشته باشید که اگر کسی وارد جمعی شد که با آداب آن ها آشنا و هماهنگ نبود و با بی احترامی مواجه شد، فقط باید خودش را سرزنش کند.

افراد فقط زمانی می توانند به همدیگر کمک کنند که عواطف و تجربه های دیگران را دریابند... هرگاه عضوی از جامعه انتظار داشته باشد که دیگران او را با تمام ویژگی ها و خصلت ها بپذیرند، خودش هم باید قادر به فهم عقاید و باورها و احساس دیگران باشد... همدلی یا هم حسی به معنای تلاش برای فهم موقعیت زندگی دیگران است. درک و پذیرش دیگران، یعنی همان افرادی که با ما تفاوت بسیار دارند، بخشی از مهارت همدلی است. توانایی بهبود روابط اجتماعی، مثلاً در موقعیت های فرهنگی و قومی، از مهارت هایی است که در زندگی امروز به آن نیاز داریم... لازم است با تقویت همدلی در افراد، آنان را به سوی تجربه رفتارهای جمعی مفید هدایت کنیم. (1)

شاید به سبب همین آشنایی و پذیرش فرهنگ های متقابل در طول زمان است که بسیاری از جامعه شناسان اعتقاد دارند نزاع های زن

ص: 70

1- نک: حسین خنیفر و مؤده پورحسینی، مهارت های زندگی، ص 128 و 129، با اندکی تلخیص و تغییر.

و شوهر با خانواده هایشان، بیشتر در ماه های اول زندگی [آن ها] رخ می دهد؛ اما با گذشت هر ماه، این مخالفت ها نامحسوس تر می شود و بالاخره بعد از چند ماه، دیگر برایشان زحمتی ایجاد نمی کنند. (1)

باورهای مؤثر درباره خانواده همسر

صرف نظر از تفاوت های فرهنگی، یکی از موانع مهم در ایجاد رابطه خوب و مناسب با خانواده همسر، باورهای ما درباره اعضای خانواده همسر است: باورهایی مانند تنش عروس و مادرشوهر، عروس و خواهرشوهر، داماد و مادرزن یا باجناب ها. این باورهای غلط غالباً محصول یادگیری و بخشی از باورهای سنتی و فرهنگی نادرست ماست.

در مقابل باورهای سنتی، باورهای افراطی و خطرناک جدیدی هم شکل گرفته است. براساس این باورها، زن و شوهر سعی دارند با فاصله گرفتن از خانواده ها، در مقابل هرگونه مداخله آن ها، چه درست و چه غلط، به طور جدی مقاومت کنند. این رویکرد به همان اندازه غلط است که دختر و پسر بخواهند رابطه گذشته خود با پدر و مادرشان را با همان کمیت و کیفیت حفظ کنند. در نتیجه این باورها، زن و شوهر یا خانواده هایشان با پیش فرضی نادرست و رفتاری ازپیش تعیین شده، وارد فضای ارتباط با یکدیگر می شوند و هرچند طرف مقابل، برخورد صحیح و سازنده ای داشته باشد، آن ها به دلیل پیش زمینه ذهنی اشتباهشان، تلقی غلطی از آن برخورد خواهند داشت.

ص: 71

لازم است بدانید این افکار در هر فردی که باشد، نشانه پذیرش افکار پوسیده است که متأسفانه در میان بعضی از تحصیل کرده ها هم یافت می شود. در واقع، نوبت به این باورهای غلط که می رسد، خیلی از افراد متجدد هم، متأثر از تربیت های غلط گذشتگان عمل می کنند. باید این خرافه پرستی ها و حرف های بی مبنا را کنار گذاشت؛ البته بعضی از باورهای گذشتگان درباره خانواده، می تواند مبنایی حکیمانه و عقلی و اخلاقی داشته باشد؛ بنابراین باورهایی باید کنار گذاشته شود که خلاف عقل و اخلاق و حکمت است.

اخلاق حکم می کند با دیگران با حسن ظن مواجه شوید و عقل حکم می کند با پیش داوری وارد هیچ رابطه ای نشوید و طرف مقابلتان را به درستی بشناسید و رفتار متناسب با هر فرد را بعد از شناخت درست انتخاب کنید. حکمت نیز اقتضا می کند که بدانید خود شما نیز در وضعیت کنونی طرف مقابلتان قرار خواهید گرفت. همان قضاوت هایی که درباره خانواده داماد وجود دارد، باید خانواده عروستان نیز درباره شما داشته باشند. آیا شما این قضاوت ها را درباره خود می پسندید؟ بنابراین، این باورها نه با اخلاق سازگار است و نه با عقل و نه با حکمت؛ پس باید دور ریخته شود. در فرهنگ ما گفته شده است که شما دو مادر و دو پدر دارید: پدر و مادر خودتان و پدر و مادر همسرتان. عروس و داماد فهمیده، همیشه پدر و مادر همسرشان را مثل پدر و مادر خودشان می دانند و باور دارند که ایشان، زحمت زیادی کشیده و ثمره

پس به چنین پدر و مادری باید احترام گذاشت و قدردان زحمت هایشان بود. چنین دامادی حکم پسر خانواده و چنین عروسی حکم دختر خانواده را دارد. زیاد دیده شده است که داماد یا عروس یک خانواده، حتی بیشتر از فرزندان، نزد پدر و مادر همسرش معتمد بوده است یا حتی بیشتر از فرزندان در حق آن ها خدمت کرده است. طبعاً چنین عروس و دامادی می توانند نفوذ بسیاری در خانواده همسرشان داشته باشند.

اگر بخواهیم اساسی تر به این موضوع پردازیم، باید ریشه های آن را جست و جو کنیم و ازسوی دیگر احتیاط کنیم تا ما نیز دچار آن مشکلات نشویم. البته این باورها بروز مشکلات را تقویت می کند، نه آنکه تأثیر صددرصدی داشته باشد؛ یعنی انسان باوجود این باورها می تواند طوری عمل کند که آن مشکلات به وجود نیاید.

اگر

نتوانیم از این باورهای غلط دست برداریم، نشان دهنده ضعف ماست؛ مثلاً این مطلب که «من هر کاری هم بکنم، مادرشوهرم با من دشمنی می کند»، باور غلطی است و ریشه در ضعف ما دارد. فرد متأهل باید بداند که هرچه در درونش، احساس ضعف کند و به توانمندی های خود کمتر اعتماد داشته باشد، بیشتر از رفتارهای نامناسب دیگران متأثر می شود و بیشتر لب به شکایت باز می کند. برای مثال، یک زن توانمند درباره رفتار مادر یا خواهر همسرش دچار سوءتعبیر نمی شود و اگر به چنین تشخیصی رسید، فوراً واکنش نشان نداده و نزد همسرش شکایت نمی کند؛ بلکه با تجدیدنظر در روابط خود، سعی خواهد کرد مشکل

ص: 73

را به بهترین شکل ممکن حل کند و در گفتارش، تعبیری از قبیل: «مادرشوهر و خواهرشوهرم قصد آزار مرا دارند» یا «مادرشوهرم می خواهد بین من و شوهرم، فاصله بیندازد» وجود ندارد؛ بنابراین بهتر است به جای آنکه مشکلات را در بیرون از خود دنبال کنید، خود را توانمند کرده و به توانمندی های خودتان توجه کنید.

ازطرفی، بد نیست به عیب های خودتان نیز توجه کنید تا عیب های دیگران، باعث ناراحتی بیش از حد شما نشود؛ به گونه ای که نتوانید با آن ها تعامل کنید. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «کسی که به عیب های خود بنگرد، از عیب جویی دیگران باز می ماند [و راحت می شود].»⁽¹⁾

انتقال ناراحتی

از اصول مهم مدیریت اختلاف ها این است که اختلاف را گسترده نکنید و برعکس، آن را تا حد امکان کوچک کنید. از نظر زمانی نباید اختلاف را کش بدهید و از نظر وسعت هم، نباید مثلاً اختلافتان با مادرشوهر را به خواهرشوهر بکشید یا اختلافی را که در خانه مادرزنتان است، به خانه خود انتقال دهید. از هرکجا که می توانید، جلوی بزرگ شدن اختلاف را بگیرید. اگر به مشاجرات دامن زده شود، به کلاف سردرگمی تبدیل خواهد شد که حل آن دشوار است.

هریک از طرفین باید مراقب باشند که اختلاف و ناراحتی های بین خود را به خانواده و اطرافیان منتقل نکنند؛ چراکه اختلاف بین

ص: 74

همسران، راحت تر حل می شود و همسران زودتر باهم سازگار شده و مشکل را برطرف می کنند؛ اما آثار تخریبی جامانده در ذهن اطرافیان، به راحتی ترمیم نمی شود. در این زمینه، اگر نیاز به مشورت دارید، بهتر است مسئله را با افرادی که آشنایی خانوادگی کمتری با شما دارند، در میان بگذارید. همچنین اگر اختلافی با پدر و مادرتان دارید، لازم نیست باهمسران یا خانواده اش در میان بگذارید. حریمی را برای هریک از این روابط قائل باشید و همه مشکلات را همه جا بازگو نکنید؛ زیرا علاوه بر آنکه عزت خود و خانواده تان را کم می کنید، اگر احتمالاً مشکلاتی هم بین شما و همسران پیش آید، این مسئله ممکن است دستاویز قرار گیرد؛ البته در مواقعی که فرد، خانواده ای بدسرپرست یا متزلزل دارد و احساس می کند خانواده همسرش می تواند حامی خوبی برای او باشند، ممکن است بیان این مشکلات، مفید باشد؛ به شرطی که این مشکلات را به تدریج بازگو کنید و در بازخوردهای اولیه ای که می گیرد، احساس کند آن ها همدلی خوب و رفتار سنجیده ای در قبال مشکلاتش از خود نشان داده اند.

در هر حال، زن و شوهر نباید اجازه دهند که دیگران وارد حریم رابطه آن دو شوند. ما گاهی حریم رابطه ها را حفظ نمی کنیم و وقایع خصوصی میان خود و همسرمان را نزد پدر و مادر و خانواده مان بازگو می کنیم! توجه داشته باشید که خیرخواه و دلسوز بودن پدر و مادرها، مجوزی برای داخل شدن آن ها به حریم رابطه زن و شوهری فرزندانشان نیست.

یکی از پدیده های رایج در بعضی خانواده ها بدگویی از دیگران است. بدگویی از دیگران، نظر شنونده را درباره آن افراد تغییر می دهد. این موضوع خصوصاً در زندگی های خانوادگی نوپا بسیار مخرب است؛ مثلاً عروس یا دامادی که به تازگی وارد خانواده ای شده است، ممکن است بعضی از رفتارهای پدر و مادر همسرش را نپسندد. اگر در این موقعیت، بدی های آن ها را به همسرش بگوید، طبیعتاً همسرش از چند جهت ناراحت خواهد شد: یکی اینکه چرا پدر و مادرش چنین ایراداتی دارند یا اینکه چرا ایرادات آن ها به گونه ای است که همسرش نیز مشاهده کرده است. از طرفی، ممکن است درصدد تذکر برآید و اشکالات والدینش را به آن ها بگوید. در این موقع است که آن ها نیز دست از دلشان برداشته و به گله و گله گذاری خواهند پرداخت. در این صورت، این فرد که به پدر و مادرش شکایت برده است، این بار از دست خودش ناراحت می شود که چرا یک طرفه قضاوت کرده و رفتار بدتر همسرش با آن ها را در نظر نگرفته است و از همسرش هم ناراحت است که چه خصلت زشتی داشته است!

بدگویی و غیبت کردن از دیگران، فاصله افراد را از همدیگر زیاد می کند. اشتباهی را که از دیگری دیده اید، می توانید به آرامی نادیده بگیرید؛ ولی وقتی آن را با دیگران در میان می گذارید، کم کم به این فکر می افتید که چه اشتباه بزرگی کرده است و چقدر آدم بدی است؛ بعد هم کم کم احساس می کنید حیف شما که مجبور بودید با او باشید و درباره او حرف بزنید! شنونده نیز بی خبر از همه جا، قضاوت های

یک جنبه شما را درباره کسی که حضور ندارد، می شنود و از او دل خور می شود و آخرش هم می گوید: «واقعاً من فکر نمی کردم چنین آدمی باشد! من جور دیگری درباره او فکر می کردم.»

برای درک بهتر اهمیت پرهیز از بدگویی در اختلافات، نمونه هایی را به خاطر بیاورید که قبلاً در اطرافتان پیش آمده است و به این موضوع فکر کنید که اگر در موقع بروز اختلاف ها، افراد مشکلاتشان را به طور مستقیم فقط باهم در میان می گذاشتند یا حداقل در غیاب یکی از طرفین، به بدگویی از او نمی پرداختند، آیا اختلافات این قدر عمیق می شد؟ آیا راحت تر قابل حل و فصل نبود؟ بنابراین یکی از مسائل مهم که باید در میان خانواده ها، به ویژه خانواده های نوپا، از آن جلوگیری کنید، این است که تاحدّ امکان نگذارید پشت سر همسر یا پدر و مادرهایتان حرفی زده شود. برای این کار می توانید خودتان را علاقه مند به شنیدن این حرف ها نشان ندهید. لازم نیست با کنجکاوی گوش دهید. می توانید مؤدبانه موضوع دیگری را مطرح کنید؛ البته برای اینکه طرف مقابل ناراحت نشود، می توانید نشان دهید که متوجه صحبت و شکایتشان شده اید و اگر بتوانید آن را مدیریت خواهید کرد. یاد بگیرید که از دیگران بدگویی نکنید و به کسی هم اجازه بدگویی از دیگران را ندهید.

برای همین است که غیبت کردن در اسلام به شدت منفور دانسته و ممنوع شده است. غیبت ذهنیت ها را خراب کرده و دشمنی ها و فاصله ها را زیاد می کند. وقتی شما از خانواده همسران بدگویی می کنید، چه بسا همسران نیز در مقام دفاع، از خانواده شما بدگویی می کند. علاوه براین، وقتی همسران می بیند به راحتی از دیگران

بدگویی می کنید، اعتمادش به شما سلب شده و چنین برداشتی خواهد داشت که از او نیز نزد دیگران بدگویی خواهید کرد:

هرکه عیب دگران نزد تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو نزد دگران خواهد برد(1)

حفظ نکردن حرمت ها

همیشه به خاطر داشته باشید که چنانچه در معرض بی حرمتی واقع شدید و توانستید احترام طرف مقابل را حفظ کنید، به بهترین شکل ممکن عمل کرده اید؛ یعنی سخت ترین و زیباترین برخورد را در مقابله با او به کار برده اید. با این شیوه، فرد هتاک در خود می شکنند و احساس عذاب وجدان می کند و مهم تر از آن، دیگران نیز او را سرزنش و شما را در دل تحسین کرده و به دفاع از شما خواهند پرداخت. مثلاً اگر بزرگ تری به ما توهین کرد، فقط کافی است به گفتن عبارت «شما بزرگ تر هستید و احترامتان بر من واجب است» بسنده کنیم. باید دقت کنیم که ظرافت در کلام را از دست ندهیم. دادن این پاسخ که «احترام خودت را نگه دار! حیف که بزرگ تری؛ وگرنه جوابت را می دادم و...»، به نوعی همان معنای جمله قبل را می رساند؛ اما در آن، دقت و ظرافت لازم رعایت نشده است؛ زیرا با به کار بردن آن، به مرز حرمت شکنی نزدیک شده ایم. در اینجا و موقعیت های مشابه، گرچه به نظر می رسد جواب بدی به شخص بزرگ تر داده نشده است، گفتن این جمله هم، کم از بی احترامی نیست!

ص: 78

1- سروده مصلح بن عبدالله شیرازی متخلص به سعدی، شاعر قرن هفتم هجری.

همواره به خاطر داشته باشید فردی که حرمت دیگران را رعایت می کند، در حقیقت حرمت خود را نگه می دارد و در درازمدت، احترام ها به سوی او جلب می شود. اگر انسان بتواند رفتار و گفتار خود را این چنین مدیریت کند، می تواند متکبرترین افراد را به تواضع وادارد.

اینکه در حدیث نبوی توصیه می شود در برابر متکبر، متکبرانه رفتار کنیم،⁽¹⁾

بیشتر مربوط به فضای اجتماع است، نه خانواده و مربوط به مخالفان است، نه خودی ها. در فضای خانواده نیز در جایی که روش احترام و حفظ حرمت ها کارآمد نباشد، چه بسا رفتار متکبرانه کم و بجا، می تواند کارساز باشد؛ ولی در همان حال نیز باید مواظب بود که حریم ها شکسته نشود؛ بنابراین شایسته است با حفظ احترام و ارتباط منطقی، از بگومگو و لج بازی پرهیز کنید و با رفتار درست، زمینه اطمینان لازم را برای خانواده همسران فراهم آورید.⁽²⁾

موضوعات محل اختلاف

حل اختلاف عروس و خانواده شوهر

برای جلوگیری از اختلاف عروس و خانواده شوهر، چه راهی وجود دارد؟ بسیاری از اوقات، خودِ مرد زمینه اختلاف را فراهم می کند که قبلاً تحت عنوان «کم توجهی و رفتارهای حسادت برانگیز» به آن اشاره شد.

ص: 79

1- نک: «وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَصَغَارٌ» (مسعود بن عیسی بن ورام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج 1، ص 201).

2- نک: حسن صدری مازندرانی، هنر همسرمداری: اخلاق در دانشگاه منزل، ص 274.

علاوه بر این گاهی عملکرد نپخته و نسنجیده مرد این گونه است که توصیه یا گلایه های مادر یا همسرش را به صورت مستقیم به طرف دیگر منتقل می کند، گاهی گزارش کارها یا درد دل های یکی از آن ها را برای دیگری بازگو می کند و گاهی نیز یکی را برای دیگری، الگو معرفی می کند. در چنین موقعیت هایی، این گفتارهای نسنجیده پسر است که زمینه ساز اختلاف است.

ناراحتی دختران معمولاً به سبب دخالت های مادرشوهر یا سخنان کنایه آمیز و تند اوست. گاهی نیز دوطرف از یکدیگر انتظاراتی دارند که آنان را دل خور کرده است؛ مثلاً آداب و رسوم که خوب رعایت نشده یا احترامی که به اندازه کافی نبوده است، بخشی از این انتظارات برآورده نشده است.

نکته اصلی در مواجهه با اختلافات خانوادگی، این است که بدانیم فضای خانواده، فضای برد و باخت نیست؛ بلکه رقابت های خانوادگی یا بردبرد است یا باخت باخت. پس بهتر است به اختلافات دامن زده نشود؛ چراکه ناراحتی و باخت دوطرف را به دنبال دارد.

نکته دوم این است که دختران باید به موقعیت سببی افراد توجه کنند. خیلی وقت ها ما توجه نمی کنیم که سن و سال طرف مقابل، باعث می شود با ادبیات خاص خودش که گاهی لحن یا عبارات مناسبی هم دربر ندارد، حرف بزند؛ آن هم بدون اینکه قصد توهین داشته باشد. در این مواقع قطعاً از شما انتظار می رود بیشتر از بزرگ ترها احترام آن ها را نگه دارید. خیلی وقت ها هم، پسرها با روحیات دخترها آشنایی ندارند. در این زمان ها بهترین کسی که می تواند آن ها را راهنمایی کند، مادر و خواهر خودشان هستند؛ حال اگر بین شما و آن ها اختلاف ایجاد شود،

این حامی مهم را از دست خواهید داد.

حل اختلاف داماد و خانواده همسر

اگر اختلاف بین داماد و خانواده همسر زیاد شود، زن باید چه کاری انجام دهد و رضایت چه کسی را به دست آورد؟ زن باید به این مطلب توجه کند که زندگی اصلی او، چه از نظر شرعی و چه از نظر عرفی، معطوف به شوهر و فرزندان او است و هر چیزی که زندگی اصلی را تضعیف می کند، باید در حاشیه قرار گیرد و بقیه روابط او حتی با پدر و مادرش باید تقویت کننده زندگی اصلی او باشد؛ پس اگر روابط با خانواده خود، عامل ناسازگاری شد، باید مدیریت شده و به حداقل برسد؛ البته هیچ زمان و با هیچ توجیهی، نباید خدای ناکرده به پدر و مادر بی احترامی شود یا قطع رحم صورت گیرد.

اطاعت از والدین محدودیت هایی هم دارد که یکی از مصادیق آن در صورت بی تدبیری، ضربه خوردن به زندگی زناشویی فرد است؛ اما در زمینه احسان به والدین، هیچ گونه محدودیت و استثنایی وجود ندارد؛ همچنین برای قطع رحم با والدین هیچ وقت اجازه داده نشده است؛ بنابراین حتی اگر بر اثر پاره ای از مشکلات، رفت و آمدها به حداقل رسید و احیاناً والدین برخورد تندی در این زمینه داشتند، باز هم فرزند باید در هر حال، احترامشان را نگه داشته و با روش های دیگری به آن ها احسان کند.

داماد نیز باید مراقب باشد که اگر احیاناً با یکی از والدین همسرش

رابطه نامناسبی داشت، رابطه اش با دیگری را به خوبی حفظ کند؛ مثلاً اگر با مادرزن نمی تواند ارتباط خوبی برقرار کند، رابطه اش را با پدرزن بیشتر کرده و رفت و آمدها را به گونه ای تنظیم کند که تنش های کمتری به وجود آید.

از طرف دیگر، با بدگویی از والدین در برابر همسران، او را در معرض قضاوت و ناچاری قرار ندهید که یا از شما حمایت کند یا از والدینش. این کار احساسات او را تخریب خواهد کرد. از او نخواهید که جلوی پدر و مادرش بایستد. اگر این اختلافات باعث شده است که همسران دچار نگرانی شده و سر دوراهی قرار بگیرد، با محبت و توجه بیشتر به او، آرامش کنید.

تصویر









صله ارحام و پیوند با خویشاوندان از موضوعات کلیدی است که در قرآن کریم و کلمات معصومین (علیهم السلام) بر آن تأکید فراوان شده است. اهمیت پیوند با خویشاوندان به قدری است که اگر کسی با انسان قطع رابطه کرد و به سنت اسلامی صله رحم عمل نکرد، دیگری باید به این آیین الفت بخش پایبند باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «با خویشاوندان قطع رابطه نکن؛ اگرچه آنان با تو قطع رابطه کرده باشند.»⁽¹⁾

در فرهنگ ایرانی نیز به ارتباطات خانوادگی و فAMILI اهمیت فراوانی داده شده است؛ بنابراین مدیریت درست این ارتباطات، می تواند زمینه ساز زندگی ای متعادل و آرام و به دور از دغدغه و نگرانی باشد. همسرانی که توانسته اند رابطه ای خوب، بی پیرایه، منطقی، صمیمی و حساب شده با خویشاوندان همسر خود برقرار کنند، درحقیقت توانسته اند زندگی خود را از بسیاری از تنش ها در امان بدارند و از پشتوانه قوی خویشاوندان خود و همسرشان، در امور مختلف زندگی و رفع مشکلات بهره مند شوند.

آثار مهمی برای پیوند با خویشان از ناحیه اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده است. به عنوان مثال، امام رضا (علیه السلام) در روایتی به نقل از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چهار نتیجه را برای کسی که صله رحم به جای آورد، ضمانت کرده و فرموده اند: «...خدا او را دوست دارد، رزقش وسیع و عمرش طولانی می شود و به بهشتی که خدا وعده داده است، وارد خواهد شد.»⁽¹⁾

در ادامه به توضیح برخی از آثار و محاسن پیوند با خویشاوندان می پردازیم.

تصویر



ص: 86

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 37.

هرکسى کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش⁽¹⁾

وقتی در بین فامیل قرار می گیرید، هرچند ممکن است با بعضی از آن ها از قبل اختلافاتی داشته باشید، باز هم طوری احساس نشاط و سرزندگی به شما دست می دهد که نظیرش را در تفریحات دیگر کمتر تجربه می کنید؛ به همین علت است که در مناسبت های خاص مانند جشن ها و سوگواری ها یا ایام نوروز، بیشتر افراد مایلند به جایی بروند که اقوامشان حضور دارند. یادآوری خاطرات کودکی، حتی سختی ها و فشارهای آن زمان، تقریباً برای همه شیرین است و در میان خستگی های فراوان روزمره، قرارگرفتن در کنار فامیل، فراغتى تسکین دهنده و نشاط بخش است.

این نشاط روحى می تواند مفهومی عام داشته باشد که آثار آن را در این روایتِ امام صادق (علیه السلام) مرور می کنیم: «پیوند با خویشاوندان، اخلاق را نیکو، انسان را باسخاوت، دل و جان را پاک، روزی را زیاد و عمر را طولانی می کند.»⁽²⁾

در واقع، هم کیفیت زندگى و هم کمیت زندگى ارتقا می یابد.

در روایات متعدد، به افزایش کمیت زندگى بر اثر برقراری پیوند با خویشاوندان اشاره و به آن تأکید شده است؛ از جمله امام صادق (علیه السلام) در تعبیری زیبا فرموده اند:

ص: 87

1- سروده جلال الدین محمد بلخی معروف به مولوی، شاعر قرن هفتم هجری.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 388.

ما غیر از صلۀ رحم، چیزی را نمی شناسیم که به عمر بیفزاید؛ تا آنجا که گاهی عمر کسی سه سال است و خدا با صلۀ رحم، سی سال بر عمرش می افزاید و آن را سی و سه سال می کند و گاهی عمر کسی سی و سه سال است و قطع رحم می کند و خدا سی سال از عمرش کم می کند و آن را به سه سال کاهش می دهد! (1)

بهره گیری از فکر و تجربه اقتصادی دیگران

در نشست و برخاست های فامیلی انتقال تجربه صورت می گیرد و از آنجا که فامیل به هم تعلق دارند، ولی در حال معامله مالی باهم نیستند، مشورت های خوب و کارآمدی به همدیگر خواهند داد؛ تا آنجا که گاهی این مشورت های بی شائبه، یک نفر را از یک اشتباه اقتصادی جدی نجات می دهد؛ چرا که همه چیز را همگان دانند. بی سبب نیست که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خطاب به فرزند دلبندشان فرموده اند: «پسرم! خویشاوندان را گرامی بدار که آنان چون بال و پر تو هستند که به وسیله آن ها پرواز می کنی و ریشه تو هستند که به آن ها باز می گردی و دست [یاریگر] تو هستند که با آن [به دشمن] حمله می کنی.» (2) به طور کلی کمک های فکری و تجارب اقتصادی اقوام، برای رشد اقتصادی نیز می تواند مؤثر باشد. شاید به همین دلیل است که در روایات گفته شده است پیوند با خویشاوندان، رزق و روزی را افزایش

ص: 88

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 393.

2- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 31.

می دهد. (1) وقتی به اطراف خود نگاه می کنید، نمونه های فراوانی را می بینید که در جمعی فامیلی، از نظر اقتصادی، افراد توانمند زیادی وجود دارند که همگی در یک رشته کاری تبحر پیدا کرده اند. به یکی دو نسل عقب تر آن ها که نگاه می کنیم، اوضاعشان به این خوبی نبوده است. وقتی ردیابی می کنیم، فردی را می یابیم که به لطف دا و با اراده قوی، تحول اقتصادی ایجاد کرده است و بعد با اعتبار و سرمایه خود و نیز با انتقال تجربه های خود و دستگیری از بقیه و مدیریتی مطلوب، توانسته سایر افراد فامیل را نیز متحول و توانمند کند. این، یکی از نتایج عینی و ملموس پیوند با خویشان است؛ همان طور که در روایات یکی از آثار صله رحم را رشد اموال دانسته اند. (2)

تصویر



ص: 89

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 383.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 391.

وقتی چند برادر پشتیبان و همراه هم باشند، بهتر از چند شریکِ غریبه باهم کار خواهند کرد. شرکت های اقتصادی زیادی را می شناسیم که تحت عنوان «برادران...» یا «اخوان...» به موفقیت های چشمگیری دست یافته اند. همراهی و همکاری برادران و اقوام با یکدیگر بدون سهم خواهی و زیاده طلبی، رشد اموال را در پی دارد.

ممکن است چند شریک هم بتوانند باهم به چنین ثروت هایی دست یابند؛ ولی این زمینه در جمع فامیلِ نزدیک و هم خون، به مراتب ریشه دارتر و پایدارتر است؛ زیرا اصلی کلی وجود دارد که کار اجرایی دست انداز دارد یا به قولی خشن است و عموماً زمینه اختلاف و دل خوری در آن وجود دارد. اگر افرادی که می خواهند باهم کاری را شروع کنند، پیش از آن، رابطه عاطفیِ دیرینه ای نداشته باشند، با بروز اولین اختلاف ها، زمینه شکست و جدایی شان فراهم می شود؛ بنابراین در فامیل به دلیل عقبه عاطفیِ طبیعی، این مشارکت ها موفق تر خواهد بود. البته شرکایی هم که از قبل رابطه دوستی و عاطفی قوی داشته باشند، می توانند مشارکت های خوبی باهم پایه گذاری کنند؛ چراکه یک شراکت خوب ناشی از اعتماد متقابل، در حدی است که فرد شریکش را از خودش بداند و این در میان برادران و اقوامِ نزدیک بیشتر است. مسئله مشارکت غیر از معامله است که قبلاً گفتیم بهتر است با فامیل صورت نگیرد. در معامله، شما رویه روی هم هستید؛ یکی خریدار است و دیگری فروشنده. طبیعتاً هرچه سود یکی از طرفین بیشتر شود، سود دیگری کمتر یا ضررش بیشتر خواهد شد؛ اما در مشارکت،

شما کنار هم هستید؛ البته باید دقت شود که نوشتن قرارداد دقیق و همه جانبه در هر حالی ضروری است که در این باره توضیح بیشتری خواهیم داد. در نقطه مقابل، افرادی هم وجود دارند که وقتی موفق می شوند، حساب خود را از فامیل و اطرافیانشان جدا کرده و به اصطلاح، رفتار تازه به دوران رسیده ها را بروز می دهند. این افراد چه بسا دیر یا زود در معرض ورشکستگی و سقوط اقتصادی قرار خواهند گرفت و بعید است بتوانند بدون استفاده از بازوان فکری و کاری مطمئن به پیشرفت خود ادامه دهند.

تصویر



اشاره

روشن است که موفقیت اقتصادی بین خویشاوندان، در هر وضعیتی اتفاق نخواهد افتاد و رقم خوردن چنین موفقیتی، مشروط به عوامل گوناگون است که به برخی اشاره می‌کنیم:

الف: مدیریت خوب

فردی که می‌خواهد موفقیت خود را به فامیل منتقل کند، باید اهل تدبیر و عقلانیت، دست و دل باز، اهل گذشت و درعین حال قاطع باشد؛ چراکه این مدیریت، براساس رأی یا بزرگ تربودن یا صرفاً سرمایه نیست؛ بلکه براساس اقتدارِ برخاسته از تدبیر و محبت است. این فرد باید بتواند روحیهٔ «جمع سازی» داشته باشد و افراد را با سلیقه‌ها و خواسته‌های مختلف، کنار هم و در جای خودشان قرار دهد و نیز درعین‌بلندنظری و پُرکاری، فردی بلندپرواز نباشد که بی‌گدار به آب بزند و دیگران نگران مشارکت با او باشند.

ب: پذیرش مدیریت

افراد فامیل باید مدیریت یک فرد مشخص را بپذیرند. این خیلی مهم است. اگر کسی در جایگاه مدیر پذیرفته نشود، کاری از پیش نخواهد رفت. اگر افراد در پی این باشند که «چرا فلانی مدیر باشد»، از همان ابتدا شکاف ایجاد می‌شود؛ بنابراین به این بیندیشید که کار جمعی، چگونه بهتر پیش خواهد رفت؟ واضح است برای اینکه کار جمعی خوب پیش رود، هرکس باید در جای خودش قرار گیرد و افراد در برابر

همدیگر گذشت به خرج دهند و محبتشان به قدری باشد که منافع فامیل را منفعت خود به حساب آورند؛ پس همه باید مدیریت یک نفر را بپذیرند و مدیر هم صلاح همگانی را در نظر داشته باشد. در چنین اوضاعی، اگر یکی از افراد با بقیه ناسازگاری کند یا سهم خود را بیش از دیگران بداند، طبعاً روابط را برهم خواهد زد؛ از این رو بهتر است آن فرد را از رابطه مشارکتی خارج کنند و سایرین از مزایای ادامه شراکت خود بهره مند شوند.

همسران و گاهی نیز فرزندان با دخالت های بیجا تأثیر منفی در این فرایند می گذارند و از آنجاکه عمق و آینده روابط را درک نمی کنند، ممکن است ساختار ارتباطی مدّ نظر را برهم زنند. شما باید به دور از افراط و تفریط، با تدبیر و به کارگیری راهکار مناسب و رسیدگی کافی و معتدل به همسر یا فرزندان، از دخالت های نابجای آنان پیشگیری کنید و اگر دخالت ها در صورتی بروز یافت، آن را به محیط کاری یا دیگران انتقال ندهید.

ج: شفافیت قراردادها

افراد عموماً به سبب آشنایی قبلی ای که با دیگران دارند، از شفاف کردن قراردادها غفلت کرده و به حرف های شفاهی و کلی در هنگام قرار و مدار اولیه بسنده می کنند؛ در حالی که در زمان تقسیم منافع و سود، هرکس به زعم خودش انتظار حق بیشتری دارد. این مطلب ممکن است باعث دل خوری و چه بسا اختلاف و جدایی شود و بقیه روابط فامیلی را نیز تحت الشعاع قرار دهد؛ بنابراین ابتدای هر قرارداد، باید با بررسی دقیق

وضعیت کار و پیش بینی جنبه ها و رویدادهای مختلف، قراردادی شفاف تنظیم کرده و پس از مشورت با افراد خبره، آن را مکتوب و امضا کنید؛ همچنین فردی را که مرضی الطرفین باشد، یعنی همه شرکا قبولش داشته باشند، برای تفسیر یا داوری امور پیش بینی نشده و اختلافات احتمالی در نظر بگیرید؛ البته اگر هریک از افراد گروه خواستند فراتر از قرارداد، کاری اضافه تر انجام داده یا با میل و رغبت، از بخشی از حق خود بگذرند، امری اختیاری و البته زیبنده است؛ ولی حق ندارند به واسطه این فداکاری، از دیگران نیز توقع و انتظاری جدید داشته باشند.

د: شراکت آری؛ معامله خیر!

شراکت حمایتی را نباید به معامله و خریدوفروش تجاری تبدیل کنیم؛ زیرا در شراکت به دنبال سود جمعی هستیم، ولی خریدوفروش عموماً سود یک طرف و ضرر طرف دیگر را در ذهن به دنبال دارد و باعث کدورت خانوادگی می شود؛ برای همین است که قدیمی ها می گفتند معامله با خودی، غم می آورد.

تصویر



ارتباط و پیوند با خویشاوندان، به ارتباط با فامیل همسر نیز منجر خواهد شد. یکی از محاسن ازدواج، آشنایی با خانواده های مختلف، به منظور کسب ویژگی های پسندیده آن هاست. در روایت آمده است که فرد عالم و حکیم در دوجا مهجور است: یکی در میان بستگان و دیگر، در میان همسایگان. (1) غالباً شخصیت و توانایی های چنین شخصی در نزد کسانی که همواره با او در ارتباطند، مغفول می ماند و ارزشش کمتر نمایان می شود؛ اما شما که از بیرون وارد جمع فامیلی همسران می شوید، بیشتر به قدر و منزلت چنین فردی پی می برید. در حقیقت او در گران بهایی است که در نظر شما ارزشمندتر می نماید تا در دید بستگان خویش. این انسان ها می توانند الگوهای خوبی برای شما باشند. «تأثر و پیروی انسان ها از برخی افراد که از ویژگی های خاص برخوردارند، از امور عینی و همگانی در عرصه زندگی است؛... وجود الگو از عوامل مؤثر در شکل گیری اخلاق و رفتار آحاد جامعه است.» (2)

چنین افراد برجسته ای در جمع های فامیلی مختلف وجود دارند. شما عموماً با فامیلی رویه رو نخواهید شد که یک دست خوب یا یک دست بد باشند. اساساً خداوند در نظام خلقت، خوب ها و بد ها را کنار هم قرار داده است؛ چنان که در قرآن کریم خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین فرموده است: «[بگو: ای خدایی که] شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب و مرده را از زنده در می آوری و زنده را از مرده!» (3) تعبیر این

ص: 95

1- نک: ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 207، حدیث 269.

2- علی اکبر کلانتری، اخلاق در زندگی، ص 62.

3- آل عمران، 27.

آیات در روایات، آن است که گاهی در خانواده ای خوب، فرزندی ناصالح به دنیا می آید و در خانواده ای بد، فرزندی صالح و نورانی. (1) وظیفه ما شناسایی و بهره بردن از افراد صالح فامیل است. سعی کنیم رفت و آمدهای خانوادگی را با این انسان ها بیشتر کرده و از فضایل و مواهبشان بیشتر بهره ببریم و از سویی آن ها را از مهجوریت درآوریم.

توجه و مهربانی به افراد خاص

گاهی فرد یا افرادی در خانواده همسران وجود دارند که در طول سال ها به دلایل گوناگون، با بی مهری مواجه شده اند و مظلوم بوده اند. وقتی که شما وارد جمع فامیل می شوید، ممکن است احساس کنید این فرد شایسته مهر و خدمت و توجه بیشتری است و چه بسا پس از توجه و محبت شما، از انزوا و مظلومیت خارج شده و توانایی هایش را بروز داده و منشأ خدمات ارزنده شود. ما به این علت می توانیم این نقش خاص را ایفا کنیم که پیشینه ای که دیگران از او در ذهن دارند، در ذهن ما وجود ندارد؛ برای همین راحت تر می توانیم با او ارتباط برقرار کنیم.

تصویر



ص: 96

1- نک: سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 607.

یکی دیگر از محاسن حضور در میان خویشاوندان، آن است که فرصتی فراهم می آید تا از روابط همسران فامیل، در جهت بهبود روابط خود و همسرمان استفاده کنیم. حضور در میان خویشاوندان خود و همسرمان، به مثابه حضور در آزمایشگاهی بزرگ است که به ما امکان می دهد از نزدیک، با کیفیت روابط همسران و از همه مهم تر، بازخورد آن روابط در میانشان آگاه شویم. در حقیقت مجالی فراهم می شود که مثبت ها را در خود تقویت و از منفی ها اجتناب کنیم؛ مثلاً ما در آینه رفتار بستگان، بازخورد رفتار خود و دیگران را به خوبی می بینیم: در می یابیم که رفتار تحقیرآمیز با همسر، تحقیر خودمان را در پی دارد؛ همچنین متوجه می شویم که واکنش کریمانه و بزرگوarانه در قبال رفتار ناپسند اعضای فامیل، به چه میزان بر شأن ما می افزاید و نیز به درستی درک می کنیم که عزت زن و شوهر، در گرو یکدیگر است؛ یعنی عزیز بودن یکی، عزیز بودن دیگری را به دنبال دارد.

همه این واقعیات را می توانیم فقط با دقت در احوال دیگران دریابیم و بدون اینکه مجبور به آزمون و خطا باشیم یا تحقیر کنیم و تحقیر شویم یا از شأن خود و همسرمان بکاهیم، می فهمیم که هیچ کس با داشتن تسلط شدید بر همسر و رفتارهای آمرانه با او، نمی تواند در میان فامیل خود یا همسرش وجهه ای کسب کند؛ همچنین به اهمیت نوع نگاهمان به یکدیگر نیز پی برده و متوجه می شویم نگاه های اعتراض آمیز یا ازسر تعجب ما به همسرمان، از دید دیگران مخفی نمی ماند. نیز اگر خدای ناکرده شاهد دعوی زن و شوهری در جمع

فامیل باشیم و به یغمارفتن آبروی آن ها را مشاهده کنیم، یاد خواهیم گرفت مادامی که در میان جمع حضور داریم، رنجش خود از همسرمان را مخفی نگه داریم و تنش ها را به خلوتمان ببریم؛ البته هرکس ضمن اینکه از مشاهده این حوادث درس می گیرد، باید مراقب باشد که مبادا به بهانه عبرت آموزی، نزد همسر و فرزندانش، از عاملان این رفتارها غیبت و بدگویی کند!

ص: 98

صله رحم الزاماً به معنای دید و بازدید نیست؛ بلکه هر رابطه ای که این پیوند را حفظ کند، می تواند مصداقی از صله رحم باشد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «پیوند خویش را با خویشاوندانتان حفظ کنید، ولو با یک سلام.»⁽¹⁾

نیز فرموده اند: «با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید؛ حتی اگر قطع رابطه کرده اند.»⁽²⁾

گاهی از سلامتی فردی جو یا شدن حتی با فرستادن یک پیامک، دادن عیدی یا هدیه در مناسبتی خاص، خوش برخورد بودن در دیدارهای اتفاقی و...، نشان دهنده حفظ پیوند و مصداقی از صله رحم است.

ممکن است فرد به دلایل گوناگون مصلحت نداند با بعضی از بستگانش رفت و آمد کند؛ دلایلی از قبیل رعایت نکردن حریم های اخلاقی و شرعی از سوی بستگان و وجود مال حرام و شبهه ناک در زندگی شان یا نگرانی از ارتباط فرزندان با فرزندان آن ها و تأثیرپذیری شان از برخی رفتارهای منفی آنان. در این صورت، انسان می تواند رفت و آمد با چنین خانواده هایی را کم یا حتی قطع کند؛ اما باید از راه های دیگری پیوند خود را با آنان ادامه دهد.

تصویر



ص: 99

1- محمدبن محمدبن حیدر شعیری، جامع الاخبار، ص 106.

2- حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 15، ص 253.

قطعاً رفت و آمدهای مستمر با اقوام و آشنایان، تأثیر بسیاری در شخصیت و رفتار شما و همسر و فرزندان شما خواهد داشت؛ از این رو با کسانی ارتباط داشته باشید که از نظر فکری و روحی و فرهنگی سازگاری بیشتری با شما داشته باشند. فرزندان شما عموماً در آینده، براساس رفتار همسالان خود رشد خواهند کرد؛ پس ضروری است که با مدیریت رفت و آمدهای خانوادگی، زمینه آشنایی با همسالان بهتری را برای آن ها فراهم کنید. رفت و آمد با کسانی که ویژگی های مثبت اخلاقی و علمی و فرهنگی بارزی در آن ها یا فرزندان شان وجود دارد، در رشد مطلوب خانواده تان بسیار مؤثر است. از طرف دیگر، هرچه با افرادی رفت و آمد کنید که وضعیت اقتصادی بهتری دارند و تجملات و مصرف گرایی شان هم بیشتر است، زمینه حسرت و نارضایتی و ناسازگاری اعضای خانواده تان را فراهم می کنید؛ زیرا ناخواسته انتظارات آن ها را زیاد می کنید. در مقابل، اگر با افرادی رفت و آمد کنید که کمتر گرفتار مصرف گرایی هستند، همواره احساس رضایت و قناعت خود و خانواده تان را تقویت خواهید کرد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که در آغاز ازدواج، لازم نیست عروس و داماد اصرار داشته باشند همسرشان در همه مهمانی ها و مراسم ها شرکت کند؛ چه بسا در بعضی مجالس فامیلی یا دوستانه، از حاضران رفتارهای خودمانی و احياناً خارج از آداب و رسوم سر بزنند که تازه داماد و تازه عروس را در موقعیتی خارج از انتظارشان قرار داده و باعث کدورت و ناراحتی شان شود.

توجه به نکات زیر، امکان رسیدن به رابطه ای منطقی، مطلوب، محبت آمیز و صمیمی با دیگران و به طور خاص با بستگان همسر را فراهم می کند:

انعطاف پذیری

امروزه جامعه به شدت دچار تکثر و تنوع فرهنگی شده است و گاهی فاصله های فرهنگی آن قدر زیاد است که حتی افراد فامیل، سلیقه ها و باورها و رفتارهای بسیار متفاوت و متنوعی دارند. در این وضعیت، اگر بخواهیم روابط و انسجام فامیلی حفظ شود، باید تفاوت ها را به رسمیت بشناسیم و تنوع های فرهنگی را امری اجتناب ناپذیر بدانیم. بعید است بتوانیم ادعا کنیم قالب فرهنگی ای که ما سالیان سال در آن رشد کرده ایم، صحیح ترین قالب است و اساساً این ارتباط ها باعث می شود فرد در یک قالب باقی نماند و در مواجهه با تنوع های فرهنگی، به تکامل و پختگی و بالندگی برسد.

یکی از ویژگی های تکامل شخصیت و عقل مندی و خردورزی افراد، داشتن قدرت انعطاف است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «میوه عقل [و خرد] مدارای با مردم است.»⁽¹⁾ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مدارای با مردم را نیمی از ایمان دانسته اند.⁽²⁾ قطعاً برای دوستی با مردمی که هریک واجد سلاقی، عقاید، روحیات و منویات مخصوص به خود

ص: 101

1- علی بن محمد لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 209.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 383.

هستند، انعطاف پذیری فراوانی لازم است. بدون داشتن این توانایی، فقط با اشخاصی مأنوس می شویم که شبیه ما هستند؛ ولی توجه کنید که مصداق کلام امام (علیه السلام) بسیار وسیع تر بوده و منظورشان، رسیدن به چنان رشد عقلی ای است که با آن، بتوان با همگان مدارا کرد.

علاوه براین، شخصی که انعطاف پذیر باشد، بهتر می تواند هیجانات را در خود و دیگران تشخیص دهد یا روش های مقابله با هیجان و کاهش این پدیده را تمرین کند. در بسیاری از فشارهای طبیعی، تعادل خود را از دست نمی دهد و از مهارت انعطاف پذیری خود به عنوان راهنما استفاده می کند تا در محیط زندگی خود، تغییر به وجود آورد. صبر و حوصله و پذیرش آزمایش ها، همگی از ابزارهای ایجاد انعطاف و تحمل در آدمی خواهد بود. (1)

خداوند ویژگی انعطاف پذیر بودن روح را در جسم انسان نیز قرار داده است. این ویژگی می تواند او را از برخی حوادث و خسارت های احتمالی حفظ کند؛ برای مثال، برخورد ناچیز و جزئی دو خودرو، ممکن است خسارت هایی در پی داشته باشد؛ اما بدن ما انسان ها با خودرویی که از فلز سخت ساخته شده است، تفاوت دارد و چون خداوند بدنمان را هم منعطف آفریده است، اگر هنگام تردد، با یکدیگر برخوردی هم داشته باشیم، خسارتی به بار نمی آید؛ ولی قطعاً انعطاف روح باید از انعطاف بدن نیز بیشتر باشد تا پیوسته دچار تقابل و برخورد و در نتیجه، فرسایش و آشفتگی و خرابی نشود.

ص: 102

1- نک: حسین خنیفر و مژده پورحسینی، مهارت های زندگی، ص 130، با اندکی تلخیص.

انعطاف پذیری به معنای منعطف بودن در برابر خطاهای اساسی مثل ارتکاب حرام نیست؛ بلکه برعکس، اشخاصی که در مقابل سلايق مختلف، قدرت انعطاف ندارند، گاهی مجبور می شوند در برابر گناه منفعل شوند؛ یعنی آنجایی که باید سخت بگیرند، چنین نمی کنند و سخت گیری هایشان را در غیر جای خود اعمال می کنند. در مقابل، فرد مؤمنی که انعطاف دارد، اگر در جایی ایستادگی کند، همه آن ایستادگی را به رسمیت شناخته و خواهند دانست که او در محرمات و نواهی، حاضر به هیچ گونه همراهی با سایرین نیست؛ هرچند گاهی از طرف مردم، به ناروا، به سرسختی و سخت گیری و تعصب هم متهم شده و به قول امروزی ها دگم (1) و مستبد خوانده می شود.

قرآن کریم این اتهام را برطرف می کند. در سوره مبارکه شعرا تعبیر ((عَزِيزُ الرَّحِيمِ))⁽²⁾ نه مرتبه درباره خداوند بیان شده است. عزیز به معنای نفوذناپذیر، کسی است که با هیچ جوسازی و جنگ روانی و فشاری نمی توان در او نفوذ کرده و نظر صحیحش را تغییر داد. توصیف قرآنی «رحیم» در پی وصف «عزیز»، در واقع به سخت گیری و نفوذناپذیری توأم با مهربانی اشاره دارد؛ یعنی سخت گیر و نفوذناپذیر در برابر باطل و حرف غلط و منعطف و مهربان در اموری که خلاف نباشد. انسان معتقد سعی می کند خودش را به این صفت الهی نزدیک کند و حتی با چشم پوشی از نیاز و حقوق خود، در مواجهه با خویشان و عموم جامعه،

ص: 103

1- دگم (Dogmatic) به فرد متعصب و متحجری گفته می شود که فقط باور خود را درست می داند و بدون دلیل خاصی، روی عقاید خود پافشاری می کند.

2- ((وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمِ)) (شعراء، 66).

با عزت و مهربانی و انعطاف رفتار کند.

تفاوت عزت و استبداد نیز در همین نکته است که فرد مستبد در هر حالی به نظر و نیاز شخصی خودش تکیه می کند و به نیاز و خواست دیگران هیچ توجهی ندارد و مهر و عطوفتی در او نیست؛ اما شخص عزیز به کسی هم که حقی ندارد، لطف و مهربانی می کند.

پرهیز از ساختارشکنی در روابط خانوادگی

اگرچه گاهی وقت ها ساختارشکنی، ارزش محسوب می شود، در روابط خانوادگی، ضد ارزش است. ممکن است در میان خویشاوندان همسر، افرادی با سلیقه ها و عقاید و رفتارهای متفاوت وجود داشته باشند. روابط این افراد و نیز ساختار کلی فامیل بر اساس قوانین و فرمول ریاضی طرح و تعریف نشده است که ما مجاز باشیم آن روابط را به گونه دیگری طراحی کنیم؛ بلکه این ساختار به طور طبیعی و در طی نسل ها شکل گرفته است. شما نمی توانید تعیین کنید که از این به بعد نقش پدر، فرزند، مادر بزرگ و... چنان و چنین باشد؛ بنابراین در ارتباط با خانواده همسران، باید به این درک رسید که وارد مجموعه ای جدید می شوید و نباید آن را تغییر دهید و با ساختارهای آن مقابله کنید؛ بلکه باید خودتان را با آن سازگار کنید. یکی از مصادیق ساختارشکنی در ارتباط های فامیلی، قطع رحم است.

رفت و آمد فامیلی، وظیفه ای دینی و اخلاقی است؛ حتی در ارتباط با آنان که اهل گناه اند:

ازدواج مایه وصلت دو خانواده و گسترش دایره خویشاوندی است. بدون

این پیوند عاطفی، زندگی شیرین نمی شود. بی اعتنائی به فامیل همسر یا بی حرمتی و عیب جویی به آن ها، بذرفتنه را در دل می کارد و میوه تلخ آن، اختلافات، قهرها و جدایی ها... و تلخی در زندگی است؛ بنابراین باید بنا را بر حفظ احترام متقابل، تقویت روابط فامیلی، صمیمت و محبت بین افراد دو فامیل و رفت و آمدهای خانوادگی گذاشت و هرچه بیشتر، رشته های الفت را قوی تر ساخت. (1)

سازگاری به معنای انفعال همه جانبه نیست؛ بلکه در سازگاری، انسان ضمن اینکه خود را با خانواده هماهنگ می کند، از رفتارهای غلط آن ها تأثیر نمی پذیرد و حتی ممکن است بتواند این رفتارها را تعدیل کند. در هر صورت، انسان باید حدود مرز خود را بشناسد و وارد حریم دیگران نشود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «بهترین ادب آن است که انسان در حدود مرز خود بماند و از اندازه خویش تجاوز نکند.» (2)

البته این به معنای نفی تلاش به منظور ارتقای فرهنگ خانواده همسر یا خانواده خود نیست.

تسخیر قلب ها از طریق محبت و خدمت و تدبیر

زن یا مردی که خالصانه در هر موقعیتی، درصدد کمک به اقوام خود یا همسرش برآید و به گونه ای عمل کند که افراد در هنگام مشکلات به تدبیر و کمک او امیدوار باشند، به تعبیر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بین خویشان، سروری می کند؛ چنان که فرموده اند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ.» (3)

ص: 105

1- حسن صدری مازندرانی، هنر همسرمداری: اخلاق در دانشگاه منزل، ص 269.

2- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 233.

3- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 378.

(بزرگ و سَرور قوم، خادم آن هاست.) این بزرگی و سَروری، عاطفی است، نه قانونی؛ یعنی ریاستی نیست که به وسیلهٔ نظر اکثریت یا قوانین یا براساس سن و سال به او تفهید شده باشد. چنین فردی به جای اینکه بخواهد خودش را مطرح یا خواسته هایش را با روش های غلط تحمیل کند، دل ها را تسخیر کرده است؛ بنابراین دیگران سخن او را محترم دانسته و به راحتی می پذیرند.

یک فرد می تواند آن قدر پر محبت، مخلص، باتدبیر و آن چنان خدمتگزار افراد فامیل باشد که آن ها را تحت الشعاع روحیهٔ خود قرار دهد و طبیعی است که در موقعیت های مختلف، به نظر او توجه کنند. در اینجا تغییر در ساختار، با نفوذ در قلب ها صورت می گیرد: در حقیقت همه چیز سر جای خودش است و بی آنکه ساختاری شکسته شود، جهت گیری ها بدون هیچ دخالت مستقیمی، به سمتی تنظیم می شود که فرد می خواهد.

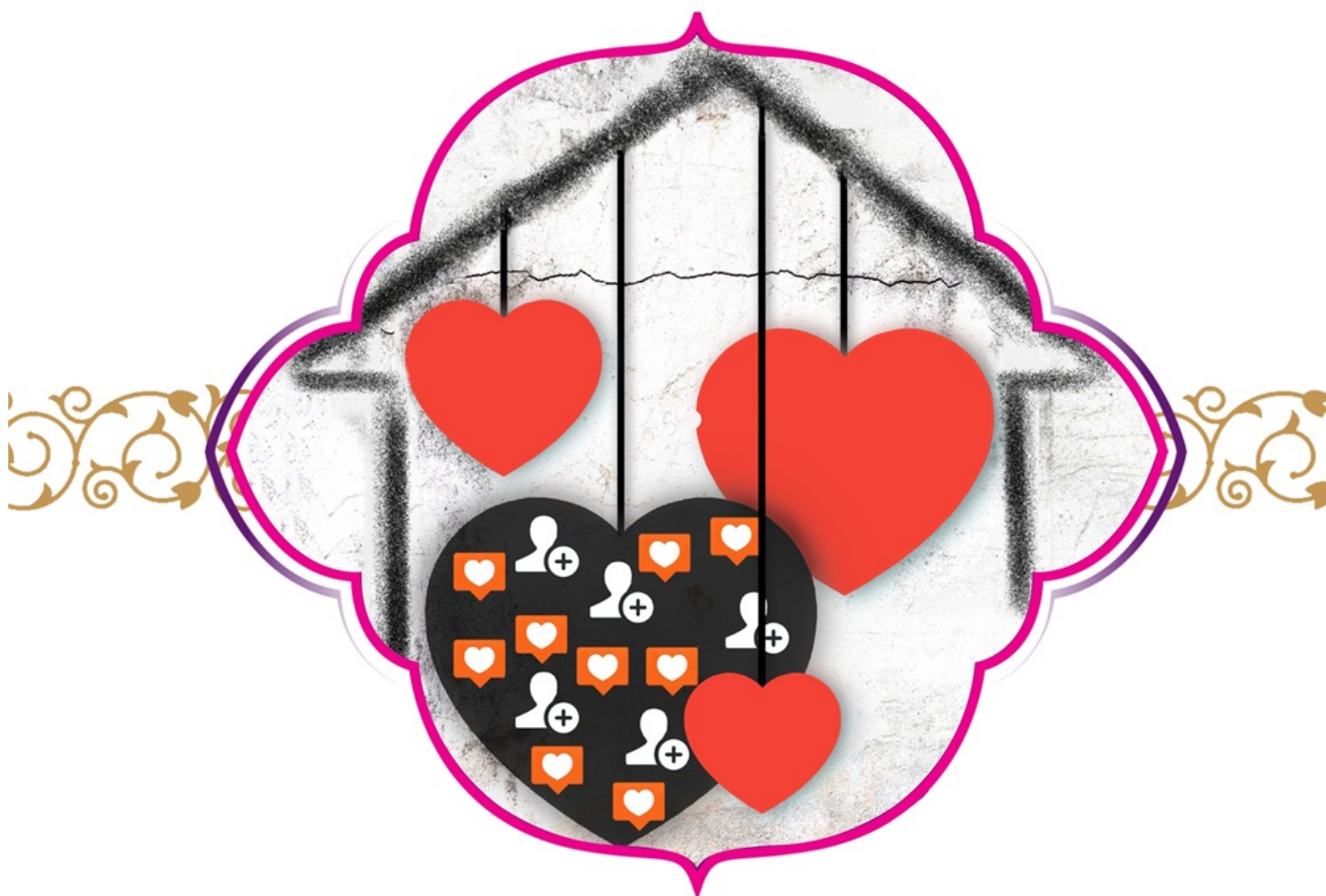
مراقبت از سوء استفاده ها

عموم انسان ها دوست دارند از توانمندی های همدیگر استفاده کرده و در مسیر اهدافشان، از کمکِ هم بهره مند شوند؛ اما اگر این استفاده از حد بگذرد، به سوء استفاده منجر خواهد شد. حال، وقتی که کسی به دیگران اجازهٔ سوء استفاده بدهد، بسیار عادی و طبیعی است که آن ها این کار را بکنند؛ اما غیرعادی این است که شما اجازهٔ این کار را بدهید که از شما [یا خانواده تان] سوء استفاده شود! اگر شما مراقب

خود نباشید، دیگران این کار را خواهند کرد.⁽¹⁾

در روایتی نورانی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «به برادرت خدمت کن؛ پس اگر او [سوءاستفاده کرده و] تو را به خدمت [و بیگاری] گرفت، به او خدمت نکن؛ زیرا این کار کرامت نیست.»⁽²⁾

تصویر



ص: 107

1- نک: جواد محدثی، اخلاق در زندگی، ص 72.

2- محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، الاختصاص، ص 243.

کسی که با همسرش محترمانه رفتار می کند و در حضور دیگران به او اهانت نکرده یا او را بی اعتبار نمی کند، راه بی احترامی کردن دیگران به همسرش را نیز می بندد. این امری قراردادی نیست؛ بلکه رفتاری است که با عمل به آن، به دیگران تفهیم می کنیم که ما خانواده محترمی هستیم. (1)

بنابراین همواره اعتبار و احترام همسرمان را نزد فامیل خویش حفظ کنیم تا همیشه علاقه مند به رفت و آمد با آن ها باشد. اگر ایراد و تذکری به ما گفته شد، مستقیماً آن را به همسرمان انتقال ندهیم؛ چراکه او احساس خواهد کرد در نزد فرد منتقد یا سایر اعضای فامیل بی اعتبار شده است. این گونه رفتارهای نسنجیده ما، ممکن است باعث امتناع او از حضور در جمع خویشاوندانمان شود.

برای سالم سازی فضای ارتباطی، داشتن مدیریت و تدبیر در تنظیم ارتباطات صحیح بسیار مهم است. اگر یکی از زوجین در مقابل فامیل همسرش تحقیر شود، هرچند ممکن است به سبب رفتارهای غلط و بچه گانه خودش باشد، ممکن است حاکی از بی تدبیری همسرش نیز باشد؛ بنابراین باید محترمانه به فامیل تفهیم کنیم که اجازه رفتار توهین آمیز با همسرمان را ندارند و از آن ها بخواهیم که در صورت ناراحتی شدید از همسرمان،

ص: 108

1- در گذشته کوچه ها پر بود از هیاهو و سروصدای بازی بچه ها. ما در میان بازی، معمولاً به انتهای اسم یکدیگر «ی» مصغر می چسبانیدیم و همدیگر را آن طور صدا می زدیم؛ مثلاً به اصغر می گفتیم اصغری. در بین ما، بچه هایی بودند که با سایر بچه ها فرق داشتند. فرقاشان این بود که همه برای صدازدن آن ها از لفظ آقا یا خانم استفاده می کردند. من حساس شده بودم که چرا این ها با بقیه بچه ها فرق دارند؟! بعد متوجه شدم که پدر و مادرشان آن ها را این گونه صدا می زدند و گویی لفظ آقا و خانم، دیگر جزء جدایی ناپذیر اسمشان شده بود.

به جای حریم شکنی، رفتار او را به خود ما تذکر دهند. توجه کنید که اگر حریم ها شکسته شود، برگشت پذیری روابط، بسیار سخت است.

به این نکته مهم دقت کنید: همان طور که وجود ویتامین K در خون هر انسان، در هنگام خون ریزی، باعث انعقاد دوباره خون می شود و به راحتی خون را بند می آورد، خداوند در رابطه زن و شوهر نیز عوامل منعقدکننده ای قرار داده است که باعث می شود حتی اختلاف های شدیدشان راحت تر برطرف شود؛ درحالی که همین اختلاف ها اگر بین یکی از آن ها با اعضای خانواده همسرش رخ دهد، به این راحتی برطرف نمی شود. بر این اساس، باید همیشه مراقب باشید که حریم های میان همسر و اطرافیان شکسته نشود.

از طرفی، زن و شوهر نیز مجاز به بر ملا کردن عیوب و ضعف های همسر خود در میان خانواده و خویشاوندانشان نیستند؛ مثلاً اگر به همسران نزد جمع فامیلی، توصیه ای کرده یا نصیحتش کنید، موجب ناراحتی او خواهد شد. این پیامدی همگانی است و اختصاص به همسر شما ندارد؛ چنانکه به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کسی که دوستش را پنهانی نصیحت کند، او را زینت بخشیده است و اگر در جمع نصیحتش کند، باعث خواری و رسوایی او شده است.⁽¹⁾

البته بعضی از افراد حتی تحمل نصیحت خصوصی را هم ندارند که این موضوع ممکن است از دو جنبه شخصیت آن ها ناشی شود: اول اینکه اعتماد به نفسشان در زمینه موضوع نصیحت کم باشد؛ دوم اینکه درباره شخصیت خودشان بسیار حساس باشند. شاید به همین

ص: 109

1- حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 489.

دلیل افرادی که در جامعه جایگاه اجتماعی ویژه دارند، در برابر انتقاد حساسیت بیشتری از خود نشان می دهند. در این حال، باید فرد را با ظرافت های ویژه و غیرمستقیم و همراه با بیان محاسن و ویژگی های مثبت او نصیحت کرد.

از طرف دیگر، به بهانه صمیمیت با همسر، مجاز به فاش کردن بدی های فامیل خودمان هم در نزد او نیستیم که اگر چنین کنیم، دیگر قادر به مدیریت صحیح روابط نخواهیم بود. علاوه بر این، در فامیل همسر نیز باید عزت و احترام او را حفظ کنیم. اینکه به قیمت تضعیف همسرمان بخواهیم برای خود در فامیل او صمیمیت یا موقعیتی کسب کنیم، اصلاً صحیح نیست؛ همچنین باید مراقب باشیم که در احترام و محبت و تجلیل از همسرمان یا نمایاندن رابطه خوبمان افراط نکنیم. باید توجه داشت که همه زن و شوهرها، از ارتباط مطلوبی بهره مند نیستند و شما با این گونه عملکرد، زمینه حسادت و چشم زخم را برای خودتان فراهم می آورید؛ حتی ممکن است عامل اختلاف و ناراحتی میان سایر همسران شوید. به خاطر داشته باشید که از رعایت اصل اعتدال و تعادل در هیچ زمینه ای غافل نشوید.

تصویر



اگر شاهد رفتار غلطی از سوی خویشاوندان بودیم، چه کنیم؟ در برابر رفتارهای اشتباه و ناپسندی که در خویشان خود یا همسرمان رخ می دهد، باید چه عکس العملی داشته باشیم؟ در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته ضروری است:

1. اولین توصیه آن است که در مقابل این گونه رفتارها نگران نشویم. باید بپذیریم که غیراز معصومین (علیهم السلام) همه انسان ها، ممکن است اشتباه کنند؛ به خصوص که ما با شخصی خاص مواجه نیستیم؛ بلکه با یک جمع فامیلی، با همه گستردگی و تنوع آن رویه رو هستیم و بدیهی است که امکان هرگونه خطا و اشتباهی در این جمع وجود دارد. این نگاه، به مدیریت رفتار و احساس ما کمک بسیاری می کند.

2. اساساً خطاهای دیگران، نباید ما را آن چنان به هم بریزد که مجال واکنش مناسب را از دست بدهیم. پیش ازاین نیز بیان شد که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «ای مردم، کسی که عیب خود را ببیند، از پرداختن به عیب دیگران باز می ایستد.»⁽¹⁾ اگر به رفتارهای خود یا بستگانمان دقت کنیم، قطعاً آن ها و خود را هم بی عیب نخواهیم یافت و متوجه خواهیم شد که اگر دیگران به ظاهر کارهای غلطی انجام می دهند، ما نیز به اندازه خود، رفتارهای غلط داریم. ازطرفی، بزرگی و کوچکی اعمال ناپسند، به میزان ایمان و شأن و مرتبه معنوی افراد بستگی دارد؛ چنان که

ص: 111

خداوند حتی ترک اُولی را نیز برای اولیای خود نمی پسندد. من خود در اوایل جوانی ام، دوستی داشتم که بدی هایش مرا کلافه کرده بود؛ حتی بعضی شب ها نیز فکرکردن به کارهای او بی خوابم می کرد. به دنبال راه چاره ای بودم که این روایت و تعبیر زیبای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کلید مشکلم شد و گویی آبی بر آتش درونم بود.

3. امام حسین (علیه السلام) در پاسخ به سؤالی درباره معنای ادب فرموده اند: «ادب یعنی اینکه هرگاه از خانه خارج می شوی، همه را برتر از خود بدانی.»⁽¹⁾ بنابراین پیش فرض «دیگران از من بهترند»، نقطه آغازین هر ارتباط مؤدبانه ای است. به این نوع مواجهه با افراد، ازسوی معصومین (علیهم السلام) بسیار تأکید شده است؛ یعنی باور عمیق داشته باشیم که حتی کسی که ظاهر خلاف انتظاری دارد نیز ممکن است از ما بهتر باشد. بدون چنین اعتقادی قادر به مدیریت خود نیستیم؛ اما باید این را هم در نظر داشته باشیم که باور به بهتر بودن دیگران، تکالیفی را که در قبال بدی های آن ها داریم، از ما ساقط نمی کند.

4. باید بدانیم اصلی مهم بر تمام انتقادهای حاکم است که نباید فدا شود. آن اصل، پیوند با خویشاوندان یا همان صله رحم است. انسانی که قطع رحم می کند، دوستان و مددکاران خود را از دست داده و زمینه تنهایی و افسردگی خویش را ایجاد می کند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «هرکه دست یاری خود را از

ص: 112

1- جمعی از نویسندگان، اعلام الهدایه، ج 5، ص 227.

بستگانش باز دارد، فقط یک دست را از یاری آنان باز داشته؛ ولی خویش را از یاری دست های بسیاری محروم کرده است و هرکه با اطرافیان خود با مدارا رفتار کند، دوستی و مودّت آنان را همیشه نصیب خود ساخته است.»⁽¹⁾

همچنین ایشان در بیان دیگری زشت ترین گناهان را بریدن پیوند خویشاوندی دانسته اند.⁽²⁾

حال چنانچه شخصی مثلاً به علت رواج غیبت در خانواده یا به بهانه های دیگر، رابطه اش را با خویشاوندان قطع کند، اصلاً مطابق وظیفه و تکلیف عمل نکرده است و این عمل او به هر دلیلی که باشد، قطع رحم محسوب می شود؛ بنابراین همواره باید مراقب موضع گیری هایمان باشیم تا به دنبال آن، قطع رحم رخ ندهد.

مردی خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد و از بستگان خویش شکایت کرد. حضرت فرمودند: «خشم خود را فرو بر و کظم غیظ کن [و به آنان نیکی کن].» مرد عرض کرد که به او چنان و چنین می کنند و از انواع بدی ها و ستم ها فروگذار نمی کنند. حضرت فرمودند: «آیا می خواهی مثل آن ها باشی [و قطع رحم و ترک احسان کنی؟] و خدا [در دنیا و آخرت] به شما توجهی نکند؟!»⁽³⁾

از اخلاق های متعالی توصیه شده در دین اسلام، آن است که فرد با کسانی که از او بریده اند، به نیکی بپیوندد؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «... با کسانی که از شما بریده اند،

ص: 113

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه 23.

2- نک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 406.

3- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 2، ص 259.

مثلاً اگر ما مجلس عروسی یکی از بستگان یا دوستان را مجلس گناه تشخیص داده و در آن محفل شرکت نکردیم تا به وظیفه دینی خود عمل و از بستر گناه دوری کرده و آن رفتار و گناه را تأیید نکرده باشیم، وظیفه داریم بعد از مراسمشان، به منظور جبران، به دیدار عروس و داماد برویم و ضمن تبریک و تشکر از دعوتشان، به آن دو تفهیم کنیم که فقط، در چنین جمع های خاصی با آن ها همراهی نمی کنیم؛ و الا در بقیه امور، مشتاق پیوند و ارتباط با آن ها بوده و هرکاری که از دستمان برآید، برایشان انجام می دهیم. باید دقت کنیم که قاطعیت ما، معطوف به خود افراد نباشد؛ بلکه در برابر خلاقی باشد که مرتکب می شوند. 5. «آداب معاشرت، اختصاص به بستگان پاک و با تقوا و حزب اللهی ندارد؛ بلکه وظیفه ای اخلاقی است؛ حتی در برابر آنان که اهل گناه اند. چه بسا به برکت رفت و آمدهای بستگان صالح، فاجران هم راه صلاح پیش گیرند و تأثیر بپذیرند. گاهی ترک مراوده و رفت و آمد، سبب می شود که بستگان معصیت کار در گناه و کج روی خود بیشتر پیش روند؛ ولی حفظ رابطه، جلوی بدتر شدن آنان را می گیرد. در این صورت، تکلیف، نگهبانی از خط ارتباط و پیوند خویشاوندی است.»(2)

یکی از شیعیان امام صادق (علیه السلام) به نام جهم بن حمید، از آن

ص: 114

1- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 72.

2- نک: جواد محدثی، راه زندگی: الفبای سعادت خانواده، ص 117، با تلخیص.

حضرت (علیه السلام) پرسید: «برخی از خویشاوندانم، روش و تفکر دیگری دارند، غیر از فکر و مرامی که من دارم. آیا آنان بر من حقی دارند؟» حضرت فرمود: «آری، هیچ چیز حق قرابت و خویشاوندی را قطع نمی کند. اگر با تو همفکر و هم عقیده باشند، دو حق بر تو دارند: یکی حق خویشاوندی و دوم، حق [همفکری و هم خطی در] اسلام و مسلمانی».⁽¹⁾

6. عکس العمل ما در مقابل اشتباهات دیگران باید به گونه ای باشد که آن را به لجبازی و یا بردن آبرو و تحقیر افراد تعبیر نکنند؛ بلکه ما را با عنوان شخصیت های ناصح و دلسوز بشناسند؛ وگرنه از رفتارمان نتیجه مطلوب را برداشت نخواهند کرد. باید با ظرافت به آن هایی که دچار اشتباه اند، تفهیم کنیم که پایه های زندگی شان را بر بنایی غلط نهاده اند. نه تنها فامیل، بلکه همسر و فرزندان نیز باید ما را شخصیتی موجه و خیرخواه و معتمد بدانند؛ پس برای اصلاح اشتباه هایی که در میان خویشاوندان رخ می دهد، قبل از هرگونه اقدام، باید در آن ها اعتمادسازی کرد.

7. اقدام به اصلاح، ضرورتاً با گفتار اتفاق نمی افتد. گاهی نحوه رفتار ما به مراتب بهتر از گفتارمان می تواند اصلاح گر باشد. به خاطر داشته باشید که گاه می شود گناهان را نادیده انگاشت یا عیوب را با اغماض دید و بزرگوارانه از کنارش گذشت. در این میان، باید اصل حفظ آبروی افراد و رازداری نیز در صدر عمل ما قرار بگیرد. دیگران باید باور داشته باشند که رفتار و سخنان ما، بی غرض است و هیچ گاه از سر

ص: 115

8. گناهان دسته بندی و مراتب دارند؛ مثلاً بعضی گناهان آن چنان عمومیت و رواج پیدا کرده اند که دیگر بودن بود ما در محل ارتکاب آن، به معنای تأییدکردن یا تأییدنکردن آن ها محسوب نمی شود؛ البته منظور، نفی قبح چنین گناهی نیست؛ چراکه اتفاقاً بدترین گناه آن است که برای مردم، عادی شده باشد.

به طور نمونه فرض کنیم در مجلسی حضور داریم که در گوشه ای از آن، موسیقی حرام می نوازند. اینجا باید تشخیص دهیم که حضور ما، تأییدی بر این فعل حرام است یا خیر! اگر تأیید است که باید مجلس را ترک کنیم؛ اما ماندن در کنار برخی از رفتارهای غلط که عمومیت دارد، تأیید محسوب نمی شود. تشخیص چنین نمونه هایی، متناسب با جمع فامیلی و خانواده های گوناگون و جایگاه خود فرد متفاوت است. در هر حال مخالفت با امر حرام، چه از طریق گفتن و چه با ترک کردن محل ارتکاب حرام، قطعاً بی تأثیر نیست؛ اما چنانچه حریم دیگری نیز شکسته شد و عمل قبیح دیگری بدعت گذاری شد، دیگر حتماً باید مقاومت نشان دهیم. مثلاً اگر نوشیدنی های مسکر هم به مجلس عروسی اضافه شد، باید در مقابل این عمل بایستیم و از شکسته شدن این حریم تازه جلوگیری کنیم. اگر در مواجهه با چنین صحنه ای، مجلس را ترک کنیم، علاوه بر عمل به تکلیف، حداقل ثمره آن، ایجاد زمزمه ای در میان بستگان است که آنان را به تفکر و تحلیل این عمل شنیع وامی دارد و به نوعی مانع از ترویج و عمومیت مناهای دیگر می شود. ارتکاب این گونه اعمال، خواه ناخواه اثر وضعی بر سرنوشت عروس و داماد دارد و باید به آن ها تفهیم کنیم که پایه های

9. در امر به معروف و نهی از منکر، باید اثر رفتار خودمان را حدس بزنیم. اگر در پی نهی دیگران هستیم، در بعضی از مواقع، خروج از جلسه گناه اثربخش است و گاهی هم اثری ندارد. رفتارمان را باید به گونه ای مدیریت کنیم که هم به قطع ارتباط منجر نشود و هم بیشترین اثر را در نهی از منکر داشته باشد. گاهی چند کلمه صحبت مؤثر با میزبان قبل از مراسم، به طور جدی تری تأثیر خواهد گذاشت.

10. در اوایل ازدواج، دیگران به چگونگی رفتار عروس و داماد جدید با فامیل همسر دقت بسیاری خواهند کرد. به سبب این حساسیت زیاد، جوان و خانواده اش باید مراقب باشند که عروس یا داماد تازه را به میهمانی هایی دعوت نکنند که در آن، انتظار خطاهای فاحش و رفتارهای نامناسب و شوخی های بیجا یا خودمانی می رود. چنانچه عروس و داماد به هر دلیلی مجبور به شرکت در چنین مهمانی هایی شدند، خودشان باید مواظب باشند که در برابر رفتارهای نامناسب اطرافیان، واکنش نسنجیده ای نشان ندهند.

تصویر



انسان نیاز دارد که دوست بدارد و او را دوست بدارند و این با خُلق خوش به دست می آید. خوش برخوردی با دوست، باعث دوستی بیشتر او می شود و خوش برخوردی با دشمن، از دشمنی او می کاهد. حضرت زهرا (علیها السلام) فرموده اند: «خوش رویی در برابر مؤمن، بهشت را برای انسان خوش رو فراهم می آورد و خوش برخوردی با دشمن ستیزه جو انسان را از عذاب آتش باز می دارد.»⁽¹⁾

یکی

از رازهای مهم رسیدن به خُلق خوش، جاذبه است. جاذب بودن شخصیت فرد، یعنی اخلاق و روحیات و صفاتی در او وجود دارد که باعث ایجاد جاذبه و تمایل دیگران به او می شود. افرادی که رفتاری مؤدبانه و بانزاکت دارند و با گشاده رویی و مهر و محبت با دیگران رفتار می کنند و قضاوتشان نمی کنند، در دل آن ها جا باز کرده و همه دوست دارند با این گونه افراد معاشرت کنند؛ اما به یاد داشته باشید همان گونه که خُلق خوش داشتن، برای پختگی اجتماعی لازم است، قاطعیت داشتن در برابر سوءاستفاده و مزاحمت ها نیز نشان دهنده پختگی اجتماعی است. برخی افراد جاذبه دارند، ولی دافعه ندارند: با همه گرم می گیرند و به اصطلاح می جوشند و به تعبیری دیگر، اجتماعی اند؛ اما اگر شما فردی صادق و یک رو باشید، حتماً در بعضی از موقعیت ها، نظر و رفتار عده ای را نمی پسندید و رفتار قاطع و صریح از خود نشان می دهید و این، امری کاملاً طبیعی است؛ چراکه گرم گرفتن با همه افراد به نفع شما نیست و شأنتان را پایین می آورد یا ممکن

ص: 118

1- حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 12، ص 261.

است آسیبی در پی داشته باشد. باید تشخیص دهید کجا رفتارِ خوش نشان دهید و کجا قاطعیت داشته باشید! البته اگر عزت نفس کافی نداشته باشید، نمی توانید قاطعیت به خرج دهید.

اگر در مقابل مخالفت ها و درگیری های درون خانواده یا جامعه اسلامی، خوش رو و خوش برخورد باشید، مخالفت و درگیری را کمتر کرده و جلوی فُوران آن را خواهید گرفت؛ هرچند باید سعی کنید از خودتان نیز مراقبت کنید تا گزندِ به شما نرسد. در قرآن کریم آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، بعضی از همسران و فرزندانِ دشمنان شما هستند. از آن ها برحذر باشید و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید، [خدا شما را می بخشد؛] به راستی خداوند آمرزنده و مهربان است.» (1)

البته

گاهی هم باید رفتار متفاوتی داشته باشید: اول اینکه لازم است در مواجهه با فرد متکبر مثل خودش رفتار کنید تا تحقیر نشوید؛ (2) دوم اینکه در مواجهه با نامحرم باید رفتاری عزت مندانه داشته باشید تا به فکر سوءاستفاده نیفتد؛ سوم هم اینکه در مقابل دشمن و در میدان جنگ باید با شدت عمل کنید تا نتواند بر شما غلبه کند.

ص: 119

1- ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)) (تغابن، 14).

2- نک: مسعودین عیسی بن ورام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج 1، ص 201.

در میان خویشاوندان، افراد گوناگونی وجود دارند که قرار نیست رفتار همگی شان درست و مطابق فرهنگ ما باشد. طبیعتاً رفتار دیگران در کنترل ما نیست؛ بنابراین باید دنبال راهکارهایی باشیم که بتوانیم در میان این جمع ها، زندگی کرده، ولی دلخور نشویم. روایت زیر راهکارهای مناسب و جامعی را در این زمینه فراروی ما قرار می دهد.

بر اساس فرموده امام باقر (علیه السلام) روزی محمد بن علی زُهری، محزون و مغموم خدمت امام سجاد (علیه السلام) رسید. حضرت به او فرمودند: «چرا ناراحت و غمگینی؟» عرض کرد: «این ناراحتی ها و غم هایی که پشت سرهم به من می رسد، از ناحیه حسودان و طمع کنندگان است که به نعمت الهی بر من، حسد و طمع می ورزند و از سوی کسانی است که به آن ها امیدوارم [یعنی انتظاراتی از آن ها دارم] و نیز کسانی که به ایشان خوبی کرده ام؛ ولی ایشان، برخلاف گمانم به من بدی می کنند.» امام سجاد (علیه السلام) برای رفع غم و اندوه محمد بن علی زُهری، به او توصیه فرمودند: «زیانت را حفظ کن تا دوستانت را نگاه داری!» زهری عرض کرد: «ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، من با سخنم به ایشان احسان می کنم!» حضرت فرمودند: «هیئات! هیئات! مبادا که با این کار، به خودت مغرور شوی [و موجب خودپسندی ات شود].»

ادامهٔ سفارش های امام سجاد (علیه السلام) به زهری نیز بسیار شنیدنی و کاربردی است که فهرست وار به آن ها اشاره می کنیم:

* مبادا سخنی بگویی که قلوب مردم در ابتدای امر، آن را انکار کند؛ اگرچه آن سخن نزد خودت عذری موجه داشته باشد! زیرا نمی توانی

از همه کسانی که مطلبی از تو شنیده اند [و آن مطلب برایشان ناپسند است]، عذرخواهی کنی [و آن ها را قانع کنی]!

* هرکس عقلش کامل ترین داشته هایش نباشد، هلاکتش آسان ترین اتفاق ها خواهد بود.

* چرا مسلمانان را همچون خانواده خود نمی دانی تا بزرگشان را به منزله پدرت و کوچکشان را به منزله فرزندت و هم سنشان را به منزله برادرت ببینی؟! در این صورت، دوست داری به کدام یک از آن ها ظلم کنی و دوست داری کدامشان پرده دری کنی [و آبرویش را ببری]؟!*

* هرگاه شیطان (لعنه الله علیه) تو را وسوسه کرد و گفت: «تو از فلان اهل قبله [یعنی یکی از مسلمانان] برتر هستی»، اگر آن فرد از تو بزرگ تر است، بگو: «او در ایمان و عمل صالح از من پیشی گرفته است؛ پس او از من بهتر است.» اگر از تو کوچک تر بود، بگو: «من درسرکشی ها و گناهان از او پیشی گرفته ام؛ پس او از من بهتر است.» اگر هم سن تو بود، بگو: «من به گناه خودم یقین دارم؛ درحالی که به او شک دارم؛ پس چرا باید یقینم را به سبب شکم رها کنم؟!»

* اگر دیدی مسلمانان تو را تعظیم و تجلیل و احترام می کنند، بگو: «این فضیلتی است که آن ها دارند.»

* اگر از آن ها ظلم و ناخوش رویی [بی اعتنائی] دیدی، بگو به سبب گناهی است که انجام داده ام.

ای زهری! اگر چنین کردی، خدا زندگی را بر تو آسان می کند و دوستانت بسیار و دشمنانت کم خواهند شد و از نیکی و خیراتی که از آن ها به تو برسد، شادمان شده و از جفایشان تأسف نخواهی خورد.

* درعین حال بدان که گرامی ترین افراد در میان مردم، کسی است که خیرش برای مردم در حال جوشش باشد [و پیوسته نفعش به مردم برسد] و از آنان بی نیاز و عقیف (1)

باشد و چیزی از ایشان نخواهد. پس، از این افراد، کسی از همه مردم کریم تر و گرامی تر است که چیزی از مردم طلب نکرده باشد؛ هرچند به آنان محتاج است؛ چراکه اهل دنیا به اموالشان عشق و علاقه دارند و اگر کسی در عشقشان [یعنی در امور مالی] مزاحم آن ها نشود، در نظرشان محترم است و البته کسی که در عشقشان مزاحمشان نشود و آنان را به بخشی از عشقشان برساند، عزیز تر و کریم تر خواهد بود. (2)

ص: 122

-
- 1- تعبیر «مُسْتَعْنِياً مُتَعَفِّفاً» به جلوه ظاهری و باطنی بی نیازی اشاره دارد؛ یعنی هم ظاهر زندگی مان به گونه ای باشد که مردم دریابند از آن ها بی نیاز هستیم و هم در باطن، عفت بورزیم و خود را محتاج خلق ندانیم. «متعففاً» از باب تفعّل، نشان از تکلف و سختی کار دارد؛ یعنی اینکه باطناً خود را نیازمند غیر خدا بدانیم، سخت است؛ ولی به نتایج و ثمراتش می ارزد که خودنگه دار بوده و خواسته مان را نزد دیگران مطرح نکنیم.
 - 2- نک: منسوب به امام حسن بن علی (علیه السلام)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (علیه السلام)، ص 25 تا 27؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 89، ص 242 تا 244.







رابطه نیکوی انسان با دوستان خود، جزو روابط ارزشمند او و نعمت های برتر الهی بوده که مزایا و اهمیت فراوانی دارد و دارایی بزرگی برای انسان به شمار می رود. این موضوع چنان اهمیت دارد که در روایات بارها به آن اشاره شده و از جمله به نقل از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: «ناتوان ترین افراد کسی است که در یافتن دوست ناتوان باشد و البته عاجز تر از او کسی است که دوستان به دست آورده را از دست می دهد»؛ [\(1\)](#)

بنابراین فرد نباید در تحولات زندگی، رفقای خویش را از دست بدهد؛ هرچند می تواند از این فرصت استفاده کند و رابطه اش را با افرادی که مناسب دوستی نیستند، قطع کند.

یکی از این تحولات بسیار مهم، ازدواج و تشکیل خانواده است که زمان زیادی را به مسئولیت های معطوف به آن اختصاص می یابد و فرصت انجام برخی کارهای گذشته را از فرد می گیرد؛ ولی نباید باعث قطع ارتباط افراد با رفقای خوبشان شود؛ هرچند پس از ازدواج، رابطه

با دوستان، تعریف جدیدی پیدا می‌کند و فرد نباید همان تعاملات و روابط قبل را، به همان حد و شکل سابق، حتی با دوستان بسیار صمیمی خود ادامه دهد؛ زیرا در این مرحله، اشخاص صمیمی زندگی، در درجه اول، باید همسر و فرزندان او باشند و عمده اوقات فراغتشان را با آن‌ها سپری کند؛ البته کسی که به امور خانواده اش رسیدگی کافی داشته باشد، با خاطری آسوده می‌تواند زمان‌هایی را نیز برای گذراندن با دوستانش اختصاص دهد؛ به شرط اینکه زمان و نوع ارتباطشان، حساسیت برانگیز نباشد.

انسان‌ها به سبب داشتن روحیه اجتماعی به دوستی با دیگران نیاز دارند؛ ضمن اینکه از آگاهی‌ها و تجربه‌های آن‌ها در حل مسائل و مشکلات خود بهره می‌برند. یاران خوب نعمت‌های خدا هستند و در گرفتاری‌ها، آن‌کس که بیش از همه هوای ما را دارد، دوست خوب است.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی (1)

«مهم‌تر از همه، اینکه برخورداری از دوستانی با ویژگی‌های خوب، از یک سو در شکل‌گیری منش و شخصیت انسان و از سوی دیگر، در جهت‌گیری اندیشه او تأثیری شگرف دارد.» (2) امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

دوستی حدود و شروطی دارد؛ پس کسی که [حتی یکی از] این شروط را ندارد، او را دوست کامل مشمار و هرکه هیچ یک از آن حدود را ندارد، هیچ درجه‌ای از دوستی را ندارد:

ص: 126

1- سروده مصلح بن عبدالله شیرازی متخلص به سعدی، شاعر قرن هفتم هجری.

2- علی اکبر کلانتری، اخلاق زندگی، ص 162.

1. پنهان و آشکارش برای تو یکی باشد؛ 2. آراستگی تو را آراستگی خود و سرافکندگی و زشتی تو را سرافکندگی و زشتی خود بداند؛ 3. ثروت و مقام [روحیه] او را درباره تو تغییر ندهد؛ 4. از آنچه در توان اوست، از تو دریغ ندارد؛ 5. در گرفتاری و سختی های روزگار تو را رها نکند. (1) دوست خوب شخص آزموده ای است که هنگام گرفتاری و درماندگی، ما را رها نمی کند؛ از این رو اگر خداوند دوستی خوب نصیبمان کرده است، قیدش را ننزیم و از همسرمان نیز چنین درخواستی نداشته باشیم. در عین حال، در زمینه ارتباط با دوستان، بعد از ازدواج چند سؤال محوری وجود دارد که در خلال مباحث آتی، به آن می پردازیم:

1. هرکدام از ما با رفقای خود بعد از ازدواج چه رابطه ای داشته باشیم؟ بازتعریف رابطه فرد با دوستان خودش بعد از ازدواج چگونه است؟

2. رابطه ما با دوستان همسرمان و از طرف دیگر، رابطه رفقای ما با همسرمان باید چگونه باشد؟

3. موضع هرکدام از ما در مواجهه با رابطه همسرمان با دوستانش باید چگونه باشد؟

ص: 127

نوع مواجهه فرد با روابط دوستانه همسرش، در سه وضعیت سبز و زرد و قرمز بررسی می شود. این وضعیت ها حاصل سه امر است:

* شخصیت فردی و اجتماعی دوست؛

* نوع ارتباط با دوست؛

* حساسیت های فرهنگی و شخصیتی همسر و خانواده اش.

وضعیت سبز وضعیتی است که در آن رابطه با دوست، به آرامش خانوادگی لطمه ای نمی زند؛ چراکه اولاً دوست مدنظر، شخصیتی موجه دارد؛ ثانیاً نوع ارتباط با او حساسیت برانگیز نیست و ثالثاً همسر و خانواده اش نیز به این ارتباط حساس نیستند.

وضعیت زرد وضعیتی است که روابط دوستانه، زمینه تنش در خانواده را فراهم آورده است که برای آن چند منشأ متصور است: یا ناشی از وضعیت ظاهری خلاف انتظار و غلط انداز دوست است یا آن دوست شخصیتی سالم دارد، ولی نوع ارتباط فرد با او خارج از عرف و بیش از اندازه و حساسیت برانگیز است یا در این ارتباط رفتارهایی بروز کرده است که همسر احساس می کند آن دوست به او ترجیح داده شده است.

وضعیت قرمز وضعیتی است که روابط دوستانه، آسیب زاست و می تواند به مال و آبرو و زندگی خانوادگی ضربه بزند. ارتباطات با جنس مخالف یا دوستانی که رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی دارند و نیز تقریحات غیر متعارف و فعالیت های اقتصادی پرریسک بر مبنای اعتماد بیش از حد نیز در این وضعیت قرار خواهد گرفت. گاهی نیز دوست مدنظر، با ملاک های ارزشی همسر، تعارض های شدید فکری و

فرهنگی دارد که باز هم در ردیف وضعیت قرمز قرار می گیرد.

برای رفع مشکلات احتمالی و بهتر شدن هریک از این وضعیت ها، قطعاً راه حل مناسبی وجود دارد که در ادامه به برخی از آن ها پرداخته ایم. در وضعیت سبز مسئله اصلی اینجاست که روابط با رفقای خوب چگونه تنظیم شود تا موجب افزایش آرامش و سازندگی فرد و خانواده اش باشد که برای پاسخ به این سؤال، راه حلی با عنوان «بازتعریف روابط دوستانه، پس از ازدواج» بیان خواهد شد. بررسی راهکارهای وضعیت زرد با عنوان «مدیریت محبت» و راه حل وضعیت قرمز در مطلب «شیوه مواجهه با دوستان نامناسب همسر» خواهد آمد.

تصویر



دوستانی که با آن‌ها ارتباط داریم، دسته‌های گوناگونی هستند: بعضی مجردند و بعضی متأهل؛ بعضی هم‌شان ما هستند و بعضی با فرهنگی متفاوت از ما زندگی می‌کنند؛ بعضی برای تفریحات و اوقات فراغت مناسب‌اند و بعضی از آن‌ها دوستان کاری محسوب می‌شوند. طبیعی است مواجهه با هریک از این افراد، اقتضای خودش را دارد و نمی‌توان بعد از ازدواج، رفتار یکسانی با همه آن‌ها داشت.

● دوستان مجرد از این نظر که هنوز در فضای اجتماعی متفاوتی هستند و خانواده مستقل تشکیل نداده‌اند، آزادی عمل بیشتری داشته و نوعاً درک درستی از مناسبات افراد متأهل ندارند؛ به همین دلیل انتظار دارند شما مثل سابق با آن‌ها همراه باشید و اگر چنین نکنید، ممکن است شما را با عناوینی مثل بی‌معرفت و زن ذلیل و مانند آن خطاب کنند؛ درحالی که اقتضای تأهل این است که شما زمان کمتری برای گذراندن با دوستان قدیمی پیدا می‌کنید. ازطرف دیگر، فضای فرهنگی جامعه نیز نمی‌پسندد که افراد متأهل با جوان‌های مجرد رفت و آمد زیادی داشته باشند و معمولاً همسران نیز با این شکل از ارتباط، مشکل پیدا خواهند کرد؛ البته فرد می‌تواند خارج از فضای خانواده و در زمان‌های مناسب، با دوستان مجردش ارتباطی محدود داشته باشد؛ با این تأکید که حرف‌های مختص به افراد متأهل نباید در مقابل آن‌ها مطرح شود.

● با دوستان متأهل خود، راحت‌تر می‌توانید ارتباط داشته باشید، هم فردی و هم خانوادگی که البته در ارتباط‌های خانوادگی باید میزان

هماهنگی فکری و شخصیتی و فرهنگی بین خود و همسرانتان را هم در نظر بگیرید. بنابراین ارتباط خانوادگی خود را با دوستانی برقرار کنید که این هماهنگی وجود داشته باشد و نباید اصرار کنید که این ارتباط حتماً با دوستانان صمیمی تان بیشتر باشد؛ چراکه ممکن است نبود این هماهنگی ها، فضای خانوادگی تان را دچار تنش کند.

در روابط خانوادگی نباید اجازه دهید به بهانه صمیمیت و رفاقت، شما با همسر دوستان یا او با همسر شما راحت تر از حد شرعی باشد؛ چراکه ممکن است مشکلاتی را برای هرکدام به وجود آورد. صمیمیت و ارتباط بی حد و مرز، زمینه هایی از مقایسه کردن و بی اعتمادی و ذهنیت های منفی را در فضای خانواده ایجاد می کند که باعث دوری شما از دوستانان یا ایجاد تنش بین خانواده ها می شود.

از طرفی مراقب باشید جلوی خانواده های دیگر خیلی به همسران ابراز محبت نکنید؛ چون ممکن است باعث حساسیتشان و دلخوری آن ها از همسرشان شود؛ همچنان که شما نیز دقت کنید که ارتباط خوب همسران دیگر را به رخ همسران نکشید تا ناراحتی و تنشی بینتان پیش نیاید. ارتباط خانوادگی فرصت مناسبی است که به طرح تجربه ها و مهارت های زندگی بپردازید.

اگر این ارتباط ها و دوستی ها با رعایت شروط گفته شده، خوب سامان دهی شود، می تواند محیط بسیار مناسبی برای تقریح و مسافرت و حتی اصلاح روابط با همسر و تربیت فرزندان باشد؛ به خصوص که تکثر فرهنگی به وجود آمده در میان اقوام، آن قدر زیاد است که انسان نمی تواند به راحتی و با خاطر جمع روابطش را با آن ها گسترش دهد؛ بنابراین می توان این خلأ را با ارتباط با دوستان همفکر جبران کرد.

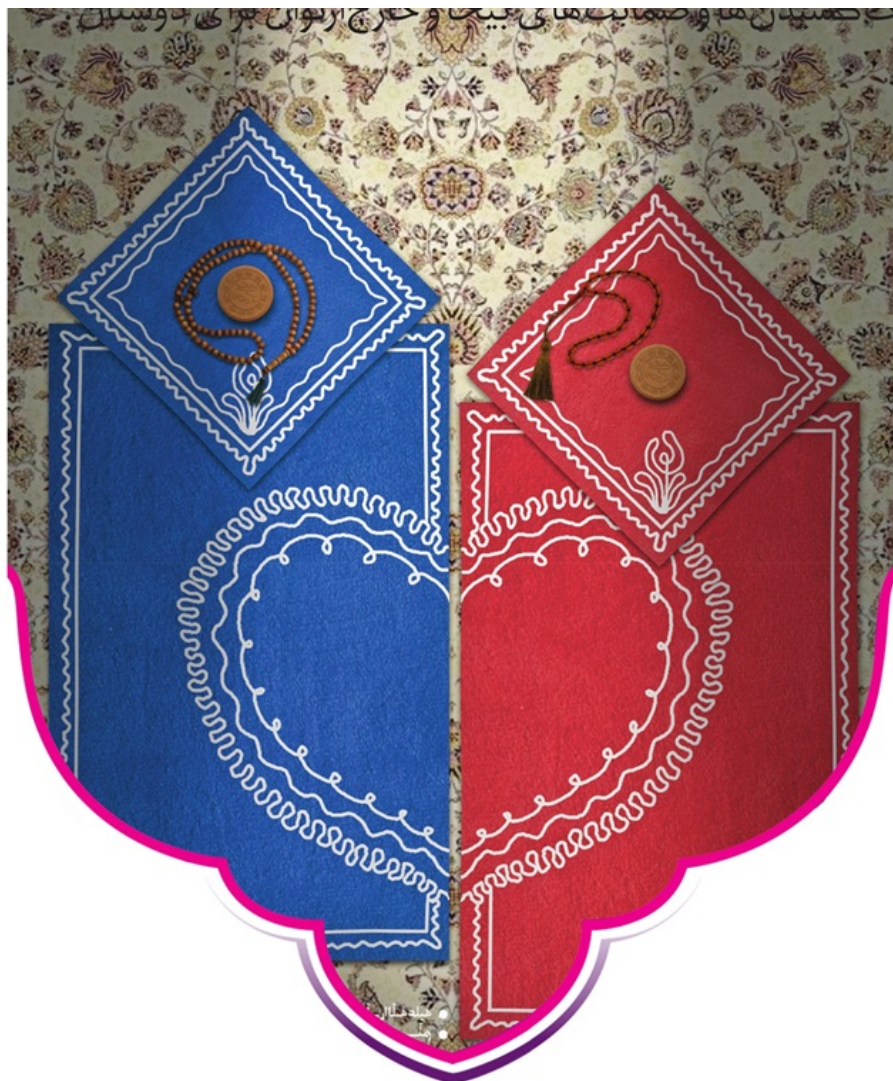
● فرازونشیب دوران نوجوانی و جوانی باعث می شود انسان گاهی با کسانی دوست باشد که از نظر فرهنگی و شخصیتی با او تناسب ندارند؛ اما وقتی پای خانواده به میان می آید، این مسائل اهمیت بسیاری پیدا می کند و برای اطرافیان پذیرفتنی نیست که شما با هرکسی ارتباط داشته باشید؛ پس بعد از ازدواج، ارتباط با دوستانی که از لحاظ فرهنگی با شما متفاوت اند، باید به حداقل برسد. ● در مقابل، ارزش دارد رابطه خود را با دوستانی که ارتباط با آن ها باعث رشد و موفقیت شما می شود و همگان آن را تأیید می کنند، حتی بعد از ازدواج، بیشتر تقویت کنید؛ البته تعریف بیش از حد از آن ها در مقابل همسر، ممکن است باعث حساسیت او شود؛ چراکه همسر صمیمی ترین فرد زندگی است و نباید احساس کند فرد دیگری در این محدوده وارد شده است. مراقب باشید که این اتفاق ممکن است دوستی شما را از وضعیت سبز به وضعیت زرد منتقل کند.

● در زمینه فعالیت های فوق برنامه از جمله ورزش و تفریح و فعالیت های فرهنگی و مذهبی نیز باید بدانید که وضعیت جدید زندگی شما الگوی جدیدی برای اجرای این برنامه ها می طلبد؛ هرچند شما با الگوهای قبلی خو گرفته باشید. طبیعی است تا تنظیم این برنامه ها با موقعیت جدید، کمی از آن ها فاصله خواهید گرفت که نباید زیاد نگران باشید؛ بلکه باید سعی کنید به تدریج با برنامه ریزی صحیح و همراهی و هماهنگی با همسران برنامه های متناسبی را برای خود طراحی کنید.

● در زمینه فعالیت های اقتصادی نیز فرصت کار با دوستان، فرصتی

خوب است؛ به شرط اینکه قول و قرارها دقیق و حساب و کتاب ها صحیح باشد و تمام احتمالات ممکن پیش بینی شده باشد. هنگام بستن قرارداد کاری با دوستان، نباید به بهانه رفقت، بخشی از احتمالات را نادیده بگیریم؛ بلکه باید فکر کنیم با فردی غریبه قرارداد می بندیم؛ ولی در هنگام کارکردن، همدلی و فداکاری و صمیمیت را در کنار جدیت و برنامه ریزی و مسئولیت شناسی حفظ کنیم. آسیب رایجی که گاهی در میان دوستان اتفاق می افتد، اعتمادهای بیش از اندازه ای است که به هم دارند و مایه خسارت های سنگین می شود و آرامش خانواده را نیز برهم خواهد زد؛ مثل قرض دادن های بدون ثبت و ضمانت و زمان و چک کشیدن ها و ضمانت های بیجا و خارج از توان برای دوستان.

تصویر



اگر بر این امر تأکید و اصرار داشته باشیم که همسرمان فقط متعلق به ما باشد، بدانیم که او و علاقه او را از دست خواهیم داد. در این حالت، برای او مانند دمی هستیم که بازدمی به دنبال ندارد. خطاب این توصیه عموماً خانم‌ها هستند؛ چون زن دوست دارد عاطفه و توجه شوهر در هر زمان، تماماً مختص او باشد؛ اما باید بداند اگر مردش را در زندان علاقه خود حبس کند، ممکن است او را به جایی برساند که به یک باره رشته همه علقه‌ها را پاره کند. در مردان و خصوصاً مردان عاشق پیشه نیز این احساس، کم و بیش وجود دارد.

اگر فردی ببیند که همسرش مشتاق است اوقاتی را در کنار دوستانش بگذراند، بهتر است مانع نشود و وی را در چارچوبی منطقی آزاد بگذارد. به طور خاص زنی که می‌خواهد سلطان قلب همسرش باشد، باید قلب او را با تمام درونیاتش بپذیرد. خواه ناخواه، در این قلب عده‌ای رفت و آمد دارند و اگر زن بخواهد با آن‌ها زورآزمایی و مقابله کند، ممکن است شکست بخورد؛ درحالی که اگر اقدامی نکرده بود، شکستی هم در کار نبود و اگر او درباره افرادی که شوهر به آن‌ها تعلق خاطر دارد، حساسیت به خرج ندهد، این رفت و آمدها و تعلقات، با نظر و نظارت وی ادامه پیدا می‌کند.

توصیه مهم به همسران این است که هیچ‌گاه خود را در تقابل محبت‌های دیگر همسرشان قرار ندهند؛ بلکه باید این محبت‌ها را در کمند محبت خود جای دهند تا بتوانند مهارشان کنند. مثلاً اگر زنی به دایی خود علاقه مند است، بهتر است مرد نیز به دایی وی علاقه

نشان دهد؛ زیرا با این عمل خود به همسرش می فهماند که: «من دایی ات را دوست دارم؛ چون تو را خیلی دوست دارم.» اگر مردی چنین کرد، بر زن و علقه هایش مسلط می شود. اگر زن و شوهر، چتر محبتشان را بر سر همسر و علقه های او باز نکنند، دیگر بر ارتباط های او هم تسلط نخواهند داشت و قادر نیستند علقه مندی های یکدیگر را مدیریت کنند. یک مدیر خوب پیوسته باید هوشیار باشد تا هیچ امری از سیطره اش خارج نشود.

حضرت امام (رحمه الله) روز اول تشکیل جمهوری اسلامی، با آنکه مخالف شاه و طاغوت بودند، اعلام کردند که تمام قوانین دوره قبل تا زمانی که ملت رأی بر مخالفت با آن نداده است، به قوت خود باقی است.⁽¹⁾ اگر ایشان می گفتند که ارتش را نمی خواهند، کارمندان طاعتی و قوانین طاعتی را هم نمی خواهند و... عملاً حیطه حکومتشان را به افراد انقلابی اطرافشان محدود می کردند و نمی توانستند کشوری به این عظمت را اداره کنند؛ در حالی که با این روش، هم عناصر خوب قبلی ها را جذب کردند و هم فرصت یافتند تا ساختارهای دیگری ایجاد کنند.

با محبت نمی شود خط و نشانی رفتار کرد. عشق را نمی شود با استدلال و قانون و قرارداد محدود کرد. در هیچ محکمه ای، هیچ قانونی برای تعیین حدودمرز عشق، وضع شدنی نیست. عشق را فقط با عشق می توان محدود کرد. عشقی که خداوند هنگام جاری شدن صیغه عقد در دل دختر و پسر قرار می دهد، عنایتی است آسمانی که همه محبت های

ص: 135

1- سیدروح الله خمینی، صحیفه امام، ج 6، ص 60: «به جز در موارد بسیاری که به زور وارد قانون اساسی شده است، تا زمانی که ملت رأی بر مخالفت با آن نداده است، به قوه خود باقی است.»

دیگر را کنار می زند. محبتی که خداوند در آیه ((جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً))⁽¹⁾ بیان می کند، در صدر سایر محبت ها قرار می گیرد؛ به همین علت، توجه دختر یا پسری که تا قبل از ازدواج، همه فکروذکرش معطوف به پدر، مادر، دوستان و چیزهای دیگر بود، پس از ازدواج به همسرش اختصاص می یابد. خدا در اول ازدواج، به زن و شوهر موقعیتی ویژه می دهد: در واقع، مثل مدیری که در ابتدای انتصابش، با تجلیلی ویژه، موقعیت او را آنچنان تثبیت می کنند که نگران رقبای خود نباشد؛ برای این دو نیز مراسم معارفه باشکوهی برگزار شده و اختیارات فوق العاده ای به آن ها اعطا می شود؛ حال اگر احساس کنند جایگاهی را که باید داشته باشند، ندارند، خودشان مقصرند.

اگر زن و شوهر در نثار محبت به یکدیگر کم نگذارند، کمتر نگران محبت های دیگر می شوند؛ از این رو بیشتر از اینکه دلواپس محبت های دیگران باشند، باید حواسشان به خودشان جمع باشد؛ چراکه هرچه بیشتر به هم محبت کنند، به نرمی محبت های دیگر را تحت الشعاع خود قرار می دهند؛ پس ضرورتی ندارد که با علاقه های همسران تقابل کنید؛ شما فقط درصدد تشدید علاقه صادقانه خود باشید.

نکته مهمی که در پایان این قسمت باید اشاره شود، آن است که زنان به سبب عاطفی بودن و میل به محبوب بودن، بیشتر دچار خصیصه و سواس و سوءظن به همسر می شوند و مردان به سبب اینکه به اعتماد زنان نیاز دارند، سریع در برابر این سوءظن واکنش نشان می دهند؛ درحالی که این حالت، امری متداول و رایج در بین زنان بوده و برای

ص: 136

- سلامت و امنیت انسان، مفید است. البته ممکن است عوارضی هم داشته باشد که چه بسا با چند ترفند کوچک، بتوان آن را بهبود بخشید: ● مرد محبتش را به همسرش به صراحت ابراز و باراه های گوناگون نشان دهد. این مرد است که باید خلأ عاطفی همسرش را پر کند تا حس اطمینان را در او به وجود آورد.
- گاهی که ممکن است به سبب کار و مشغله ای، دیرتر از معمول به خانه بیاید، همسرش را از تأخیر خود باخبر سازد؛ تأخیرهای خارج از انتظار، علاوه بر دلواپسی، می تواند سوءظن برانگیز نیز باشد.
- تاحدّامکان، مشغله های اضافی خود در ساعات غیرکاری را به همسرش بگوید؛ همچنین از همفکری و مشارکت او استفاده کند تا همسرش نیز خود را در آن کار سهیم و درگیر بداند.
- باید حیا و وقار و حفظ حرمت ها در ارتباط با سایر زنان، در رفتار مرد نمایان باشد. اگر رفتار مرد این احساس را به وجود بیاورد که او با سایر زنان صمیمانه برخورد می کند یا شوخی های خارج از عرف دارد، طبعاً این خود، ممکن است زمینه شک و اتهام را ایجاد می کند.
- به هیچ وجه نباید در مقابل همسر از زنان دیگر تعریف و تمجید شود. این کار اولاً حسادت برانگیز است یا حداقل می تواند همسر را به آن زنان حساس کند؛ ثانیاً زمینه اتهام مرد را فراهم می کند.
- رعایت این نکته در مردان امری پسندیده تر است و برای سلامت و امنیت زنان بسیار لازم است؛ اما متأسفانه این حساسیت که به آن غیرت گفته می شود در مردان جامعه کمتر شده و در این سال ها، شاهد اتفاقات غیرمنتظره در خانواده ها بوده ایم.

اشاره

اگر شریک زندگی ما با رفقای بد، رفت و آمد داشت و خودش به بدبودن آن ها قائل نبود، چه باید کرد؟ این مشکل نه فقط درباره همسر است، بلکه متوجه بسیاری از والدینی است که از رفقای بد فرزندشان رنج می برند.

الف. علت شناسی

قبل از هر اقدامی باید به چند نکته توجه کنیم: اول بررسی این مطلب که چرا ه مسرمان چنین اشخاصی را به دوستی پذیرفته است؟ غالباً چنین دوستانی، دو ویژگی برجسته دارند:

1. آنان از دوستانشان بسیار تعریف و تمجید می کنند؛ درحالی که معمولاً همسر و اطرافیان، در جست و جوی اشکالات فرد بوده و از او ایراد می گیرند. رفقای بد، رفتارهای انتقادبرانگیز را مثبت تلقی می کنند و فرد را نیز به سبب داشتن چنین خصایصی تشویق می کنند؛ مثلاً اگر اشخاصی موجه، مانند همسر یا والدین فرد، شاهد رفتار ناشایست او با دیگری باشند، او را با عباراتی از قبیل «چرا فریاد زدی؟» یا «چرا آبروی طرف را بردی؟» یا «چرا به او ناسزا گفتی؟» به باد انتقاد می گیرند؛ درحالی که دوستان بد، او را با عباراتی مانند «دمت گرم! چطور حال طرف را گرفتی؟» یا «کیف کردم خوب حالش را جا آوردی!» تشویق می کنند. از آنجایی که انسان همواره در جست و جوی تأیید دیگران است، برای او دم خورشدن با اشخاصی دلنشین تر است که تشویق و تأییدش می کنند؛ درنتیجه، فرد به حفظ چنین دوستانی تمایل بسیار دارد.

ص: 138

2. دوست بد هوای رفیقش را دارد و ابراز محبتش به او پررنگ است. اگر می خواهید مانع ارتباط همسر یا فرزندان با دوستان بد شوید، باید در این ویژگی ها از آنان جلو بزنید: بیش از پیش، از همسران تعریف کنید و کمتر درصدد عیب جویی و انتقاد از او باشید. درست است که شما برای اصلاح رفتارهایش، از او انتقاد می کنید و از طرفی چون از رفتارش ناراحت هستید، نمی توانید تعامل خوشایند و عاشقانه ای با او داشته باشید؛ ولی باید بدانید در این صورت، از شما بیشتر فاصله گرفته و به سایر افراد یا رفتارهای غلط نزدیک تر خواهد شد. در واقع، این عکس العمل، نوعی دفاع از خود است که در آن، فرد از منتقدانش دوری کرده و به روابط دیگر پناه می برد.

«گاهی اوقات، فضای خانه برای زن و مرد جذاب نیست و علاقه چندان به حضور در خانه ندارند. علت حضور نداشتن مرد یا زن، همیشه اشتغال نیست؛ بلکه گاهی این نبودن، به علت نداشتن امنیت عاطفی و روانی است. اگر زن و مرد با رفتارهای درست، نیازهای روحی و روانی یکدیگر را تأمین کنند، بازگشت به خانه برای هر دو نفر، لحظه های بسیار مطلوب و خوشایندی خواهد بود.» (1)

ب. پرهیز از رفتار تقابلی

همواره مراقب باشید که خود را در تقابل فرد مقابل و دوستانش قرار ندهید. در واقع، وقتی می توانید دوستی ها را مدیریت کنید که با آن ها رفتار

ص: 139

1- نک: حسن ملکی، خانواده موفق 10: با مشکلات همسر چه کنم؟، ص 173.

تقابلی نداشته باشید. اگر در رفتار تقابلی تان بسیار قدرتمند نیز عمل کنید، در نهایت دوستی آشکار آن ها را تبدیل به دوستی های پنهان و محرمانه می کنید؛ یعنی با این عملکرد، گرچه به ظاهر دیگر شاهد رفت و آمد فرد با رفقای ناباش نیستید، اما این رفت و آمد به طور پنهان و بیشتر اتفاق می افتد؛ بنابراین از خط و نشان کشیدن و بدگویی از این گونه دوستان و در یک کلام، مقابله مستقیم بپرهیزید.

حتی درباره چنین افرادی، انصاف را رعایت کنید و اگر واجد نکات مثبت نیز هستند، حتماً آن ها را بازگو کنید. مثلاً اگر فرد مرتب و منظمی است، از این ویژگی مثبت او شروع کنید یا اگر زرنگ و توانمند است، ابتدا از این مزیت های او بگویید. هنگامی حرف و نظر شما اثرگذار است که همسر یا فرزندان احساس کند هیچ گونه حبّ و بغضی به دوستان او ندارد. پاسخ های او از قبیل: «تواز اولش هم با این دوست من مشکل داشتی» یا «تونسبت به آن ها حسادت می کنی»، یا «چرا این قدر بدبین هستی؟»، ممکن است حکایت از رفتار جهت دار ما در مقابل این نوع از دوستان وی داشته باشد یا حداقل همسرمان چنین احساسی پیدا کند که در هر حال، باعث کم شدن اثر سخنان می شود.

باید بسیار مراقب بود که فرد، در گفتار و رفتار ما نگرانی ای احساس نکند. اگر ما قادر باشیم رفتار و احساس خود را درست مدیریت کنیم، فرد مسائل و تجارب مشترکی را که با دوستانش داشته است، به راحتی برای ما بازگو می کند؛ مثلاً اگر بگوید: «دوستم فلان کار را کرد» برای شما فرصتی فراهم می شود که به طور نامحسوس و غیر مستقیم، با جملاتی سؤالی مانند: «به نظر تو دوست

نباید اینجا فلان کار را می کرد؟» نکاتی را خاطرنشان کنید که او را آرام آرام به نتیجه دلخواه شما نزدیک کند. در حقیقت از این طریق او را به درگیری ذهنی و گفت و گوی درونی می کشانید؛ در نتیجه ممکن است نزد خود به این باور برسد که: «بله، او دوست خوبی نبود. اگر بود، مانع می شد؛ نه اینکه خودش هم من را به دعوا تشویق کند!» همچنین می توانید با ظرافت و در خلال صحبت های روزانه، مطالبی را در قالب حکایت و داستان و واقعیت بیان کنید؛ مثلاً در این باره که چگونه کسی به دوست نااهلش اعتماد کرد و از سوی او ضربه خورد!

بعد از مدت ها آماده سازی و در فرصت مقتضی، هنگامی که احساس کردید در او تردیدهایی ایجاد شده و دیگر تعصب قبل را ندارد، می توانید مستقیماً از شخص بخواهید که به دوستی نابجای خود پایان دهد. اشتباه ما در این است که همان اول کار، تمام توانمان را به کار برده و دلايمان را می گوئیم و در عوض، چون همسرمان به دوستش علاقه و وابستگی زیادی دارد و عیبی در او نمی بیند، خود را خلع سلاح می کنیم. زمانی می توانیم جمله مستقیم «دیگر نباید با این فرد دوست باشی» را بگوئیم که شخص چند ضربه از دوستش خورده باشد؛ مثلاً وقتی نزد شما سفره دلش را باز می کند که چطور رفیقش پشت سر او بدگویی کرده یا در حضور دیگران او را سبک کرده است، می توانید بگوئید: «خدا را شکر که ضربه بیشتری نزده! حالا که این کارها را کرده است، تو هم قید او را بزن.»

نکته آخر این است که اگر در جایی خطر را بسیار نزدیک و بزرگ احساس می کنید، به طوری که دیگر مجالی برای چنین مقدمه چینی ها و آماده سازی هایی وجود ندارد، توصیه می شود خود را مستقیماً در تقابل

فرد و دوستانش قرار ندهید؛ بلکه این کار را مخفیانه به افراد موجه دیگر مانند پدر یا دوستان صالح او بسپارید؛ در غیر این صورت، هر سخنی که بگویید، از نظر او دفاع از خود محسوب می شود و این امر باعث می شود که دیگر، سخنان شما را ناصحانه و دلسوزانه تعبیر نکند و نپذیرد.

پ. توجه به مراحل مواجهه با خطاهای عمده

اشاره

از بسیاری از خطاهای دیگران، می توان چشم پوشی کرد؛ اما در این میان معدودی از اشتباهات فاحش نیز وجود دارد که برای شما تحمل نکردنی نیست. هنگام قرارگرفتن در چنین موقعیت هایی، بحث و مذاکره منطقی درباره مشکلات، نه فقط مفید نیست، بلکه باعث عادی شدن موضوع و ریختن قُبُح آن شده و فرد را در ارتکاب مجدد آن خطا، جری تر نیز خواهد کرد. اینکه او یک گام پیش آمده و توانسته است درباره موضوعی تحمل نکردنی، با شما چند دقیقه صحبت کند، یعنی شما پذیرفته اید امکان تکرار این خطا باز هم وجود دارد. در واقع اولین بار که خطاهای بزرگ مطرح و آشکار می شود، نبض شما را نیز می سنجد و اگر حساسیت شما به موضوع کم باشد، میدان را برای ادامه باز می بیند؛ بنابراین در این مواقع، سه اقدام در سه مرحله لازم است: در مرحله اول، «تغافل»⁽¹⁾ و در مرحله دوم، «تقیح» و در مرحله سوم، «تبیین و روشنگری».

ص: 142

1- «تغافل» از ریشه «غُفْل» در لغت به معنای نادیده انگاشتن و چشم پوشی عمدی و خود را به غفلت زدن است. (سیدمرتضی حسینی واسطی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 15، ص 548).

وقتی با مسئله ای دورازانتظار در همسرتان مواجه می شوید، نه فقط نباید هوار بکشید و دیگران را خبردار کنید، بلکه حتی نباید نشان دهید که خودتان هم متوجه شده اید. این همان اصلِ تغافل است که البته با غفلت فرق دارد. غفلت یعنی شما از عمق و استمرار مسئله بی خبر باشید و به علائم هشداردهنده توجه نکنید. این مطلوب نیست؛ اما تغافل به این معناست که درعین حال که متوجه خطر شده اید، به روی خودتان نیاورید و کریمانه رفتار کنید تا قبح عمل نریزد و راهکار بهتری برای مدیریت آن پیدا کنید. (1)

امام سجاد (علیه السلام) در این باره به فرزندشان فرموده اند: «اصلاح زندگی ها همه در ظرفی است که دو سوم آن را زیرکی پرکرده است و یک سوم آن را تغافل؛ زیرا انسان از چیزی اظهار بی خبری می کند که از آن باخبر است و با زیرکی آن را زیر نظر دارد.» (2)

بعضی ها این را مزیت می دانند که به همسرشان بفهمانند از ایرادهای مخفی او باخبر هستند؛ برای مثال می گویند: «از همه کارهایت خبر دارم. فکر کرده ای نمی دانم؟! پرونده ات زیر بغلم است». فردی که این گونه حرف ها را می زند، با این جمله ها آب پاکی را روی دست طرف مقابل ریخته است! در واقع آب از سر او گذشته است و دیگر آبرویی نزد شما ندارد که بخواهد آن را حفظ کند؛ بنابراین با جسارتی بیشتر به خطای خود ادامه خواهد داد؛ درحالی که تا وقتی که فرد احساس می کند آبرویش حفظ شده است، محدودیت بیشتری برای انجام رفتار غلط دارد؛ برای همین است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

ص: 143

1- نک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 209.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 46، ص 231.

در این میان، ممکن است بتوانید قبح عمل را به صورت غیرمستقیم و بدون اینکه از خود او مثال بزنید، تذکر دهید؛ مثلاً اینکه «چقدر خانواده ما به این کار حساس هستند؛ چقدر از این جور افراد بدمان می آید؛ وای به وقتی که مرد خانواده، دست به چنین کاری بزند، خدا از هفت پشتمان دور کند و...!» شما با این سنخ صحبت ها، نمود قبح آن رفتارها را افزایش می دهید. در عین حال، باید بتوانید با کمک مشاوران، ریشه این مسئله را هم کشف کنید و با آن مبارزه کنید؛ مثلاً اگر همسران با کسی رفت و آمد می کند که زمینه ساز این خطاهاست، بدون اینکه نشان دهید اصل مسئله را کشف کرده اید، این زمینه را از بین ببرید.

تقیح

در وهله دوم اگر همسران فهمید که شما از خطایش باخبرید یا خودش اعتراف کرد یا به هر شکلی، این موضوع علنی شد، واکنشی متفاوت نشان دهید و از مکانیزم تقبیح استفاده کنید. تقبیح واکنشی هیجانی همراه با خشم، تعجب، اندوه و تهدید است. شما چهره تان دگرگون می شود و در بهت می روید و با عصبانیت می گوید: «اصلاً نمی فهمم که چطور توانستی چنین کاری بکنی یا حتی درباره اش حرف بزنی.

ص: 144

1- «تجاهل» به معنای اظهار جهل و نادانی درباره چیزی است که از آن خبر دارد و مراد همان تغافل است (فؤاد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، ص 208).

2- «لا عقل کالتجاهل» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 53).

اصلاً نمی‌توانم درک و هضمش کنم. نمی‌توانم بفهمم یعنی چه!» این سنخ واکنش‌ها، تهدیدی جدی برای فردی است که تمام آبروی خود را در خطر می‌بیند و می‌تواند فرد را چندین گام به عقب براند و شرم فراوانی در او ایجاد کند. ضمناً تا وقتی دیگران را خبردار نکرده‌اید، زمینه بیشتری برای اصلاح فرد باقی گذاشته‌اید؛ زیرا هنوز آبرویی دارد و سعی می‌کند برای حفظ آن، کاری انجام دهد.

حال اگر شما در این موقعیت، شروع به نصیحت یا بحث علمی کنید، عملاً مسئله را طوری طرح و بررسی کرده‌اید که می‌تواند هر نتیجه‌ای به بار آورد. هر موضوعی که قابلیت مذاکره داشته باشد، قابلیت اجرایی نیز پیدا می‌کند. در واقع شما از شدت ناهنجاری رفتار همسر، صرف نظر کرده‌اید و علاوه بر آن، باید درباره مزایا و معایب رفتار غلطش با او صحبت کنید! اولاً معلوم نیست بتوانید او را قانع کنید؛ ثانیاً اگر هم قانع بشود، باز هم ممکن است مثل بعضی از افراد جامعه باشد که درباره اشتباه بودن خیلی از کارها قانع شده‌اند؛ ولی هنوز آن‌ها را انجام می‌دهند!

تیین و روشنگری

باتوجه به مطالب پیش گفته، اگر نتوانستید با «تغافل» و «تقیح»، کار را جمع کنید، می‌توانید از فرآیندهای کلامی مثل مذاکره و نصیحت استفاده کنید که البته براساس قوت کلام و چگونگی بیان آن، در حدّ خودش می‌تواند اثربخش باشد. در این وضعیت نیز باید آبروی فرد را نگه دارید و به سبب اشتباهش تمام عزت نفس او را حتی بین خودتان

دو نفر از بین نبرید؛ مثلاً بگویید: «با شناختی که من از تو دارم، این رفتار اصلاً متناسب تو نیست»، «این رفتار اصلاً در شأن همسر من نیست»، «خودت هم می دانی که چنین خطاهایی از تو بعید بود»، «می دانم از دستت در رفته! اشتباهی بود و گذشت. تکرارش خطرناک می شود» و جملاتی از این قبیل؛ سپس خطرها و آسیب هایی که به فرد و خانواده می رسد، برای او توضیح دهید.

در تمام مراحل مواجهه با رفتار غلط، در نظر گرفتن وضعیت روحی طرف مقابلتان، نکته مهمی است که باید مدنظرتان باشد. گاهی در حین صحبت کردن، فضا متشنج می شود و او حالت دفاعی به خودش می گیرد. ادامه دادن نصیحت در چنین فضایی، عموماً اثر مثبت ندارد و بهتر است بحث را تمام کنید.

«همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید... اگر خانم خانه می بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می شود... اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. اگر متقابلاً مرد این احساس ها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند، شوهر اوست؛ البته حفظ کردن هم با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می شود، نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها: یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.»⁽¹⁾

ص: 146

1- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 21 آبان 1379، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 88.

دوستی های پنهان و غیرمتعارف با جنس مخالف یا حتی دوستی های دون شأن با هم جنسان، قطعاً خارج از حد معمول است. اگر کسی چنین دوستی هایی داشته و اکنون ازدواج کرده است، چه باید بکند؟ متأسفانه این موضوع، کم و بیش در بین دوستان و اطرافیان ما دیده می شود و هرچند تصور این گناه، برای خیلی از ما نفرت انگیز است، به هر حال لازم است به طور دقیق و کاربردی، به دنبال راه حل هایی باشید که بتواند به این افراد کمک و به خوبی آن ها را راهنمایی کند.

فردی که درگیر این رابطه بوده است، باید بداند اطلاع یافتن همسر از این قضیه، به زندگی مشترک ضربه ای جدی خواهد زد؛ چون فردی که ازدواج می کند، باید عمده ترین بخش علاقه و تعهدش، متعلق به همسرش باشد و نیازهای جنسی و عاطفی شدید خود را فقط از طریق همسر تأمین کند؛ بنابراین مهم ترین وظیفه شخص، قطع کامل این دوستی هاست.

چنین شخصی ممکن است الان به خود یکی از این سه جواب را بدهد: «نمی خواهم، نمی توانم یا نمی شود.»

* نمی خواهم؛ چون عیبی در این دوستی نمی بینم.

* نمی توانم؛ چون وابسته شده ام و نمی توانم رابطه ام را قطع کنم.

* نمی شود؛ چون یک دفعه که نمی شود رابطه را قطع کرد. این کار زمان می برد.

رسم جوانمردی این است که وقتی دو نفر، حلقه در دست هم می کنند، دیگر از سایر حلقه های دوستی بریده باشند و هرچه بیرون از این حلقه بوده است، تمام شده باشد؛ یعنی همان طور که این فرد دوست ندارد دل همسرش جای دیگری باشد، خودش هم باید به این پیمان وفادار باشد. دوستی های قبلی هرچه بوده و هرجوری که بوده است، قطعاً به زندگی مشترک آسیب خواهد زد و آرامش و روابط شیرین زن و شوهر را خدشه دار خواهد کرد و حتی اگر این رابطه را مخفی نگه دارند، بالاخره در حالات چهره و رفت و آمدهای مشکوکش بروز خواهد یافت. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «هیچ کس، چیزی را در دل مخفی نمی کند؛ مگر اینکه در لغزش های زبانی و حالات چهره اش آشکار می شود.»⁽¹⁾

طبیعی است که هرچه چنین ارتباطاتی دیرتر بر ملا شود، خسارتش بیشتر و امکان جبرانش کمتر خواهد بود.

ارتباط در فضای مجازی نیز ارتباطی از همین قبیل است؛ بارها دیده اید که وقتی فرد در چنین رابطه ای قرار دارد، رفتارهای متفاوتی بروز می دهد که هرچند خودش تصور می کند کسی متوجه رفتار و حالات غیرعادی اش نیست، اما برای دیگران مشهود و ملموس است.

گاهی چنین فردی می خواهد رابطه را قطع کند، ولی نمی تواند؛ چراکه وابستگی ایجاد شده است یا اینکه از برخورد و عکس العمل احتمالی طرف مقابل نگران است. این وابستگی نوعی از اعتیاد است.⁽²⁾

اعتیاد، وابستگی به داروست و این، وابستگی به یک رابطه و هرچه

ص: 148

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت 26.

2- اعتیاد مصدر باب افتعال از «عود و عادت» است که به معنای رجوع مکرر به چیزی است. چنانکه اهل لغت در معنای عادت می گویند: «الْعَادَةُ مَا اسْتَمَرَ النَّاسُ عَلَيْهِ عَلَى حُكْمِ الْمَعْقُولِ وَ عَادُوا إِلَيْهِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى» (علی بن محمد استرآبادی (جرجانی)، کتاب التعریفات، ص 63).

فرد مبتلا دیرتر اقدام کند، قطع رابطه سخت تر خواهد بود. این کار نیاز به اراده دارد و شدنی است. او باید به جای تلقین وابستگی، به خودش، این را تلقین کند که من ناتوان نیستم و می توانم به این رابطه پایان دهم. در مرحله بعد، لازم است با اراده قوی، برای خود، مشغولیت جدید و هیجان انگیز و بزرگ و مهمی ایجاد کند تا با مشغول کردن ذهن خود به موضوعی دیگر، فرصت و حوصله ای برای درگیری فکری با رابطه قبلی نداشته باشد.

اگر از تهدید طرف مقابل نگران است، در واقع بر سر دوراهی قرار دارد: راه اول این است که از تهدیدش بترسد و عمری به خواسته های او تن دهد که قطعاً در این صورت، طرف مقابل راهی برای سوءاستفاده خواهد یافت. راه دوم، خروج هرچه سریع تر از این بن بست است. برای خروج از بن بست نباید به ترس خود و تهدید او اعتنا کند و ترس بزرگ تری را رویه روی طرف مقابل قرار دهد. درعین حال خوب است که همسر یا یکی از اطرافیان خود را که برخورد سنجیده ای با مسئله خواهد داشت، در جریان رابطه و تهدید این فرد قرار دهد تا در موقع ضرورت از کمک و حمایت او استفاده کند.

اینکه بگویند یک دفعه نمی شود و بخواهد قضیه را به تدریج حل کند، دو مشکل بزرگ ایجاد می کند: اول اینکه زمان، موجب بر ملا شدن قضیه و وخیم تر شدن ماجرا می شود؛ دوم اینکه تجربه نشان داده است طول زمان، عمق علاقه و وابستگی را بیشتر و انگیزه قطع ارتباط را کمتر می کند. در اینجا قطع ناگهانی ارتباط، بهتر و نتیجه بخش تر است؛ به قول معروف: «مرگ یک بار، شیون هم یک بار»؛ درعین حال، لازم است در حین قطع رابطه و بعد از آن، به جای مرور اتفاقات شیرین و لذت بردن از

خاطرات خوش آن رابطه، به بدی ها و خسارت های آن فکر کند؛ چون تا وقتی که فکرهای مثبت خود را ادامه می دهد، نمی تواند از آن رابطه دور شود. باید راه های ارتباطی قبلی را قطع و حتی پیام ها و تصویر های ذخیره شده را حذف کند. هرچیزی که به عنوان هدیه و یادگار از او دارد، عاملی برای ادامه فکرهای مثبت است؛ بنابراین باید آن ها را هم پس داده یا به نیازمندان بدهد. به طور کلی مطالعه کتاب ها و مطالبی که از آسیب ها یا خاطره آسیب های این گونه روابط سخن گفته است و نیز گفت و گو با کسی که بتواند در این زمینه مشورت بدهد، کمک کننده است؛ برعکس، مطالعه رمان های عاشقانه و شنیدن خاطره های عاشقانه دیگران، تشدید کننده میل فرد به آن رابطه است.

این خصلت انسان هاست که معمولاً بر عیوب آنچه دارند، دقیق می شوند و به مزایای آنچه در دستشان نیست، فکر می کنند؛ درحالی که تفکر صحیح و مثبت، خلاف این است. اگر فرد به جای تمرکز بر عیب های همسرش، به ویژگی های مثبت او و فرصت های شیرینی فکر کند که می تواند در زندگی ایجاد کند، موفق می شود که به تدریج از فکر رابطه قبلی دل بکند و از وابستگی به آن رها شود؛ پس باید به جای آنکه به خود القا کند از بودن با همسرش لذتی نمی برد، احساس لذت را در خود تقویت کند.

تصویر



اگر فردی به همسر خود شک کند و بدون دلیل محکمی، این حس در او ایجاد شود که ممکن است همسرش دوستی های پنهان داشته باشد، چه باید بکند؟ برای پاسخ به این سؤال، مطالب زیر را مرور کنید:

* حفظ اعتماد: همیشه باید روابط خود را بر پایه اعتماد بنا کنید؛ مگر آنکه به صراحت و وضوح، خلاف آن ثابت شود. بخش زیادی از برداشت های نادرست هر فردی، برخاسته از حساسیت زیاد و سوءظن اوست. اگر نگاه خود را با سوءظن و بی اعتمادی مکدر کنیم، همه چیز را تیره و تار می بینیم و رنگ واقعی حقایق از دید ما مخفی می ماند. در چنین شرایطی هر پیامک، هر تلفن یا هر رفتاری از سوی همسر، در نزد ما معنای خاصی پیدا می کند و همین امر، پیوسته ما را در فضای بدگمانی محبوس می سازد.

به همسران اعتماد کنید تا علاقه اش به شما زیادتر شود. اگر همسران اموری را از شما مخفی می کنند، ممکن است دلایل متعددی داشته باشد؛ مثلاً شاید وضعیت شغلی او این گونه اقتضا کند. اگر بیاموزیم برای رفتار دیگران، به خصوص آن هایی که به ما نزدیک ترند، محمل خوبی پیدا کنیم، باب سوءظن بسته می شود؛ چنان که امیرالمومنین علی (علیه السلام) با اشاره به این مطلب، فرموده اند: «برای گفتار و کرداری که از برادرت سر می زند، عذری بجوی و اگر نیافتی، عذری بتراش.» (1)

در تعبیر دیگری نیز فرموده اند: «هر برخورد [دوست و] برادر خودت را به بهترین وجه ممکن، توجیه کن.» (2)

ص: 151

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج 2، ص 622.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 4، ص 94.

پس در این زمینه، اسلام به جای سوءظن تأکید می‌کند که به آداب و حریم‌های شرعی پایبند بوده و مراقبت کنید که همسران نیز آن‌ها را مراعات کند؛ مثلاً به جای اینکه به همسران سوءظن داشته باشید که نکنند با نامحرم اختلاطی پیدا کند، با دلیل موجه او را از این کار برحذر دارید و اگر به شما گفت: «به من شک داری؟» بگویید: «شک ندارم؛ ولی خداوند خواسته است به گونه‌ای عمل کنیم که در تیررس حرام قرار نگیریم.»

حریم‌های خدا در حیطه ارتباط زن و مرد بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که ما می‌پنداریم. ارتباط‌های غلط آن‌چنان برای خانواده و انسانیت فرد، خطرناک و آسیب‌زاست که مانند پرتگاهی در ارتفاع بسیار بلند است. انسان عاقل از یک متری پرتگاه، حریم‌نگه می‌دارد و به آن نزدیک نمی‌شود. کلاً این قاعده وجود دارد که پرهیز ما از خطرها براساس فرمول روشنی است: «احتمال خطر ضرب در بزرگی خطر.» در این رابطه هرچه خطر بزرگ‌تر باشد، حتی اگر احتمال آن کم هم باشد، اجتناب ما از آن زیاد است. اگر کسی به شما بگوید به احتمال یک درصد، لیوان آبی که مقابل شماست، آغشته به سیانور است، هر قدر هم که تشنه باشید، به آن آب لب نخواهید زد و نه فقط لب نمی‌زنید، بلکه آن لیوان را از دسترس همگان دور نگه می‌دارید.

بنابراین به جای اینکه برای سوءظن خود و دیگران زمینه‌ای فراهم کنیم، باید بیشتر خود و همسرمان را به رعایت آداب و حریم‌های شرعی ملزم کنیم؛ مثلاً از اختلاط و شوخی نامتعارف با نامحرم اجتناب کنیم. وقتی همسر شما منشی یا دستیاری از جنس مخالف برمی‌گزیند، از همان ابتدا مخالفت کنید؛ البته نه به عنوان سوءظن به همسر، بلکه

به عنوان عمل به دستورات دینی و اینکه خداوند، همه را از اختلاط با جنس مخالف برحذر داشته و رعایت این نکته در اختلاط های مستمر و محیط های بسته و محدود، مهم تر است. همچنین اینکه زن بخواهد آرایش کرده و معطر از خانه بیرون برود یا مرد هیچ ایایی از شوخی کردن و راحت صحبت کردن با زنان نداشته باشد و...، هرچند قصد و منظوری هم در این میان نباشد، جزو اموری است که باید حریم های الهی در آن ها حفظ شود.

* پرهیز از تجسس: اگر سوءظن پیدا کردید، بدانید که تجسس، کمکی به شما نمی کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) راه حل خروج از سوءظن را این دانسته اند که درباره دیگری، تجسس و در پیرامونش کاوش و تحقیق نکنیم. (1)

در هر حال، با وسواس به جست و جوی امور نپردازید و حساسیت نشان ندهید. وقتی ناخواسته، متوجه نشانه هایی شدید، به جای اینکه به دنبال کشف واقعیت بگردید، هوشیارانه به دنبال دفع خطر احتمالی از همسران باشید؛ یعنی خودتان را همیشه بین دو ذهنیت قرار دهید: یکی اینکه مسئله حادی نیست و احتمال دارد شما اشتباه حدس زده باشید و ذهنیت دوم هم اینکه باید از رخ دادن مسئله ای حاد جلوگیری کنید. در واقع به جای اینکه دنبال کشف حقیقت باشید، به دنبال راهکار پیشگیری باشید. به عبارت دیگر نگرانی خود را از راه تجسس دنبال نکنید. تجسس معمولاً نگرانی را تشدید و سوءظن را بیشتر می کند و عموماً حقیقت را به درستی به انسان نشان نمی دهد.

ص: 153

1- نک: مسعود بن عیسی بن ورام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج 1، ص 127.

درباره حقایقی که انسان کاملاً از آن باخبر است، بهترین روش در مراحل اولیه، تغافل است. در اینجا نیز تغافل درباره نشانه های مبهم به مراتب مفید تر و کارآمدتر از تجسس کردن آن نشانه هاست.

* توضیح خواستن و قانع شدن: اگر باوجود مطالب و راهکارهای گفته شده، مسئله ای رخ داد و با در نظر گرفتن تمام نکات، باز هم نتوانستید از سوء ظن دوری کنید، برای اینکه از آن رهایی یابید، برای روشن شدن حقیقت، با ظرافت، بدون اعتراض، بدون ایجاد حساسیت در همسر خویش و با مقدمه ای دل نشین از خودش توضیح بخواهید و خودتان را قانع کنید.

* مشورت گرفتن: از طرف دیگر به هیچ وجه، موضوع بدگمانی خود را با اطرافیان در میان نگذارید؛ چون ممکن است از روی دل سوزی حرفتان را تأیید کنند و کار بدتر شود. به جای آن، بهتر است مشاور مجرب و معتمدی بیابید که بتواند راهکارهای اطمینان بخشی در اختیارتان قرار دهد.

* وابسته سازی: باید سعی کنید چنان با محبت، قلب همسران را تسخیر کنید که جز شما کسی را نبیند؛ آن چنان به نیازهای او پاسخ دهید و نیازهای او را درباره خودتان برانگیزید که احساس نیازی در مسائل عاطفی و معیشتی برای او باقی نماند و در بر آوردن هر احساس نیازی، به شما احساس وابستگی داشته باشد. در این مواقع، اگر اعتماد خود را از دست بدهید، با تجسس بر بدگمانی خودتان اصرار داشته باشید، راه حل اطمینان بخشی نیابید و همسران را هم وابسته نکنید، روزه روزه فاصله شما بیشتر و اندوه قلبی تان زیاده تر و احتمال

خطای همسران نیز بیشتر می شود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «حُسن ظن اندوه را سبک می کند و از افتادن در بند گناه، رهایی می بخشد.»(1)

در حقیقت اگر به طور دائم سوءظن داشته باشید، همسران ناخودآگاه از شما فاصله خواهد گرفت و زمینه آنچه نگرانش هستید، تقویت خواهد شد. در این باره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در روایت دیگری فرموده اند: «بدگمانی کارها را فاسد می کند و بدی ها را بر می انگیزد.»(2)

چه بسا برداشت شما، سوءتفاهم باشد یا حدّ این خطا بسیار اندک تر از آن باشد که شما اندیشیده اید.

اشباهات قطعی

اگر مسئله از شک گذشت و کاملاً به یقین تبدیل شد، چه باید کرد؟ در این وضعیت، اولین و مهم ترین توصیه این است که احساس و رفتار خود را به خوبی مدیریت کنیم. فرد آسیب دیده در مسئله خیانت، در حال تحمل حادثه ای بسیار ناگوار است؛ به همین دلیل بر اثر شدت ناراحتی، واکنش های مختلفی از خود نشان می دهد؛ از قبیل ضرب و شتم، خودزنی، تصمیم قطعی به جدایی، شکایت و طرد فرد خائن؛ حتی ممکن است فرد به بر ملا کردن حادثه دست بزنند.

این واکنش ها نیز به طور طبیعی، پیامدهای خودش را خواهد داشت؛ مثلاً با برملا شدن موضوع، حیثیت خانوادگی شما از دست می رود. ممکن است بگویند کسی حیثیت را برده است که خیانت کرده است؛

ص: 155

1- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 344.

2- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 399.

ولی در واقع، او فقط حیثیت خودش را پیش شما برده است و تا قضیه بر ملا نشود، آبروی خانوادگی شما نخواهد رفت. این واکنش، مصیبت سخت شما را به مصیبتی سخت تر و گره پیچیده شما را به گره ای کور تبدیل خواهد کرد. تا وقتی اتفاق را بر ملا نکرده اید، فرد به سبب حفظ آبرویش بیشتر کنترل خواهد شد؛ ولی اگر آبرویش را ببرید، خودتان را خلع سلاح کرده اید. ترس از آبرو عاملی نگه دارنده است؛ در حالی که رفتن آبرو، باعث می شود دیگر هیچ عامل نگه دارنده ای وجود نداشته باشد.

اگر این موضوع نزد دیگران بر ملا شد، فرصت برگشت و جبران از همسران سلب می شود و مهم تر از همه، ممکن است برداشت های دیگران از این واقعه آن چنان باشد که دیگر قادر به دفاع از حیثیت خانوادگی خود نباشید. در این قبیل مواقع بحرانی، مدیریت رفتار و توان حل مسئله، مهم ترین چیزی است که هرکس به آن نیاز دارد؛ به عنوان مثال اگر خدای ناکرده فرزندان در حادثه ای آسیب ببینند، دیگر شیون و فریاد و تلاش برای یافتن مقصّر، کمکی به حل مسئله نخواهد کرد؛ بلکه باید هرچه سریع تر او را به بیمارستان رساند تا این حادثه به ضایعه ای جبران ناپذیر تبدیل نشود.

قبل از هرگونه

واکنش، به فکر حل مسئله باشید، نه انتقام. موضوع را با مشاور خبره و معتمد در میان بگذارید و مراقب باشید که این مشاور حتی از بستگان و آشنایان شما یا همسران نباشد. به یاد داشته باشید که برای فریادخواهی و محکوم کردن همسران به مشاور مراجعه نکرده اید؛ بلکه از او بیش از هر چیز، انتظار راهنمایی مناسب دارید. راهنمایی وی، به متغیرهای فراوانی بستگی دارد؛ پس دنبال محکوم کردن همسران نباشید و سعی کنید صادقانه ضعف های

ص: 156

خود و قوت های همسران را هم برای او بیان کنید. راهنمایی های مشاور، براساس متغیرها و اطلاعاتی که می دهید، متفاوت خواهد بود. پاسخ به سؤال هایی نظیر «در مرحله عقد هستید یا عروسی؟»، «همسران چه گذشته ای داشته یا چه اشتباهات دیگری را مرتکب شده است؟»، «چقدر انتقادپذیر است؟»، «چه روحیاتی دارد؟»، «چقدر شما در چنین رویدادی مقصر بوده اید؟» و «چقدر توانسته اید نیازهای همسر خود را برآورده کنید؟»، همه و همه از جمله داده هایی است که به توصیه ها و راهنمایی های مشاور جهت می دهد. گاه این توصیه ها به گونه ای است که فرد مراجعه کننده با تصحیح رفتارهای خود می تواند به دور از هیاهو و آشکارسازی موضوع حتی برای همسر خویش و بدون پرداختن مستقیم به مشکل، آن را با درایت و نرمی حل کند.

البته مشاوره وقتی کامل می شود که همسران نیز با مشاور صحبت کند. در این صورت، مشاور مسئله را یک طرفه ندیده و فرصت بیشتری برای تحلیل دقیق آن خواهد داشت. برای اینکه همسران را به مشاوره بکشانید، می توانید به او بگویید که به شرطی ماجر را از دیگران مخفی نگه خواهید داشت که منظمدر جلسه مشاوره شرکت کند؛ به خصوص اگر همسران فرد کم تدبیری است، از فرآیندهای هشدار دادن و ایجاد خطر استفاده کنید.

فردی که از قبل می داند محکوم و مقصر است، رغبتی به شرکت در جلسه مشاوره ندارد؛ بنابراین باید مراقب باشید که در جلسات مشاوره از اینکه شخصیت او را خرد کرده یا آبرویش را بریزید، اجتناب کنید. از مشاور هم بخواهید به گونه ای رفتار کند که اعتماد او را جلب کند؛ حتی اگر مشاور مجبور شود در بعضی مسائل، حق را به او بدهد یا به

شما تذکر دهد. تا وقتی که در همسرتان، اعتماد به مشاور ایجاد نشود، مشاور نمی تواند تأثیری مثبت و درست در روند حل مسئله داشته باشد.

اقدام اضطراری

وقتی فرد در همسر خویش رفتارهای غلط و اشکال هایی جدی می بیند، بهتر است به جای احساس درماندگی و بیچارگی به مؤلفه های قدرت خود توجه کند. افراد در این موقعیت ها، خوشبختی را تمام شده می بینند و جز به جدایی فکر نمی کنند؛ درحالی که هنوز ابزارهایی برای قدرت در دست دارند و می توانند از آن ها برای اعمال خواسته های خود استفاده کنند؛ البته استفاده از این ابزارها برای مشکلات کوچک و معمولی در زندگی، توصیه نمی شود؛ چون عموماً مشکل آفرین و خطرناک است.

ترساندن فرد بی تدبیر

اگر کسی با فردی مواجه است که اصلاً اهل تدبیر و تعقل نیست و بارها او را نصیحت کرده و بی فایده بوده است، در این وضعیت، «ترساندن» راهکاری محوری و مناسب برای تنظیم رفتار این افراد است. برای ترساندن باید یکی از موضوعاتی را که برای فرد اهمیت دارد، انتخاب و به او گوشزد کرده و بدون اینکه انجام دهد، از ترس آلود بودن آن استفاده کند؛ مثلاً اگر فرد خطاکار از آبرویش می ترسد، آبروی او را نبرد و فقط در این باره به او اخطار دهد.

ص: 158

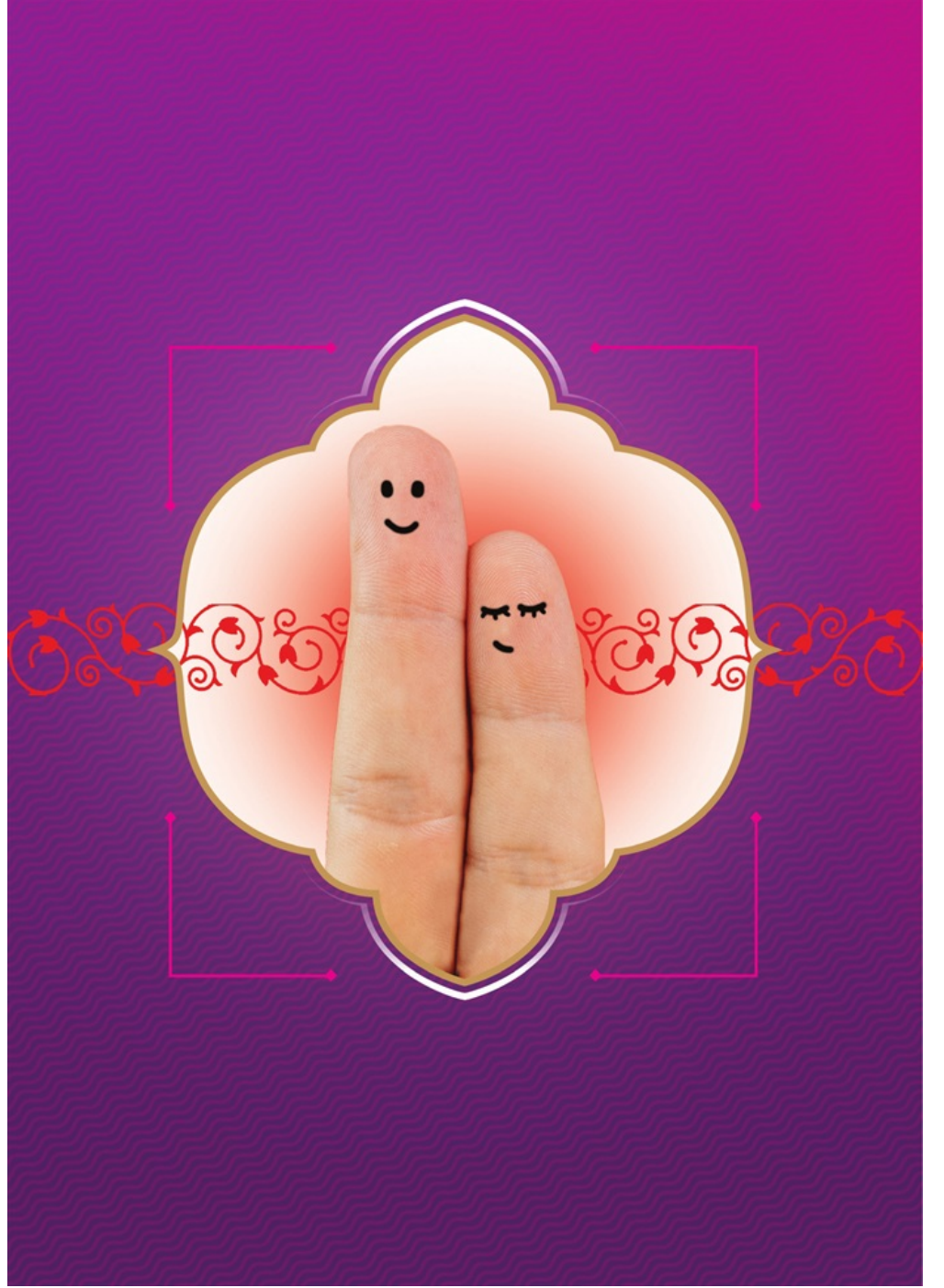
البته شخصیت بعضی به گونه ای است که تهدید و اخطار، آن ها را به لج بازی و درگیری های جدی تر می کشاند؛ از این رو باید این ترفند را بجا و حساب شده به کار برد؛ یعنی تهدید، خیلی سریع و صریح نباشد و از تهدیدهای مبهم بیشتر استفاده شود و بعد از اینکه تخلف برای دو طرف روشن و واضح شد، حالت تنبیه کردن به خود بگیرد؛ ولی باز هم نباید نوع تنبیه را آشکار کند تا بتواند از این حالت ابهام آمیز برای مدت طولانی تری استفاده کند؛ چون همیشه ابهام در تنبیه، کارآمد تر از خود تنبیه است.

تصویر











موضوع اصلی این فصل از کتاب، آن است که فرد تازه ازدواج کرده، برای بهره‌مندی بهتر از زندگی جدیدش باید شبکه روابطش را مناسب با وضعیت کنونی اش شکل دهد. در مطالب قبل، روابط بعد از ازدواج را با خانواده و خویشان و دوستان مشخص کردیم. مهم‌ترین رابطه‌ای که مانده است، رابطه فرد با همسرش است که باید تعریف شود.

مشکل جوانان در ابتدای ازدواج، نداشتن تجربه برای برقراری رابطه است. این رابطه از جنس هیچ یک از روابط قبلی نیست که بخواهند از آن الگو بگیرند: نه از جنس روابط والدین و فرزند است و نه از جنس رابطه خواهر و برادری و نه حتی شبیه رابطه دو دوست. اشتباهی که خیلی از جوان‌ها دارند، این است که می‌خواهند با همسرشان مانند دوست یا خواهر و برادر یا پدر و مادر رفتار کنند؛ در حالی که این موقعیت، خیلی متفاوت‌تر از سایر رابطه‌هاست.

رابطه فرزند با پدر و مادر، به سبب فضای عاطفی ریشه‌داری که از اول وجود داشته است و اینکه فرزند پاره تن آن‌هاست و زیر نظر خودشان تربیت یافته و بزرگ شده است، نوع منحصر به فردی از رابطه

است که با رابطه با همسر تفاوت دارد. بخشش و گذشت پدر و مادر و نوع رفتاری را که در مقابل اشتباهات و کم کاری های فرزندشان داشته اند، نمی توان از همسر انتظار داشت. خواهر و برادر هم ممکن است باهم دعوا و حتی کتک کاری کنند و درعین حال هیچ ضربه ای به عواطفشان وارد نشود؛ درحالی که یکی از این دعوا ها می تواند برای مدت طولانی، رابطه زن و شوهر را برهم زند.

نوع دیگر ارتباط های ما، ارتباط با دوستان است. ارتباط با دوستان به گونه ای است که شخص خود را در انتخاب دوست و ادامه دوستی مخیر می داند؛ یعنی اگر فرد، سازگاری روحی و اخلاقی با دوست خود احساس نکند، او را ترک می کند و با شخصی دیگر، طرح دوستی می ریزد.

تجربه ای را که از دوستان هم جنس دارید، نمی توانید الگوی رفتار با همسری قرار دهید که از جنس مقابل شماست؛ به چند دلیل: 1. در درجه نخست، دو دوست هم جنس روحیاتی مشابه دارند؛ درحالی که دو همسر، تفاوت جنسیتی داشته و از روحیه ای کاملاً متفاوت برخوردارند. 2. در رابطه های دوستی، هم محبت و عواطف وجود دارد و هم درگیری. در این نوع از ارتباط، در کنار رابطه ای عاطفی، اگر از یکدیگر رنجیده شویم، به راحتی این رنجش را ابراز می کنیم. خیلی از ناراحتی ها و دلخوری ها به راحتی میان دوستان مطرح می شود؛ اما در رابطه با همسر، انسان باید مراقب باشد که به هیچ وجه، خدشه ای به رابطه اش وارد نشود. 3. افراد با دوستان زندگی نمی کنند و بیشتر در اوقات فراغت یا فضاهای کاری با او هستند و در محدوده دوستی شان نیز توقع و تعهدی بیش از این ندارند؛ اما انسان در قبال همسرش تعهد همه جانبه دارد. 4. دوستان انسان

متعددند و متناسب با موقعیت و نیازهایش، رابطه با هریک از آن‌ها، کم یا زیاد می‌شود؛ اما رابطه با همسر، دائمی و همیشگی است. بنا بر این دلیل‌ها و دلایلی از این دست، رابطه دو دوست نمی‌تواند الگوی مناسبی برای رابطه زوجین باشد؛ البته گاهی منظور از رابطه دوستی با همسر یا فرزند، فقط جنبه صمیمت متقابل در ارتباط است و این ایرادی ندارد؛ اگرچه نمی‌تواند الگوی کاملی برای این ارتباط باشد. همچنین نباید سبکی را که در سایر روابط اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته‌ایم، الگوی ارتباط با همسرمان قرار دهیم؛ به طور نمونه وقتی به رستوران می‌رویم و فهرست غذاها را در دست می‌گیریم، نگاهی به غذاهای فهرست شده می‌اندازیم و نگاهی به بهای آن‌ها؛ زیرا می‌دانیم که این ارتباط از نوع معامله است. ممکن است هنگام پرداخت صورت حساب، صاحب رستوران تعارفی هم بکند؛ اما همه به خوبی می‌دانیم که باید بهای غذایمان راپردازیم.

نمونه دیگر، روابط کاری توأم با صمیمیت است. در فضایی که می‌خواهید کار کنید، باید تا حدودی ارتباط عاطفی هم باشد؛ گرچه در کنار آن، موضوع حقوق و دستمزد هم مطرح می‌شود. در حقیقت، در فضای کاری، ارتباطی برقرار می‌کنید که یک سوی آن محبت است و سوی دیگرش معامله.

به هر حال، هیچ کدام از این روابط نباید الگوی ارتباط با همسر قرار گیرد. گاهی به سبب بی‌توجهی به این موضوع، مشکلاتی به وجود می‌آید؛ به طور مثال انتظاری که مرد، از شاگرد مغازه اش دارد، از زنش نیز دارد. اگر مرد به شاگرد مغازه اش کمک مالی چشمگیری کرد، از او انتظار دارد که تا چندماه چالاک و قبرا ق برایش کار کند. چنین

مردی با تأثیرپذیری از این نگرش، از همسرش هم انتظار دارد که در صورت دریافت هدیه ای گران بها، چند صبحی کاری به او نداشته باشد و از انتظارات حق و ناحق خود صرف نظر کند؛ غافل از اینکه همسر، نه شاگرد اوست و نه در استخدام او. اشکال تعمیم رابطه کاری در ازدواج، این است که در مقابل هر امتیازی که به همسر می دهیم، امتیازی مطالبه می کنیم. مسلّم است که رابطه فرد با همسر، از سنخ هیچ کدام از روابط گفته شده نیست؛ بلکه رابطه عاشقانه خاصی است که با روابط عاشقانه دیگر هم تفاوت دارد. اما به راستی چگونه می توانیم به الگوی این رابطه برسیم؟

خوشبختانه در قرآن کریم، آیات مختلفی وجود دارد که به روابط زوجین پرداخته است و با بهره گیری از آن ها می توان به الگوی عاطفی و الگوی شناختی و الگوی حقوق و تکالیف در روابط زوجین رسید. در ادامه به این الگوها می پردازیم.

تصویر



بی تردید یکی از ابعاد مهم در روابط زوجین، بُعد عاطفی است که اگر نباشد، فضای خانواده را به فضای سرد و بی روح تبدیل می کند و اگر هم به صورت درستی برقرار نشود، زمینه ساز اختلال در سایر روابط خواهد شد. به همین دلیل، بی اعتنایی به این بُعد از روابط می تواند آسیبی جدی به زندگی شما وارد کند. این رابطه در میان زن و شوهر، نتیجه ای کلیدی به نام «آرامش» دارد و مسیرهای رسیدن به این آرامش نیز از دوره «مودت و رحمت» می گذرد. (1)

در ادامه درباره هر سه موضوع بحث شده است.

آرامش

هر انسانی به دنبال آرامش است و بی شک بخشی از این آرامش در گرو ازدواج به دست می آید؛ پس می توان آرامش را یکی از نتایج اصلی ازدواج دانست. خانواده در اسلام، یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یکدیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله یک نفر دیگر، آنجایی که انسان در آن صفا می یابد، راحتی روانی می یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد. (2)

ص: 167

1- نک: روم، 21.

2- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 4 دی 1374، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 42.

انسان از روش های مختلف می تواند به آرامش برسد؛ اما این آرامش ها مثل خوابِ روزانه، موقت و نسبی هستند؛ برخلاف آرامش حاصل از ازدواج که دائمی و مطلوب و مانند خوابِ شب، آرامشی بی بدیل و مستمر و رفع کننده فشارها و خستگی هاست؛ ضمن آنکه انسان را برای تلاش در ادامه زندگی و مبارزه با مشکلات آماده می سازد.

در داخل خانواده است که مرد و زن که زوجین هستند، می توانند تجدید قوا کنند، می توانند همت خودشان را برای ادامه راه آماده کنند. می دانید که زندگی یک مبارزه است. کل زندگی عبارت است از: یک مبارزه بلندمدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان هم در حال مبارزه است. جسم انسان هم دائم دارد با عوامل مضر مبارزه می کند، قدرت این مبارزه وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان، این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و با ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت و یک باراندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطه استراحت، داخل خانواده است. (1)

سکونت حاصل از ازدواج، دوسویه و دوطرفه است؛ یعنی هم زن درصدد جذب و گرایش به دل مرد و هم مرد در تلاش برای جذب قلب زن است و هرگز این رابطه، جذبه و کوششی نابرابر نیست و هریک از همسران،

ص: 168

1- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 8 خرداد 1381، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 45 و 46.

مایه سکونت و آرامش دیگری است. انسان در تلاطم های زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال یک فرصت می گردد تا به آن پناه برد. اگر یک زوج باشند، در این تلاطم ها به یکدیگر پناه می برند: زن به شوهرش پناه می برد و شوهر هم به زنش پناه می برد. (1)

بنابراین همواره باید بر همین مبنا، درخواست ها و روابط خود را سامان دهیم. رابطه ما با همسرمان در هیچ موقعیتی نباید به گونه ای باشد که آرامش خانواده به هم بریزد؛ به طور نمونه خیلی وقت ها برای اینکه همسرمان از نظر علمی، درسی، شغلی یا اجتماعی پیشرفت کند و به اصطلاح به جایی برسد، طوری رفتار می کنیم و به گونه ای روابط خود را پی می ریزیم که آرامش خانواده تهدید می شود. درست است که دلمان می خواهد همسرمان به مدارج عالی برسد، اما نباید این را طوری ابراز و مطالبه کنیم که او احساس کند در حق ما جفا کرده است و بخواهد به هر ضرب و زوری، مدرک علمی اش را بگیرد و اگر نتوانست، احساس گناه کند! گاهی هم برای پیشرفت خودمان آرامش خانواده را به هم می ریزیم؛ به طوری که دیگر جبران شدنی نیست.

بعضی از ابعاد این آرامش، در ادامه فهرست وار ارائه شده است:

● آرامش جنسی: غریزه جنسی فرد آرامش می یابد؛

● آرامش رفتاری: ثبات شخصیت و پختگی در رفتار افراد، بعد از تأهل ملموس است؛

ص: 169

1- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 6 شهریور 1381، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 43.

● آرامش عاطفی: با ازدواج، هریک از دو نفر، مونس و همراه و همرازی همیشگی پیدا می کند؛

● آرامش اقتصادی: افراد عموماً بعد از ازدواج، از نظر اقتصادی سروسامان می گیرند.

● آرامش معنوی: با ازدواج نیمی از دین(1)

یا حتی دوسوم آن حفظ می شود.(2)

● آرامش کاری: فرد از بلا تکلیفی در برنامه ریزی زندگی آینده خود خارج می شود.

خداوند مودت و رحمت را به عنوان دو سرمایه اصلی برای رسیدن به این آرامش به زوج های جوان هدیه داده است که هر کدام کاربرد مخصوصی دارد. در ادامه به این کاربردها اشاره می کنیم.

مودت

مودت از ریشه «وَدَّ» و از کلمه «وَدَدَ» به معنای میخ گرفته شده است.(3)

همان گونه که میخ فرومی رود و باعث استحکام و انسجام بین اشیاء می شود، مودت نیز علاقه ای است که در قلب انسان فرو رفته و باعث انسجام و استحکام روابط می شود. به همین دلیل می توان گفت که مودت، اوج محبت است. در برخی تفاسیر هم چنین آمده است:

منظور

از مودت، محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ پس نسبت مودت به محبت مانند نسبت خضوع است به خشوع؛

ص: 170

1- نک: محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، الامالی، ص 518.

2- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 221.

3- خلیل بن احمد فراهیدی بصری، کتاب العین، ج 8، ص 100.

چون خشوعی را خضوع می گویند که اثرش در مقام عمل هویدا شود، برخلاف خشوع که نوعی تأثر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می آید. (1)

مودّت اوج شدت محبت است که می توان برای آن، مظاهر گوناگون برشمرد: مودتی که خداوند ابتدای عقد به عروس و داماد هدیه می دهد، شامل تمام این ویژگی هاست؛ حتی انسان های خشک و سرد که نمی توانند احساسات خود را ابراز کنند، با کمال تعجب در اول ازدواج، به عشق ورزی و ابراز علاقه و محبت می پردازند! این نشان می دهد که در آن ابراز، عشق الهی نهفته است و چندان به ویژگی های شخصیتی افراد مختلف ارتباط ندارد.

کاربرد مودت در زندگی این است که محبت های افراد به همدیگر، متقابل باشد و نیازهای همدیگر را برآورده سازند و کسی از ابراز عشق به دیگری یا حل مشکل او مضایقه نکند؛ همچنین این ابراز عشق باید توأم با قبول مسئولیت متقابل باشد؛ بنابراین مودت بیشترین کاربرد را در وضعیت معمولی زندگی دارد.

آقایان

توجه داشته باشند که خانم ها بیشتر از هر چیزی به شنیدن حساس اند و باید ابراز عشق را بشنوند. در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «این جمله که مردی به همسرش بگوید: 'من تو را دوست دارم'، از دل او بیرون نمی رود.» (2) خانم ها هم باید بدانند که مردها به نگاه حساس هستند و باید این عشق را ببینند. زن باید به روش های گوناگون، علاقه اش را ابراز کند. ابراز علاقه زن به شوهر، باعث افزایش

ص: 171

1- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 166.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 11، ص 316.

مرد در زندگی خانوادگی و افزایش انگیزه او برای کار در جهت تأمین آسایش و رضایت همسرش می شود.

وجود مودت از اول زندگی، باعث می شود حتی بی مسئولیت ترین آدم ها، در برابر همسر خود احساس مسئولیت کنند؛ مثلاً زنی که همیشه مسیری مشخص را تنهایی تا محل کارش می رفته است، این بار شوهرش نگران است و می خواهد او را برساند یا اینکه می گوید: «هر وقت رسیدی، به من اطلاع بده.» در مودت، هریک از دو طرف نیاز دیگری را برطرف می سازد و انرژی بخش اوست و در نتیجه، هردو نفر در زندگی احساس رضایتمندی و حمایت شدن و پیشرفت خواهند داشت. برای به دست آوردن این عشق هم به چیزی نیاز نداریم؛ چراکه خداوند، رایگان و طبیعی آن را به ما عنایت کرده است و فقط به محافظت و تقویت نیاز دارد.

اگر یکی از زوجین محبت خود را از دیگری دریغ کند و درصدد رفع نیازهای او برنیاید، مسیر زندگی را دچار مشکل می کند؛ چراکه به نیازهای عاطفی همسرش، پاسخی مناسب نداده است؛ همچنین نیازهای مشخصی که در میان هریک از زن و مرد وجود دارد و توسط طرف مقابل حل شدنی است، در نتیجه کمبود مودت، بی پاسخ می ماند.

رحمت

در زندگی گاهی پیش می آید که همسر انسان آن طور که باید به وظایف خود عمل نکرده و به نیازهای انسان پاسخ نمی دهد؛ در نتیجه مودت خدشه دار می شود. این می تواند ناشی از روحیات طرف مقابل

و سبک های سنتی همسر داری او یا بر اثر عوامل و حوادث طبیعی یا روانشناختی یا هر دلیل دیگری باشد؛ هم چنان که می تواند موقتی یا درازمدت باشد. آیا در این وضعیت، زندگی مشترک باید خدشه دار شود و آسیب جدی ببیند؟ در این اوضاع، اگر منتظر عشق ورزی های متقابل یا مسئولیت پذیری های دوطرفه باشیم، ناکامی را تجربه خواهیم کرد؛ به حدی که این انتظار ممکن است زندگی را دچار آسیب کند.

وجود رحمت بین زن و شوهر، سرمایه مهم دیگری برای حفظ زندگی است که از اول ازدواج، کاملاً آن را احساس می کنید. شما حاضرید بدون هیچ توقع و انتظاری و فقط برای خوشحال کردن همسرتان، کاری انجام داده یا کمکش کرده یا هدیه ای به او تقدیم کنید و شاید چنین کاری را برای هیچ فرد دیگری انجام ندهید. این همان رحمتی است که خداوند در دل شما قرار داده است.

رحمت علاقه ای یک طرفه است. در این نوع علاقه، انسان به کسی محبت می کند که محبتش را پاسخ نمی دهد و حتی ممکن است استحقاق و لیاقت آن را نیز نداشته باشد. «درواقع رحمت نوعی تأثیرپذیری روانی از مشاهده محرومیت کسی است که از کمال محروم بوده و محتاج به رفع نقص است و صاحب دل را وادار می کند که او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند.»⁽¹⁾

وقتی مودّت در زندگی مخدوش می شود، این رحمت و مهربانی است که می تواند زندگی را حفظ کند. مودت و محبت میان زن و شوهر مانند طنابی است که صخره نوردان برای صعود و حفاظت از

ص: 173

1- نک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 166.

سقوط، در دست خود نگه داشته یا آن را بر کمر می بندند و با آن، خود را بالا می کشند. مودت مانند همین طناب است که انسان با استفاده از آن، خود و همسرش را در زندگی بالا می کشد؛ اما در هر حال این طناب، گره ای هم دارد که اگر طناب از دست او رها شد و نتوانست خودش را کنترل کند، از سقوط جلوگیری می کند و فرصتی به وجود می آورد که دوستش بتواند با طناب دیگری او را نجات دهد. این طناب دیگر، طناب رحمت است که خداوند بین زن و شوهر قرار داده است. وقتی در خانواده ای اختلاف و تنش ایجاد می شود، ایراد از دو طرف است: نفر اول طناب مودت را رها کرده است و نفر دوم طناب رحمت را.

مودت، محور زندگی مطلوب و عامل پیشبرد آن محسوب می شود؛ ولی در بروز مشکلات، این رحمت است که حافظ زندگی خواهد بود.

طرح یک اشکال

ممکن است گاهی فرد با خود بگوید: «چرا باید تحمل کنم و رحمت و مهربانی ام را در قبال همسری بروز دهم که هیچ ابراز مودتی ندارد؟ با این کار اجازه داده ام که با پررویی بیشتر به رویه اش ادامه دهد!» در پاسخ باید گفت:

اگر قرار باشد شما هم در این اوضاع و احوال، رفتاری سرد داشته باشید یا از او انتقام بگیرید، فضای خانواده به فضای جنگ و نزاع تبدیل شده و به فروپاشی منتهی خواهد شد که قطعاً به ضرر شماست؛ در حالی که چنانچه با رفتار مهربانانه، بدی او را با خوبی پاسخ دهید، ضمن اینکه حجت را به همگان

تمام کرده اید، او را اسیر محبت خود کرده و قدرت نفوذتان را تشدید کرده اید. در این صورت و با درپیش گرفتن این شیوه، هنگام اشتباهات بعدی اش هم لازم نیست تند رفتار کنید؛ زیرا همین که شما ناراحت شده و ناراحتی در چشمانتان منعکس شود، طرف مقابل که اسیر محبت شماست، کلافه خواهد شد و این وضعیت برایش تحمل کردنی نخواهد بود و متوجه می شود که باز خورد رفتارهایش بیشتر از هر چیز، به ضرر خود اوست.

البته حفظ زندگی بی هزینه نیست و قطعاً کسی که عاقل تر است، هزینه بیشتری می دهد. انسان ها در مسیر کمال و رشد خود، باید هزینه کنند؛ وگرنه رشدی در کار نیست؛ برای همین است که این هزینه، نوعی سرمایه گذاری در جهت اعتلای اخلاق و کمالات فردی در کنار حفظ زندگی است. این قبیل افراد، در کوتاه مدت ممکن است بهره کمتری از زندگی ببرند؛ ولی تجربه و تاریخ نشان داده است که در درازمدت، برنده واقعی در زندگی، آنان هستند.

تصویر



قرآن کریم برای ترسیم جلوه های رحمت، سخت ترین شکل ممکن را در نظر می گیرد و آن وقتی است که همسر انسان، دشمن او محسوب شود. قرآن حتی در این موقعیت هم به رحمت توصیه می کند، چه برسد به اختلافات زیاد و رایجی که در خانواده ها وجود دارد و به مراتب کمتر از دشمنی است؛ چنان که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، بعضی از همسران و فرزندان شما، دشمن شما هستند. از آن ها بترسید؛ درعین حال اگر گذشت و چشم پوشی کنید و از ایشان درگذرید، [خداوند شما را می بخشد؛ چراکه] خداوند نیز آمرزنده و مهربان است.»⁽¹⁾

بنابراین «گذشت» و «چشم پوشی» و «جبران ضعف ها»، بعضی از جلوه های رحمت است.

گذشت

وقتی همسر انسان به وظایف خود عمل نمی کند یا به وعده و قرار خودش تعهدی ندارد یا تخلفی مرتکب می شود، چه زیباست که انسان با گذشت، از این موضوع بگذرد و نگذارد فضای شیرین خانواده به تلخی کشیده شود. ذائقه شیرین پارسی زبانان، به جای کلمه عفو، واژه گذشت را وضع کرده است؛ شاید دلیلش این باشد که بگویند: «آن بدی و اتفاق گذشت؛ تو هم گذشت کن.»

ص: 176

شیرین تر از گذشت آن است که انسان اصلاً بدی دیگران را به روی خود نیاورد و از آن چشم پوشی کند؛ چشم پوشی، یعنی بدی را به کلی از یاد ببرد و جایش را هم در دل نگه ندارد. این فرد، بزرگوarter و مهربان تر از کسی است که گذشت کرده است.

گذشت و چشم پوشی وظیفه ای است که باید آن را در همه ارتباطات اجتماعی مراعات کنیم. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «...باید گذشت کرده و چشم پوشی کنند. آیا دوست ندارید که خدا شما را ببخشد؟» (1) این آیه می گوید همان طور که دوست دارید خدا شما را ببخشد، شما هم دیگران را ببخشید و از این مهم تر آنکه اگر شما دیگران را ببخشید، خدا هم گناهان شما را می بخشد. (2) این وعده الهی برای همه مؤمنین است و به طور خاص، در ارتباط میان همسران نیز استفاده می شود.

جبران ضعف ها

در ارتباط میان همسران، قرآن فقط به گذشت و چشم پوشی اکتفا نکرده است؛ بلکه رحمت افزون تری را از آن ها خواسته و سفارش کرده است که ضعف همسرمان را با خوبی جبران کنیم؛

ص: 177

1- نک: نور، 22.

2- هرچند عفو و صفح هر دو به معنای گذشت و چشم پوشی از تقصیر دیگران است، ولی واژه «صفح» معنای رساتر و کامل تری دارد و به نوعی معادل واژه «تغافل» در قرآن است (نک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 468).

چراکه زندگی مشترک، نوعی مشارکت است، نه رقابت. دو نفر را در نظر بگیرید که سال هاست باهم در راه اندازی و پیشرفت یک واحد تولیدی شریک اند. اگر یکی از آن ها به سفر حج برود، شریک او کارگاه را رها نمی کند و به سفر نمی رود؛ بلکه با کار بیشتر، نبودن دوستش را جبران می کند تا به اصل کار ضربه ای وارد نشود. در خانواده نیز باید چنین باشد؛ یعنی اگر همسران قهر کرد، شما آشتی کنید؛ اگر بداخلاقی کرد، شما خوش اخلاقی کنید؛ اگر او شما را محروم کرد، شما او را محروم نکنید؛ اگر بدی کرد، خوبی کنید و... همه این ها طبق تعبیر امام صادق (علیه السلام) از برترین جلوه های اخلاق انسانی است. (1)

هنر نیست که شما با فردی خوش اخلاق، خوب رفتار کنید؛ بلکه زمانی به درجات والای اخلاقی می رسید که حتی در مقابل افرادی که با شما رفتار بدی داشته اند، به خوبی رفتار کنید. این مطلب برای کسی که در ارتباطاتش با نگاه تاجرانه و منفعت طلبانه رفتار می کند، هضم شدنی نیست. قبل از ازدواج، منشأ بسیاری از کارهای ما منفعت طلبی است؛ اما با ازدواج، از «من» فاصله می گیریم و «من» های ما، «ما» می شود و این شیرین ترین ثمره ازدواج است.

علاوه بر این، اگر بتوانیم با استفاده از قدرت خلاقیت و ابتکار عمل، ضعف های همسرمان را جبران کنیم، از اختلافات ساده و پیچیده بسیاری پیشگیری خواهیم کرد؛ مثلاً زنی که می داند همواره شوهرش یک ساعت دیرتر از وقت مقرر بر سر وعده حاضر می شود، بهتر است که با سازوکارهایی ویژه این ضعف را جبران کند؛ مثلاً به منظور جبران آن،

ص: 178

1- نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، 280 و 281.

می تواند یک ساعت زودتر از وقت مقرر با شوهر خود قرار بگذارد یا اگر ساعت 7 با او قرار گذاشته است، آن قرار را نزد خود ساعت 8 تلفی کند. همچنین مردی که همواره بعد از مهمانی دقایقی را در انتظار همسرش معطل می ماند، باید سختی این لحظات را به نوعی بر خود هموار کند. او می تواند خودش را با شنیدن اخبار رادیو سرگرم کند یا از این فرصت برای تمیزکردن خودروی خود استفاده کند یا کتابی کوچک برای مطالعه در ماشین داشته باشد یا پیام های پیام رسان هایش را بررسی کند؛ به هر حال پرداختن به کارهایی نظیر این ها، هم تحمل این دقایق را آسان تر می کند و هم از ایجاد تنش های مکرر جلوگیری می کند.

اگر بتوانیم در برابر رفتارهایی که در وجود همسرمان نهادینه شده است و تغییرپذیر هم نیست، تدبیر به خرج دهیم و تبعات منفی آن را به حداقل برسانیم، توانسته ایم تهدید را به فرصت تبدیل کنیم. زنی که از قهرهای چندروزه شوهرش به ستوه آمده است، بهتر است در عوض التماس و معذرت خواهی در این چند روز، ارتباط خود را با او به حداقل برساند و از این زمان، به گونه دیگری بهره ببرد؛ مثلاً می تواند با فرصت بیشتری که در اختیار دارد، به کارهای عقب افتاده خود یا مطالعه پردازد و از این راه، تبعات ناخوشایند رفتار همسر را برای خود کمتر کند و پس از طی شدن دوران قهر او، در آشتی و حل و فصل مشکلات پیش قدم شود. در حقیقت خلاقیت و ابتکار عمل باعث می شود که خیلی از تفاوت ها به تعارض کشیده نشود.

جلوه دیگر رحمت، رفق و مداراست. وقتی انسان در معاشرت های اجتماعی در مقابل رفتار برخی افراد با ملایمت برخورد می کند و در قبال بعضی از اعمال آن ها مدارا به خرج می دهد، به این ملایمت و مدارا «رفق» می گویند. (1) وقتی که اوضاع بر وفق مراد است، رفق و مدارا معنا پیدا نمی کند. مهم این است که بسنجید آیا در موقعیت های ناگوار و مخالف طبعتان، می توانید چنین حالتی از خود بروز دهید یا خیر؟

اهمیت مدارا به قدری است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «ما انبیای الهی همان طور که مأمور به انجام واجبات هستیم، مأمور به تسامح با مردمان نیز هستیم.» (2) بعضی از افراد در مسائل خانوادگی و فامیلی و اجتماعی، انتظار دارند که اطرافیان همچون آن ها بیندیشند و رفتار کنند؛ درحالی که حتی در یک خانواده، افراد متفاوت هستند و عقاید و ظرفیت هایی مختلف دارند. در این مواقع، باید به گونه ای رفتار کنیم که تا حد ممکن و مجاز، حتی حفظ حریم های شرعی، زمینه اختلاف و تنش نشود و بتوانیم با اخلاق خوش و مدارا دیگران را جذب کنیم. رمز موفقیت رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در رسالت همین ملایمتشان با دیگران بوده است و اگر اهل مدارا و نرمی نبودند، مردم از اطراف ایشان می گریختند. (3)

ص: 180

1- رفق یعنی لطف و نقطه مقابل «عنف» است و در کتب روایی به معنای نرم خویی، رأفت، ترک زور و خشونت آمده است (سیدمرتضی حسینی واسطی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 13، ص 167؛ محمدباقر مجلسی، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج 8، ص 233).

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 304.

3- نک: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران، 159).

طبیعی است که مردم از نظر رفتار، عملکردهای متنوع و متفاوت دارند. اگر بنا باشد انسان در مقابل هرگونه رفتار دیگران، از خود حساسیت و ناراحتی نشان دهد و در برابر هر کنشی، واکنشی داشته باشد، مشکلات زیاد می شود و زندگی هرروز تلخ تر از روز قبل پیش می رود. افرادی که مدارا ندارند، سرگذشتی جز افسردگی و تنهایی و انزوا در انتظار نخواهند داشت.

نقطه مقابل «رفق»، «تندی و بدخویی» است⁽²⁾ و این یعنی ما در مقابل رفتار دیگران عکس العملی تند بروز دهیم و نتوانیم از خود نرمی نشان دهیم. به تعبیر دقیق تر، در این حالت، نه فقط از کار غلط دیگران ناراحت می شویم، بلکه به کسی هم که مطابق انتظار ما رفتار نمی کند، به شدت پاسخ می دهیم. اگر چنین فضایی در خانواده حاکم شود، اعضای آن همواره در حال توییح، سرزنش، محاکمه و متهم کردن یکدیگرند؛ بنابراین چنین خانه ای کارکرد اصلی خود یعنی «آرامش» را از دست می دهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «هرگاه خداوند، خیر و نیکی خانواده ای را بخواهد [و آن ها را دوست داشته باشد]، رفق و مهربانی را بر ایشان جاری می سازد.»⁽³⁾

منظور از مدارا این نیست که اشتباهات دیگران را قبول کنیم و با آن موافق باشیم؛ بلکه به این معناست که با اشتباه دیگران کنار می آییم؛

ص: 181

1- سروده شمس الدین محمد شیرازی، متخلص به حافظ، شاعر قرن هشتم هجری.

2- وَالرَّفْقُ وَضِدُّهُ الْخُرْقُ (احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، ج 1، ص 197).

3- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 182.



مثلاً مردی سیگار می کشد و هرچه همسرش تلاش می کند، نمی تواند او را منصرف کند. در اینجا شایسته نیست که زن، تمام زندگی خود را به این موضوع گره بزند؛ بلکه باید با او کنار بیاید یا گاهی ممکن است زن نتواند بعضی از فعالیت های معمول داخل خانه را به درستی انجام دهد که شایسته است مرد با او مدارا کند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «زن مانند گیاه ریحان، لطیف و خوش بوست، نه قهرمان؛ پس با او در هر حال مدارا کن و خوب سخن بگو تا زندگی ات گوارا و باصفا شود.»⁽¹⁾ همین طور، اگر فرزند برخلاف سعی فراوان والدین و خودش، در درس موفق نیست، باید با آن کنار آمد و جنبه های دیگر وجودش را تقویت کرد. به این شیوه مدارا می گویند.

ص: 182

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضر الفقیه، ج 3، ص 556.

زن و مرد باید بدانند که اگر قصد فتح قلّه های زندگی را دارند، مجبورند شدائد و ناملايمات زيادی را پشت سر بگذارند؛ اما هرکس آستانه تحملی دارد که نباید بیش از آن پیشروی کند و دیگران نیز نباید از او انتظار بیشتری داشته باشند. در این زمینه، هریک از ما باید مراقب باشیم که قبل از طاق شدن طاقتمان، هشدارهای لازم را به همسرمان بدهیم و او را از این امر آگاه کنیم؛ به عنوان نمونه می توانیم چنین بگوییم: «من تا حالا توانسته ام خودم را کنترل کنم؛ ولی ممکن است دیگر نتوانم به این خوبی بر خودم مسلط بمانم. شما جووری زندگی را جلو ببرید که بیش از این در معرض فشار نباشم.» شاید نقل این ماجرا خالی از لطف نباشد که یکی از مشاورین خانواده می گفت:

روزی بعد از اینکه به خانه آمدم، چند نفر برای مشاوره به منزل ما تلفن زدند و من مثل همیشه در حال پاسخ دادن بودم که ناگهان همسرم فریادی زد و با عصبانیت سیم تلفن را از جا کند. من که تا آن روز، همیشه او را آرام و پرتحمل دیده بودم، بسیار از رفتارش تعجب کردم؛ اما مقصّر این ماجرا خودم بودم: او از آستانه تحملش خارج شده بود و من غفلت کرده بودم.

در این ماجرا، همسر باید قبل از تمام شدن آستانه تحملش، موضوع را با شوهر خود در میان می گذاشت و به او درباره ادامه این روند، هشدار می داد تا کار به جاهای باریک نمی کشید.

برای استفاده از خودرو، لازم نیست تعمیرکار خودرو باشید؛ ولی باید مواظب باشید آب و روغن آن کم نشود. برای داشتن زندگی خوب هم لازم نیست در تمام مهارت های زندگی متخصص باشید؛ بلکه کافی است مراقبت کنید که مودت و رحمت در زندگی تان کم نشود. این مودت و رحمت، حکم همان آب و روغن را دارد که اگر کم شود، اصطکاک زیادی در زندگی به وجود می آورد و چه بسا هزینه سنگینی روی دست شما بگذارد!

الگوی شناختی روابط زوجین

جلوه های رحمت، خصوصاً جلوه آخر آن که جبران ضعف هاست، نیاز به انگیزه و جهان بینی خاصی دارد. به طور کلی ازدواج و روابطی که در ضمن آن ایجا می شود، نیاز به شناختی متفاوت از زن و مرد و رابطه زناشویی دارد. کسی که رابطه زن و شوهر را فقط مسئولیت دوطرفه میان آن ها می بیند، نمی تواند به رحمت توصیه کند؛ زیرا وقتی که در وظایف همسر، اختلالی به وجود آید که به راحتی برطرف نشود، در نظر او، منطقی است که این رابطه برهم بخورد. در آن وضعیت، قراردادی دوطرفه وجود دارد که یکی از طرفین از انجام وظایف خود سرباز زده است یا در قبال آن ناتوان است و با این نگاه، دلیلی برای ادامه این روند وجود ندارد.

در نگاه توحیدی و اسلامی به خانواده، قرارداد ازدواج، قراردادی دوطرفه نیست؛ بلکه زن و شوهر قبل از تعهد به همدیگر، به خدای خود متعهد هستند و در برابر خداوند متعال، میثاقی محکم بسته اند؛ به همین دلیل، در تمام وظایف خود باید ابتدا به خدا پاسخ گو باشند و نه فقط به طرف مقابل.

حال سؤال جدی این است که چه تفاوتی پیش از دو جمله خطبه عقد و پس از آن به وجود می آید که روابط را تا این حد مدیریت می کند؟

قبل از قرائت این دو جمله و جاری شدن عقد، هر رابطه ای ممنوع و بعد از آن، هر رابطه ای مقبول و راضی کننده است. تفاوت واقعی این است که عقد شرعی ازدواج، نشان دهنده و ایجادکننده تعهدی سه طرفه است. مرد خودش را در مقابل خدا و زن نیز خودش را در مقابل همان خدا مسئول می کنند؛ برای همین از خطبه عقد شرعی، این معنا برداشت می شود: «وظایفی را که خدا در قبال همسر برعهده من گذاشته است، برعهده می گیرم.»

قرآن کریم درباره رابطه بین افراد، تعبیر ((مِثَاقًا غَلِيظًا))⁽¹⁾ یعنی پیمانی محکم را فقط برای ازدواج به کار برده است و این نشان می دهد که ازدواج معامله ای محض مانند بیع و اجاره و جابه جایی مال نیست؛ بلکه پیوند دو روح با یکدیگر است⁽²⁾.

و بر همین اساس، رحمت و ایثارگری یکی از اعضای خانواده، معامله و تعامل با خدا محسوب می شود.

ص: 185

1- نک: ((وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا)) (نساء، 21).

2- نک: عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 18، ص 196 تا 200.

نکته دیگر، آن است که دو طرف، وظیفه حفظ خانواده و تربیت فرزندان و نسل بشر را برعهده می گیرند و فقط برای لذت بردن ازدواج نمی کنند؛ ازاین رو باید خیلی از مسائل شخصی خود را نادیده بگیرند. ازطرفی مسئولیت های اجتماعی و بزرگ، مهم تر از منافع شخصی بوده و صرفاً در چارچوب این منافع قرار نمی گیرد. این، تفاوتی بنیادین بین نگاه اسلامی و نگاه هایی است که در تمدن غرب از طریق فیلم و داستان و مانند آن ترویج می شود. در این نگاه، رحمت با جلوه های خود، یعنی گذشت و چشم پوشی و جبران، نه فقط کار سختی نیست که جزء جدانشدنی این مسیر است و انسان بابت آن احساس زیان نمی کند و خود را در مسیری پرفایده و تکامل بخش می بیند.

در مسئولیت های خانوادگی ما، چون در راستای رضای خداست، همگی عبادت است. براساس روایاتی که از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است، فرد متأهل مجاهد فی سبیل الله است؛⁽¹⁾ گفت وگوهای دو همسر یا شب بیداری های مادر برای فرزندش نیز عبادت است؛⁽²⁾ خرج کردن برای همسر، ثواب صدقه دادن دارد⁽³⁾

و ثواب نشستن در کنار همسر، معادل یک ماه اعتکاف است؛⁽⁴⁾ به همین دلیل، فرد مؤمن و معتقد در این زمینه ها عملکرد بهتری خواهد داشت و آستانه تحملش بیشتر است.

ص: 186

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 9، ص 566.

2- نک: ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 259.

3- نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 577.

4- مسعودبن عیسی بن ورام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج 2، ص 122.

آیات قرآن درباره دو جنس زن و مرد، تصریح می کند که این دو، از یک نوع اند: هر دو انسان بوده و در این زمینه هیچ تفاوتی، حتی اندک، میانشان وجود ندارد. نگاه زوجیت نشان می دهد که این دو جنس برای هم خلق شده اند، نه در مقابل هم و نه یکی برای دیگری؛ چنان که در سوره مبارکه بقره آمده است: «او برای تو لباس است و تو برای او لباس هستی.»⁽¹⁾ این دیدگاه «مکمل بودن» همسران را می رساند.

کسی که به توقعات خود از همسرش بیش از مسئولیت های خود در برابر او توجه می کند، با این تفکر سازگار نیست. قرآن کریم با تأکید بر این ارتباط دوطرفه، نگاه یک طرفه ای را که گاهی در روابط زن و شوهری به آن دچار می شویم، اصلاح کرده است. این تصویر قرآنی اجازه نمی دهد کسی از موضعی بالاتر با همسرش رفتار کند.

برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جاسخن از مرد گفته می شود، یک جاسخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه [دو پاره از] پیکره بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه بشری و جنبه الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.⁽²⁾ بر اساس کلام خداوند در قرآن کریم، مقامات معنوی حضرت مریم (علیها السلام) آن قدر اوج گرفت که پیامبر زمانش، حضرت زکریا (علیه السلام)، از عظمت

ص: 187

1- ((هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)) (بقره، 187)؛ کاربرد «ل-» در هر دو بخش آیه، بیانگر آن است که خداوند زن و شوهر را برای همدیگر خلق کرده است؛ نه یکی را برای دیگری و وجود هیچ کدام از آن ها را طفیلی وجود دیگری نمی داند.

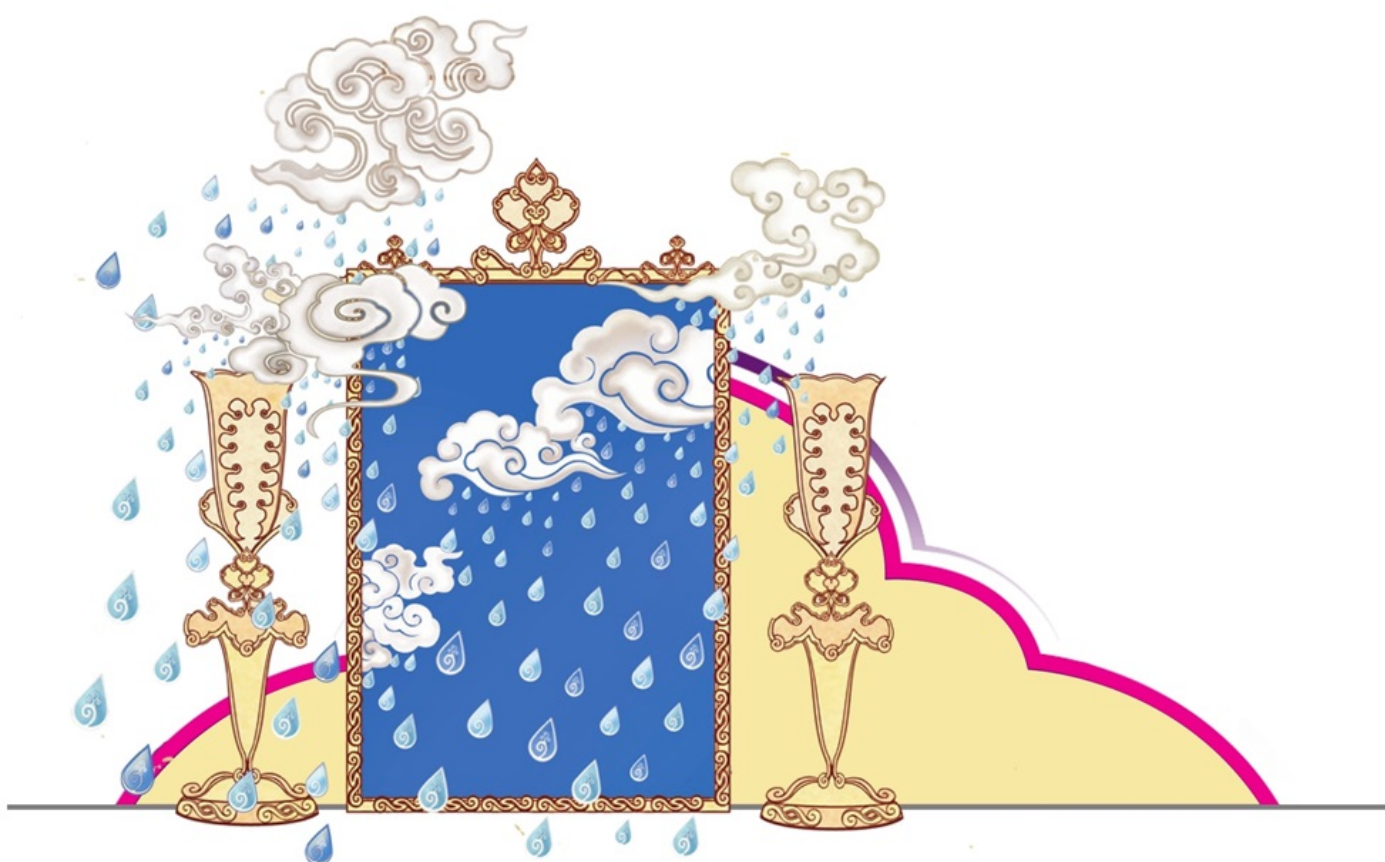
2- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) در دیدار با جمعی از زنان، 30 مهر 1376، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.

آن بانو مبهوت مانده بود(1) و در سطحی برتر، اسلام، حضرت زهرا (علیها السلام) را بر همه فرزندان ایشان که امام هستند(2)

و بر همه پیامبران به جز خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) برتری داده است.(3)

به این ترتیب نگاه های زن سالاری یا مردسالاری که در بسیاری از فرهنگ ها وجود دارد، از نظر قرآن مردود است. اینکه در قرن های گذشته، بسیاری از فرهنگ ها براساس مردسالاری بوده است، نشان دهنده نگرش غلطی است که در فرهنگ اسلام اصلاح شده است؛ البته اصلاح آن، به هیچ عنوان شبیه راهی نیست که فمینیست ها یا عده ای زن و مرد در پیش گرفته و جبهه زنان را علیه مردان تقویت می کنند. این کار از بنیاد غلط است؛ چراکه اشتباه گذشتگان و برخی گروه ها، جبهه بندی جنسیتی است و آن دسته از کلیشه های جنسیتی که در این جبهه بندی ها تقویت می شود، به نفع هیچ یک از دو جنس نیست و زندگی زنان و مردان را تلخ می کند.

تصویر



ص: 188

1- نک: آل عمران، 42 تا 45.

2- «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا» (سید عبدالحسین طیب، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 13، ص 225).

3- نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج 1، ص 179 و 180.

همان طور که در بحث قبلی اشاره شد، همسر در قرآن به عنوان لباس انسان معرفی شده است. (1) وقتی چنین تصویری از همسرمان داشته باشیم و خودمان را هم در این تصویر جای دهیم، می توانیم الگوی جالبی برای روابط زن و شوهر به دست آوریم. علاوه بر مکمل بودن که در بحث قبل بیان شد، از تصویر لباس، نکته های فراوان دیگری هم برداشت می شود؛ از جمله:

* لباس عیوب را پوشانده و انسان را از خشم عیب جوین و تقالان مجالس لغو دور نگه می دارد. همسر نیز ایراد همسرش را می پوشاند و نمی گذارد حرف او نقل مجالس شود.

* لباس رازدار است و اسرار را فاش نمی کند. همسر نیز رازهای درون خانه را بیرون نمی برد.

* لباس انسان را از آفت ها و آلودگی های محیط نگه می دارد. همسران نیز با ارضای نیازهای یکدیگر، از تحریک پذیری همسر در مقابل محرک های آسیب زای روانی و اجتماعی جلوگیری می کنند.

* لباس نزدیک ترین همراه و پیوسته ترین سایه بان همیشگی وجود انسان است. همسر هم باید چنین باشد.

* نزدیک ترین شیء به فرد، لباس اوست. هیچ کس و هیچ چیز از لباس انسان، به او نزدیک تر نیست. همسر نیز باید از هرکسی به انسان نزدیک تر باشد.

ص: 189

* این لباس است که به نمای زندگی انسان شکل می دهد. همسر نیز در شکل گیری زندگی انسان و نمای آن تأثیری بسزا دارد. البته لباس ها باهم فرق دارند. بعضی لباس ها پوشش بیشتری دارند، بعضی به ما نزدیک تر یا از ما دورترند، بعضی لباس ها برای انسان راحت ترند و بعضی شکل بهتری به ما می دهند. هر انسانی هم می تواند باتوجه به خصوصیات و رفتارهایش، به همسرش نزدیک تر یا دورتر شود و سبب راحتی یا ناراحتی او و برطرف کننده و پوشاننده عیوب همسرش باشد.

لباس و صمیمیت

در مطالب پیش گفته بیان شد که انسان، ناگزیر از داشتن لباس بوده و لباس، نزدیک ترین همراه انسان است. در زندگی نیز صمیمی ترین فرد، کسی است که در رسیدن انسان به هدفش، از همه به او نزدیک تر است. انسان ها آزادند که مصادیقی برای این نزدیک بودن انتخاب کنند. واقعیت آن است که نهایی ترین هدف انسان، خداست؛ (1)

یعنی خدا هدفی است که ارزش حرکت کردن و شایستگی آرمان بودن برای انسان را دارد و آن هایی که ایمان آورده اند، خدا را بیش از هرچیز دیگر دوست دارند؛ (2)

بنابراین انسان باید با هرچه او را به خدا نزدیک تر می کند، صمیمی تر باشد. به همین دلیل علاقه و صمیمیت افراد مؤمن به اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر از علاقه آن ها به دیگران است؛ همان گونه که هریک از ما ایرانی ها این عشق را در قلب خود احساس می کنیم.

ص: 190

1- نک: بقره، 156.

2- بقره، 165.

در این راستا، مؤمن در بین دوستان و خانواده و اطرافیانش با کسانی صمیمی تر است که او را در رسیدن به خدا کمک کرده و در کنارشان احساس آرامش و لذت بیشتری را تجربه می کند. خداوند این آرامش و لذت را به طور ویژه در همسر قرار داده است.

وقتی همسر به عنوان لباس معرفی شده است، می توان الگوی مطلوب را در آن دید که همسران، صمیمی ترین روابط را با همدیگر داشته باشند؛ یعنی دو نفر آن قدر در جهت اهدافشان همراه باشند که بتوانند بیشترین سطح صمیمیت را به ارتباطشان با همدیگر اختصاص دهند. این مطلب به صورت خواسته ای عمومی در ذهن خیلی از همسران وجود دارد و چنین انتظاری از همسر خود دارند.

صمیمیت در واقع عمیق ترین رابطه میان دو فرد است که بدون پنهان کاری یا سوءاستفاده باشد. این رابطه حاصل محبت و اعتماد زیاد و متقابل بین دو فرد است. نگاه کلی ما به ازدواج باید نگاه صمیمیت تا حد یگانگی باشد؛ یعنی با تمام وجود بپذیریم که هر کاری برای همسر خود کرده ایم، درحقیقت برای خود کرده ایم. زوج های جوان هر قدر در ازدواج به پدیده یکی شدن و باهم بودن باور داشته باشند، با یکدیگر همدلی و همراهی بیشتری خواهند داشت.

همان طور که در ابتدای فصل بیان شد، اگر نگاهمان به همسر، غیر از نگاه یگانگی باشد، به کلی قافیه را باخته ایم. هدف غایی ازدواج، ترک دوگانگی هاست. ازدواج یعنی یکی شدن و در مرتبه ای والا تر، یعنی رجحان دیگری بر خود. فردی که با دیگری احساس یگانگی می کند، نه فقط دندان اسب پیشکشی او را نمی شمارد، بلکه دندان اسبی که می خواهد پیشکش کند را هم نمی شمارد. اگر حساب

می‌کنید که چه کارهایی برای همسرتان انجام داده یا چه هدایایی به او داده‌اید یا چه میزان وقت برای او گذاشته‌اید، همه و همه از مواجهه معامله‌گرانه شما با او حکایت دارد. درحقیقت چنین رفتارهایی حاکی از آن است که آگاهانه یا ناآگاهانه، سایر ارتباط‌های خود را به ارتباط‌های داخل خانه تعمیم داده و همسرتان را در ردیف همکاران و دوستان و سایر افراد قرار داده‌اید؛ درحالی که ارتباط با همسر، ارتباط یگانه‌ای است که شبیه هیچ یک از ارتباط‌های دیگر ما نیست. براین اساس، به خوبی روشن می‌شود که اگر همسرمان درباره دوستان ما حساسیت به خرج می‌دهد، علتش آن است که جایگاه و شأن او را چنان که باید حفظ نکرده ایم. به عبارت دیگر، بی‌توجهی به جایگاه همسر به عنوان فردی صمیمی در زندگی، می‌تواند ریشه مشکلات ارتباطی وی با دوستان و اطرافیان ما باشد. به طور کلی نباید حساسیت همسرمان را در زمینه سایر روابط خود تحریک کنیم.

شخصی که هنگام گرفتاری، چندین ساعت با مادر یا پدر یا دوست خود درد دل می‌کند و در مقابل، همسرش را از مشکلات خویش بی‌خبر می‌گذارد، به نوعی قاعده مهمی از بازی را رعایت نکرده و با دست خود، رابطه میان همسر و اطرافیانش را خراب کرده است. اگر این قاعده را بپذیریم، در خواهیم یافت اطرافیانی که بهترین مکان دل ما را تصاحب کرده‌اند، حالا باید یک گام عقب‌تر بروند و اگر قبل از این، در جایگاهی بوده‌اند که همه درد دل‌ها، گلایه‌ها، خوشی‌ها و تفریحاتمان با ایشان بوده است، اکنون باید بدانیم که اوضاع فرق کرده است؛ البته این سخن، به معنای از دست دادن دوستان خوب نیست و باید جایگاه و سطح ارتباطمان با آن‌ها را از نو تعریف کنیم.

صمیمیت نباید باعث شود که زندگی را رها کنیم یا خودمان را براساس نظر دیگری فدا کنیم یا اجازه دهیم همسر یا فرزندانمان هرکاری که می خواهند، انجام دهند. بعضی ها ممکن است از این صمیمیت سوءاستفاده کنند؛ بنابراین باید مراقب بود.

باینکه در زندگی اصل بر صمیمیت است، جایی که انسان می بیند از صمیمیتش سوءاستفاده می شود یا شخصیتش به بازی گرفته می شود یا رفتار دیگران با بی اعتنایی و بی احترامی همراه است، باید با جدّیت برخورد کند. منظور از جدّیت، عصبانیت و تندی کردن و دعوا و درگیری نیست؛ بلکه به معنای رفتارهایی است که پیام متفاوتی را منتقل می کند و فرد را از صمیمت بیشتر منع می کند؛ مانند آنکه لبخند همیشگی مان را به طور موقت حذف کنیم.

کسی که همیشه با همسرش، با علاقه و لبخند و نشاط برخورد می کند، آن چنان او را اسیر مهر خود کرده است که کافی است در مواقع لزوم، لبخند همیشگی را بر لب نداشته باشد یا اینکه در چهره اش ناراحتی نمایان شود. این حالت، بیشتر از هر رفتار دیگری اثر خواهد گذاشت؛ البته تکرار هشدارها و ناراحتی ها، اثر آن ها را کم خواهد کرد و بروز ناراحتی تا زمانی مؤثر است که فقط در مواقع خاص صورت گیرد. از طرف دیگر، کسی که قبلاً پیام دلخوری خود را با فریاد و عصبانیت منتقل کرده است، نباید انتظار داشته باشد همسرش دفعه بعد، فقط با اخم و سرسنگین بودن او، پیام ناراحت بودنش را دریافت کند؛ پس باید مراقب باشیم که نه در تعداد بروز این حالات زیاده روی کنیم و نه در شدت بروزشان.

شخصی را در نظر بگیرید که بنابر توصیه های مشاور، تکنیک هایی را برای استحکام بیشتر خانواده فرا گرفته و تاحدی هم آن ها را رعایت کرده است، مانند نامه نگاری های محبت آمیز و ملاقات های صمیمانه با همسر یا هدیه دادن به او؛ ولی باین حال، نه خود و نه همسرش به آنچه انتظار دارند، نرسیده اند! به راستی مانع اثربخشی این راهکارها چیست؟ در اینجا، مهم ترین مانع این است که فرد نگاه درستی به زندگی مشترک ندارد؛ در نتیجه چنین رفتارهایی با سایر رفتارهای او هماهنگ نیست؛ مثلاً مرد براساس توصیه کتاب، هدیه ای برای همسر خود تهیه می کند، درحالی که چند روز قبل، یک روسری را که نیاز واقعی و درخواستش بوده است، برای او تهیه نکرده است یا زن درخواست شرکت در مهمانی اقوام شوهرش را بی دلیل رد کرده است و حالا برای تولد او جشن می گیرد! طبیعی است که در این صورت، نه هدیه به دل زن می نشیند و نه برپایی جشن به دل مرد.

به طور عمده، موانع موجود در زندگی ناشی از رفتارهایی کلیشه ای است که فرد از کتاب ها یاد گرفته است، اما چون برخاسته از نگرش هایش درباره زندگی نیست، نتیجه ای ندارد. در این وضعیت، فرد مانند چاهی عمل می کند که به خودی خود آب ندارد؛ بلکه آب درون آن ریخته می شود و چیزی هم که از دل برنیاید، لاجرم بر دل نمی نشیند. (1) به بیان روشن تر، رویکردهای غلط در امر ازدواج و همسرمداری، مانع تأثیرگذاری

ص: 194

1- این مطلب به حدیثی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اشاره دارد که فرموده اند: «الْكَلِمَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنَ الْقَلْبِ وَقَعَتْ فِي الْقَلْبِ وَإِذَا خَرَجَتْ مِنَ اللِّسَانِ لَمْ تَجَاوِزَ الْآذَانَ» (عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 20، ص 287).

کلیشه های ذهنی مردانه

نمونه هایی از این رویکردهای غلط درباره مردان به شرح زیر است:

* بعضی ها معتقدند نباید با ابراز محبت های فراوان، به همسر خود میدان بدهند و امکان سوءاستفاده او را از این علاقه فراهم کنند؛

* بعضی فکر می کنند مرد نباید با ابراز محبت به زن، از جذبۀ خود بکاهد. اصطلاح رایج «گره را دم حجله کشتن» دقیقاً اشاره به نوعی نگرش خاص به ارتباط زن و شوهر دارد که متوجه برتری طلبی یکی از طرفین است.

* بعضی معتقدند زن را باید با تشر سر جایش نشاند تا از شرش در امان ماند.

افرادی که چنین نگرش هایی دارند، هرچند از تکنیک های مهرورزی استفاده کنند، بازهم نمی توانند محبت و عاطفه همسرشان را جلب کنند؛ چراکه نگاهشان، نگاهی جهت دار است. این باور غلط که زن باید به دلخواه مرد، اخلاق و رفتار خود را تغییر دهد، انتظار یک طرفه ای است که در آن، فقط زن باید مطلوب نظر مرد باشد؛ در حالی که در رابطه صمیمی، هرکدام از زن و مرد، نیمی از راه را طی می کنند و با کنار گذاشتن خودخواهی، تا حدودی به نفع دیگری کوتاه می آیند.

در زنان نیز نگاه هایی وجود دارد که می تواند مانع اثربخشی رفتارهای آنان شود؛ از آن جمله می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

* خانمی که تصور می کند همسرش باید به طور کامل و انحصاری به او تعلق داشته و همه توجهش معطوف به او باشد، نمی تواند سایر ارتباطات مرد با دوستان و خانواده اش و حتی زمان طولانی اشتغالش را بپذیرد.

* زنی که مرد مطلوب زندگی اش را مردی می داند که تابع و حرف شنو و گوش به فرمان او باشد، می خواهد شوهرش را مدیریت کند. در واقع، این زن می خواهد چیزی را با دست خود نگه دارد که قرار است تکیه گاهش باشد.

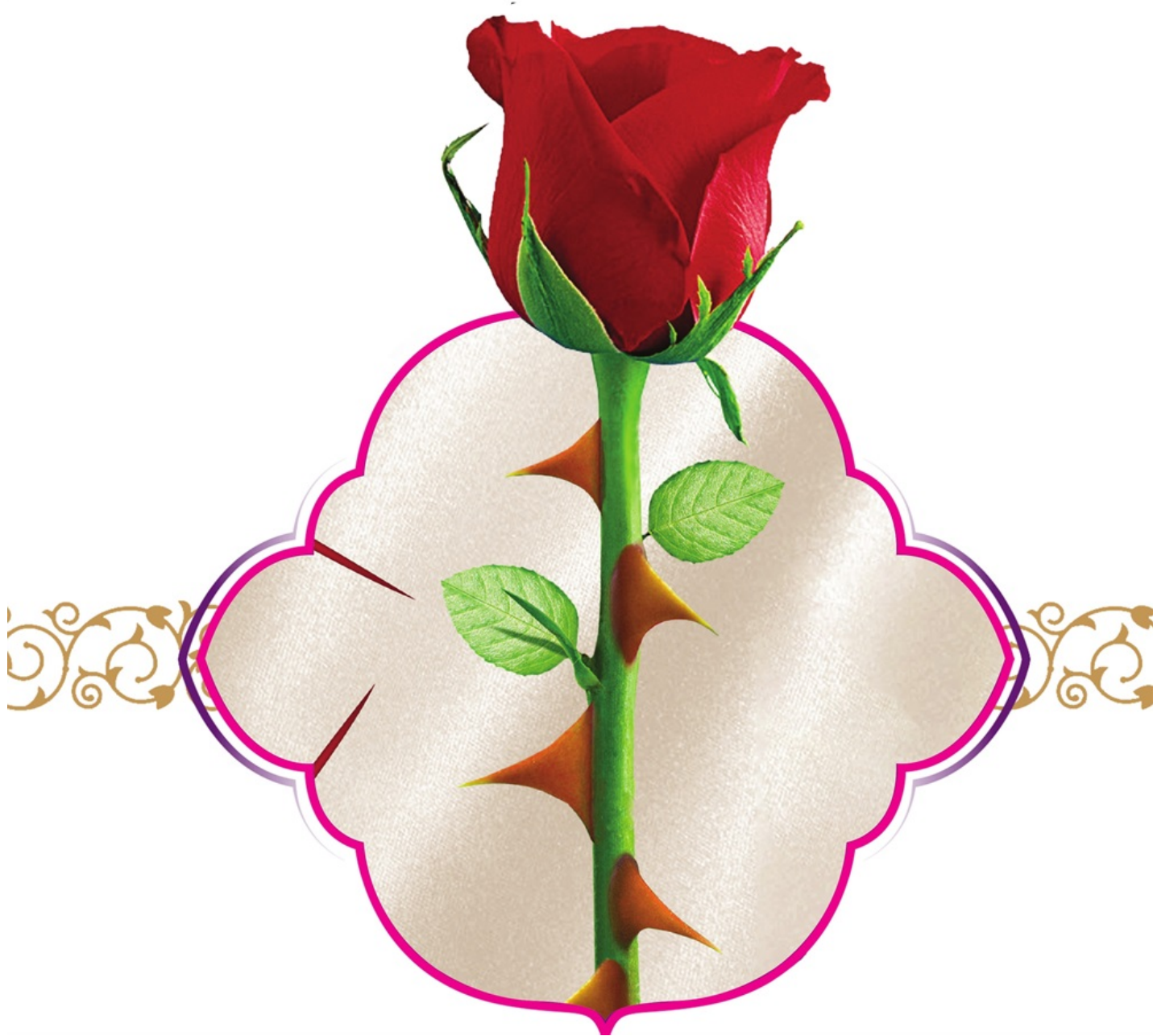
* زنی که افراد خانواده شوهرش را رقیب یا دشمن خود می داند، تحمل هیچ گونه اظهار نظری را از جانب آن ها ندارد و همیشه به آن ها سوءظن دارد.

* زنی که به تمکین از مرد قائل نیست و روابط زناشویی را رابطه ای ناعادلانه می داند، نمی تواند در این زمینه، از خود رضایت واقعی بروز دهد.

تمام این تصورات گفته شده، مانع شکل گیری پیوندی محبت آمیز میان زن و شوهر می شود؛ همچنان که نگاه های رقابت طلبانه بین زن و مرد همین آسیب را دارد؛ بنابراین به نظر می رسد که در درجه اول، باید این گونه موانع شناختی را کنار بزنیم و نگاهمان را به ازدواج و روابط خانوادگی تصحیح کنیم.

اساساً با بازنگری در نگرش ها و رویکردهای غلط خود، می توانیم از همهٔ مواهبی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است تا زندگی مشترکش را استحکام بخشد و با همسر خود به یگانگی و صمیمیت برسد بهره مند شویم و در نتیجه، زندگی رضایت بخشی را تجربه کنیم.

تصویر



وظایف مشترک

زن و مرد در ارتباط باهم وظایف مشترکی دارند که به یک جنس اختصاص ندارد. کارکرد اصلی این وظایف مشترک، شیرین کردن روند زندگی است که امکان رشد و تعالی طرفین را نیز فراهم می کند.

معاشرت نیکو و گشاده رویی

امام زین العابدین (علیه السلام) در روایتی فرموده اند: «حق همسر این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که این نعمتی است از جانب خداوند به تو؛ پس او را گرامی بداری و با او به نرمی رفتار کنی.» (1)

همدلی و مشارکت در امور خانه

امور خانه وظایفی نیست که یک نفر تمام آن را به دوش بکشد و دیگری خود را از زیر بار آن خارج کند. درست است که در طول تاریخ و در فرهنگ های مختلف، معمولاً زنان این مسئولیت را به دوش گرفته اند و اگر زنی این وظیفه را انجام ندهد، موجب تعجب خواهد بود، ولی این به معنای بی مسئولیتی مرد در این زمینه نیست. برای نمونه، حکایتی زیبا از زندگی خانواده الگوی مطهر قرآنی، یعنی خانواده امیرالمؤمنین

ص: 198

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 621.

علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) بیان می کنیم.

بر اساس روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روزی آن حضرت در خانه عدس پاک می کردند و حضرت فاطمه (علیها السلام) هم نزدیک ایشان نشسته بودند. در همین حال، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شدند و فرمودند:

ای علی، ... آنچه می گویم بشنو که من هیچ سخنی جز به امر پروردگارم نمی گویم: هیچ مردی نیست که در خانه به همسرش کمک کند، مگر اینکه خدا به ازای هریک از موهای بدنش، عبادت یک سال را برای او بنویسد که روزهایش را روزه بوده و شب ها را به شب زنده داری پرداخته است و پاداشی به او عطا کند، مانند آنچه به صابرین و به داوود نبی و یعقوب و عیسی (علیهم السلام) عطا کرده است.

ای علی، کسی که در خانه در خدمت خانواده اش باشد و این کار را ننگ نداند، خدا نامش را در دیوان شهدا بنویسد و برای هر روز و شبی، ثواب هزار شهید و برای هر قدمی، ثواب یک حج و عمره به او عنایت فرماید و به [تعداد] هر رگی که در بدن اوست، شهری در بهشت به او عطا کند.

ای علی، یک ساعت در خدمت خانواده بودن، بهتر است از هزار سال عبادت و انجام هزار حج و هزار عمره و بهتر است از آزادکردن هزار بنده، شرکت در هزار غزوه، عیادت هزار مریض، حضور در هزار نماز جمعه، شرکت در هزار تشییع جنازه، سیرکردن هزار گرسنه، پوشاندن هزار برهنه و آوردن هزار اسیر در راه خدا و بهتر است از صدقه دادن هزار دینار به فقرا و بهتر است از قرائت تورات، انجیل،

زبور و قرآن و از هزار نفر که [در جنگ] اسیر و سپس [پس از پیروزی] آزاد کند و بهتر است برای او از دادن هزار شتر به نیازمندان و از دنیا نمی رود، مگر اینکه جایگاهش را در بهشت می بیند.

ای علی، کسی که خدمت کردن به همسرش را ننگ نداند [و از آن خسته نشود]، بدون حساب وارد بهشت می شود.

ای علی، خدمت به همسر [و خانواده]، کفاره گناهان کبیره است و خشم خدا را فرو می نشاند و مهریه حورالعین است و بر حسنات و درجات می افزاید.

ای علی، کسی که همسرش خدمت نمی کند؛ مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا خیر دنیا و آخرت را برایش خواسته باشد. (1)

فرصت تعالی

ما باید به همسرمان اجازه دهیم اوقاتی را نیز به خود اختصاص دهد؛ چراکه هریک از طرفین باید حیطه ای خصوصی در داخل خانواده داشته باشند. اگر زن یا شوهر تمام وقت های همسرش را متعلق به خود بدانند، به نوعی او را به خودفراموشی و غفلت از خود و گاه غفلت از خدا و سایر ارزش ها دچار می کند. ساعت های خلوت کردن انسان با خودش، زمینه های رشد و دوری از غفلت را برای او فراهم می آورد؛ پس باید مراقب باشیم که با ازدواج، باعث عقب افتادگی معنوی همدیگر نشویم.

ص: 200

حریم خصوصی

تلاش کنید که به حیطه های خصوصی یکدیگر تعرض نکنید؛ حتی نخواهید که همسران رازهای سر به مهرش را برایتان فاش کند. رعایت حریم خصوصی همسر و تجسس نکردن در امور شخصی او، به تأمین آرامش در زندگی کمک می کند؛ البته گستره حریم خصوصی همسران، به اندازه حریم خصوصی دیگران نیست. به طور نمونه، رفت و آمدهای اجتماعی و ارتباطات مجازی و روابط مختص اتاق خواب از اموری است که برای دیگران، حریم خصوصی محسوب می شود؛ ولی برای همسر چنین نیست.

احترام و تکریم

یکی از وظایف دو طرف این است که با احترام، با یکدیگر رفتار کنند. تکریم همسر، تکریم خانواده مستقل شماست. وقتی خودتان همسران را تکریم نکنید، به اطرافیان هم اجازه توهین به او را داده اید. رابطه همراه با احترام، زمینه زندگی شما را محترم تر خواهد کرد.

تصویر



رابطه جنسی سرمایه ای است برای حفظ خانواده. «اگر انسان ها را بودند که غریزه جنسی را هر طور می خواهند اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی شد یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی پذیری می شد و هر نسیمی آن را به هم می زد.»⁽¹⁾

این رابطه خاص ترین رابطه ای است که با ازدواج به دست می آید. آثار این رابطه بر صمیمیت و نشاط و آرامش دو نفر بسیار زیاد است؛ به طوری که خیلی از اختلافات خانوادگی، ریشه در رضایت نداشتن یکی از دو طرف یا هر دو طرف از روابط جنسی و ناکامی در این امر است؛ به همین علت، اسلام به این رابطه اهتمام جدی داشته و برای کیفیت بخشی به آن نیز توصیه های فراوانی ارائه کرده است و خودداری از این رابطه را برای هیچ یک از زن و شوهر جایز نمی داند. اگر زن و شوهران جوان روابط جنسی رضایت بخشی نداشته باشند، طبعاً نمی توانند در روابط دیگرشان نیز خرسندی و رضایت کافی کسب کنند.

آشنایی با روابط زناشویی

انسان ها به صورت طبیعی و غریزی، از کشش جنسی برخوردارند و برای برقراری رابطه زناشویی به آموزش نیاز ندارند و می توانند به تدریج با تجربه شخصی خود، کیفیت این رابطه را افزایش دهند؛ درعین حال، نکته ها و ملاحظه هایی وجود دارد که آشنایی اجمالی با آن ها، می تواند رابطه

ص: 202

1- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 20 تیر 1370، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 58.

زن و شوهر را در این زمینه بهبود بخشد. این موضوع، هم به بهداشت و احکام رابطه زناشویی مرتبط است و هم به افزایش کیفیت آن.

طبیعتاً این آموزش‌ها باید از راه‌های مطمئن به دست آید. اشتباه بعضی زوجین این است که با جست‌وجوی روش‌های آموزش جنسی در فضای مجازی، به محتوایی غیرمطمئن دست می‌یابند که بیشتر آسیب‌زاست تا کمک‌کننده؛ چراکه انتظار زن و شوهر را از همدیگر افزایش می‌دهد و بالطبع موجب کاهش رضایت آن‌ها از رابطه خودشان خواهد شد. بعضی هم فکر می‌کنند حالا که متأهل شده‌اند، می‌توانند در کنار همسر خود با مشاهده صحنه‌های تحریک‌کننده، رابطه جنسی بهتری را تجربه کنند؛ غافل از اینکه ممکن است باعث رنجش همسرشان شوند. تجربه نشان داده است که این کار، نارضایتی جنسی را در دو طرف افزایش می‌دهد؛ زیرا آنچه در فیلم دیده می‌شود، با واقعیت خیلی فاصله دارد و انتظارات نامتعارفی از رفتارهای جنسی در ذهن ایجاد می‌کند.

اینکه در اسلام تحریک‌های جنسی خارج از رابطه با همسر به شدت حرام دانسته شده است و این، صحنه‌های تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود، همه به این منظور است که تمام نیروی جنسی و انتظارات جنسی زن و شوهر به همدیگر معطوف شده و باعث دوام و نشاط زندگی شود. اگر این رابطه، بدون پذیرش مسئولیت خانواده ارضا شود، اینجاست که خانواده به خطر افتاده و انگیزه حفظ آن در چنین جوامعی کم خواهد شد. این موضوع، آسیبی جدی است که جهان غرب، امروزه با آن درگیر و مواجه است.

اسلام برای متمرکزشدن این رابطه در خانه، توصیه‌های بسیاری

دارد؛ از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عثمان بن مظعون درباره همسرش فرمودند:

بنده مؤمن هرگاه دست همسرش را بگیرد، خداوند ده حسنه برایش می نویسد و ده گناهش را پاک می کند و چنانچه او را ببوسد، خداوند برایش صد حسنه می نویسد و صد سیئه اش را پاک می کند و هرگاه با او در آمیزد، خداوند هزار حسنه برایش می نویسد و هزار سیئه از او دور می کند... (1).

در مقابل، برای ازبین بردن تمامی تحریک های جنسی خارج از خانه، با آن ها به شدت برخورد کرده و نوعی زنا به حسابشان آورده است؛ از جمله امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرموده اند:

احدی نیست، مگر اینکه بهره ای از زنا را مرتکب شده است؛ پس زنای دو چشم، نگاه به نامحرم است و زنای زبان، سخن گفتن [به قصد لذت] و زنای دهان، بوسیدن و زنای دست ها، تماس با بدن نامحرم و تفاوت نمی کند فرج بر این ها صدق کند یا صدق نکند. (2) حتی تصور رابطه جنسی دیگر در خلال روابط زن و شوهر نیز موجب کاهش رضایت از رابطه با همسر می شود؛ به همین علت در اسلام سفارش شده است که با تصور زنان دیگر، به رابطه جنسی با همسر خود نپردازد. (3) البته اگر فرد در اثر هر عاملی دچار تحریک جنسی شود، توصیه شده است با رابطه با همسرش، لذتی را که می خواهد، تجربه کند. (4)

ص: 204

1- حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 41، ص 151.

2- محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 20، ص 191.

3- نک: محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 20، ص 252، به نقل از: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).

4- نک: محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 20، ص 106، به نقل از: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).

کسانی که تجربه های ابتدایی مناسبی در روابط زناشویی ندارند، باید به این موضوع حساس باشند و در اولین فرصت، با مراجعه به مشاوران مطمئن رابطه جنسی خود را به سطح رضایت بخش برسانند. به طور کلی بهتر است تجارب ابتدایی را با روی باز بپذیرید و به تدریج عمق روابط را بیشتر کنید. انتظار نداشته باشید که اولین رابطه های جنسی شما، عالی ترین روابطتان هم باشد؛ درعین حال از لذت بخش بودن آن، اطمینان حاصل کنید.

آداب زناشویی

اشاره

اسلام برای روابط زن و شوهر محدودیت قرار نداده است و فقط برقراری رابطه عمیق جنسی را در عادت ماهانه زنان حرام کرده است؛⁽¹⁾ درعین حال آدابی را آموزش داده است که عموماً به کیفیت بخشی روابط و احساس آرامش و فرزندآوری مطلوب کمک می کند.

در سیره اهل بیت (علیهم السلام) آموزش مسائل زناشویی، تابو⁽²⁾

نبوده است و آن بزرگواران این آداب را به اصحاب خود آموزش داده اند که البته شامل مقدمات روحی است؛ به طور نمونه متن زیر قسمتی از آموزش های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. ایشان بعد از توصیه به تکریم عروس و تغذیه مناسب او در ابتدای ازدواج، فرموده اند:

یا علی، در اول و وسط و آخر هر ماه با همسر خود مجامعت

ص: 205

1- نک: محمدبن مسعود عیاشی، التفسیر، ج 1، ص 110.

2- تابو به چیزی می گویند که طرحش در جامعه، ممنوعیت اخلاقی داشته باشد.

نکن؛ چراکه اگر چنین کنی، جنون و جذام و ابله‌ی به او و فرزندش روی خواهد آورد.

یا علی، بعد از ظهر با همسر خود مجامعت نکن؛ چراکه اگر در آن وقت، فرزندی برای شما مقدر شود، چپ چشم (لوچ) خواهد بود و شیطان از لوچ بودن انسان خشنود می شود.

یا علی، هنگام مجامعت سخن نگو که اگر فرزندی نصیب شما شود، از لال بودن در امان نیست [و ممکن است لال شود]. یا علی، کسی در هنگام جماع نباید به عورت همسر خود نگاه کند؛ بلکه باید چشم خود را ببندد؛ زیرا نگاه به عورت زن در وقت جماع، موجب نابینایی فرزند خواهد شد.

یا علی، به نیت زن دیگری با همسر خود مجامعت نکن؛ چراکه می ترسم اگر چنین کنی، فرزند تو مُخَنَّث [یعنی پسری با روحیات زنانه] و بخیل باشد.

یا علی، اگر در بستر خود جُنُب بودی، قرآن نخوان که می ترسم آتشی از آسمان فرود آید و شما را بسوزاند.

یا علی، مجامعت نکن؛ مگر اینکه دستمال تو از دستمال همسرت جدا باشد و هرگز با یک دستمال، خود را پاک نکنید که شهوت بر روی شهوت قرار می گیرد و میانتان دشمنی ایجاد می شود و موجب طلاق و جدایی شما خواهد شد.

یا علی، در حال ایستاده با همسر خود مجامعت نکن که این، کار چهارپایان است و اگر فرزندی نصیب شما شود، مانند الاغ در بستر و در هر جای دیگر بول می کند.

یا علی، با همسر خود در شب عید فطر مجامعت نکن؛ چراکه اگر فرزندی نصیب شما شود، پیر می شود و بعد از پیری، بچه دار می شود.

یا علی، در شب عید قربان مجامعت نکن که فرزندان شش انگشتی یا چهار انگشتی متولد می شود.

یا علی، با همسر خود زیر درخت میوه مجامعت نکن که فرزند شما جلّاد و آدمکش و عریف⁽¹⁾ خواهد شد.

یا علی، مقابل خورشید با همسر خود مجامعت نکن، جز اینکه میان شما و آن پرده ای باشد؛ چراکه فرزندان همیشه در بلا و فقر خواهد بود تا از دنیا برود.

یا علی، بین اذان و اقامه با همسر خود مجامعت نکن که فرزند شما خون خوار خواهد شد.

یا علی، اگر همسر تو باردار بود، بدون وضو با او مجامعت نکن؛ وگرنه فرزند شما کوردل و بخیل خواهد شد.

یا علی، در نیمه شعبان با همسر خود مجامعت نکن که فرزند شما از نظر صورت و موزشت خواهد شد.

یا علی، با همسر خود در آخر ماه [قمری، یعنی] دو روز مانده به آخر ماه، مجامعت نکن که فرزند شما ابله و احمق و ناتوان خواهد شد.

یا علی، با همسر خود با شهوت خواهر او مجامعت مکن؛ چراکه فرزند شما راهزن و یاور ستمگر خواهد شد و جمعیت

ص: 207

1- عریف به معنای صاحب قبیله ای است که به آن ها ظلم می کند.

یا علی، بر پشت بام با همسر خود مجامعت نکن که فرزند شما منافق و اهل ریا و بدعت خواهد شد. یا علی، چون به مسافرت رفتی، در نخستین شب سفر، با همسر خود مجامعت نکن که اگر فرزندی نصیب شما شود، مال خود را در راه غیر صحیح مصرف کرده و اهل تبذیر خواهد بود؛ در حالی که [خدا و] رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند که مبذّرین برادران شیاطین هستند. (1)

یا علی، در سفری که بیش از سه شبانه روز طول نمی کشد، با همسر خود مجامعت نکن؛ چراکه فرزند شما یاور هر ظالم و ستمگری خواهد شد.

یا علی، بر تو باد که در شب دوشنبه جماع کنی تا فرزند تو حافظ قرآن و راضی به مقدرات خدا باشد.

یا علی، اگر در اول شب سه شنبه با همسر خود مجامعت کنی، فرزند شما گوینده شهادتین و موفق به شهادت در راه خدا می شود و هرگز خداوند او را با مشرکین عذاب نخواهد کرد و دهانش خوش بو، قلبش رحیم و مهربان، دستش با سخاوت و زبانش از غیبت و دروغ و بهتان پاک خواهد بود.

یا علی، اگر در شب پنجشنبه با همسر خود مجامعت کنی، فرزند شما یکی از علما و حُکّام خواهد شد و اگر در وسط روز پنجشنبه مجامعت کنی، شیطان تا هنگام پیری، به

ص: 208

1- ((إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ)) (اسراء، 27).

فرزند شما نزدیک نشود و فرزند فهمیده ای خواهد بود و خداوند سلامت دین و دنیا را به او عطا می فرماید.

یا علی، اگر در شب جمعه با همسر خود مجامعت کنی، فرزند شما خطیب و سخنگویی توانا می شود و اگر بعد از عصر جمعه مجامعت کنی، فرزندان معروف و دانشمندی سرشناس خواهد شد و اگر شب جمعه بعد از نماز عشا با او مجامعت کنی، امید می رود فرزندان، ان شاءالله یکی از ابدال و بزرگان شود.

یا علی، در ساعت اول شب با همسر خود مجامعت نکن که اگر بچه دار شوید، در امان نمی ماند و ساحر و اهل دنیا شود و آخرت خود را از دست بدهد.

یا علی، این وصیت مرا حفظ کن؛ همان گونه که من از جبرائیل شنیدم و حفظ کردم. (1)

امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده اند: «مرد نباید با همسر و کنیز خود در جایی که کودک خردسالی در آنجا باشد، هم بستر شود؛ چراکه آن کودک اهل زنا خواهد شد.» (2)

از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است که فرموده اند:

از وصیت های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این بود که مرد در حال حیض با همسر خود مجامعت نکند و اگر چنین کند و فرزند او جذامی یا دارای پیسی شود، باید خود را ملامت کند. نیز آن حضرت کراهت می داشتند کسی که محتلم شده و غسل نکرده است،

ص: 209

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 567 تا 570.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 11، ص 143.

[دوباره] با همسر خود مجامعت کند و می فرمودند: «اگر چنین کرد و فرزند او دیوانه متولد شد، غیر از خودش کسی را ملامت نکند.»⁽¹⁾ آن حضرت (علیه السلام) در روایت دیگری فرموده اند: «هنگامی که یکی از شما می خواهد با همسر خود مجامعت کند، این عمل او نباید با عجله و بدون مقدمه باشد؛ بلکه باید قبل از آن، مزاح و بوسه و... انجام گیرد» چراکه زن ها نیازهایی دارند.»⁽²⁾ و نیز فرموده اند:

هرگاه یکی از شما زنی را ببیند و خوشش آید، باید نزد همسر خود برود [و با او هم بستر شود]؛ چراکه نزد او، مانند همان چیزی است که دیده است؛ پس شیطان را به قلب خود راه ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند و اگر همسر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را زیاد به جای آورد و بر محمد و آل او صلوات بفرستد؛ سپس از فضل الهی درخواست کند که خداوند با مهربانی خود، به او چیزی دهد که بی نیازش کند.⁽³⁾

همچنین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره آداب مجامعت فرموده اند: «هنگامی که با همسر خود مجامعت می کنید، کم سخن بگویید؛ زیرا سخن گفتن در آن حال، موجب گنگی فرزند می شود و به داخل فرج زن نگاه نکنید؛ شاید چیزی ببینید که بدتان بیاید و از سویی، موجب کوری فرزند می شود.»⁽⁴⁾

بر اساس روایتی دیگر، ابی ربیع شامی شبی خدمت امام صادق (علیه السلام)

ص: 210

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج 2، ص 514.

2- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج 2، ص 637.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 287.

4- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج 2، ص 637.

بود که آن حضرت مسئله شرک شیطان و شرک او در نطفه مرد را بیان فرمودند و آن را آن قدر بزرگ شمردند که ابی ربیع ترسید و گفت: «فدای شما شوم! راه نجات از دخالت شیطان [در شکل گیری فرزند] چیست؟» امام (علیه السلام) فرمودند:

چون خواستی با همسرت مجامعت کنی، بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)» (1) اللَّهُمَّ إِنْ قَصَدْتَ [قَصِيَّتَ] تَصَبُّ مَنِّي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً (2)

فَلَا تَجْعَلَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيباً وَلَا شِرْكَاً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ عَبْدًا صَالِحاً [خَالِصاً مُخْلِصاً] مُصَفِّياً [مُصَفِّىً مِنَ الشَّيْطَانِ] وَذُرِّيَّتَهُ (3)

جَلَّ ثَنَاؤُكَ.» (به نام خداوند بخشنده مهربان که خدایی جز او نیست: او که «خالق آسمان ها و زمین است.» خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی تقدیر کرده ای، برای شیطان در او شراکت و نصیب و بهره ای قرار نده و او و ذریه اش را صالح و مخلص و پاک [از آلودگی های شیطان] قرار بده [ای خدایی] که ثنای تو بس عظیم است!) (4)

همچنین امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «نزدیکی نکن، مگر از روی شهوت و میل شدید.» (5)

ص: 211

1- بقره، 117.

2- (2) فی المصدر: خلیفه.

3- (3) فی الحجریه: «ذریه» و ما أثبتناه من المصدر.

4- محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر، ج 2، ص 300.

5- «وَلَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ شَبْتِي» (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 181).

در آموزه های دینی، تأمین نشدن نیازهای جنسی شوهر توسط زن به شدت نکوهش شده است؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به زنان فرموده اند: «نمازهای خود را طول ندهید تا اینکه شوهرانتان را از خودتان باز دارید!»⁽¹⁾ در روایت دیگری نیز آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به یکی از یاران خود به نام عثمان بن مظعون که با پرداختن بیش از حد به عبادت، از ادای حقوق جنسی همسر خود امتناع می ورزید، فرمودند:

خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه با آیین یکتاپرستی سهل و ساده گیر فرستاده است. من، هم روزه می گیرم و هم نماز می خوانم و هم با همسرم آمیزش می کنم؛ پس، هرکه آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، نکاح [و زندگی زناشویی] است.⁽²⁾

در اسلام، افزون بر توصیه به تأمین نیازهای جنسی، برای این حق، زمان هم تعریف شده است که بر آن مبنا، بر مرد واجب شرعی است حداقل هر چهار ماه، یک بار با همسرش رابطه جنسی برقرار کند. صفوان بن یحیی از امام رضا (علیه السلام) پرسید: «مردی به علت مصیبتی که بر او وارد شده است، یک ماه یا یک سال به همسر جوان خود نزدیک نمی شود؛ البته قصد زیان رساندن به همسرش را هم ندارد. آیا این فرد گناهکار است؟» امام (علیه السلام) فرمودند: «چنانچه او را چهار ماه ترک کند، نه؛ ولی پس از آن، گناهکار است؛ مگر با اذن و رضایت زوجه اش باشد.»⁽³⁾

ص: 212

1- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 11، ص 166.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 11، ص 131.

3- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 405.

1. ظاهر زیبا و آراسته

جذابیت های ظاهری همسر از اموری است که هر دو نفر باید به آن توجه کنند و در حد معقولی به آراستگی خود اهمیت دهند و به تنوع در این امور اهتمام ورزند. تنوع در آرایش مو و چهره، آراستگی، پاکیزگی، خوش بویی و زیبایی تن و لباس، از جمله این امور است. (1)

2. حریم خانه؛ جایگاه آراستگی

اشاره

در روایات، همان گونه که تأکید فراوان بر آراستگی شده، به همان اندازه نیز تأکید شده است که استعمال زینت و اظهار زیبایی، فقط باید محدود به فضای خانواده باشد. در واقع، اهتمام بر زیبایی در داخل خانه، زمینه ساز روابط شیرین تر زن و شوهر است؛ در حالی که زیورآرایی های خارج از خانه، زمینه ساز تحریک در محیط اجتماعی است. به همین علت، زینت کردن بیرون از حریم خصوصی خانه، مؤکداً نهی شده است؛ چراکه چنین رفتاری آرامش و امنیت خانوادگی را بر هم می زند. برخلاف نظر عوام که غالباً بر آراستگی زن برای شوهر تأکید دارند، در فرهنگ اسلامی این عمل انتظاری دوسویه است؛ یعنی مرد نیز باید خود را برای همسرش آراسته کند. بر اساس روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زنان بنی اسرائیل به گناه افتادند، زیرا مردانشان به وضع ظاهری خود

ص: 213

بی اعتنا بودند. (1) در این باره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردان توصیه فرموده اند همچنان که دوست دارند همسرانشان خودشان را زینت و آماده کنند، آن ها هم برای بهره مندی از همسرانشان، خود را آرایش و مرتب کنند. (2)

شناخت تفاوت های زن و مرد در انگیزه جنسی

در زمینه انگیزش جنسی، میان زن و مرد تفاوت های زیادی وجود دارد که بعضی از آن ها نوع تعامل خاصی را میان زن و مرد می طلبد. این تفاوت ها عبارت اند از:

* تمنیات جنسی، مردان از پای در می آورد و تمایلات عاطفی، زنان را؛ زیرا مردان بنده شهوت اند و زنان بنده محبت.

* میل جنسی زنان بیشتر به بخش عاطفی مغزشان مرتبط است؛ ولی میل جنسی مردان، کمتر به احساسات عاطفی شان وابسته است.

* تمایلات جنسی در مردان به صورت دائم و در مواقعی با کمی کاهش یا افزایش وجود دارد؛ ولی در زنان این تمایلات از زمان و مکان تأثیر زیادی می پذیرد.

* محرک های جنسی در مردان دیداری و در زنان شنیداری است.

* در امور جنسی، مردان به تأیید قدرت و زنان به تمجید از ظاهرشان نیاز دارند.

از تفاوت های گفته شده، مشخص می شود که کلید ورود به میل جنسی زن، قلب اوست؛ حال آنکه کلید ورود به قلب مرد، شهوت

ص: 214

1- نک: «تَزَيَّنُوا وَ تَنْظَّفُوا فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَكُونُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَرَزْتُ نِسَاءَهُمْ» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 226).

2- حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 14، ص 296.

جنسی اوست. متأسفانه، بیشتر زنان از اهمیت این رابطه در نزد مردان آگاه نیستند و آن را دستِ کم می گیرند و به همین دلیل رفتار آن ها را در این باره سطحی و خودخواهانه تعبیر می کنند؛ درحالی که برای بسیاری از مردان، تحریک جنسی کلیدی برای ابراز عشق است.

تصویر



مرد باید تکیه گاه محکمی برای زن باشد و مردی که اقتدار ندارد، نمی تواند این نقش را به درستی بازی کند. زنان نیز مرد مقتدر را می پسندند؛ هرچند در رفتارهای اولیه ممکن است بخواهند مردشان به طور کامل تابع آن ها باشد؛ بنابراین رفتار مطلوب برای مرد در جایگاه کسی که مدیریت عمومی زندگی را برعهده دارد، اقتدار است. مردی که دمدمی مزاج باشد و نتواند در زمان و مکان مشخص، به طور مستقل تصمیم بگیرد و تدبیر کند، روابط را دچار آسیب می کند. البته اقتدار به معنای رفتار قلدرمآبانه نیست، به معنای استبداد رأی نیست، به معنای برخوردخشونت آمیز نیست؛ بلکه اقتدار بر مبنای نفوذ و محبت و مدارا، همراه با تدبیر و اراده و قاطعیت به دست می آید و نبود هریک از این شش عامل، ممکن است به اقتدار آسیب بزند.

اقتدار بیش از آنکه با زور و تحمیل به دست آید، با نفوذ در قلب ها به دست می آید. شرط نفوذ در قلب ها وجود مهربانی توأم با عقلانیت است؛ به این معنا که مرد بتواند همراه با محبت، رفتارها و تصمیم های حساب شده ای از خود بروز دهد. در این صورت، اگر ابتدا همسرش مخالفتی هم با تصمیم او داشته باشد، بعداً می فهمد که حق با شوهرش بوده است. البته مرد باید مواظب باشد که این موضوع را به رخ همسرش نکشد و بگذارد خود او به این نتیجه برسد؛ هرچند اظهار نکند و به روی خودش نیاورد.

مدیریت زندگی در صورتی موفق خواهد بود که مرد، همسرش را از

عشق و محبت سیراب کند؛ در غیر این صورت، ممکن است زندگی به مدیریت چنگانه و تنش را دچار شود.

نَفَقَه

تأمین مالی همسر و فرزندان یا اصطلاحاً «پرداخت نفقه»، از وظایف اصلی مرد است. نفقه شامل همهٔ نیازمندی‌هایی است که به صورت متعارف برای یک خانواده و در حد شئون زن، به تناسب زمان ضروری است و مرد نمی‌تواند از آن سر باز زند. وظیفه و نقش حفاظت و حمایت مالی از خانواده برعهدهٔ مرد است و جزو نقش‌ها و وظایف زن محسوب نمی‌شود؛ حتی اگر درآمد یا سرمایه زن، از دارایی مرد بیشتر باشد؛ نیز به هر میزان که مرد نفقه همسرش راپردازد، مدیون اوست و باید معادل آن را نقداً به او بپردازد؛ اگرچه چندسال گذشته باشد.

البته مشارکت مالی و کاری زن در تأمین هزینه‌های زندگی، در صورت داشتن وضعیت مالی مناسب، کار خوبی است و در بعضی اوقات اجتناب ناپذیر؛ اما درعین حال کاملاً اختیاری و وابسته به تشخیص و میل و اراده زن است؛ بنابراین در این زمینه، وظیفه‌ای متوجه زن نیست؛ ولی همکاری او در حد توان پسندیده است.

ص: 217

اطاعت زن از شوهر، مطلق نیست؛ بلکه مانند اطاعت از پدر و مادر مقید است. در واقع این اطاعت، فقط به حوزه مشترک زندگی و مسائل زناشویی مربوط می شود و حیطه های اختصاصی و فردی زن، از دایره اطاعت از شوهر خارج است.

این طور هم نیست که بگوییم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ نخیر، چنین چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع. ((الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)) (1) معنایش این نیست که زن بایستی در همه امور تابع شوهر باشد... (2) در روایات داریم: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ» زن گل است. حالا شما ببینید: اگر مردی با یک گلی با خشونت و بی اعتنائی رفتار کند و پاس گل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است! مثل تحمیل کردن، زیاده روی کردن، زیاده خواهی کردن مردها از زن ها: توقعات بیجا و زیادی! «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (3) قهرمان یعنی همین کارپرداز امور زندگی... این زن، کارپرداز شما نیست که همه کارهای زندگی تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما... حتی اگر دانشمند یا سیاست مدار

ص: 218

1- نساء، 34.

2- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 19 فروردین 1371، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 74.

3- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 11، ص 170.

باشد، در بحث معاشرت خانوادگی او گُل است.⁽¹⁾

بنابراین آن چیزی که با عنوان ولایت شوهر مطرح می شود، حیطه محدودی دارد که اولی مربوط به نیاز جنسی است و دومی در خصوص خانه است. اگر شوهر به زن بگوید امروز از خانه خارج نشود یا به فلان مکان نرود، زن موظف است بپذیرد؛ اما مرد نیز که مدیریت خانه و خانواده را برعهده دارد، باید مانند هر مدیری سعی کند از اختیارات مدیریتی خود در حد ضرورت استفاده کند.

اطاعت از والدین و شوهر؛ جلوه اطاعت از خدا

اطاعت از پدر و مادر و افرادی که خداوند اطاعتشان را بر ما واجب کرده است، در ردیف اطاعت از خدا قرار دارد: اطاعت زن از شوهر هم این گونه است و طبق روایت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم): «زن تا حق شوهر را ادا نکند، حق خداوند را ادا نکرده است.»⁽²⁾

برای طی مسیر بندگی، راهی جز اطاعت وجود ندارد؛ به همین دلیل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «وای بر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.»⁽³⁾

ص: 219

1- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) هنگام جاری کردن خطبه عقد، 28 شهریور 1379، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای؛ محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، ص 73.

2- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 215.

3- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 11.

روشن است که روابط دوطرفه زن و شوهر باید به شیرینی بگذرد. این شیرینی از طرفی نیازمند عقل و تدبیر مرد است و از طرف دیگر، نیازمند حوصله و صبوری همسرش: هر تلاشی که یک مرد در میدان های مختلف انجام می دهد، به میزان زیادی مرهون همکاری، همراهی، صبر و سازگاری همسر اوست. همیشه همین طور بوده است. فرموده اند: «وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (1)

«حُسْنُ

التَّبَعْلِ» یعنی چه؟ عده ای خیال می کنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حُسْنُ تَبَعْل فقط این نیست. این جهاد نیست. جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسئولیت های سنگینی دارند، بار آن سنگینی به میزان زیادی روی دوش آن ها می افتد... .

...مردم عادت کرده اند که خیال کنند زحمت چیزی است که انسان با بازو و بدن و جسم خود انجام می دهد. نمی دانند زحمات روحی و عاطفی گاهی سنگین تر است. آقایان خیلی از زحمت های شما را درست ملتفت نیستند؛ اما خدای متعال که «لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ» (2) است و هیچ چیزی از او پوشیده نمی ماند، ناظر کار شماست و شما اجر دارید. (3)

ص: 220

1- حسن بن علی ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 60.

2- تعبیری روایی است که بارها در احادیث به کار رفته است و نشان دهنده علم و آگاهی خداوند از همه چیز و احاطه او بر جمیع امور آشکار و مخفی عالم است.

3- بیانات رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) در دیدار سپاه حفاظت ولیّ امر، 18 مهر 1381؛ امیرحسین بانکی پور فرد، نقش و رسالت زن: 3: زن و خانواده (برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب)، ص 58 و 62.











همواره، در شیرین ترین زندگی ها هم اختلاف وجود داشته است. نمی شود دو انسان زیر یک سقف باهم زندگی کنند و در هیچ موضوعی اختلاف نداشته باشند. مهم این است که بدانیم با اختلاف هایمان چگونه مقابله کنیم! از قدیم گفته اند که اختلاف زن و شوهر، نمک زندگی است؛ اما باید مواظب باشیم زندگی مان خیلی شور نشود. استفاده از مهارت هایی که در این فصل مطرح می شود، کمک می کند اختلاف ها را مدیریت کنیم تا مایه تلخی زندگی نشود.

ازطرف دیگر، یکی از نتایج مهم ازدواج، تربیت زوجین است. اختلافاتی که در زندگی مشترک رخ می دهد، زن و شوهر را با ضعف هایشان آشنا می کند. در این مواقع، هریک از آن ها با همکاری دیگری می تواند حواشی و بدی ها را از نفس خود دور کند و با آوردن دلایل منطقی، همسر را مجاب کرده و باعث رشد فکری و اخلاقی او شود. برای مواجهه با این اختلافات باید مهارت های خود را در این زمینه تقویت کرد و بهتر است این مهارت ها را قبل از تشکیل خانواده تمرین و کسب کرد.

اگر مهارت های زندگی را نداشته باشیم، بسیاری از ما در برقراری ارتباط مؤثر دچار مشکل می شویم و بیشتر ارتباط هایمان به دعوا و گریز یا سازش اجباری ختم می شود. همچنین فشارهای روحی بیش از حد و غیرمنطقی، لطمه های فراوانی به موقعیت های خانوادگی و شغلی ما می زند و باعث می شود عملکردمان بسیار کمتر از توانایی های بالقوه مان ظاهر شود؛ به عنوان نمونه، گاهی در موقعیت هایی قرار گرفته ایم که منجر به بروز عصبانیت در ما شده است؛ اما به سبب آگاه نبودن از روش های کنترل خشم و مدیریت صحیح آن، فشارهای روحی فراوانی را متحمل شده ایم. نمونه دیگر این است که در این صورت، مهارت «نه گفتن» نداریم و برخلاف خواسته های درونی خودمان، درخواست های دیگران را می پذیریم؛ درحالی که از درون احساس نارضایتی می کنیم و بعد هم به شدت پشیمان می شویم.

همه این امور، از داشتن مهارت های لازم برای زندگی ای شیرین ناشی می شود. بعضی از این مهارت ها برای حل اختلاف ها بسیار مؤثرتر است و بعضی دیگر نیز زمینه ای ایجاد می کند که اختلاف کمتری به وجود آید. در اینجا، ابتدا به بیان مهارت های مواجهه با اختلافات و سپس مهارت های پیشگیری از بروز اختلافات خواهیم پرداخت.

وجود تفاوت و بروز اختلاف بین افراد، امری عادی و طبیعی است. وقتی دو جنس مخالف با شخصیت و تربیت خانوادگی و فرهنگ های متفاوت با یکدیگر ازدواج می کنند، اگر باهم اختلاف پیدا نکنند، جای تردید و تعجب است. وقتی اختلاف ها نمایان می شود، با مهارت «حل تعارض یا حل اختلاف» می توان آن ها را کنترل کرد. کسب و تقویت توانایی حل اختلاف نه فقط برای ازدواج، بلکه در سایر ابعاد زندگی نیز ضروری بوده و اصول آن به شرح زیر است:

1. آرامش و ادب را حفظ کنید

هنگام بروز اختلاف، مهم ترین نکته این است که بتوانید آرامش خود را حفظ کنید. این کار، در ابتدا ممکن است سخت باشد؛ اما باید خودتان را کنترل کرده و با لحنی آرام صحبت کنید تا بتوانید آنچه در نظر دارید، منتقل کنید. در همه مراحل، احترام و ادب باید حفظ شود. اگر حیا بین زن و مرد از بین برود، کار بسیار سخت می شود. دادویداد و بی احترامی کردن به یکدیگر، نه فقط باعث تشدید اختلاف می شود، بلکه شخصیت شما را نیز در نگاه دیگران خرد می کند.

بعضی ها فکر می کنند با دادویداد و شاید هم با جیغ و گریه، حرفشان زودتر به کرسی می نشیند یا دیگران از آن ها حساب می برند. روشن است که این کار، فقط سبب تخلیه فوری ناراحتی است و ممکن است طرف مقابل را ساکت کند؛ ولی کمکی به حل اختلاف نمی کند. در این باره، ضرب المثل های جالبی هم وجود دارد؛ از جمله: «اگر فریاد

بزنی، به صدایت گوش می دهند و اگر آرام بگویی، به حرفت گوش می دهند! 'قدرت کلمات را بالا ببر، نه صدایت را!' باران است که باعث رشد گل ها می شود، نه رعدوبرق و سیل!»

2. پشت گوش نیندازید

* در اولین فرصت که آرامش به شا و طرف مقابلتان بازگشت، به حل اختلاف بپردازید. بعضی از اختلاف ها و سوء تفاهم ها با گذر زمان تبدیل به رنجش و کینه می شود.

3. خوب گوش دهید

* هرکدام از شما ابتدا باید شنونده خوبی باشید و دغدغه های طرف مقابل را بشنوید. در گفت وگوهای رگباری، هیچ کدام از طرفین حرف یکدیگر را نمی فهمند و فقط بر دیدگاه و حرف خود تکیه دارند.

4. فقط یک موضوع را حل کنید

* در هنگام بروز اختلاف، روی یک موضوع تمرکز کنید. بیشتر ما وقتی دعوا می کنیم، ناراحتی ها و دلخوری های قبلی را هم در ذهنمان مرور می کنیم و بعضی مواقع از آن ها پتکی برای کوبیدن طرف مقابل می سازیم تا بفهمد چقدر ما را رنجانده است! این کار باعث می شود نتوانیم موضوع را حل کنیم. در این صورت، ممکن است مسائل آن قدر پیچیده شود که اغلب به وضعیت های بدتری منجر می شود.

5. توقعات کمتری داشته باشید

* یاد بگیرید که هرچه توقعات بیشتری داشته باشید، اختلاف های بیشتری را تجربه خواهید کرد. از طرف مقابلتان توقع بیش از حد نداشته باشید؛ مثلاً اگر توقع دارید که طرف مقابل هیچ اشتباهی نکند، به اشتباهات خودتان فکر کنید تا انتظارتان از دیگران تعدیل شود.

6. خواسته هایتان را مطرح کنید

* ضمن اینکه احساسات منفی خود را به زبان می آورید، خواسته ها و انتظار واقعی خود را بیان کنید؛ البته به حرف طرف مقابل نیز گوش داده و خواسته های او را هم بشنوید و به آن ها توجه کنید.

* کلی گویی نکنید. استفاده از تعبیرهایی مثل «تو همیشه...» یا «تو هیچ وقت...» و جملاتی شبیه به این ها، کمکی به حل اختلاف نمی کند. به جای آن بگویید: «ممنون می شوم اگر این گونه رفتار کنی...».

7. جنبه های مثبت را هم ببینید

* اگر با کسی مشکل دارید، سرزنش و تحقیر و متهم کردن او باعث می شود که بخواهد از خودش دفاع کند و به انتقاد شما جواب منفی دهد؛ بنابراین، جنبه های مثبت شخصیت او را نیز هنگام بیان مشکل در نظر بگیرید و آن ها را به طور صریح بیان کنید.

8. مکرر انتقاد نکنید

* انتقادهای مکرر باعث اختلاف می شود. لازم نیست هر اشکالی را که می بینید، به روی طرف مقابل بیاورید؛ چراکه اعتماد به نفس او را از بین می برد.

9. اشکال های خود را بپذیرید

* هنگام بحث، کمتر به فکر دفاع از خود باشید: انتقادپذیر باشید و به جای مقصر جلوه دادن دیگران، سهم خودتان را در بروز اختلاف بپذیرید تا هم بتوانید خود را اصلاح کنید و هم از دعوای تکراری پیشگیری کنید.

10. بحث را ادامه ندهید

* یاد بگیرید که هیچ گاه بحث را کِش ندهید؛ هر چند حق با شما باشد. ادامه دادن بحث، به نفع هیچ یک از طرفین نیست؛ برعکس، گذشت و بخشش شما، می تواند اختلاف را از بین ببرد. این قانون را در تمام مدت زندگی خود جاری کنید که حتی المقدور، اختلاف را تا موقع خوابتان ادامه ندهید و آن را قبل از خوابیدن حل کنید؛ چون «اختلاف شب مانده»، سخت حل می شود.

11. عذرخواهی کنید و عذرخواهی دیگران را بپذیرید

* افرادی که قدرت و اعتماد به نفس کافی دارند، به محض اینکه

به اشتباه خود پی می برند، خاضعانه عذرخواهی کرده و سریع به مسئله پیش آمده پایان می دهند؛ زیرا به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) : «عذرخواهی دلیل خردمندی است.» (1)

عذرخواهی کردن باعث کوچک شدن نمی شود و اتفاقاً نشان می دهد که فقط در پی اثبات خودتان نیستید؛ بلکه وقتی حق روشن شد، آن را می پذیرید؛ هرچند به زیان شما باشد.* شما هم عذرخواهی دیگران را بپذیرید و طرف مقابلتان را شرمسار نکنید. نه شما کامل هستید و نه آن که عذرخواهی می کند؛ پس اگر کسی شما را رنجاند و بعد پشیمان شد، او را سرزنش نکنید. زمانی که نتوانید دیگران را ببخشید، آرامش را از خود سلب کرده اید.

12. اختلاف ها را محرمانه نگه دارید

* اختلاف با همسر را به جای دیگری نبرید؛ به ویژه از انتقال آن به خانه پدری خود یا همسران پرهیز کنید. هیچ گاه اختلافتان را در حضور دیگران مطرح نکنید و از این طریق، دخالت آن ها را در زندگی خود محدود کنید؛ البته باید در صورت نیاز، با مشاوره امین و ترجیحاً غریبه مشورت کنید.

13. واژه طلاق را به کار نبرید

* در اختلاف ها سریع تعبیر طلاق را به کار نبرید و قبح آن را بین خودتان نشکنید و حرمت زندگی مشترکتان را در کلام نگه دارید.

ص: 231

1- «الْمَعْدِرَةُ بُرْهَانُ الْعُقْلِ» علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص 35.

اشاره

* اگر اختلاف زیاد شد و خودتان قادر نبودید آن را حل کنید، باید حکمی از طرف خود و حکمی از طرف همسران برای حل و فصل دعوا انتخاب کنید تا در فضایی خارج از هیجان های شما دو نفر، چاره جویی کنند. حکم فردی است که معتمد شماست و برای تجزیه و تحلیل مسائل خانوادگی، آشنایی و پختگی لازم را دارد و حرفش برای شما پذیرفتنی است. (1)

جایش را پیدا کنید

این مهارت ها اگر در جای خودش استفاده نشود، ممکن است آسیب زا باشد؛ بنابراین در اینجا، بعد از هر مهارت، موضوعاتی را که مناسب آن مهارت نیست، بیان کرده ایم تا بتوانید جای به کارگیری هر مهارت را پیدا کنید. درباره مهارت حل اختلاف خارج از خانواده باید توجه داشته باشید که:

● در بعضی مواقع، عذرخواهی مکرر، دیگران را بدعادت و پرتوقع می کند. برای اینکه چنین اتفاقی نیفتد، از کاری که موجب عذرخواهی زیاد می شود، پرهیز کنید. (2)

تا مجبور نشوید همیشه پیش قدم باشید.

● ممکن است خطای دیگران، به زندگی شما آسیب جدی وارد کند. گاهی لازم است اشتباه یک دوست را بهانه ای قرار دهید تا رابطه ای مخرب را قطع کنید. اینجا لازم نیست نشان دهید که عذرخواهی فرد مقابل را پذیرفته اید؛ ولی از درون، او را ببخشید تا به آرامش برسید.

ص: 232

1- نک: نساء، 35.

2- نک: حسن بن علی ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 248.

● اختلاف با خویشاوندان، نباید در هیچ وضعیتی، به قطع ارتباط با آنان منجر شود؛ چراکه صلۀ رحم واجب است؛ البته صلۀ رحم، به معنای احسان به اقوام است و در رفت و آمد خلاصه نمی شود. در صلۀ رحم محدوده های حلال و حرام باید مراعات شود؛ مثلاً اقوامی که با فرد نامحرم هستند، همچون نامحرم های غریبه محسوب می شوند و در مواجهه با آن ها نباید با این دلیل که از اقوام هستند، به حریم های الهی بی اعتنائی کرد.

رنگ چهره تغییر می کند، اعضای بدن به لرزه می افتد، دندان ها روی هم فشرده می شود، شخص با دشواری حرف می زند و به نفس نفس می افتد، سخنان زشت به زبان می آورد، به این و آن می پرد؛ جیغ می زند؛ تازه حتی ممکن است پنجه بکشد، به خود سیلی بزند و...، بعد هم از همه این کارها پشیمان می شود و می گوید دست خودش نبوده است. اینجاست که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «عصبانیت نوعی دیوانگی است؛ چراکه فرد عصبانی، پشیمان می شود و اگر پشیمان نشد، دیوانگی اش پایدار است.»⁽¹⁾

خشم هیجانی طبیعی است که بودن آن مانند قوای دیگر در زندگی هر انسان لازم است؛ البته باید همیشه تحت مدیریت و کنترل عقل باشد. اگر خشم از کنترل فرد خارج شود، ممکن است مشکلاتی در خانواده و ارتباط های اجتماعی او پدید آورده و حتی به زندگی روزمره آسیب بزند؛ چراکه براساس آموزه های دینی و تعبیر امام صادق (علیه السلام)، خشم کلید هرگونه شر و بدی است.⁽²⁾

در هنگام عصبانیت، هرگز نباید تصمیم بگیرید یا اظهار نظر کنید یا اینکه رفتاری از خود بروز دهید. آگاهی از مهارت های مدیریت خشم موجب می شود که شیوه کنار آمدن با آن را تمرین کنید. این مهارت ها در دو دسته اقدامات فوری هنگام بروز خشم و اقدامات پیشگیرانه، در ادامه بیان خواهد شد.

ص: 234

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت 255.

2- محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 3، ص 740.

اقدامات فوری در مواجهه با خشم

- از موقعیت خارج شوید. قدمی بزنید. هوایی تازه کنید. تنفس عمیق باعث می شود که ضربان قلب کاهش یافته و در نتیجه فشارخون پایین بیاید و باعث کاهش عصبانیت شود.
- وضعیت خودتان را تغییر دهید؛ اگر ایستاده اید بنشینید و اگر نشسته اید، بخوابید یا بایستید.
- از آب برای فروکش کردن آتش خشمستان استفاده کنید. آبی به دست و صورت خود بزنید یا اگر ممکن بود، وضو بگیرید.
- خوب است که موضوع توجهتان را تغییر دهید؛ مثلاً شمارش اعداد به صورت معکوس، بهانه خوبی برای تغییر توجه است.
- مرور ذهنی برخی جمله ها مثل «من ناراحت شدم؛ اما سعی می کنم آرام باشم» یا «دنیا که به آخر نرسیده» یا «با عصبانیت فقط اوضاع بدتر می شود» هم می تواند کمک کننده باشد.
- در هنگام عصبانیت، خودتان را توصیه و نصیحت کنید؛ ولی توصیه و نصیحت کردن به طرف مقابل ممکن است اوضاع را دشوارتر کند.

اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با خشم

- به تدریج زمینه های خشم خود و اطرافیان را شناسایی کنید. سعی کنید بفهمید چه چیزهایی تاکنون عصبانیت شما یا اطرافیان را تشدید کرده است! از این زمینه ها دوری کنید.
- در مواجهه با افرادی که احساس می کنید می خواهند با رفتارشان

شما را ناراحت کنند، از خود حساسیتی نشان ندهید: صحبت های آن ها را نشنیده بگیرید و سعی کنید موضوع را عوض کنید. از طرف مقابلتان درباره خودش سؤالی مطرح کنید یا ترجیحاً موضوعی را که به آن علاقه داشته باشد، پیش بکشید.

● همان طور که در مهارت حل اختلاف گفته شد، بهتر است بحث را طولانی نکنید تا زمینه های بروز خشم در خودتان و در طرف مقابل تحریک نشود.

● آیت الله بهجت (رحمه الله) توصیه می کردند برای کنترل خشم زیاد صلوات بفرستیم. (1)

● امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «خشم را با سکوت درمان کنید.» (2) باتوجه به این جمله، بار دیگر توصیه های قبل را مرور کنید و دقت کنید که وقتی سکوت می کنید، ناخودآگاه چند تا از آن توصیه ها عملی شده است.

● بعضی ها زود از کوره در می روند و جوش می آورند. این موضوع ممکن است زمینه های زیستی داشته باشد. تجربه نشان داده است که اصلاح سبک تغذیه و تعدیل مزاج با مشورت متخصصان، به صورت جدی می تواند زمینه های زیستی خشم را کاهش دهد؛ البته به خاطر داشته باشید که باید عادت های پرخاشگرانه مثل بددهنی و توهین را خودتان اصلاح کنید؛ چون این عادت ها به مرور زمان، در وجود نهادینه و عادی شده است.

ص: 236

1- نک: سیدمهدی ساعی، به سوی محبوب، ص 70، به نقل از: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت؛ پایگاه اطلاع رسانی الغدير، به نقل از: حامد اسلام جو، پرسش های شما و پاسخ های آیت الله العظمی بهجت.

2- علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 250.

اشاره

در صفحات پیشین، مهارت های حل اختلاف و کنترل خشم مطرح شد. در این قسمت، به مهارت هایی می پردازیم که از ایجاد زمینه های بروز اختلافات پیشگیری می کند. محور مهارت های پیشگیرانه، این است که دیگران را درک کنید و خودخواه نباشید. برای درک بهتر همسرتان، نیاز دارید که تفاوت های زن و مرد را بشناسید و مهارت های همدلی و انعطاف و مثبت نگری را کسب کنید.

تفاوت ها را به رسمیت بشناس

برای داشتن زندگی موفق، تفاهم زن و شوهر، اصلی اساسی است. تفاهم یعنی توانایی تحمل تفاوت ها. علاوه بر تفاوت های فرهنگی و شخصیتی که ممکن است بین زن و شوهر وجود داشته باشد، تفاوت جنسیتی را هم باید در نظر داشت. به علت همین تفاوت های جنسیتی است که زن و مرد به مسائل، متفاوت نگاه می کنند. آگاهی از این تفاوت ها و درکشان، می تواند زمینه خیلی از پیش دآوری های غلط و اختلافات بعدی را از بین ببرد. در اینجا به اختصار به بعضی از تفاوت های جنسیتی زن و مرد اشاره می شود:

* معمولاً زنان توجه بیشتری به جزئیات دارند و نگاه مردان کلی تر است؛ ازاین رو معمولاً آن میزان دقتی را که زنان انتظار دارند، از طرف مردها برآورده نمی شود.

* معمولاً زنان هنگام ناراحتی، دلشان می خواهد دیگران از آن ها دلجویی یا به آن ها کمک کنند؛ ولی مردان در موقع ناراحتی، به

تنهایی نیاز دارند.

* تمایل به حرف زدن و برقراری ارتباط اجتماعی برای زنان مهم است. زنان با حرف زدن درباره خود و مشکلاتشان، بسیاری از نگرانی ها و استرس ها و ناراحتی هایشان را تعدیل کرده و آرام می شوند؛ درحالی که مردان کمتر تمایل دارند درباره خود و مشکلاتشان صحبت کنند.

* معمولاً زنان با مسائل، عاطفی تر برخورد می کنند و از مردان هم همین انتظار را دارند؛ درحالی که مردان کمتر از بُعد عاطفی به مسائل نگاه می کنند.

* زنان نفوذ و حمایت را به راحتی می پذیرند؛ درحالی که مردان در مقابل نفوذ و حمایت دیگران، از خود مقاومت نشان می دهند.

* معمولاً زنان تصوّر می کنند که مردان در بسیاری از مسائل، بی دقت و بدون توجه هستند و مردها تصوّر می کنند زنان، حساس و ریزین هستند.

* زنان احساسات خود مانند ترس، ناراحتی، غم، شادی، اضطراب و استرس را با واکنش های هیجانی زیادی ابراز می کنند؛ درحالی که مردان احساسات خود را کمتر بروز می دهند.

مهارت همدلی

اشاره

هر فرد، در زندگی دچار کمبودها و مشکلات و ناراحتی هایی است. در چنین موقعیت هایی، انسان بیش از هرچیز، به همدلی دیگران نیاز دارد. همدلی یعنی طوری با طرف مقابل صحبت کرده یا با او رفتار کنید که احساس کند، شما او را درک می کنید و احساساتش را می فهمید.

ص: 238

برای کسب همدلی، گزینه های زیر را به کار گیرید:

- بیشتر ما بلد نیستیم درست گوش کنیم. گوش کردن با شنیدن متفاوت است. به احساسات و هیجانات طرف مقابل توجه کنید و صحبت هایش را خوب گوش دهید تا بتوانید از دید او به موضوعات نگاه کنید.
- خیلی از افراد، در مواجهه با موضوعات دردناک دیگران، درباره آن ها قضاوت می کنند یا بی درنگ در پی ارائه راه حل، کوچک نشان دادن مشکل، تحلیل منطقی مسئله، سرزنش یا مقایسه هستند. این ها مانع همدلی است؛ چراکه فرد درگیر با مشکل، قبل از هر چیز، نیاز دارد کسی او را درک کند.
- قراردادن خود در جای دیگران و توجه به وضعیت، موقعیت، ویژگی ها و گذشته افراد، به ایجاد فضای همدلی کمک می کند. ● به بهانه اینکه طرف مقابل، متوجه اشتباهش نمی شود، از همدلی و گذشت صرف نظر نکنید. وقتی همدلی کنید، بهتر می توانید او را متوجه اشتباهش کنید.

جایش را پیدا کنید

مهارت های

پیش گفته، اگر در جای خودش استفاده نشود، می تواند آسیب زا باشد؛ بنابراین در این قسمت نیز، بعد از هر مهارت، شروطی را که مناسب به کارگیری آن نیست، بیان کرده ایم تا بتوانید جای استفاده از هر مهارت را پیدا کنید؛ مثلاً درباره مهارت همدلی در خارج از

ص: 239

باید توجه داشته باشید که:

- شما مسئول همه ناراحتی ها و مشکلات دیگران نیستید. اگر ظرفیت شنیدن دردهای طرف مقابل را ندارید، لازم نیست سنگ صبور همه باشید. خیلی محترمانه از فضا فاصله بگیرید. شما می توانید برایشان دعا کرده یا مشاوره معتمد به آن ها معرفی کنید.
- گاهی خوب است قبل از همدلی، قصد و منظور طرف مقابل را حدس بزنید. بعضی ها برای اینکه بتوانند به کسی نزدیک شوند، از عواطف او سوءاستفاده می کنند. سرکیسه کردن کوچک ترین این آسیب هاست.

تأمین نیازهای جنسی

بسیاری

از روان شناسان و مشاوران خانواده، ریشه بیشتر اختلاف های خانوادگی را تأمین نشدن صحیح و کامل نیازهای جنسی در روابط زناشویی می دانند. واقعیت هم این است که در طول عمر بشر، چیزی که توانسته است در کنار فقدان مهارت ها و ضعف های گوناگون انسان ها، ساختار خانواده را حفظ کند، در درجه نخست، سادگی و صداقت و احساس مسئولیت و در درجه بعد، وجود رابطه جنسی آرامش بخش در خانه و در کنار همسر بوده است. حال، اگر این موضوع آسیب ببیند یا در خارج از خانواده تأمین شود، به فروپاشی خانواده منجر خواهد شد؛ بنابراین زن و شوهر هرکدام موظف هستند به بهترین وجه، زمینه تأمین نیاز جنسی خود و همسرشان را فراهم کنند؛ به همین دلیل است که به آراستگی زن و مرد در خانه و ایجاد موقعیت

برای خلوتشان، به شدت تأکید شده است. جالب اینکه از نظر اسلام، این گونه روابط در خانه، موجب رشد و کمال معنوی و بخشش گناهان است و برعکس، امتناع از این امر، مجازات سخت دنیوی و اخروی در پی خواهد داشت.

«روابط

زناشویی» در کنار «صمیمیت و محبتِ توأم با اعتماد زن و شوهر» و «تعهدات اخلاقی و عرفی و قانونی زن و شوهر در قبال یکدیگر» سه عامل مهم در استحکام خانواده شناخته می شوند. وجود تعالی و رابطه معنوی و الهی زن و شوهر نیز عامل مهمی برای تقویت هرکدام از عوامل گفته شده یا جبران ضعف در هریک از آن هاست.

انعطاف پذیری

اشاره

بعضی افراد با وجود اختلاف نظرهایی که با دیگران دارند، می توانند طوری با آن ها کنار بیایند که نه به خودشان سخت بگذرد و نه دیگران از بودن در کنار آن ها ناراحت شوند. این افراد انعطاف پذیر، ضمن اینکه برای خود چارچوب و قوانینی دارند و در حفظ ارزش هایشان محکم هستند، در اِعمال روش ها و سلیقه های شخصی خود سرسختی و تعصب نشان نمی دهند. کسانی که انعطاف و سازگاری مطلوبی دارند، بعد از ازدواج نیز به خوبی با همسر و خانواده او کنار می آیند.

از طرف دیگر،

بعضی افراد آن چنان کاخی شیشه ای از زندگی شان درست می کنند که با بروز کوچک ترین اشتباه، احساس شکست و ویرانی به آن ها دست می دهد. یکی از جنبه های انعطاف پذیری این است که بپذیریم همه ممکن است اشتباه کنیم و بر ای مبنا به

ص: 241

یا دیگران فرصت جبران بدهیم.

اگر

می خواهید زندگی موفق و سازنده ای داشته باشید، باید بتوانید از میزان «من» بودن خود کم کنید. همیشه قرار نیست همه چیز طبق خواسته شما پیش برود. گاهی باید بتوانید از خودگذشتگی کنید و برخلاف میلтан، خواسته های دیگران را انجام دهید؛ البته به این شرط که آن خواسته ها، غیر منطقی و نامتعارف نباشد.

با

ویژگی های نامطلوب فرد مقابلتان کنار بیاوید؛ مثلاً بپذیرید که خواهرتان زودرنج یا پدرتان سخت گیر است. این پذیرش به معنای تأیید آن ویژگی ها نیست؛ ولی انسان های منعطف راحت تر می توانند خود و دیگران و موقعیت های مختلف را بپذیرند و سپس بهترین عملکرد را نشان دهند. چه بسا همین انعطاف شما باعث شود آن ها به تغییر شخصیت منفی خود تمایل پیدا کنند.

جایش را پیدا کنید

● انعطاف پذیری به این معنا نیست که احساس کنید مجبور به برآورده کردن تمام انتظار و خواسته ها دیگران هستید؛ چراکه این احساس اجبار، خود نشانه وابستگی و نیاز به تأیید است.

● انعطاف پذیری و اعتماد شما در جایی که احتمال خطر وجود دارد، آسیب زاست. این وضعیت را از پیش حدس بزنید تا به طور ناگهانی با موضوعات ناخواسته مواجه نشوید. زمانی که نمی دانید همراهی شما به کجا ختم می شود یا وقتی تعبیرهایی مثل «به من اعتماد کن»، «فقط با من همراهی کن»، «من به تو قول می دهم» یا «نترس، اتفاقی

را می شنوید، ممکن است شما را در موقعیتی آسیب زا و جبران ناپذیر قرار دهد. در اینجا باید از مهارت «نه گفتن» استفاده کنید.

● توجه به این نکته نیز ضروری است که ارزش های دینی و اخلاقی، سیلقه شخصی نیستند و کوتاه آمدن از آن ها، به معنای انعطاف پذیری صحیح نیست؛ پس باید از ارزش ها مراقبت کرد.

مثبت نگری

اشاره

زندگی مانند ضربان قلب است: فرازونشیب و پستی و بلندی دارد و اگر آهنگ آن صاف شد، نشانه مرگ انسان است. اگر دره ها یا سختی ها نباشد، قلّه ها معنا نمی دهد. مشکلات و مسائل، بخش جدانشدنی زندگی در دنیاست. از طرف دیگر، فرصت ها و امکانات فراوانی نیز در اختیار ماست. این ما هستیم که تصمیم می گیریم بر فرصت ها و امکانات امیدوارکننده تمرکز کنیم یا اینکه تسلیم عوامل منفی و احساسات یأس آور شویم. رخدادها و مسائلی که منفی به نظر می رسند، فرصت هایی برای قوی تر شدن به ما اعطا می کنند و چه بسا اگر در آن وضعیت قرار نمی گرفتیم، در برابر فشارها قوی و مقاوم نمی شدیم و راه مبارزه برای رسیدن به موفقیت را نمیآموختیم. چالش های زندگی، هم می تواند ما را درهم بشکند و باعث شود به دنیا با عینک بدبینی بنگریم و هم می تواند قدرتی را که هیچ وقت از وجودش آگاه نبوده ایم، از درونمان بیرون بکشد و موجب رشدمان شود. پژوهش های تجربی نشان داده است که تمرکز بر توانایی ها یا همان «مثبت نگری»،

بعضی افراد با ژستِ واقع گرایی، مدام از دوروبرشان گله و شکایت کرده و بدبینی و منفی نگری خودشان را توجیه می کنند. در بسیاری از مواقع، این نگاه منفی، ناشی از تمرکز بر اشتباه ها و شکست های شخصی این افراد است که به بیرون از خود، فرافکنی⁽¹⁾ می کنند.

مثبت اندیشی به معنای ساده اندیشی نیست؛ بلکه فرد مثبت نگر معمولاً به دیگران خوش بین است و همه اشتباهات آن ها را عمدی نمی داند. چنین فردی معتقد است در پس هر مشکلی، خیر و مصلحتی وجود دارد و ناامیدی در کارش نیست. فرد مثبت نگر، بسیاری از آسیب ها و ایرادها را نادیده می گیرد و این از نظر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بخش مهمی از عقل است.⁽²⁾

این ها هنرهایی است که فرد بدبین و منفی باف ندارد.

شما نیز برای تقویت هنر مثبت نگری در خود، از راهکارهای زیر استفاده کنید:

" ذهن انسان، مرتب در حال جوش و خروش است. در واقع این شما هستید که تعیین می کنید ذهنتان به چه چیزی فکر کند و این فکر به خصوص اگر ناراحت کننده باشد، شما را بسیار تحت تأثیر قرار می دهد. با آگاهی از این واقعیت، هرگاه افکار منفی به ذهنتان راه یافت، آن ها را متوقف کرده و افکار مثبت را جانشینش کنید.

" سعی کنید از آدم های منفی باف فاصله بگیرید و با انسان های شاد

ص: 244

1- فرافکنی یعنی امری را به دیگران نسبت دادن.

2- نک: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهِلِ» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 53).

و پُرانرژی بیشتر رفت و آمد کنید. خودتان هم منفی بافی نکنید و این تفکر را انتقال ندهید. دیگران عموماً افرادی که افکار ناامیدکننده را نشر می دهند، نمی پسندند.

• از کلمات امیدوارکننده و مثبت استفاده کنید تا بتوانید به سمت پیشرفت حرکت کنید. تعبیرهای منفی مثل «نمی توانم» یا «من خیلی خوب نیستم»، انگیزه شما را برای حرکت روبه جلو کم رنگ می کند؛ پس افکار و تعبیرهای مثبت تر و موفقیت آمیزتری را انتخاب کنید. خوشبختی و رضایت، اتفاق نیست؛ بلکه انتخابی شخصی است.

• حتی اگر فکر می کنید جنبه های منفی زندگیتان از جنبه های مثبت آن بیشتر است، به داشته های خوبتان بیندیشید: به آنچه الان دارید و حاضر نیستید از دست بدهیدشان، بیندیشید و برای همه آن ها خدای مهربان را شکر کنید.

• باید یاد بگیرید از موضوعات کم اهمیت که ارزششان با گذر زمان کم می شود، بگذرید. به دست آوردن نمره ای کم از یک درس، چقدر فکرتان را آزار می دهد؟ یک سال بعدش هم همان قدر آزارتان می دهد؟ خراب شدن اسباب بازی محبوبتان در بچگی، ارزش آن همه گریه شما را داشت؟ کمی که تأمل کنید، فراوان از این دست مثال ها می یابید و متوجه می شوید خیلی از موضوعات، واقعاً آن قدرها که در حال حاضر فکر می کنید، اهمیت ندارند.

• مثبت نگری به معنای ندیدن مشکلات نیست. کسی که به بهانه مثبت اندیشی، چشمش را بر مشکلات می بندد، در واقع بخشی از واقعیت را انکار کرده است؛ درحالی که برای خروج از محدودیت ها به خلاقیت نیاز است.

• اگر اهدافتان به اندازه ای بزرگ باشند که هر قدر هم با سختی کار کنید، به آن ها دست نیابید، ناامید خواهید شد و در این صورت، مثبت نگری شما را از واقعیت دور می کند. اهداف کوچک تر و واقع بینانه تری انتخاب کنید تا به جای اینکه هر روز احساس شکست داشته باشید، بتوانید موفقیت را تجربه کنید. برای این کار، به تعدیل اهداف و مهارت برنامه ریزی نیاز دارید.

• مثبت فکر کردن به معنای انکار اشتباهات نیست. به موضوعاتی فکر کنید که شما را به وضعیت کنونی کشانده است؛ اما فقط تا زمانی به این موضوعات فکر کنید که برای بهتر شدن اوضاع راه حلی پیدا کنید. اگر از زیر بار اشتباهاتتان شانه خالی کنید، هیچ وقت اصلاح نخواهید شد؛ البته باید مواظب باشید به «خودسرزنشگری بیش از حد» مبتلا نشوید.

• قدیمی ها می گفتند: «قبل از ازدواج، خوب چشم هایت را باز کن؛ اما بعد از ازدواج گاهی چشم هایت را ببند!» این یعنی مثبت نگری در مواجهه با خواستگاران و آشنایی های قبل از ازدواج موضوعیت ندارد.

1. علت‌شناسی

ما بیش از نگاه به رفتارها، باید در پی علت رفتارها باشیم. هر رفتاری، قطعاً علتی دارد که اگر آن را درک کنیم، تصویر بهتری از رفتارها خواهیم داشت و می‌تواند ما را در کنترل وضعیت کمک کند؛ مثلاً وقتی با پرخاشگری همسر خود مواجه می‌شویم، بسیار مهم است که علت اصلی این پرخاشگری را درک کنیم؛ زیرا درک این علت ها تصویر بهتری از واقعیت پیش روی ما قرار داده و نمی‌گذارد که همیشه خود را حق به جانب بدانیم؛ بنابراین، در کنار پرداختن به پدیده‌های نامطلوب زندگی، باید علت‌های آن‌ها را نیز هدف بگیریم و به دنبال اصلاحشان باشیم.

2. رفاقت به جای رقابت

زندگی خانوادگی محل رفاقت است، نه رقابت. در واقع بازی زندگی خانوادگی، بازی برد و باخت نیست: یا برد - برد است یا باخت - باخت. غیرممکن است که در روابط خانوادگی، درحالی که یکی از طرفین احساس باخت می‌کند، دیگری برنده باشد و احساس مثبت داشته باشد؛ چراکه ناخوشی همسر ما باعث ناخوشی ما خواهد شد و این معنای یگانگی در زندگی است. برای همین است که باید باور داشته باشیم پدر همسر، پدر من است و مادر همسر، مادر من و ناراحتی آن‌ها ناراحتی من است و خوشیشان، خوشی من.

ص: 247

رقابت یعنی امتیاز جمع کردن. اگر زندگی به شکلی در آید که یکی از زوجین بگوید: «چون تو این کار را کردی، من هم این کار را می‌کنم»، خطری ایجاد می‌شود که براساس آن، رابطه‌ای که باید مبتنی بر حمایت از هم باشد، به جنگ و بستری برای برتری طلبی منجر می‌شود. صمیمیت و توجه داشتن حقیقی، در لذت دادن و مایه گذاشتن از خود است؛ درحالی که حسابدگری و امتیاز جمع کردن در اغلب اوقات، به نوعی بدبینی تبدیل می‌شود. زن و شوهرهایی که در پی کشف خطاهای یکدیگر هستند یا به هر بهانه‌ای می‌خواهند در برابر هم امتیازی کسب کنند، صحنه زندگی را بستر جرّ و بحث‌های دائمی و بی‌پایان می‌کنند. همسرانی که برای گرفتن امتیاز از هم، خود را درگیر تلاش‌های پردامنه می‌کنند، به زندگی شان آسیب می‌زنند. زن و شوهر نباید بر سرِ فزون طلبی و امتیازخواهی‌های نابجا با یکدیگر نزاع کنند.⁽¹⁾

3. نقش مؤثر مردان در اصلاح روابط

آنچه روابط را اصلاح می‌کند، در درجه اول اقتدار مرد است. مردی که دمدمی مزاج باشد و نتواند در وقت مقتضی، به طور مستقل تصمیم بگیرد و تدبیر کند، روابط را دچار آسیب می‌کند. مرد باید تکیه گاهی محکم برای زن باشد و مردی که اقتدار ندارد، نمی‌تواند این نقش را به درستی ایفا کند. زنان نیز مرد مقتدر را می‌پسندند؛ هرچند در رفتارهای اولیه ممکن است بخواهند مردشان کاملاً تابع آن‌ها باشد.

همان‌طور که در مطلب وظایف اختصاصی مرد در فصل قبل گفته شد،

ص: 248

1- نک: فیلیپ مک گرا، نجات رابطه، ص 89.

اقتدار با قلدری و رفتارهای خشن حاصل نمی شود؛ بلکه با محبت و تدبیر و قاطعیت به دست می آید. مرد باید زندگی خود را به خوبی مدیریت کند و برای اینکه بتواند زمام امور را در دست داشته باشد، باید زن را از عشق و محبت سیراب کند؛ در غیر این صورت، زندگی دچار مدیریت چندگانه و تنش زا خواهد شد.

4. نقش مؤثر زنان در اصلاح روابط

اشاره

نقش مؤثر زن در زندگی، تدبیرهای توأم با عاطفه و مهربانی است. چهار مصداق از عرصه ها و نمودهای این نقش در ادامه آمده است:

شوهرداری

طبیعت مردان نسبت به زنان، در بعضی مسائل، خام تر است و بر این اساس، مرد نیاز به رسیدگی و مراقبت دارد و این، کار زن است. گاهی مردان بهانه گیر شده و گاهی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی خسته می شوند و نتیجه این فشارها و خستگی را به خانه منتقل می کنند که این امر ممکن است باعث اختلاف زن و شوهر شود. در اینجا است که زن مدبّر همان طور که در برابر رفتارهای کودکانۀ فرزندش مدارا به خرج می دهد تا او را خوب تربیت کند و به قولی بچه داری می کند، باید به همین ترتیب نیز شوهرداری کند. به عبارت دیگر، مقولۀ شوهرداری در بعضی مواقع، شبیه بچه داری است و البته سخت تر.

برای تبیین نقش مهم شوهرداری، به آنچه در رینگ بوکس اتفاق می افتد، دقت کنید. در هر مرحله از بازی، دو بازیکن باهم درگیر

می شوند و در زمان استراحت به کنار رینگ می روند. مربی در این مواقع، ضمن انجام اقدامات اولیه، شامل خنک کردن و ماساژ دادن بازیکن، هم زمان تذکرات لازم را هم گوشزد کرده و با دادن روحیه و کمک های فکری، او را با انرژی مضاعف، روانه مرحله دیگری از بازی می کند. در واقع، زن در نقش همان مربی است که مرد میدان را تقویت می کند.

علاوه بر این، بازیگر اصلی در فضای داخل خانه، خود زن است. زن باید تدبیر امور داخلی منزل را به خوبی برعهده بگیرد و با شایستگی آن را مدیریت کند. از آنجاکه خانه مأمن و پناهگاه عاطفی همسران است، اگر زنی در این زمینه، هنرمند و بالیاقت باشد، می تواند توانایی های خود را در کانون باصفای خانه به مرحله ظهور برساند و با هنرنمایی خود، فضای خانه را پر از سرور و شادی کند؛ البته شرط بروز این توانایی ها، داشتن استقلال کافی برای تدبیر در امور منزل از طرف شوهر است. همسر موفق زنی است که با آنچه در زندگی دارد، اهل خانه را به شوق آوزد. او باید از افراط و تفریط و خرج های غیرضروری بکاهد و با ابتکار و خلاقیت، پیوسته، نشاط جدیدی را به خانواده هدیه کند.

خودآرایی

اولین و مؤثرترین ارتباط با همسر، جذب ارتباط چشمی است. بیشتر مردان، بصری هستند و با نگاهی کلی به زن درباره اوقضاوت می کنند. حال اگر زن، این توانایی را داشته باشد که با زینت و آراستگی خود و انتخاب رنگ ها و مدل هایی که زیبایی ظاهری او را دوچندان می کند، شوهرش را به خود متمایل و توجه او را جلب کند، در این ارتباط مؤثرتر

ص: 250

عمل کرده است. در روایتی آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «خدا زیبایی و زینت کردن را دوست دارد و تظاهر به فقر و نداری را نمی پسندد و هنگامی که نعمتی به بنده اش می دهد، دوست دارد اثر نعمتش را بر [زندگی] او ببیند.» سؤال شد: «چگونه این کار را بکند؟» حضرت (علیه السلام) پاسخ دادند: «لباسش را پاکیزه و خودش را خوش بو کند و...» (1)

سفره آرای و مدیریت تغذیه

در مسیر رشد تکنولوژی در دنیای حاضر، یکی از اموری که هنوز اصالت خانواده را حفظ کرده است، پخت غذاهای باارزش و لذیذ است که اهل خانواده را دورهم جمع می کند. علم و هنر مدیریت تغذیه به طور مستقیم و غیر مستقیم، در سلامت اعضای خانواده مؤثر است و این از ویژگی های بانوی خانه دار است که بر اعتبار و ارزش او می افزاید.

خانه آرای

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «هر زنی در خانه شوهر به منظور سامان دادن و اصلاح امور [و برای زیباسازی و چشم نوازی] چیزی را جابه جا کند، خداوند با نظر رحمت به او می نگرد و هرکس در جوار رحمت الهی باشد، از عذاب در امان است.» (2)

ص: 251

1- محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص 275؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 76، ص 300، با اندکی تفاوت در واژه ها؛ ابراهیم امینی، آئین همسراری یا اخلاق خانواده، ص 141.

2- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 411.

اگر تمام روش های حل مسئله را به کار بردیم و مسئله ای حل نشد، چه باید کرد؟ هر مشکل، یا حل شدنی است یا به عنوان مسئله، به مشکلی دائمی تبدیل می شود. در چنین زمان هایی، توصیه آن است که از کنار مسئله گذر کنیم؛ یعنی حل چنین مسئله ای، با عبور کردن از کنار آن ممکن می شود؛ دیگر آنکه باید مسائل و مشکلات خود را درجه بندی کنیم و بسنجیم که هرکدام، واقعاً تا چه حد مهم و حیاتی است؟ مثلاً اگر همسرمان به خانه عموی ما نیاید، تا چه حد خوشبختی ما تهدید می شود؟ اگر تمام روش های حل مسئله را به کار بردیم و متقاعد نشد که به آنجا بیاید، بهتر است با او کنار بیاییم و این مسئله را آن قدر بزرگ نکنیم که سایه اش، بر همه زندگی و خوشبختی ما گسترده شود. همسر ما نیز مانند هر انسان دیگر، ضعف هایی دارد که باید آن ها را بپذیریم. با این شیوه، هم به او و هم به خود، آرامش را هدیه می دهیم.

سازگاری از گل واژه های دل انگیز زندگی محسوب می شود که پیش نیاز آن، صبر است. سازگاری یعنی نشان دادن انعطاف در مقابل ضعف ها و ناهنجاری های کسی که می خواهیم کمترین مشکل را با او داشته باشیم.

بسازید یعنی سازگار باشید و سازگاری وقتی موضوعیت پیدا می کند که شما با نقصی روبه رو هستید. وقتی که توصیه می کنیم در برابر مشکلات و سختی های زندگی و احیاناً ضعف های همسر تاجایی که می توانید، بسازید، یعنی باید بکوشید که خود را با وضعیت موجود سازگار کنید. در چنین موقعیتی، اول باید مثل حکیمی حاذق به دنبال درمان اساسی و رفع نقایص موجود باشید که البته ممکن است خیلی

هم زود نتیجه ندهد؛ ولی از آنجاکه این حکیم حاذق است و می داند که این مداوا ممکن است چند سال طول بکشد، دلسرد نمی شود و دست از تلاش برنمی دارد. گاهی هم شما درمان را انجام می دهید، ولی به نتیجه نمی رسید و متوجه می شوید که ضعفی که در صدد رفع آن هستید، به این راحتی ها برطرف نمی شود؛ آن وقت است که واژه سازگاری معنای واقعی پیدا می کند.

ص: 253

1. قرآن کریم.
2. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، به تحقیق و تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، ج 20، چ 1، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
3. ابن ابی فراس مالکی اشتری، مسعود بن عیسی بن ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج 1، چ 1، قم: مکتبه الفقیه، 1410ق.
4. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ 2، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404ق.
5. امینی، ابراهیم، آئین همسرداری یا اخلاق خانواده، چ 21، تهران: انتشارات اسلامی، 1389.
6. بانکی پور فرد، امیرحسین، نقش و رسالت زن 3: زن و خانواده (برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب)، چ 2، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1397، به نقل از: نسخه الکترونیکی موجود در سایت انتشارات انقلاب اسلامی.
7. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، چ 1، قم: مؤسسه البعثه، 1374ش.

8. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، ج 1، چ 2، قم: دار الکتب الاسلامیه، 1371 ش.

9. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهبیار، چ 2، تهران: انتشارات اسلامی، 1375 ش.

10. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای:

WWW.khamenei.ir

11. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم))، چ 4، تهران: دنیای دانش، 1382 ش.

12. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی، چ 1، قم: دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، 1410 ق.

13. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی، چ 2، قم: دار الکتب الاسلامیه، 1410 ق.

14. جرجانی، علی بن محمد استرآبادی، کتاب التعریفات، چ 4، تهران: ناصر خسرو، 1370 ش.

15. جمعی از نویسندگان، اعلام الهدایه، ج 5، چ 2، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، 1425 ق، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.

16. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج 18، چ 2، قم: اسراء، 1389.

17. حاج علی اکبری، محمد جواد، مطلع عشق (گزیده ای از

ص: 255

رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)، چ20، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1388.

18. حرّ عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج12 و20، چ1، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، 1409ق.
19. حسینی واسطی زبیدی، سیدمحمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، به تحقیق و تصحیح علی هلالی و علی سیری، ج13 و15، چ1، بیروت: دار الفکر، 1414ق.
20. خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، ج6، چ5، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1389، به نقل از: پرتال امام خمینی.
21. خنیفر، حسین و مؤده پورحسینی، مهارت های زندگی، چ13، قم: هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خواهران)، 1391.
22. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج1، چ1، قم: الشریف الرضی، 1412ق.
23. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داودی، چ1، بیروت و دمشق: دار القلم و الدار الشامیه، 1412ق.
24. شعیری، محمدبن محمدبن حیدر، جامع الاخبار، چ1، نجف: مطبعه حیدریه، بی تا.
25. صدری مازندرانی، حسن، هنر همسر داری: اخلاق در دانشگاه

منزل، چ 5، قم: میراث ماندگار، 1386.

26. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، الخصال، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج 1 و 2، چ 1، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1362 ش.

27. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، امالی الصدوق، چ 6، تهران: کتابچی، 1376 ش.

28. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، علل الشرائع، ج 2، چ 1، قم: کتاب فروشی داوری، 1385 ش.

29. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، به تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، ج 2، چ 1، تهران: جهان، 1378 ق.

30. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج 2 و 3 و 4، چ 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ق.

31. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، چ 2، قم: اسماعیلیان، 1393 ق.

32. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چ 4، قم: الشریف الرضی، 1412 ق.

33. طوسی (شیخ الطائفه)، محمدبن حسن، الامالی، چ 1، قم:

ص: 257

دار الثقافة، 1414ق. 34. طیب، سیدعبدالحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 13، چ 2، تهران: اسلام، 1374ش.

35. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمدبن حسین شریف رضی، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، چ 1، قم: هجرت، 1414ق.

36. عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر، به تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی، ج 1 و 2، چ 1، تهران: المطبعه العلمیه، 1380ق.

37. فراهیدی بصری، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 8، چ 2، قم: هجرت، 1409ق.

38. قمی، عباس، نزہہ النواظر فی ترجمہ معدن الجواهر، چ 1، تهران: کتاب فروشی اسلامیہ، 1374ق.

39. کلاتری، علی اکبر، اخلاق زندگی، چ 2، قم: معارف، 1387.

40. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، الاصول من الکافی، ج 2 و 3 و 4 و 9 و 11 و 15، چ 1، قم: دار الحدیث، 1429ق.

41. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، به تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چ 1، قم: دار الحدیث، 1376ش.

42. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، به تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی، ج 8، چ 2، تهران:

ص: 258

43. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (عليه السلام)، ج 46 و 76 و 89 و 100، چ 2، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1403ق.

44. محدثی، جواد، راه زندگی: الفبای سعادت خانواده، چ 3، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1385.

45. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، ج 4، قم: دار الحدیث، 1391، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.

46. مرکز اطلاع رسانی غدیر: «<http://www.ghadeer.org>».

47. مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت: «<https://bahjat.ir>».

48. مصلحتی، حسین، ازدواج و ازدواج درمانی، چ 2، تهران: نشر البرز، 1383.

49. مفید (شیخ مفید)، محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی، الاختصاص، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، چ 1، قم: کنگره شیخ مفید (رحمه الله)، 1413ق.

50. مک گرا، فیلیپ، نجات رابطه، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: ذهن آویز، 1387ش.

51. مک گینس، تام، اولین سال ازدواج: اطلاعات جامع در روابط زناشویی، ترجمه آذر کارآگاه، چ 13، تهران: تلاش، 1385ش.

52. ملکی، حسن و غلام عباس سرشور خراسانی، خانواده موفق 10: با مشکلات همسر چه کنم؟، چ 1، تهران: پیام رسان، 1387.

53. منسوب به امام حسن بن علی (علیه السلام)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (علیه السلام)، چ 1، قم: مدرسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1409ق. 54. نوری طبرسی (محدث نوری)، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 8 و 14 و 15 و 41، چ 1، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، 1408ق.

ص: 260

مسابقه فرهنگی تاروپود عاشقی

توضیحات شرکت در مسابقه

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش های زیر می توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

1. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه های صحیح پرسش ها را به صورت یک عدد چهار رقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی 3000802222 ارسال کنید.

مثال: تاروپود عاشقی 1342 محمد عظیمی

2. مراجعه به بخش مسابقات فرهنگی:

haram.razavi.ir

3. پاسخ به پرسش ها در پاسخ نامه: پاسخ نامه تکمیل شده را می توانید به صندوق های مخصوص مستقر در پایگاه های اطلاع رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی 351 - 91735 ارسال کنید.* هزینه ارسال پاسخ نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: 32002569 - 051

ص: 261

پرسش اول. برای به دست آوردن زمینه و توان مدیریت رابطه با خانواده ها، ضروری است که زن و شوهر به کدام محور اساسی توجه کنند؟

1. لزوم استقلال در زندگی جدید و چگونگی کسب آن

2. شیوه های تعامل با خانواده ها

3. اهمیت پیشگیری از اختلاف و روش های حل نگرانی ها

4. همه گزینه ها

پرسش دوم. اگر شریک زندگی ما با رفتاری بد، رفت و آمد داشت و خودش به بدبودن آنها قائل نبود، در صورت نزدیک شدن به خطری بزرگ و نبودن مجال برای مقدمه چینی های لازم، چه باید کرد؟

1. پرهیز از رفتار تقابلی و سپردن این امر به افراد موّجه

2. تغافل و گذشت و استفاده از حربه محبت

3. اجرای مراحل مواجهه با خطاهای عمده

4. علت شناسی و تلاش مضاعف و پیوسته برای رفع آن

پرسش سوم. مهم ترین کار در صورت یقین به اینکه همسرمان دوستی های پنهان دارد، کدام است؟

1. پرهیز از تجسس

2. مدیریت احساس و رفتار خود

3. مشورت با افراد متخصص

4. تلاش برای حفظ اعتماد

پرسش چهارم. در رابطه میان زن و شوهر، دو سرمایه اصلی برای رسیدن به آرامش چیست؟

1. عشق و محبت

2. نداشتن حرص و طمع

3. مودّت و رحمت

4. تدبیر و قاطعیت

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی تاروپود عاشقی

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				

نظرسنجی کتاب تاروپود عاشقی

ردیف	موضوع	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقادات: -----						

لیه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول

نیازی به الصاق نمبر نیست

فرستنده:

.....

.....

کد پستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرار داد شماره ۳۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند ؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

